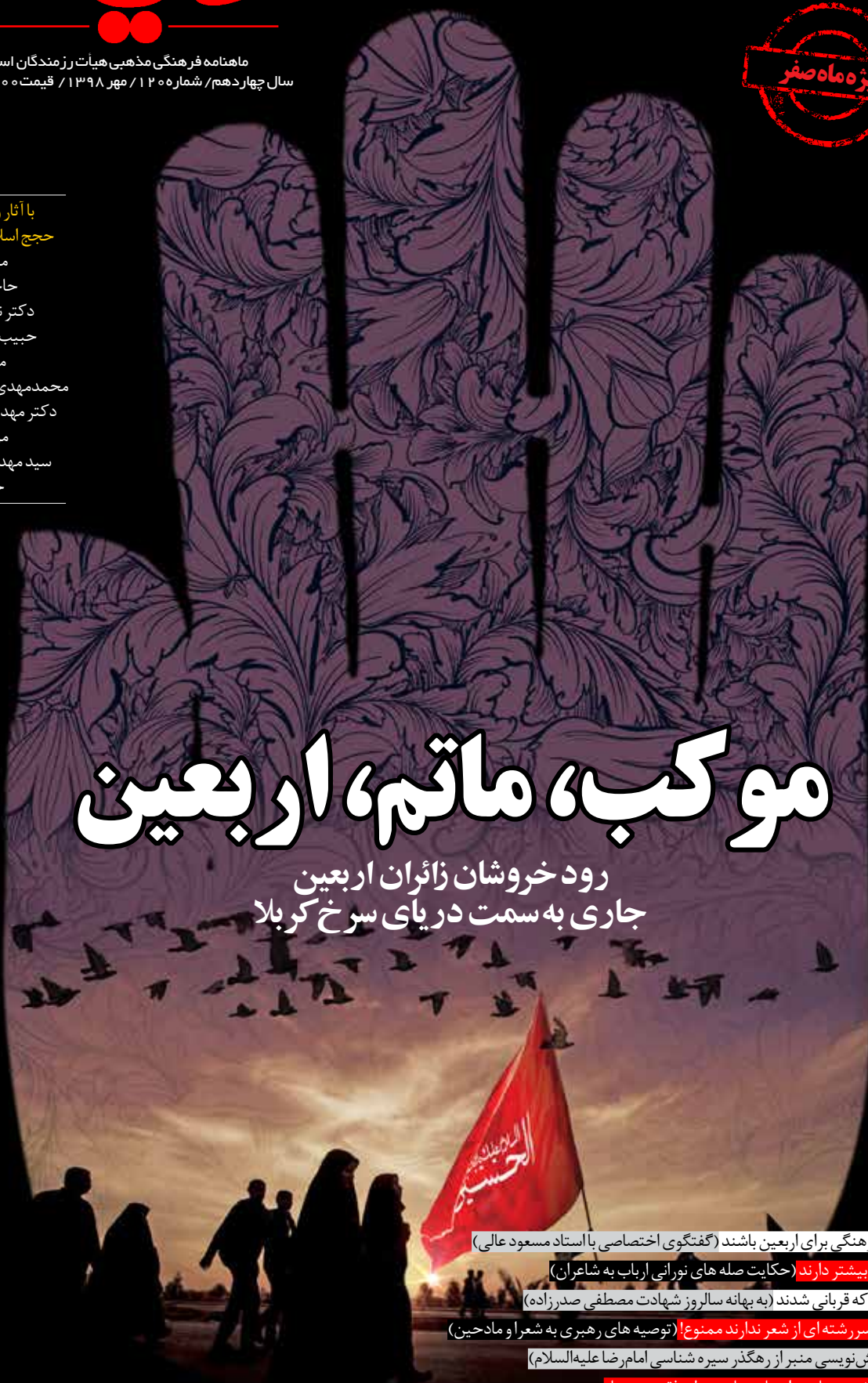




با آثار و گفتاری از
حجج اسلام و آقایان:
مهدی طائب
حاجی صادقی
دکتر ناصر رفیعی
حبیب‌الله فرزاد
مسعود عالی
محمد مهدی ماندگاری
دکتر مهدی فرمانیان
مرتضی وافی
سید مهدی حسینی
جواد غفاری

موکب، ماتم، اربعین

رود خروشان زائران اربعین
جاری به سمت دریای سرخ کربلا



هیأت‌ها باید کاتالیزور فرهنگی برای اربعین باشند (گفتگوی اختصاصی با استاد مسعود عالی)

اینجا هوای تازه واردها را بیشتر دارند (حکایت صله‌های نورانی ارباب به شاعران)

حکایت بچه‌هایانی‌هایی که قربانی شدند (به بهانه سالروز شهادت مصطفی صدرزاده)

سرودن برای کسانی که سر رشته‌ای از شعر ندارند ممنوع! (توصیه‌های رهبری به شعرا و ملاحین)

حکایت‌های منبری (فیش‌نویسی منبر از رهگذر سیره‌شناسی امام‌رضا علیه‌السلام)

اهداف و رسالت‌های تبلیغی روحانیت از زبان نماینده ولی فقیه در سپاه

منبر کاربردی، منبریست که دردی را دوا کند؛ در بیانات دکتر رفیعی

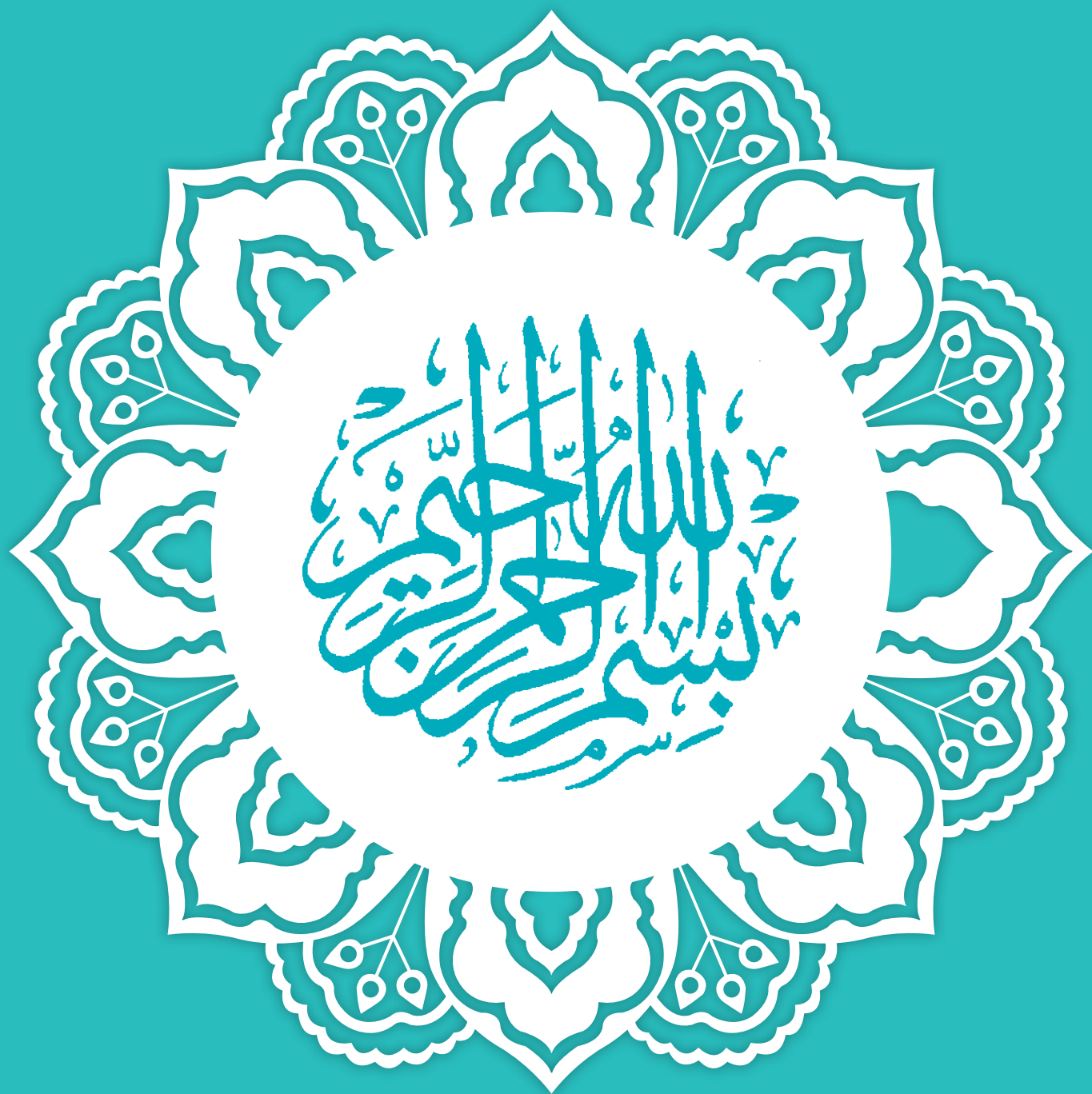
آداب مصیبت‌خوانی در تبلیغ به بیان حجت‌الاسلام مرتضی وافی

يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِ الْمَظْلُومَ



امام خامنه ای حفظه الله:

چهلمین روز پس از شهادت امام حسین علیه السلام، تنها به روزی برای عزاداری بر حسین علیه السلام و یاران غریبش خلاصه نشد، بلکه اربعین طوفانی شد که شهادت و پایمردی را از حنجره‌ی خسته‌ی اسرای کربلا فریاد زد و جرأت دفاع از حق را در مردم به وجود آورد و بار دیگر فضای عاشورا، شهادت و ارزش ایستادگی در برابر ظلم را زنده کرد. اهمیت اربعین در آن است که در این روز، با تدبیر الهی خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله یاد نهضت حسینی برای همیشه جاودانه شد و این کار پایه گذاری گردید. اگر بازماندگان شهدا و صاحبان اصلی، در حوادث گوناگون به حفظ یاد و آثار شهادت کمر نبندند، نسل‌های بعد، از دستاورد شهادت استفاده زیادی نخواهند برد.



سخنانه هبى

جریان شناسی و تحلیل سیاسی بیانات اخیر رهبر معظم انقلاب حفظه الله در مورد ابعاد مختلف مذاکره با آمریکا و دیگر کشورها

۸

تا وقتی که آمریکا آدم نشود ما مذاکره نمی کنیم!

۱۰

علاج مسائل کشور در پافشاری بر شعارهای انقلاب است

اخبار هیأت

عزاداری شش شب آخر محرم و شهادت امام سجاد علیه السلام

۱۲

عاشقان اربعین در میدان امام حسین علیه السلام گرد هم آمدند

۱۳

کیوتران حریم رضوی به عشق سلطان خراسان مجتمع شدند

۱۴

فاطمیه تهران با قدوم امام هادی علیه السلام نورباران شد

۱۴

مراسم جشن میلاد امام رضا علیه السلام برگزار شد

۱۴

دستورالعمل های فرهنگی و اجرایی موکب داری اربعین تبیین شد

۱۴

همزمان با عید غدیر کاروان های جشن ولایت شهر را معطر ساختند

۱۶

مراسم سوگواری امام بی حرم در فاطمیه تهران برگزار شد

۱۷

مراسم تودیع و معارفه مدیر هیأت رزمندگان استان فارس برگزار گردید

۱۷

مراسم عزاداری شهادت حمزه سیدالشهدا علیه السلام و

۱۷

وفات عبدالعظیم حسنی علیه السلام برگزار شد

۱۷

بیست و پنجمین همایش مدیران استان هیأت رزمندگان اسلام سراسر کشور برگزار گردید

۱۸

علم عزای امام سجاد علیه السلام در مسجد جامع حضرت برافراشته شد

۲۰

یک دهه مراسم عزاداری در فاطمیه بزرگ تهران برگزار شد

۲۰

پیروان عترت هیأت رزمندگان اسلام در بیست و پنجمین همایش مدیران خواهر، سایه نشین حرم کریمه اهل بیت سلام الله علیها شدند

۲۰

برگزاری مراسم دعای ندبه در شهرستان نجف آباد

۲۱

مراسم جشن عید غدیر خم در لر دگان

۲۱

مراسم روح بخش دعای کمیل در حرم مطهر حضرت رقیه سلام الله علیها

۲۲

جوانان عاشورایی گامی دیگر تا طلوع برداشتند

۲۲

زائران حرم امام حسین علیه السلام سفره نشین ضیافت دعای کمیل شدند

۲۳

جشن عید ولایت ویژه خاوران در فارس

۲۳

سخنرانان کشوری در آستانه محرم در شهر قم گرد هم آمدند

۲۴

طرح تجلیل از همسنگران شهدا

۲۴

برگزاری هفتمین سوگواره «حلی من العسل» در سراسر کشور

۲۵

برگزاری همایش سه ساله های حسینی در سراسر کشور

۲۶

اعزام تیم امدادرسانی هیأت رزمندگان اسلام به مناطق سیل زده

۲۷

برگزاری همایش سراسری شیرخوارگان حسینی

۲۸

مراسمات ویژه هیأت رزمندگان اسلام استان چهارمحال و بختیاری

۲۹

مراسمات دهه اول محرم هیئت رزمندگان اسلام بافق

۳۰

دوره آموزش مداحی «مجمع الذاکرین» با تدریس حاج سعید حدادیان

۳۱

مرز مهران آماده استقبال از زائران حسینی شد

۳۱

مراسم عزاداری شب هشتم محرم در فاطمیه بزرگ تهران

۳۱



هیأت رزمندگان اسلام ماهانامه فرهنگی - مذهبی ویژه ماه صفر

سال چهاردهم - شماره ۱۲۰ - مهر ۱۳۹۸ - قیمت ۱۵۰۰۰۰ ریال

صاحب امتیاز:

هیأت رزمندگان اسلام

رئیس شورای سیاستگذاری:

حجت الاسلام والمسلمین اسماعیل سعادت نژاد

مدیر مسئول:

محمدصادق آهنگران

جانشین مدیر مسئول:

حجت الاسلام والمسلمین عبدالرحمن سفیدی امین

سر دبیر: حجت الاسلام محمد باقر نادم

جانشین سر دبیر: مرتضی شاهسون

دبیر تحریریه: سید مهدی ذهنی

تحریریه:

سیدمهدی ذهنی، سید رضا حسینی، سید محمد زین العابدین،

سید علی سجادی، سید رضا حسینی، رسول زمانی، مرتضی نادم،

محمدحسن کرامتی، سجاد نورپور، علی اکبر یزدیان، علی اکبر درخشنده،

اکبر ابدالی، مهدی سیفی

مدیر هنری: محمدرضا محمدی تاش

صفحه آرایی: طهور کریمی

ویراستاری: خانم زکریه نورپور

عکس: مرتضی نادم

نشانی:

تهران، میدان فاطمی، نیش خیابان فلسطین و زر تشت، پلاک ۵۵۴، واحد ۵

تلفن و نمابر: ۸۹۷۸۰۳۱۳ - ۸۸۹۶۰۴۳۰

نشانی اینترنتی: www.eheyat.com

سبک زندگی حسینی

- حجت الاسلام مسعود عالی از نقش آفرینی هیأت‌ها در حماسه اربعین سخن می‌گوید
 ۳۲ هیأت‌ها باید کاتالیزور فرهنگی برای اربعین باشند
 ۳۶ صله‌های نورانی حضرت ارباب
 ۳۸ حسین بن علی قربانی انحرافات و ناهنجاری‌های جامعه اسلامی
 تجربیات هیأت داری در گفت‌وگوی نشریه هیأت با حاج جواد غفاری مسؤول هیأت رزمندگان اسلام استان آذربایجان شرقی
 ۴۲ هنوز خیلی راه نرفته داریم...

شعر نامه

- گلچین اشعار و نوحه‌های ماه صفر
 ۶۰ سرودن برای کسانی که سر رشته‌ای از شعر ندارند ممنوع!
 ۶۳ گفت و گو با سید مهدی حسینی رکن آبادی، شاعر آئینی کشور
 شور و شوق شهادت شاعرم کرد

اربعین نامه

- اربعین نقطه آغاز جاذبه مغناطیس حسینی
 ۴۴ حقیقت زیارت اربعین زینب کبری سلام الله علیها
 ۴۶ ماهیت و کارکردهای اجتماع بزرگ اربعین
 ۴۸

صفر نامه

- پاسخ را در گفتگو با دکتر مهدی فرمانیان عضو هیأت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب بخوانید
 ۶۵ کدامیک از یاران پیامبر دین خود را با زندگی اشرافی معامله کردند؟
 ۶۸ چگونه جامعه اسلامی پس از رحلت پیامبر اکرم منحرف شد؟
 از رهگذر سیره‌شناسی حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام
 ۷۰ حکایات منبری
 تاریخ دقیق شهادت آن حضرت چه روزی است؟
 ۷۴ بررسی اسناد تاریخی شهادت امام حسن مجتبی علیه السلام
 در بیان حجت الاسلام حبیب الله فرحزاد
 ۷۶ علت غریبی و مظلومیت امام حسن مجتبی علیه السلام

شهادت نامه

- آنانی که از کوثر هیأت شربت شهادت نوشیدند و تذکره شهادتشان به دست سیدالشهدا علیه السلام امضا شد
 ۵۰ قربانیان هیأت!
 سیری در سیره نورانی سردار اسلام شهید حاج حسن تهرانی مقدم پدر موشکی ایران در آستانه سالگرد شهادت‌اش
 ۵۲ رزمنده‌ای که می‌خواست اسرائیل را نابود کند
 گفتگوی اختصاصی هیأت با حجت الاسلام محمد مهدی ماندگاری
 مدیر مؤسسه روایت سیره شهیدا
 ۵۴ اگر عاشقان امروزی تماشاچی کرپلا می‌بودند همین می‌شد که در قتلگاه حسین شد

نشست سخنرانیان

بیست و دومین نشست
سخنرانیان مرتبط با هیأت
رزمندگان اسلام

- متن سخنرانی حجت الاسلام مهدی طائب پیرامون بیانیه گام دوم انقلاب
 ۷۷ بیانیه‌ای از عالم‌ترین شخصیت جهان اسلام
 متن سخنرانی حجت الاسلام حاجی صادقی نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران
 اهداف و رسالت‌های تبلیغی روحانیت
 متن سخنرانی حجت الاسلام دکتر رفیعی پیرامون منبر کاربردی
 ۸۰ منبر کاربردی باید یک دردی از مردم درمان کند
 متن سخنرانی حجت الاسلام مرتضی وافی پیرامون آداب مرثیه خوانی و ذکر مصیبت
 ۸۲ مصیبت تأثیرگذار چگونه خوانده می‌شود؟

کتاب نامه

- معرفی کتاب پیرامون اربعین و مناسبت‌های ماه صفر
 ۵۶ معرفی تازه‌های نشر معاونت فرهنگی ستاد مرکزی هیأت رزمندگان اسلام
 ۵۸

هیأت



واژهٔ اربعین، به معنای چهل، در ادب اسلامی، جایگاه برجسته‌ای دارد؛ همچنانکه در ادب فارسی هم به این معنا توجه شده است. عدد اربعین (چهل) در قرآن کریم از ویژگی خاصی برخوردار است. مثلاً خداوند متعال وقتی با حضرت موسی علیه‌السلام برای دریافت الواح تورات، وعده مناجات و عبادت می‌گذارد، ابتدا سی شب و سپس با ده شب دیگر آن را کامل می‌کند؛ یعنی حضرت موسی پس از چهل شب مناجات با خداوند، توفیق می‌یابد الواح تورات را از خداوند دریافت کند! و با موسی سی شب وعده گذاشتیم و آن را با ده شب تمام کردیم. پس او مدت زمان مناجات با پروردگار را در چهل شب تمام کرد.^۱

در آیه‌ای دیگر، چهل سالگی، مقطع کمال عقلی و رشد معنوی انسان‌ها معرفی شده است: «و احسان به پدر و مادر را به انسان سفارش کردیم. با ناخوشی (سختی) بر زمینش نهاد و دوران بارداری و از شیر گرفتنش، سی ماه است؛ تا آن هنگام که به بالاترین حد از رشد خود و چهل سالگی رسید، گفت: خداوند! یاریم ده تا نعمت را سپاس گذارم؛ نعمتی که بر من و پدر و مادرم انعام کردی و عمل صالحی که تو از آن خشنودی، انجام دهم و کار را دربارهٔ فرزندانم به سامان کنی؛ یقیناً به سوی تو بازگشتم و من از تسلیم‌شدگانم».^۲

در روایات اسلامی هم عدد اربعین (چهل) منزلت و سر خاصی دارد. به این روایات توجه کنید:

امام صادق علیه‌السلام فرمود: هر کس چهل حدیث از احادیث ما را حفظ کند، خداوند در روز قیامت او را عالمی فقیه برانگیزد.^۳ پیامبر اکرم صلی‌الله علیه‌وآله فرمود: هر کس چهل روز از حلال بخورد، خداوند قلب او را نورانی کند.^۴ همچنین جالب است بدانیم که توبه حضرت آدم پس از چهل روز گریه و زاری به درگاه خداوند پذیرفته شد؛ پیامبر اکرم صلی‌الله علیه‌وآله در چهل

مفهوم اربعین در منابع دینی و تاریخی

هیأت



به جای سر مقاله
به قلم سر دبیر



سالگی به رسالت مبعوث شد. یا کسی که شراب بنوشد تا چهل روز نمازش مقبول نیست. کسی که چهل روز گوشت نخورد، ذهنش کند شود. ... این گونه روایات که شمار آن هم بسیار است، از اهمیت عدد اربعین و اسرار نهفته در آن حکایت می‌کند.

عدد اربعین در فرهنگ فارسی هم مورد توجه بوده است. کلمات مر کبی مانند چهل دختر، چهل چراغ، چهل قلندر، چهل اختران، چهل ستون، ... در شعر و ادب فارسی و نیز فرهنگ عامه مردم، اهمیت عدد چهل در فرهنگ ایرانی را نشان می‌دهد. حافظ می‌فرماید: «سحر گه ره روی در سرزمینی/ همی گفت این معما باقرینی/ که ای صوفی شراب آنگه شود صاف/ که در کوزه بماند اربعینی»

اربعین حسینی در فرهنگ شیعی

شاید یکی از عوامل برجسته شدن و اهمیت یافتن اربعین حسینی در میان دوستان اهل بیت علیهم السلام روایت مشهوری است که از امام عسکری علیه السلام نقل شده است: علامات مؤمن (شیعه) پنج چیز است: «۱. در شبانه روز ۵۱ رکعت نماز (۱۷ رکعت واجب و ۳۴ رکعت نافله) ۲. زیارت اربعین ۳. قرار دادن انگشتری در دست راست ۴. پیشانی بر خاک مالیدن ۵. بلند گفتن بسم الله الرحمن الرحیم در نماز».

در این روایت امام عسکری علیه السلام زیارت اربعین را یکی از نشانه‌های شناخت شیعیان اهل بیت معرفی می‌کند. به راستی سز این امر چیست؟ ما در آموزه‌های شیعه کم عمل یا عقیده‌ای نداریم که بتوان آن را به عنوان علامت شیعه محسوب کرد. چرا در این میان بر زیارت اربعین انگشت نهاده شده است؟

توجه عمیق و جامع به حوادث عاشورا تا اربعین، می‌تواند تا حدی سز این امر را آشکار کند. اربعین، مقطع پایان یافتن اسارت اهل بیت علیهم السلام، کامل شدن رسالت حضرت زینب و امام سجاد علیهما السلام در رسواساختن یزیدیان و رساندن پیام خون سرخ حسین به گمراهان کوفی و شامی است (چه اربعین را آغاز حرکت آن‌ها از شام بدانیم و چه زمان رسیدن‌شان به کربلا). اما از دیگر سوار اربعین، مبدأ حرکت جوشنده و تمام‌ناشدنی تبلیغ و ترویج فرهنگ حسینی هم هست. از اربعین به این سواست که تمام همت و تلاش امامان اهل بیت و شیعیان و دوستانشان صرف زنده نگه داشتن یاد و خاطره امام حسین و ورود در مبارزه‌ای فرهنگی بر علیه نظام ستمکار اموی و پس از آن نظام عباسی و همه نظام‌های ستمگر در طول تاریخ است. پیام اربعین، پیام پیروزی حق بر باطل و خون بر شمشیر و آغاز شکل جدیدی از نبرد فرهنگی با طاغوت‌های زمانه است. حادثه عاشورا و بر زمین ریختن خون‌های پاک امام حسین و یاران قهرمانش، بهترین انرژی و سرمایه برای چنین مبارزه تمام‌ناشدنی و مستمر تا قیام قیامت است.

اجر خواندن زیارت اربعین

خواندن زیارت اربعین، زیارت کردن امام حسین در روز اربعین و پاسداشت چنین روزی در میان شیعیان

اهل بیت - علیهم السلام - یکی از برجسته ترین عوامل تقویت هویت شیعی است. از اربعین است که هویت شیعی جان و قالبی تازه می‌گیرد و با استمداد از نیروی شگرف عاشورا، ظهور پر قدرتی را در عرصه‌های سیاسی و فرهنگی و نظامی از خود نشان می‌دهد. اربعین آموزنده‌ی این تفکر الهی است که اگر چه باطل مانند کفی بر روی آب،^۵ ممکن است کوتاه‌زمانی به جولان و هیجان، افکار عمومی را در دست گیرد و حق طلبان را گرفتار قتل، اسارت و انواع بلاها کند، اما عاقبت نیک و پیروزی از آن حق و حق طلبان خواهد بود.^۶ دستگاه یزید که با تمام توان برای نابودی حرکت عدالت‌خواهانه امام حسین علیه السلام به میدان آمده بود، در اربعین به شکست خود اعتراف کرد و اهل بیت را با احترام به سوی مدینه روانه ساخت. از این مبدأ به بعد شاهد قیام‌ها و حوادثی هستیم که با الهام از قیام امام و یارانش، عرصه را بر حکومت اموی تنگ، و آرام آرام زمینه‌ی نابودی آن را فراهم می‌کند. قیام توابین، قیام مردم مدینه و قیام مختار بن ابی عبید ثقفی در امتداد همین خط پدید می‌آید و بر اندام حکومت جبار اموی لرزه می‌افکند. شیعه با پاسداشت اربعین، پیروزی امام حسین و یارانش را فریاد می‌زند. اگر چه در عاشورا در غم شهادت امام و یارانش می‌گرید و از جنایات‌هایی که بر اهل بیت رفته است، مویه می‌کند، اما در اربعین، نتیجه‌ی شهادت‌طلبی و جان‌بازی امام و اهل بیتش را به نظاره می‌نشیند. اربعین، شایسته تکریم و بزرگداشت است؛ زیرا اربعین، ثمره عاشورا است و آنچه امام حسین در عاشورا آغاز کرد در اربعین به بار می‌نشیند.

پی‌نوشت:

۱- اعراف، ۱۴۲.

۲- احقاف، ۱۵.

۳- محمد بن یعقوب کلینی، الاصول الکافی، ج ۱،

ص ۴۸ و ۴۹.

۴- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۲۶.

۵- رعد، ۱۷.

۶- زخرف، ۳۵.

هیات



تا وقتی که آمریکا آدم نشود ما مذاکره نمی‌کنیم!

به قلم: اکبر ابدالی

جریان شناسی و تحلیل سیاسی بیانات اخیر رهبر معظم انقلاب حفظه الله در مورد ابعاد مختلف مذاکره با آمریکا و دیگر کشورها

رهبر معظم انقلاب مذاکره با آمریکا را ابزاری در دست دشمن می‌داند که باعث نفوذ آنها در حوزه‌های مختلف می‌شود: «مذاکره‌ی آمریکا با جمهوری اسلامی ایران، یعنی نفوذ؛ تعریفی که آنها برای مذاکره کردند این است و آنها می‌خواهند راه را برای تحمیل باز کنند. امروز غول عظیم تبلیغاتی دنیا در مشت آمریکا است؛ امروز جریان صهیونیستی به شدت

دشمن بشریت و دشمن فضیلت، با آمریکا، هر دو در یک لباس‌اند، دست‌شان از یک آستین بیرون می‌آید و با هم هستند. مذاکره‌ی با اینها یعنی راه را باز کردن برای اینکه بتوانند، هم در زمینه‌ی اقتصادی، هم در زمینه‌ی فرهنگی، هم در زمینه‌های سیاسی و امنیتی کشور نفوذ کنند».^۱

اساساً از دیدگاه مقام معظم رهبری «دولت جمهوری اسلامی نمی‌تواند با آمریکا تعامل کند».^۲ دلیل اصلی این مطلب این است که «مذاکره، وسیله‌ای برای رفع دشمنی آمریکا نیست بلکه مذاکره، ابزاری در دست

او برای اعمال دشمنی است».^۳ دو اندیشکده معروف آمریکایی به نام‌های «موقف کارنگی برای صلح بین‌الملل» و «مرکز امنیت آمریکا جدید» در گزارش خود، یکی از راه‌هایی کنترل ایران را انجام مذاکره و رابط دیپلماتیک می‌دانند تا از این طریق منافع آمریکا تأمین شود. در بخشی از این گزارش آمده است: «برای تکمیل اقدامات نظامی و اعمال تحریم‌ها علیه ایران، باید کانال‌های چندگانه گفت‌وگو میان دو طرف همچنان باز باقی بماند... آمریکا باید همچنان تمایل خود به گفت‌وگو با ایران درباره اختلافات را





هیات

از این مسأله، آزمودن مسیر دیپلماتیک است... اما اگر ما بتوانیم به همان روشی که رونالد ریگان با اتحاد جماهیر شوروی مذاکره می‌کرد و در ضمن، آنها را به چالش می‌کشید، درباره برنامه هسته‌ای [ایران] مذاکره کنیم، یک تهدید حساس و موجود در زرادخانه آنها از بین می‌رود و به ما امکان می‌دهد در نهایت بر آنها پیروز شویم».^۷

در بیانیه گام دوم انقلاب هدف اصلی انقلاب اسلامی «ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواح‌نفاذ)» عنوان شده است. طبیعی است که دشمنان ایران اسلامی نمی‌خواهند انقلاب اسلامی به این هدف خود برسد. بنابراین «از بیگانگان، به نفع جمهوری اسلامی که راه نویی را در دنیا به وجود آورده است، نمیشود امید کمک داشت. جمهوری اسلامی حرف جدیدی را در دنیا دارد مطرح می‌کند؛ متمسکین به نظام پوسیده‌ی سرمایه‌داری غربی ممکن

کنترل برنامه هسته‌ای ایران به عنوان یکی از پیشرفتهای علمی کشورمان می‌داند و معتقد است امکان به کار بردن گزینه نظامی علیه برنامه هسته‌ای ایران وجود ندارد در نتیجه این کشور ناگزیر شد از طریق مذاکره پیشرفت علمی ایران را در زمینه هسته‌ای متوقف کند. وی در بخشی از این گفتگو می‌گوید: «اگر من گزینه‌ای [نظامی] داشته باشم، اگر ما می‌توانستیم گزینه‌ای ایجاد کنیم که در آن، ایران تک‌تک پیچ و مهره‌های برنامه هسته‌ای‌اش را برچیند و احتمال داشتن برنامه هسته‌ای را برای همیشه فراموش کند و بدین طریق از توانمندی‌های نظامی‌اش نیز خلاص شویم، این گزینه را در پیش می‌گرفتیم. اما آن گزینه خاص وجود ندارد. از این رو ما ناچاریم با توجه به گزینه‌های موجود تصمیم‌گیری کنیم و بهترین راه را برای اطمینان یافتن از اینکه ایران به سلاح هسته‌ای نمی‌رسد، انتخاب کنیم. بهترین راه برای اطمینان یافتن

حفظ کند... آمریکا هم‌زمان با دنبال کردن سیاست‌های مذکور، باید ابزارهای دیگر برای تعامل با ایران، از جمله کانال‌های دیپلماتیک، تبادل‌های شهروند با شهروند، و تعاملات اقتصادی را نیز گسترش دهد».^۴

رهبر انقلاب شرط پیشرفت انقلاب اسلامی را دوری از شیطان بزرگ و نزدیک نشدن آمریکا به ایران می‌دانند: «شرط پیشرفت این است که آمریکایی‌ها نزدیک نیابند... هر جا آمریکایی‌ها با گذاشتند، یا جنگ شد، یا برادر کشی شد، یا فتنه شد، یا استثمار شد، یا استعمار شد، یا تحقیر شد؛ قدم آمریکایی‌ها قدم نامبارکی است. اگر آن‌ها نزدیک نشوند، خود ما میدانیم چه جوری رفتار کنیم؛ کار خودمان را بلدیم، خدای متعال هم توفیق خواهد داد و ان‌شاءالله پیش خواهیم رفت».^۵

باراک اوباما رئیس‌جمهور پیشین آمریکا در گفت‌ووشنود خود در مرکز سابان مؤسسه بروکینگز ۶ مذاکره را بهترین گزینه برای

علاج مسائل کشور در پافشاری بر شعارهای انقلاب است

متن زیر یادداشتی بر گرفته از بیانات مقام معظم رهبری حفظه الله در دیدار اعضای محترم مجلس خبرگان رهبری در تاریخ چهارم مهرماه سال جاری است. معظم له در این دیدار به چند نکته اساسی از جمله بکارگیری جوانان در کارهای مهم کشور و عدم مذاکره و اعتماد به دولت‌های استکباری دنیا و در رأس آنها آمریکا اشاره فرمودند که در ادامه به تشریح آنها می‌پردازیم.

امریکا با شکل‌های مختلف و با استفاده از رسانه‌های گوناگون و بلدهای کار تبلیغاتی خود، مرتباً القا می‌کند که اگر ملت ایران به حرف ما گوش کنند و زیر بار ما بروند، اوضاع و احوالشان درست می‌شود. مقام معظم رهبری در این باره معتقدند گرچه دشمنان می‌خواهند و اصرار دارند ما باور کنیم که نمیتوانیم، ضعیفیم و مصلحت‌مان در تسلیم شدن است، اما نسبت به این تبلیغات گوش اغلب مردم بدهکار نیست. از نظر ایشان دشمنان اینچنین القا می‌کنند که:

«اخیراً چند تن از مسئولین اروپایی و غربی و مانند اینها چند بار تکرار کرده‌اند که ایران بایستی دست از شعار انقلابی بردارد و یک کشور معمولی مثل بقیه‌ی مردم دنیا [باشد]. این به خاطر همین ترسی است که از شعار انقلابی دارند؛ یعنی از آن راه سومی که جمهوری اسلامی و نظام اسلامی و انقلاب اسلامی دارد ارائه می‌دهد می‌ترسند و روی این تبلیغ می‌کنند که از شعار انقلابی دست بردارید؛ در حالی که اصلاً علاج مسائل کشور پافشاری بر همین مسائل انقلابی و شعارهای انقلابی و راه انقلابی است».

همه حرف‌ها و وعده‌های کشورهای اروپایی پوچ است

به فرموده مقام معظم رهبری حفظه الله، باید به نیروهای داخلی انقلاب اعتماد کرد؛ چرا که کشورهای اروپایی و در رأس آنها امریکا که علم دشمنی در برابر نظام و جمهوری اسلامی را بلند کرده‌اند مطلقاً قابل اعتماد نیستند. البته جمهوری اسلامی ایران راه تعامل، مذاکره، مبادله، تبادل نظر، نشست و برخاست و معامله‌ی با هیچ کشوری در دنیا را بجز رژیم صهیونیستی و آمریکا نبسته و عملاً مشغول تلاش و فعالیت است. همچنین ایشان در مورد وعده‌های کشورهای میانجیگر اروپایی فرمودند: «کشورهای اروپایی صریحاً با جمهوری

ضرورت بکارگیری و تکیه به جوانان

رهبر انقلاب در این دیدار ضمن تأکید نسبت به دخالت دادن و بکارگیری جوانان تبیین کردند که باید جوانان را وارد میدان کرد، ولی مراد از «تکیه به جوانها» بدین معنا نیست که هر کسی که جوان نیست باید از صحنه خارج شود؛ بلکه هر کسی جایی و کاری دارد که باید این نیروی جوان به کمک حرکت‌های انقلابی بیاید. همچنین ایشان معتقدند که غفلت از این نیروی جوان خسارت است و گاهی نسبت به آنها غفلت شده است. باید وجود جوانان را مغتنم شمرد و در جایگاه‌های مدیریتی کشور از آنها استفاده کرد. ایشان در مورد کارآیی جوانان در تحقق آرمان‌ها و پیشرفت برنامه‌ها فرمودند:

«در بعضی از کارهای مهم انسان وقتی که به یک جمع جوان یک اشاره‌ای، یک تذکر کوتاهی می‌دهد، بعد از مدّت نه چندان طولانی‌ای اثرش را مشاهده می‌کند؛ میبییند توصیه تحقق پیدا کرده، عمل شده، پیشرفت کرده‌اند، کار کرده‌اند...».

یکی از چیزهایی که در دوران دفاع مقدس نیز مورد توجه بود، استفاده از ظرفیتهای داخلی و بکارگیری ظرفیت‌های جوان بود که این مهم با توجه به سن فرماندهان ارشد جنگ به وضوح پدیدار است. فرماندهی سپاه وقت یک جوان حدود ۲۵ یا ۲۶ ساله و اکثر فرمانده لشکرها جوانهای بیست و چند ساله و حداکثر سی ساله بودند.

راه نجات از مشکلات کشور، تکیه بر شعارهای انقلاب است

امروز مردم ما باید هوشیار باشند که فهم و ادراک آنها از سوی دشمنان مورد حمله قرار دارد. دشمن سعی می‌کند که ادراک و فهم تصمیم‌سازان، تصمیم‌گیران، احاد مردم و افکار عمومی را از واقعیت منحرف ساخته و منافع و مصلحت ملی آنها را طبق خواست خودش تعریف کند. دشمنان و در رأس آنها

نیست که از این ندای جدید، از این حرف جدید، از این راه جدید استقبال کنند و به آن کمک کنند؛ امکان ندارد. هر چه بتوانند دشمنی می‌کنند و کرده‌اند». لذا اصرار دشمن بر مذاکره برای نزدیک شدن به ایران و وارد کردن ضربه نهایی است.

رهبر انقلاب تنها زمانی مذاکره با آمریکا را مجاز می‌دانند که آمریکا به تعبیر حضرت امام (ره) آدم شود! بنابراین سیاست جمهوری اسلامی در مقابل مذاکره با آمریکا را می‌توان در این چند جمله خلاصه کرد: «ما اگر چنانچه برویم مذاکره کنیم، قطعاً این مذاکره به ضرر ما تمام خواهد شد؛ مذاکره با یک طرف زورگوی این جوری، به ضرر ما تمام خواهد شد. بنابراین، مذاکره‌ی با آمریکا را امام هم ممنوع اعلام کردند به خاطر همین جهت؛ بنده هم ممنوع اعلام کردم. امام فرمودند تا وقتی آمریکا آدم نشود، ما مذاکره نمی‌کنیم. آدم نشود یعنی چه؟ یعنی تا وقتی که از اسرائیل حمایت می‌کند، از نیروهای شرافرین منطقه حمایت می‌کند؛ ما هم همین را می‌گوییم». ۹. رهبر انقلاب در مورد ارتباط با بیگانگان می‌گویند:

«من نمی‌گویم با دنیا قطع رابطه کنید، این اصلاً نظر بنده نیست. از اول انقلاب، بنده جزو آن آدمهایی بودم که اصرار داشتم بر ارتباط -ارتباط با اطراف دنیا- الان هم همان عقیده را دارم، لکن بحث من این است که ما پای قدرتمند و طبیعی خودمان را با عصای بیگانه عوض نکنیم. اینکه به جای اینکه روی پای خودمان بایستیم و به پای خودمان تکیه کنیم، به عصای بیگانه تکیه کنیم، خطا است». ۱۰.

ایشان در جای دیگر موافقت خود را با انجام مذاکره در ارتباطات جهانی را منوط به شرایطی این چنین اعلام می‌کنند:

«البته مذاکره در ارتباطات جهانی عیبی ندارد؛ اشکالی که من نسبت به مذاکرات هسته‌ای داشتم و دارم و مکرر با خود مسئولین در جلسات خصوصی در خلوت و جلوت مطرح کردم، همین است: من می‌گویم اشکالی نداشت ما مذاکره کنیم، مذاکره اشکالی نداشت منتها در این مذاکره بایستی دقت و مراقبت لازم انجام می‌گرفت تا این جور نباشد که طرف مقابل، هر غلطی خواست بکند، نقض برجام محسوب نشود [ان]ا ما اگر یک مختصر تکانی بخوریم، نقض برجام محسوب بشود». ۱۱.

۱. بیانات رهبر انقلاب در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی دریایی سپاه پاسداران ۱۵/۷/۱۳۹۴
۲. بیانات رهبر انقلاب در دیدار مسئولان نظام ۲/۳/۱۳۹۷
۳. بیانات رهبر انقلاب در دیدار افشار مختلف مردم ۱۳۹۷/۵/۲۲
۴. Endowment for International Peace and the Center for a New American Security, 2017, P4.
۵. بیانات رهبر انقلاب در مراسم سی‌امین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۳۹۸/۵/۱۴
۶. یک سازمان غیرانتفاعی آمریکایی است که در زمینه تحلیل مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی فعالیت می‌کند.
7. <https://obamawhitehouse.archives.gov/the-press-office/2013/12/07/remarks-president-conversation-saban-forum>.
۸. بیانات رهبر انقلاب در ابتدای درس خارج فقه ۱۳۹۸/۵/۲۶
۹. بیانات در دیدار افشار مختلف مردم ۱۳۹۷/۵/۲۲
۱۰. بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۶/۵/۳۰
۱۱. همان.



اسلامی دشمنی می کنند؛ انگیزه های آنها در مورد دشمنی با نظام اسلامی، با انگیزه های آمریکا تفاوت اصولی و جوهری ندارد؛ البته وضع آمریکا یک وضع ویژه ای است؛ اینها نه توانشان آن قدر است، نه تسلطشان و امکاناتشان آن قدر است؛ ولیکن تفکر این اروپایی ها همان تفکر است؛ به عنوان میانجی وارد می شوند، مذاکره می کنند، تماس می گیرند، تلفن می کنند، حرف های طولانی می زنند، وعده میدهند که همه ی آنها پوچ است».

از دولت های استکباری باید به کلی قطع امید کرد

همچنین ایشان در مورد رفت و آمد رؤسای جمهور کشورهای اروپایی به ایران برای میانجیگری در مورد معاهدات هسته ای معتقدند که حرکت آنها صادقانه نیست و هیچکدام در عمل این حسن نیت را اثبات نکردند و همگی بر سر تحریم های ثانویه ای که آمریکا ظالمانه اجرا کرد، ماندند و هیچ قدمی بر نداشتند. بنابر این معظم له توصیه می کنند که جمهوری اسلامی باید به کلی از آنها قطع امید کند و سطح اعتماد و تعاملات با این دولت ها را اینچنین تبیین و ترسیم فرمودند:

«ارتباط، تعامل، نشست و برخاست، رفت و آمد ایرادی ندارد؛ قرارداد معامله خواستند ببندند اشکالی ندارد لکن مطلقاً به اینها نمی شود اعتماد کرد؛ [چون] در همه ی تعهدات خودشان اینها نقض عهد کردند. مسئولین کشور و وزرای ذی ربط گفتند که اینها به هیچ کدام از تعهدات موجود در معاهده ی هسته ای عمل نکردند؛ این حرفی است که خود آن کسانی که رفتند مذاکره کردند، امضا کردند، گفتند؛ این دیگر اقوی دلیل بر این است که به اینها مطلقاً در

هیچ مسئله ای نایستی اعتماد کرد و نباید به اینها اعتنا کرد».

آمریکا منفورترین دولت جهان

امروز دولت هایی که در مقابل جمهوری اسلامی قرار گرفته اند و دشمنی می کنند، خودشان اعتراف می کنند که تمدن غرب و کشورهای غربی روبرو افولند و در موضع ضعف قرار گرفته اند. از لحاظ اقتصادی طبق آمار رسیده مبلغ بدهی های بعضی از کشورهای معروف اروپایی مانند انگلیس، فرانسه، آلمان، ایتالیا و غیره معادل با کل تولید ناخالص داخلی شان است و از حیث سیاسی نیز دچار مشکلات جدی هستند، اما با این حال دست از خوی استکباری خود بر نمی دارند و همواره از موضع بالا حرف می زنند. همچنین مقام معظم رهبری بر اساس آمار و یافته ها، آمریکا را منفورترین دولت در سطح جهانی معرفی کردند: «طبق آن اطلاعاتی که از همه جا می رسد، الان منفورترین دولت در دنیا، دولت آمریکا است که دشمن درجه ی یک ما، و دشمن اصلی ما است».

مبارزه ی با فساد اولاً پیشگیری است، بعد درمان است

از دیدگاه رهبر انقلاب برای پیشگیری از فساد در جامعه قبل از هر چیز باید زمینه های فساد را از بین برد و سپس به درمان پرداخت. ایشان همه ی قوای کشور را در این راستا مسئول دانستند و خواستار مشارکت همه قوا شدند: «در این زمینه همه قوا [مسئولند]؛ مخصوص قوه ی قضائیه نیست؛ قوه ی مجریه، قوه ی مقننه، همه ی اینها بایستی در این زمینه احساس مسئولیت کنند».

فساد نتیجه کارهای نسنجیده است

ایشان فساد را نتیجه کارهای نسنجیده و فسادآلود دانستند و فرمودند قضایایی که در اراک، خوزستان و برخی از بخشهای کشور اتفاق افتاد نتیجه همین بی توجهی است. خرابکاری ها، یک بخشهایی از تولید را خراب می کند. البته این روزها شاهد آن بوده ایم که عده ای جوان علاقه مند و پُرانگیزه مشغول فعالیت هستند و در حال رونق تولید هستند و کارها را پیش می برند.

اختلاف سلیقه ها نباید به مخالفت و معارضة بینجامد

به عقیده حضرت امام خامنه ای حفظه الله یکی از کارهای مهم، وحدت مردم و اتحاد نیروهای انقلاب با یکدیگر است. همچنین ایشان اختلاف سلیقه را غیر از مخالفت و معارضة دانستند و فرمودند: «ممکن است اختلاف سلیقه هایی بین زید و عمرو وجود داشته باشد، [اما] این اختلاف سلیقه ها نباید به مخالفت و معارضة و مانع این چیزها بینجامد».

از ناامیدسازی مردم باید پرهیز کرد

به توصیه رهبر معظم انقلاب اسلامی یکی از مهم ترین وظایف همه ی ما پرهیز از ناامیدسازی مردم است و نباید اجازه داد که «ناامیدی» میدان دار بشود. نباید در صحبتها، سخنرانی ها، فضای مجازی و غیره طوری حرف زده بشود که موجب ناامیدی شنونده و مخاطب گردد؛ چراکه اگر امید نباشد هیچ کار بزرگی انجام نخواهد گرفت. ایشان در مورد ضرورت امیدوارسازی مردم و نتایج آن فرمودند: «مردم را باید امیدوار کنیم و این امیدواری، امیدواری کاذب هم نیست [بلکه] واقعیت قضیه همین است؛ یعنی واقعاً باید امید داشت، چون آینده، آینده ی خوبی است، آینده ی روشنی است».

پدیده‌های خبری هیأت

مروری بر برخی از برنامه‌های ستاد مرکزی و
شعب هیأت رزمندگان اسلام در سراسر کشور



عزاداری شش شب آخر محرم و شهادت امام سجاد علیه السلام

عزاداری شش شب آخر محرم و شهادت امام
سجاد علیه السلام هر شب از نماز مغرب
و عشاء با سخنرانی حجت الاسلام سرلک
و حجت الاسلام برادران، با نوای مادحین
اهل بیت علیهم السلام آقایان، حاج محمد
نوروزی، حاج نریمان پناهی، حاج مهدی
سلحشور، حاج سید مهد میرداماد، حاج
مهدی رسولی، حاج امیر عباسی و کربلایی
محمد جواد احمدی در مسجد جامع امام
سجاد علیه السلام برگزار گردید.



هیأت



عاشقان اربعین در میدان امام حسین علیه السلام گرد هم آمدند

اربعین حسینی شرکت می کنند، تنها برای عزاداری امام حسین علیه السلام حاضر نمی شوند، زیرا اگر بنا بود عزاداری صورت گیرد، در روز عاشورا و در محافل و محلات مختلف عزاداری صورت گرفته بود. همچنین این افراد صرفاً برای پاسداشت یاد ابا عبدالله علیه السلام نیز در این مراسم شرکت نمی کنند؛ زیرا برای پاسداشت شاید لازم به حضور ۲۰ میلیون نفر جمعیت نباشد، بنابراین باید تعاریف و ادبیات دقیق تری از حماسه اربعین به جهانیان منتقل کنیم.

دومین اجتماع بزرگ عاشقان اربعین با موضوع «پیاده روی اربعین حسینی» در ایام منتهی به اربعین با سخنرانی حجت الاسلام علیرضا پناهیان، شعرخوانی سید حمیدرضا برقی و مرثیه خوانی مادحین اهل بیت علیه السلام آقایان حاج نریمان پناهی، حاج سعید حدادیان، حاج محمدحسین پویان فر و حاج امیر عباسی در میدان امام حسین علیه السلام اسلام برگزار گردید. حجت الاسلام پناهیان در این مراسم اظهار داشت: «مؤمنانی که از راه دور در پیاده روی



هیات



دستور العمل‌های فرهنگی و اجرایی موکب‌داری اربعین تبیین شد

هشتمین نشست مدیران استان‌ها و مدیران مواکب اربعین حسینی هیأت رزمندگان اسلام مورخ پنجشنبه ۱۷ مرداد ماه سال جاری با حضور اعضای ستاد مرکزی هیأت و مسئولین کمیته‌های قرارگاه مرکزی اربعین برگزار شد.

در این نشست که با استعداد ۲۲۲ موکب برگزار گردیده بود، جمعی از مدیران مواکب اربعین سراسر کشور و همچنین سی تن از مدیران استان‌های هیأت رزمندگان اسلام مخاطب تبیین و توضیح موضوع «که توسط ریاست و مسئولین محترم کمیته‌های مختلف قرارگاه اربعین هیأت قرار گرفتند.

در ابتدای این نشست حاج علی اکبر مداحی مدیر ستاد مرکزی هیأت رزمندگان اسلام و مسئول کمیته مراسمات ستاد مرکزی اربعین به تبیین «عید سعید غدیر خم» و «اهمیت شاد کردن مردم در این عید بزرگ» پرداخت. وی در ادامه مهمترین نتیجه تجارب سابق کمیته اربعین را اینچنین بیان کرد که: «در اربعین میزبان عراقی‌ها هستند، نه ایرانی‌ها و این موضوع نباید فراموش و با کم رنگ شود». مدیر ستاد مرکزی هیأت رزمندگان اسلام همچنین در رابطه با آثار و برکات هیأت‌های اندیشه و رزافروز: «تشکیل یک هیأت اندیشه و رز با برگزاری جلسات در طول سال موجبات هم افزایی و پیشبرد پوش اربعین را فراهم خواهد آورد». مسئول کمیته مراسمات ستاد مرکزی اربعین در ادامه با تاکید بر بعد جهانی پوش اربعین خاطر نشان کرد: کاروان‌های چهل نفره با اولویت جوانان، نوجوانان و همچنین زائر اولی‌ها بزرگترین قدمی است که کلیه شعب هیأت می‌توانند به آن اقدام نمایند.

در ادامه این مراسم سردار علی محمدی مسئول کمیته پشتیبانی قرارگاه اربعین هیأت رزمندگان، سردار نجات ریاست محترم هیأت امنای و رئیس قرارگاه اربعین هیأت رزمندگان، حاج علی اکبر فدایی مسئول کمیته فرهنگی و هیأت اندیشه و رز قرارگاه اربعین هیأت رزمندگان، آقای امیدیان مسئول کمیته نظارت و بازرسی و جناب آقای زبایی نژاد مسئول کمیته رسانه و فضای مجازی قرارگاه اربعین هیأت رزمندگان به بیان نکاتی مهم و قابل توجه پیرامون مراسم اربعین پرداختند. خاطر نشان می‌شود که حجت الاسلام احمد پناهیان مسئول کمیته محتوای اربعین قرارگاه اربعین هیأت رزمندگان اسلام سخنران آخرین قسمت از بخش صبحگاهی نشست حاضر بود که اهمیت تولید محتوای غنی در مواکب اربعین را اینگونه تبیین کرد: «محتوا باید به گونه‌ای باشد که فقط مقام زائر و منزلت زیارت مطرح نشده و احادیث مراقبت نیز برای زوار حضرت سید الشهدا علیه السلام تیز بیان شود».

کبوتران حریم رضوی به عشق سلطان خراسان مجمع شدند

جشن ولادت امام رضا علیه السلام؛ مراسم جشن میلاد باسعادت هشتمین اختر تابناک آسمان ولایت و امامت، حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام ویژه جوانان با سخنرانی حجت الاسلام ابوالقاسمی و نوای دلنشین حاج امیر عباسی روز شنبه ۲۲ تیرماه در فاطمیه بزرگ تهران با حضور خیل عظیم جوانان انقلابی هیأت رزمندگان اسلام برگزار گردید.

فاطمیه تهران با قدوم امام هادی علیه السلام نورباران شد

مراسم جشن میلاد امام هادی دهمین امام شیعیان حضرت امام علی النقی الهادی علیه السلام در شام میلاد آن امام همام، به همت هیأت رزمندگان اسلام روز جمعه ۲۵ مرداد ماه ۱۳۹۸ با اقامه نماز جماعت مغرب و عشاء در فاطمیه بزرگ تهران برگزار شد. در این مراسم حجت الاسلام میثم علی پناه به سخنرانی و حاج محمدرضا طاهری، حاج سید مهدی میرداماد و کربلایی حسین طاهری به مدیحه پرداختند.

مراسم جشن میلاد امام رضا علیه السلام برگزار شد

جشن ولادت با سعادت هشتمین اختر تابناک آسمان ولایت و امامت، حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام با سخنرانی حجت الاسلام محمدرضا عابدینسی و نوای دلنشین مداحان اهل بیت علیه السلام آقایان محمدباقر منصوری، شهروز حبیبی و امیر عباسی روز شنبه ۲۲ تیرماه در مجمع فرهنگی امام رضا علیه السلام برگزار گردید.

هیأت



هیأت



هم‌زمان با عید غدیر کاروان‌های جشن ولایت شهر رامعطر ساختند

در آستانه عید سعید غدیر خم و در راستای تعظیم و تعالی بزرگترین عید شیعیان، کاروان‌های شادی غدیر همانند سال گذشته در دهه امامت و ولایت با شعار «لبیک یا رسول الله» در کلیه استان‌ها و شهرهای ایران با محوریت ستاد مرکزی هیأت رزمندگان اسلام و همکاری بنیاد بین‌المللی غدیر راه‌اندازی و برگزار شد.

این مراسم در استان تهران بدین شکل برگزار گردید که همه کاروان‌ها ساعت ۸ صبح روز دوشنبه ۲۸ مرداد از فاطمیه بزرگ تهران به شهرستان‌های استان تهران و در روز سه‌شنبه ۲۹ مرداد به مناطق ۲۲ گانه شهر تهران اعزام شدند. کیفیت برگزاری این کاروانها بدین شکل بود که برای هر کاروان یک طلبه جهادی به منظور روایتگری، یک مداح نوجوان یا جوان برای مولودی خوانی و دو نفر خادم در نظر گرفته شده بود که هر یک به اجرای برنامه خود پرداختند. همچنین مقداری پذیرایی و هدایای کودک جهت توزیع در مناطق پرجمعیت و پارکها به هر کاروان تحویل گردید.

همچنین طی همایشی که پس از برگزاری مراسم کاروان‌های غدیر و با سخنرانی سردار حاج علی اکبر مداحی در مجتمع فرهنگی هنری نور تهران برگزار شد از طرف ستاد مرکزی هیأت رزمندگان اسلام از زحمات دست‌اندرکاران و خادمان این کاروان‌ها تقدیر و تشکر به عمل آمد. مسئول کاروان‌های شادی غدیر با بیان اینکه تعداد دستگاه‌ها و سازمان‌هایی که در برپایی کاروان‌های شادی غدیر با ما همکاری داشتند، نسبت به سال گذشته افزایش یافته بود ایراد کرد بیش از ۱۰۰۰ هیأت در سراسر کشور تحت پوشش هیأت رزمندگان هستند. مداحی نیز در این مراسم با اشاره به عقد تفاهم‌نامه هیأت رزمندگان اسلام با کانون‌های فرهنگی هنری مساجد در برپایی کاروان‌های شادی غدیر در سطح استان تهران، گفت امسال با همکاری تشکلهای مسجدی و مردمی ۲۲۰ کاروان شادی عید غدیر داشتیم. همچنین کمیته غدیر در زمینه فراهم کردن سخنران، روایتگر، مداحان نوجوان و تامین هدایای کودکان با کاروان‌های شادی غدیر همکاری خوبی داشتند.



هیأت

مراسم سوگواری امام بی حرم در فاطمیه تهران برگزار شد

همزمان با سالروز شهادت رئیس مذهب تشیع، شیخ الانتمه، امام جعفر صادق علیه السلام مراسم سوگواری آن حضرت در روز هشتم تیر ماه با اجتماع شیعیان و ارادتمندان حضرتش در محل فاطمیه بزرگ تهران برگزار گردید. در این مراسم حجت الاسلام حسینی قمی ایراد سخن فرمود و پس از آن عزاداران امام صادق علیه السلام با روضه خوانی و نوحه گری ذاکران اهل بیت علیهم السلام حاج سید مجید بنی فاطمه و حاج امیر عباسی به سینه زنی پرداختند.

مراسم تودیع و معارفه مدیر هیأت رزمندگان استان فارس برگزار گردید

همایش استانی هیأت های استان فارس با هدف تقدیر، تکریم و تودیع آقای لطف الله حقیقی مدیر سابق هیأت رزمندگان اسلام استان فارس و معارفه آقای سعید کوشکی مدیر جدید این هیأت مورخ چهارم شهریور ماه برگزار گردید.

این همایش با حضور علی اکبر مداحی مدیر ستاد مرکزی هیأت رزمندگان اسلام، حبیب زاده معاونت استان های هیأت رزمندگان اسلام، سردار غیاثی فرمانده سپاه استان فارس، مسئولین سازمان تبلیغات استان، مسئولین صدا و سیما مرکز فارس و با حضور فعالان فرهنگی و خانواده معزز شهدای استان فارس انجام شد.

مراسم عزاداری شهادت حمزه سیدالشهدا علیه السلام و وفات عبدالعظیم حسنی علیه السلام برگزار شد

همزمان با سالروز وفات حضرت عبدالعظیم حسنی مراسمی ویژه شهادت حضرت حمزه سیدالشهدا و وفات حضرت سیدالکریم در شب وفات آن بزرگوار مورخ ۲۸ خرداد ماه در مسجد جامع حرم حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام برگزار گردید. در این مراسم که با اجتماع عاشقان و دلدادگان اهل بیت علیهم السلام همراه بود با حجت الاسلام سید حسین مومنی به سخنرانی و حاج سید مهدی میرداماد، حاج حیدر خمسه و کربلایی محمد حسین حدادیان به مداحی روضه خوانی پرداختند.



هیأت

بیست و پنجمین همایش مدیران هیأت رزمندگان اسلام سراسر کشور برگزار گردید



در ادامه سخنان سردار مداحی، حجت الاسلام علیرضا پناهیان به ایراد سخن پرداخت و اظهار داشت: «دشمنان ما تلاش می کنند تا جایی که می توانند درباره اربعین صحبت نکنند که اربعین عظمتش بیش از این افزایش پیدا نکند، ولی اربعین یک اتفاق جمعی و خودجوش است که کسی نمی تواند با آن مقابله کند». در این نشست همچنین حجت الاسلام دکتر رفیعی ضمن ارائه بحث، نسبت به لزوم انقلابی بودن هیئات و رد هیئات سکولار تأکید کرد و در مورد حل مشکلات و سختی هایی که امروز سر راه هیئات است بیان داشت: «هیأت رزمندگان امروز مدیر جهادی می خواهد نه مدیر اجرایی».

همچنین در این نشست که سه روز به طول انجامید سردار نقدی معاون هماهنگ کننده سپاه، حجه الاسلام قمی رییس سازمان تبلیغات کشور، دکتر مقدم فر و در نهایت سردار نجات نیز به بیان نکات قابل توجهی پیرامون مسائلی مختلف در زمینه مدیریت هیأت پرداختند.

بیست و پنجمین همایش مدیران هیأت رزمندگان اسلام در ۲۲ خرداد ماه در مجتمع فرهنگی عمار شهر مقدس قم برگزار گردید. این همایش به طور سالانه و با هدف تبیین برنامه های این مجموعه با حضور مدیران هیئات رزمندگان اسلام در مراکز استان ها برگزار می شود. سال گذشته نیز این همایش با موضوع «جوان گرایی و جذاب حداکثری» و «توجه به محرومین» برگزار شده بود.

در این همایش سردار علی اکبر مداحی مدیر ستاد مرکزی هیأت رزمندگان اسلام بیان کرد: «باید بیش از پیش به حضور جوانان در فعالیت های هیأت رزمندگان اسلام توجه شود. این موضوع جزو اهداف ما در سال گذشته بود اما باید به آن در سال های آینده نیز توجه کامل شود». وی درباره اهداف هیأت رزمندگان اسلام در پیاده روی اربعین بیان کرد: «باید برنامه های اربعین را خیلی زود تدارک ببینیم که بتوانیم مراسمات خوبی را به لطف خدا برگزار کنیم. نباید فقط در ایام اربعین به فکر برنامه ها باشیم».



هیأت

مباحثه و گفت و گو با مدیر هیأت رزمندگان اسلام

علی اکبر مداحی مدیر هیأت رزمندگان اسلام در حاشیه این همایش طی گفتگویی درباره چگونگی فعالیت های این هیأت در سال ۹۸ و اهداف این هیأت، گفت: ما از سال ۷۶ این همایش را برگزار می کنیم. این بیست و پنجمین همایش مدیران در ۲۲ سال گذشته است. همه ساله اهدافی برای هیأت در سال پیش رو تعیین می شود. امسال هم مشابه سال گذشته سه هدف مشترک داریم. اهداف شامل جوان گرایی، محرومیت زدایی و ارائه خدمات فرهنگی در پیاده روی اربعین است. این سه هدف را در نظر داریم و بر مبنای آن سخنرانی هایی را پیش بینی کردیم. مادر حاشیه همایش مدیران هیأت رزمندگان، کارگروه هایی داریم که روی همین اهداف بحث و تبادل نظر کردند. همه اعضا در این چهار کارگروه حضور داشتند. یکی از نکات مهم این همایش با توجه به شعار سال مقام معظم رهبری درباره رونق تولید، کارآفرینی و اشتغال زایی برای جوانان است. ما از مدیران هیأت رزمندگان تمامی استان ها خواستیم، به اشتغال و تولید توجه کنند. این کارآفرینی می تواند با یک گروه محدود ده نفره راه اندازی شود. از دکتر نورالله زاده که مسئول صندوق کارآفرینی هستند، دعوت کردیم که درباره این موضوع صحبت کنند و وام های خوبی که در این زمینه است، به هیأت ها داده شود.





هیأت



باشند، ما زودتر به هدفمان می‌رسیم. هر چه ما خودمان را درگیر میزبانی از زائران اربعین کنیم، کارهای فرهنگی مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرد. پذیرایی، اسکان و کارهای میزبانی را همه بلد هستند. یکی از تاکیدات مهم مقام معظم رهبری این است که عراقی‌ها میزبان ما باشند. ما باید کمک کنیم و در صحنه‌های فرهنگی خلاهای موجود را پوشش دهیم. رویکرد ما در اربعین باید یک رویکرد معنوی و فرهنگی باشد. جوانی که به پیاده روی اربعین می‌آید، باید متحول شود و به کشور برگردد. باید کاری کنیم زائران اربعین جوانان کاروان‌های ایرانی را ببینند و متحول شوند.

کادر سازی کند و جوانان را جایگزین کند، در دراز مدت موفق نخواهد بود. آن هیاتی در سال‌های متمادی موفق است که کادر بهتر و قوی‌تری ساخته باشد. این کادر سازی از جوانان و نوجوانان در بسترهای مناسب شکل می‌گیرد. یکی از بسترهای مناسب اربعین است. یعنی در پیاده روی اربعین و در کاروان‌های حداقل ۴۰ نفره جوان که ما تشکیل آن را به تمامی هیات‌ها تشکیل آن را توصیه کردیم، بهترین بسترهای فرهنگی محیاست. پیاده روی اربعین روی خود سازی، آماده سازی و کادر سازی هیات‌ها تاثیر فراوان دارد. مداحی در پایان اضافه کرد: هر چه اثر گذاری معنوی و اثر گذاری فرهنگی ما در اربعین، بیشتر

مداحی در ادامه به تبیین اشتغال زایی در هیات‌ها پرداخت و اظهار کرد: مشکلی که وجود دارد این است که وقتی ۱۰ جوان دور هم جمع می‌شوند، به دلیل اینکه پشتوانه و یک نفر را به عنوان ریش سفید ندارند، معمولاً در دو یا سه موضوع با هم به مشکل برخورد می‌کنند. مثلاً این کارآفرینی‌ها ابتدا کم سود هستند؛ همچنین ممکن است این جوانان اختلافات کاری با هم پیدا کنند؛ دیگر اینکه ممکن است ابتدا نداشتن پشتوانه باعث شود که این جوانان نتوانند اقساطشان را پرداخت کنند. اگر نهادهای فرهنگی مثل هیات رزمندگان و هیات‌های مذهبی بزرگ، به این موضوع ورود کنند و جوانان را دور هم جمع کنند، اتفاق بزرگی می‌افتد. جوانانی که مایلند در هیات‌ها کارآفرینی کنند، ابتدا باید ایده یک کار توجیه دار و تولیدی ارائه کنند که قابل عرضه در جامعه باشد. این مرحله که گذشت، اگر گروهی ده نفره شاغل شوند، وام اعطا می‌شود. هر چه تعداد افراد بیشتر شوند، متناسب به تعداد نفقات مبلغ وام بالاتر می‌رود. وام‌ها تا سقف پنج میلیارد برای پنجاه نفر است. البته در صورت گسترده‌گی یک کار تولیدی امکان افزایش سقف بودجه وام وجود دارد. بحث اصلی ما این است که یک تشکل مذهبی و دینی بتواند جوان‌ها را با محوریت دین و آسیب کمتر دور هم جمع کند. وی ادامه داد: همه اهدافی که امسال تبیین کردیم، بلند مدت هستند. اگر هیات رزمندگان نتواند

علم عزای امام سجاد علیه السلام در مسجد جامع حضرت برافراشته شد

مجلس عزاداری شب های آخر محرم و مراسم شهادت امام سجاد علیه السلام با سخنرانی حجت الاسلام علی سرلک و حجت الاسلام علی رضا برادران و با نواي مادحین اهل بیت علیه السلام آقایان، حاج محمد نوروزی، حاج نریمان پناهی، حاج مهدی سلحشور، حاج سید مهد میرداماد، حاج مهدی رسولی، حاج امیر عباسی و کربلایی محمدجواد احمدی در مسجد جامع امام سجاد علیه السلام از دوم لغایت هفتم مهر ماه به مدت شش شب برگزار گردید.

یک دهه مراسم عزاداری در فاطمیه بزرگ تهران برگزار شد

مراسم دهه اول محرم ویژه عزاداری حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام در فاطمیه بزرگ تهران با حضور عزاداران حسینی برگزار گردید. در این مراسم که از شب اول محرم تا شب عاشورا هر شب از ساعت ۲۱:۳۰ برگزار می شد حجه الاسلام علیرضا پناهیان با موضوع «وقتی آدم ها خود را پنهان می کنند» به ایراد سخن و حاج امیر عباسی مداح اهل بیت علیهم السلام به نوحه خوانی پرداختند. مهدیه تهران با عزاداری و برگزاری دسته ای عزاداری در شب شام غریبان حسینی به مراسمات خود در دهه اول محرم پایان داد. همچنین خاطر نشان می شود به همت این هیأت همزمان با شهادت سید و سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام و یاران باوفایش در ظهر عاشورای حسینی دستجات عزاداری در حرم مطهر امام خمینی (ره) تجمع کرده و همزمان مداحان اهل بیت عصمت و طهارت علیه السلام آقایان قربانعلی، خلیلی و نوگل حسینی به روضه خوانی و عزاداری پرداختند.

هیأت

پیروان عترت هیأت رزمندگان اسلام در بیست و پنجمین همایش مدیران خواهر، سایه نشین حرم کریمه اهل بیت سلام الله علیها شدند

در موضوعات سبک زندگی» به ایراد سخن پرداختند. محورهای مطرح شده در کارگروه های بیست و پنجمین همایش سراسری خواهران هیأت رزمندگان اسلام به ترتیب عبارت بودند از: ۱- کارگروه رسالت هیأت های خواهران در گام دوم انقلاب؛ ۲- کارگروه راه های تعمیق و گسترش معنویت و اخلاق در هیأت های خواهران؛ ۳- کارگروه جایگاه هیأت های مذهبی بانوان در عبور از امتحانات اجتماعی؛ ۴- کارگروه جوانگرایی و راه های جذب نوجوانان و جوانان به هیأت. در پایان این مراسم از ۱۰ نفر از فعالین برتر استان ها و شهرستان ها تقدیر و تشکر بعمل آمد. همچنین خاطر نشان می شود در حاشیه این همایش، نمایشگاه کتاب با موضوعات «مذهبی، انقلابی و سبک زندگی» نیز برگزار شده بود؛ که با استقبال خوب شرکت کنندگان روبرو شد.

بیست و پنجمین همایش سراسری بانوان هیأت رزمندگان اسلام در راستای توانمندسازی بانوان «پیروان عترت» از تاریخ ۲۲ لغایت ۲۴ خرداد ماه به مدت سه روز در شهر مقدس قم برگزار گردید. در این همایش به ترتیب سرکار خانم ساکت جهت خیرمقدم مراسم افتتاحیه، خانم زیبایی نژاد با موضوع «طره های عملیاتی جذب جوانان و نوجوانان به هیأت»، خانم اکبری با موضوع «طره های عملیاتی بحث عفاف و حجاب»، حجت الاسلام عباسی ولده با موضوع «نقش مادران در انتقال ارزشهای دینی به فرزندان و آسیب های رسانه»، دکتر هاشمی گلپایگانی با موضوع «اجرای طرح بینش مطهر»، آقای مقدم فر با موضوع «تحلیل مسایل سیاسی»، سردار نجات با موضوع «سیاست های سال ۹۸» و دکتر غلامی با موضوع «تبیین ابعاد مختلف بیانیه گام دوم مقام معظم رهبری





برگزاری مراسم دعای ندبه در شهرستان نجف آباد

بَعْدَ السَّبِيلِ»
... پس گشته شد آنکه کشته شد، و اسیر گشت آنکه اسیر گشت، و تبعید شد آنکه تبعید شد، و قضا بر آنان جاری شد به آنچه که بر آن امید پاداش نیک می رود، زیرا زمین از خداست، آن را به هر که از بندگانش بخواهد به ارث می دهد، و سرانجام از آن پرهیزگاران است و منزّه است پروردگار ما که به یقین وعده پروردگارمان انجام شدنی است، و خدا هرگز از وعده خویش تخلف نمی کند و او نیرومند حکیم است، پس بر پاکیزگان از اهل بیت محمد و علی درود خدا بر ایشان و خاندانشان (، باید گریه کنندگان بگریند، وزاری کنندگان بر ایشان زاری کنند، و برای مانند آنان باید اشکها روان شود، و فریاد کنندگان فریاد زنند، و شیون کنندگان شیون کنند، و خروشنندگان بخروشنند، حسن کجاست؟ حسین کجاست؟ فرزندان حسین کجایند؟ شایسته ای پس از شایسته دیگر راستگویی پس از راستگویی دیگر، راه از پس راه کجاست؟

مراسم پرفیض دعای ندبه با حضور خیل عاشقان امام زمان علیه السلام و با سخنرانی حجت الاسلام و المسلمین محمد مهدی ماندگاری و نوای دلنشین سیدرضا نریمانی در شهرستان نجف آباد به همت هیأت رزمندگان اسلام روز جمعه پنجم مهر ماه سال جاری در جوار گلزار شهدا برگزار گردید. فرازی از دعای پرفیض ندبه:

«فَقْتِلْ مَنْ قَتَلَ وَ سَبِّهِ مَنْ سَبَّيْ وَأَقْصِي مَنْ أَقْصَى وَ جَزِ الْقَضَاءِ لَهُمْ بِمَا يَرْجَى لَهُ حَسَنَ الْمَثُوبَةِ إِذْ كَانَتْ الْأَرْضُ لِلَّهِ يَوْمَئِذٍهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ وَ سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا وَ لَنْ يَخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ فَعَلَى الْأَطْنَابِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَ عَلَى صَلَی اللّٰهُ عَلَيْهِمَا وَ آلهِمَا فَلْيَبْكَا الْبَاكُونَ وَ إِيَّاهُمْ فَلْيَبْكُ الْبَادُونَ وَ لِمَثْلِهِمْ فَلْيَتَذَرَفِ الدَّمُوعُ وَ لِيُصْرَخِ الصَّارِخُونَ وَ يَضْجُ الْبَضْجُ الصَّاحُونَ وَ يَعْجُ الْعِجْجُ الْعَاجُونَ أَيْنَ الْحَسَنِ أَيْنَ الْحُسَيْنِ أَيْنَ أَبْنَاءِ الْخُسَيْنِ صَلَاحِ بَعْدَ صَلَاحٍ وَ صَادِقٍ بَعْدَ صَادِقٍ أَيْنَ السَّبِيلِ



مراسم جشن عید غدیر خم در لردگان

ی نوجوانی مثل زمین خالی و مساعد است هر چی در این دوره کشت کنی همان را برداشت می کنی، دوره نوجوانی زودگذر است آن را دریابید. در دوره نوجوانی، شیطان بیشتر رو به نوجوانان و جوانان می آورد تا آنها را از همین دوره تحت سلطه خودش دهد، لذا بهترین پناهگاه برای نوجوان و جوانان قرآن و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام می باشد ارتباط با قرآن و اهل بیت عامل هدایت و دوری از کلام حق عامل گمراهی است.»
اقامه نماز مغرب و عشاء، تلاوت کلام وحی، مسابقه، نمایش طنز، اهدا ۵ کمک هزینه سفر به مشهد مقدس به قید قرعه و پذیرایی از دیگر برنامه های این مراسم جشن باشکوه بود.

جشن عید غدیر خم در حسینیه ثارالله شهر مال خلیفه لردگان برگزار شد. در این مراسم باشکوه حجت الاسلام یآوری با تبریک و تهنیت این ایام خجسته گفت: «حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند روز غدیر روزی است که خداوند متعال دو برابر کسانی که در ماه رمضان و شب های قدر و عید فطر از آتش جهنم آزاد می کند را در این روز از جهنم رها می سازد.» وی ادامه داد: «از اعمال روز عید غدیر انفاق کردن است، حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند انفاق یک درهم در این روز برابر است با هزار درهم در سایر ایام است.»
سخنران مراسم همچنین گفت: «حضرت امام علی علیه السلام دوره نوجوانی و جوانی را دوره حساس شمرده اند، دوره





جوانان عاشورایی گامی دیگر تا طلوع برداشتند

پنجمین همایش جوانان عاشورایی سراسر کشور با شعار «جهاد همه جانبه گامی تا طلوع»، همراه با معرفی محمدمهدی لطفی نیاسر، شهید راه نابودی اسرائیل به عنوان شهید شاخص سال ۹۸ برگزار گردید. خاطر نشان می شود محل برگزاری این مراسم از ۲۳ الی ۲۵ مرداد ماه در مجتمع فرهنگی آموزشی یاوران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شهر قم بود. در این همایش دو روزه ۲۰۰ نفر از مدیران هیأت‌های مذهبی جوانان عاشورایی با آخرین برنامه‌ها، اولویت‌ها و اهداف خود در سال جاری، راهکارهای تبیین بیانیه گام دوم انقلاب و چگونگی استفاده از فضای مجازی در نشر فرهنگ اهل بیت علیه السلام آشنا شدند. در ابتدای این همایش حجت الاسلام احمد پناهیان مدیر هیأت‌های نوجوانان و جوانان هیئات رزمندگان کشور از شرایط و قیام شیعیان قم در زمان امام رضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام گفت و ضمن تاکید بر اینکه شهر قم از زمان اهل بیت علیه السلام شهر قیام، جهاد و مبارزه شیعیان بوده، گفت دین ما با جهاد و روحیه انقلابی عجین است. در ادامه این همایش حجه السلام رستمی مسئول نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه‌ها بعنوان سخنران مراسم افتتاحیه به ایراد سخن پرداخت و گفت: «مخاطبین اصلی در مسائل تربیتی هیأت‌ها، نوجوانان و جوانان هستند و امام صادق علیه السلام به باران و شاگردانشان توصیه می کردند برای دعوت به دین سراغ جوانان بروید، چون آنها (آسرع الی کل خیر) هستند». ایشان همچنین با اشاره به بیانیه گام دوم انقلاب گفت: «رهبر انقلاب این بیانیه را خطاب به جوانان نوشته اند. این بیانیه چکیده شصت سال مبارزه ایشان در مسیر اسلام و انقلاب است».

در ادامه این همایش کلاسهای تخصصی برگزار شد و در پایان نیز آقای دکتر ابراهیمی در زمینه «فضای مجازی و سواد رسانه» صحبت کرد و ضمن بیان حساسیت بسیار زیاد فضای مجازی به توضیح برخی از ترندهای دشمنان در ایجاد موج رسانه ای و زمینه‌های تخریب نظام و انقلاب در این فضا پرداخت.



مراسم روح بخش دعای کمیل در حرم مطهر حضرت رقیه سلام الله علیها

مراسم روح بخش دعای پر فیض کمیل به همراه بخش زنده از شبکه قرآن پنجشنبه شب مورخ یازدهم مهر ماه سال جاری مصادف با شام شهادت در دانه سه ساله کربلا، حضرت رقیه خاتون سلام الله علیها از نماز مغرب و عشاء با سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین بی آزار تهرانی و نوای دلنشین حاج مرتضی طاهری در سوریه، در جوار بارگاه مطهر حضرت رقیه سلام الله علیها برگزار گردید.

مراسم ملکوتی دعای ندبه نیز به همراه بخش زنده از شبکه اول سیما صبح جمعه دوازدهم مهر ماه با سخنرانی حجت الاسلام بی آزار تهرانی و با نوای دلنشین حاج مهدی سروری در حرم مطهر حضرت رقیه سلام الله علیها برگزار شد.

هیأت





زائران حرم امام حسین علیه السلام سفره نشین ضیافت دعای کمیل شدند



مراسم دعای پرفیض کمیل در تاریخ ۱۷ مرداد ماه سال جاری همزمان با شام شهادت پنجمین پیشوای شیعیان حضرت امام محمدباقر علیه السلام به همت ستاد مرکزی هیأت رزمندگان اسلام با ادعیه خوانی و نوحه سرایی کربلایی سید رضائیمانی در بین الحرمین کربلای معلی در جمع باشکوه زائران و دلدادگان حرم حسینی برگزار گردید.

روز مقدس نزد شیعیان اهل بیت عصمت و طهارت علیه السلام نیست. همچنین ایشان افزود: در واقعه غدیر خم، نبی گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در آخرین حج خود و در اجتماع بزرگ مسلمانان جهان که با انجام اعمال حج در حال بازگشت به منازل خود بودند، به فرمان خداوند سبحان حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام را به مردم به عنوان جانشین خود معرفی کردند و هزاران حاجی در این ایام با امیر ولایت حضرت علی علیه السلام بیعت کردند. تلاوت آیات نورانی قرآن مجید، مولودی خوانی، اجرای مسابقه فرهنگی، توزیع شیرینی و نذری از دیگر برنامه‌های این مراسم باشکوه بود.

همزمان با دهه ولایت و امامت و عید سعید غدیر خم مراسم جشن با حضور دختران جوان و نوجوان برگزار شد. به گزارش پایگاه اطلاع رسانی هیأت رزمندگان اسلام استان چهارمحال و بختیاری؛ در این مراسم که به همت معاونت پیروان عترت هیأت رزمندگان اسلام شهرستان فارسان برگزار شد، حجت الاسلام آقا بابایی با تیریک اعیاد دهه امامت و ولایت و عید سعید غدیر خم گفت: عید غدیر خم، عید الله اکبر و عید آل محمد صلی الله علیه و آله و ارزشمندترین و والاترین عید اسلامی است. وی ادامه داد: هیچ روزی در طول سال فرخنده تر و مبارک تر از این

جشن عید ولایت ویژه خواهران در فارسان





سخنرانان کشوری در آستانه محرم در شهر قم گرد هم آمدند

بیست و دومین نشست سخنرانان مرتبط با هیأت رزمندگان اسلام در جوار حرم کریمه اهل بیت برگزار شد. به گفته حجت الاسلام مجتبی سفیدی دبیر این نشست، یک از بهترین و غنی ترین نشست های ستاد مرکزی، نشست روز پنجشنبه، ۱۰ مرداد ماه سال جاری بود که از نظر علمی و ارائه مطالب مفید و کاربردی از سطح خوبی برخوردار بود. در این مراسم حجج اسلام دکتر رفیعی، حاجی صادقی، طائب، ماندگاری و تویسرکانی به ارائه مطالب و سؤوهای سخن خود در حوزه محرم پرداختند. همچنین در خلال نشست حجج الاسلام تویسرکانی، صباغیان، پناهی مقدم و احمد پناهیان مختصراً دیدگاه ها و نظرات خود پیرامون موضوعات اصلی نشست را مطرح کردند.

خاطر نشان می شود که سخنران سیاسی این نشست، سردار علی فدوی،

جانشین محترم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بودند که به تحلیل مسائل و اخبار سیاسی روز پرداختند.

مهمترین موضوعات مطرح شده در بیست و دومین نشست سخنرانان مرتبط با هیأت رزمندگان اسلام عبارت بودند از: ۱- بیانیه گام دوم انقلاب؛ ۲- اصول و مبانی قرآنی مقاومت؛ ۳- عرصه های مقاومت؛ ۴- سنت ابتلاء و آزمایش؛ ۵- شسیوه های نصرت الهی؛ ۶- اقتصاد مقاومتی در مدل های مقاومت.

هیأت



طرح تجلیل از همسنگران شهدا

و بی هیچ ادعایی برای حفظ کشور و نظام مقدس جمهوری اسلامی به جبهه ها رفتند، گفت: «نسل جدید ما نمی دانند که در دوران جنگ چه اقدامات بزرگ و حماسه ها از سوی رزمندگان انجام گرفته است».

وی همچنین با اشاره به جنگ های متعددی که در ایران اتفاق افتاده و منجر به از دست دادن بخش هایی از خاک این سرزمین شده است، افزود: جنگ ایران و عراق، تنها جنگی بود که یک وجب از خاک کشور به دست دشمن نیفتاد و این به برکت مقاومت رزمندگان و خون پاک شهیدان است.

سپس رزمندگان بر کف قائمی با تاکید بر اینکه شهیدان زنده و شاهد بر ما هستند، گفت: «باید فرهنگ شهادت و ایثار به نسل جدید منتقل شود تا بدانند چه مجاهدت هایی از سوی شهیدان صورت گرفته و اگر آنها نبودند امروز این امنیت و آرامش در جامعه و زندگی ما حاکم نبود». در پایان نیز مسئول هیأت رزمندگان اسلام طی سخنان کوتاهی رزمندگان جان بر کف را ذخیره ارزشی برای نسل جوان دانسته و از آنان خواستند که پیام رسان همزمان شهید خود باشند و خاطرات و ایثارگری و شجاعت و شهادت آنها را به آیندگان منتقل نمایند. در پایان هدایائی از طرح مدیریت شرکت به نامبرداران اهداء گردید.

به مناسبت ایام هفته دفاع مقدس تجلیل از همسنگران شهدا به ابتکار هیأت رزمندگان اسلام صورت گرفت. در پنجمین روز از هفته دفاع مقدس دیدار و سرکشی از دور رزمندگان دفاع مقدس توسط جمعی از پیشکسوتان در معیت مدیر عامل شرکت سنگ آهن مرکزی باقی به عمل آمد. طی این مراسم با رزمندگان ایثارگر دکتر رنجبر دیدار کردند. وی که مدت ۲۳ ماه در جبهه های حق علیه باطل حضور یافته است، به بیان خاطرات خود برای حضور در جبهه و جنگ پرداخت.

مدیریت شرکت در این دیدار هدف از اجرای این برنامه را دیدار با رزمندگان ایثارگر دوران دفاع مقدس که کمتر شناخته شده اند عنوان کرد و اظهار داشت: «این طرح به همت هیأت رزمندگان اسلام بوده که تقارن برگزاری آن با هفته دفاع مقدس فرصتی ارزشمند است تا از رزمندگان ایثارگر به عنوان ذخیره های این کشور یاد شود و از رشادت های آنان تقدیر نماییم و امیدواریم با تجدید خاطرات پر افتخار این رزمندگان، گامی موثر در جهت شناسایی و انتقال فرهنگ ایثار و شهادت به نسل جدید برداریم».

در ادامه دیدار با رزمندگان ایثارگر محمد قائمی انجام گرفت. مدیر عامل شرکت سنگ آهن با بیان اینکه رزمندگان در دوران دفاع مقدس با گذشتن از جان خود



برگزاری هفتمین سوگواره «احلی من العسل» در سراسر کشور

اداره آموزش و پرورش و سپاه در کوهرنگ و شهرکیان نیز برگزار شد. تلاوت آیات نورانی قرآن مجید، سخنرانی مداحی و نوحه خوانی وسینه زنی از دیگر برنامه های این همایش بود.

دانش آموزان مسلمان با تبعیت از حضرت قاسم ابن الحسن علیه السلام و حضرت عبدالله ابن الحسن علیه السلام به یاد جانفشانی های شهدای نوجوان و تجلیل از مقام شهدای دانش آموز، همزمان در روز شنبه ۱۶ شهریور ماه سال جاری مصادف با هفتم محرم الحرام ۱۴۴۱ از ساعت ۹:۳۰ صبح در میعادگاه های سراسر کشور ندای «لبیک یا حسین» سردادند.

۳. بافق یزد

مراسم احلی من العسل در بافق نیز با حضور نوجوانان دانش آموز و جمعی از مسئولین برگزار شد. در این مراسم مهدی قنبری مداح نوجوان هیئت نوجوانان عاشورائی رزمندگان اسلام به مدیحه سرائی پرداخت و در پایان دانش آموزان با شعارهای «لبیک یا حسین، لبیک یا ابوالفضل، لبیک یا قاسم ابن الحسن و لبیک یا فاطمه الزهرا» جنایت استکبار جهانی امریکا، اسرائیل، آل سعود، داعش و تکفیریه را محکوم نمودند. قابل ذکر است این مراسم به همت هیئت رزمندگان نوجوانان عاشورائی و با همکاری بسیج دانش آموزی و اداره آموزش و پرورش برگزار گردید.

۱. حرم مطهر امام خمینی رحمت الله علیه

سوگواره «احلی من العسل» در تهران در حرم مطهر حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام و حرم مطهر حضرت امام خمینی رحمت الله علیه با حضور دانش آموزان عزیز برگزار گردید.

۲. کوهرنگ و شهرکیان

همایش احلی من العسل به همت هیأت رزمندگان اسلام و با حضور دانش آموزان و جمعی از مسئولین،



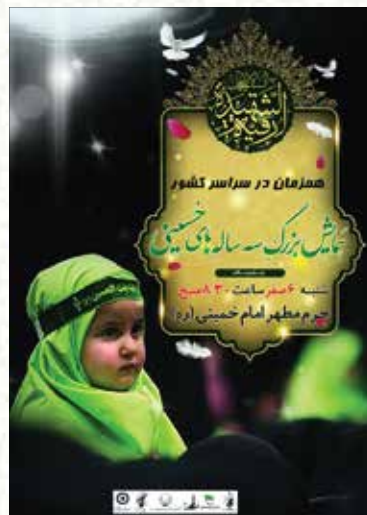


برگزاری همایش سه ساله های حسینی در سراسر کشور

همایش سه ساله های حسینی که همه ساله در سراسر کشور همزمان با سالروز شهادت در دانه حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام حضرت رقیه سلام الله علیها برگزار می گردد، امسال نیز در دوازدهم مهر ماه سال جاری با حضور هزاران مادر و کودک در حرم مطهر بنیانگذار انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی رحمت الله علیه و بطور همزمان در اقصی نقاط کشور از جمله شهرهای کلاله، رضوانشهر، مهدیشهر، کردکوی، ارومیه، لردگان و... با حضور رسانه های ملی و بین المللی برگزار شد.

۱. حرم مطهر امام خمینی رحمت الله علیه
این همایش در حرم مطهر امام خمینی رحمت الله علیه با قرائت قاری نوجوان کشورمان آقای محمدرضا حاتمی آغاز شد، در ادامه مداحی نوگل حسینی و مرثیه سرایی او در مدحیه حضرت رقیه خاتون سلام الله علیها زینت بخش این مراسم بود. در پایان این بخش از همایش سه ساله های حسینی، نوگل رضوانه باغبانی دختر شهید مدافع حرم هادی باغبانی به در و دل های دخترانه با پدر شهیدش در قالب شعر پرداخت.

در بخش دوم این همایش حجت الاسلام والمسلمین محمدحسن راستگو به نقل داستان های آموزنده در رابطه با حیات حضرت رقیه سلام الله علیها و جایگاه ایشان در واقعه کربلا پرداختند و با اشاره به اهمیت تربیت بچه ها از جایگاه کودکان و فرزندان حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام حتی در معرکه کربلا سخنانی را در خطاب مربیان و مادران ایراد نمودند.



هیأت



در بخش پایانی مراسم گروه سرود نوجوانان به سرود نمایشی حماسی را اجرا نمودند. در ادامه گروه نمایش گوشواره به اجرای این نمایش حماسی به قلم آقای جباری مولانا برای حاضرین اهتمام ورزیدند. حسن ختام این همایش، قرائت میثاق نامه ویژه همایش امسال سه ساله های حسینی توسط نوگل زینبی، فاطمه عسکری بود.

۲. کلاله

مراسم شهادت حضرت رقیه سلام الله علیها و همایش سه ساله حسینی با همکاری هیات فاطمیه پیروان عترت و جامعه القرآن شهرستان کلاله با مداحی آقای مرتضی زاده برگزار گردید.

۳. مهدیشهر

به مناسبت همایش سه ساله های حسینی، هیأت پیروان عترت مهدیشهر مراسمی را با حضور مردم عزادار برگزار کرد. در این مراسم که در حسینیه اعظم مهدیشهر برگزار شد، سرکار خانم جوانمردی سخنانی را بیان کرد و در ادامه چند تن از نونهالان دکنه ای در وصف رقیه خاتون اجرا نمودند و پس از روضه خوانی مداح اهل بیت در پایان مراسم از میهمانان پذیرایی به عمل آمد.

۴. رضوانشهر

همایش سه ساله های حسینی هیات پیروان عترت و جوانان فاطمی شهرستان رضوانشهر استان گیلان در مسجد امین السلطان غریبند با قرائت آیاتی از کلام الله مجید توسط پسر خردسال حسین رضایی، سخنرانی حجت الاسلام ذاکری و مداحی کر بلائی مجتبی میرشکاری برگزار گردید. نصب تراکت های تبلیغاتی، پذیرایی از کلیه شرکت کنندگان و تزئین و آماده سازی جایگاه توسط جوانان فاطمی هیات از فعالیتهایی بود که در راستای اجرای این همایش انجام گرفت. در پایان مراسم به کودکانی که اسامی رقیه، فاطمه، زهرا، زینب زهرا، حسن، حسین داشتند جوایزی اهدا شد.

۵. کردکوی

همایش سه ساله های حسینی در امامزاده مجید شهر کردکوی؛ با حضور ۱۲۰ نفر از عزاداران گرامی برگزار گردید. قاری مراسم آقای قاسمی، سخنران حجه الاسلام سید حبیب حسینی و مداح حجه الاسلام سید جمال موسوی خواه بودند. حاشیه مراسم، همراه با برپایی ایستگاه نقاشی نونهالان بود.

۶. ارومیه

همایش سه ساله های حسینی به مناسبت شهادت در دانه حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام حضرت رقیه سلام الله علیها به همت خواهران پیروان عترت و با حضور کودکان و مادران در ارومیه برگزار شد.

۷. لردگان

همایش سه ساله های حسینی همزمان با پنجم صفر سالروز شهادت حضرت رقیه سلام الله علیها در حسینیه ثارالله شهر مال خلیفه لردگان برگزار شد. به گزارش پایگاه اطلاع رسانی هیات رزمندگان اسلام استان چهارمحال و بختیاری؛ در این همایش یکی از خواهران خطبه قراء بانوی صبر و ایثار و فداکاری حضرت زینب کبری سلام الله علیها را قرائت کرد. مداحی و ذکر مصیبت شهادت حضرت رقیه سلام الله علیها از دیگر برنامه های همایش سه ساله های حسینی بود.

اعزام تیم امداد رسانی هیات رزمندگان اسلام به مناطق سیل زده

ستاد مرکزی هیات رزمندگان اسلام جهت کمک به سیل زدگان استان گلستان در تاریخ ۱۱ الی ۱۵ فروردین سال جاری یک تیم امداد رسانی به شهرستان آق قلا در استان گلستان اعزام کرد. همچنین به همت هیات رزمندگان اسلام و خیریه سیدالکریم علیه السلام مقادیری هدایای نقدی به خانواده های نیازمند سیل زده که تحت پوشش هیچ نهاد و خیریه ای نیستند اهداء گردید.



برگزاری همایش سراسری شیرخوارگان حسینی

همایش شیرخوارگان حسینی باهدف واقعه گویی حادثه عاشورا و با محوریت شهادت حضرت علی اصغر علیه السلام باگذشت ۱۵ سال، در پنج قاره جهان برگزار می شود. این همایش محوری به یاد طفل شهید حضرت علی اصغر علیه السلام باهدف بیان بخشی از واقعه کربلا در حال تبدیل شدن به یکی از مهم ترین محافل مذهبی در جهان اسلام است. در این همایش مداحان اهل بیت عصمت و طهارت نیز با ذکر گوشه هایی از مصائب شهدای کربلا به ویژه شهید شش ماهه حضرت علی اصغر علیه السلام به این مراسم جلوه ای دیگر می بخشند.



۱. مصلاي امام خميني رحمت الله عليه تهران
همزمان با دیگر نقاط کشور، همایش شیرخوارگان حسینی در تهران در مصلاي امام خميني رضوان الله تعالی عليه برگزار گردید. در این مراسم آقایان حاج احمد واعظی و حاج مرتضی طاهری به ذکر مصیبت اهل بیت علیه السلام پرداختند. اجرای گروه همخوانی نسیم قدر از دیگر برنامه های این سوگواره بود. این مراسم از ساعت ۸:۳۰ صبح به طور رسمی آغاز و از شبکه ۲ سیما به صورت مستقیم پخش شد.
همچنین برای رفاه حال شرکت کنندگان در این همایش پارکینگ عمومی شهید بهشتی نبش خیابان پاکستان، پارکینگ شماره ۱۹ در بزرگراه رسالت، پارکینگ های شماره ۷، ۶ و ۱۵ در خیابان شهید قنبرزاده و پارکینگ های شماره ۲ و ۴ در خیابان شهید بهشتی، ایستگاه مترو شهید بهشتی و ایستگاه مترو مصلی برای خدمات رسانی به عموم مردم در نظر گرفته شده بود.



۲. همایش شیرخوارگان حسینی در یزد
همزمان با اولین جمعه ی ماه محرم و همزمان با سراسر کشور همایش بزرگ شیرخوارگان حسینی به همت هیئت پیروان عترت، آستان مقدس امامزاده شاهزاده فاضل علیه السلام و همکاری اداره اوقاف و امور خیریه ی استان یزد و با سخنرانی حجت الاسلام سید مرتضی طباطبایی و با مداحی و مدیحه سرایی حسین آبیاری و علی زارع از مداحان اهل بیت علیه السلام و با حضور خانواده شهید مدافع حرم سردار موسوی، برگزار شد.
برافراشتن پرچم حرم ابوالفضل عباس علیه السلام و همچنین توزیع لباس از جمله برنامه های این همایش معنوی بود. این همایش در بیش از ۱۸۰ نقطه از استان یزد به طور همزمان در امامزاده ها، مساجد و تکایا برگزار شد.

۳. همایش شیرخوارگان حسینی در بافق
همایش شیرخوارگان حسینی همزمان با سراسر کشور و در اولین جمعه از ماه محرم در حسینیه میانگاه بافق و دیگر اماکن مذهبی شهرستان برگزار شد و مادران نسبت به مقام شامخ امام حسین علیه السلام و شهید شیرخوار روز عاشورا، ابراز ارادت کردند.

۴. شیرخوارگان حسینی در مهدیه شهرستان بهاباد
همزمان با سراسر کشور همایش شیرخوارگان حسینی روز جمعه باعزاداری مادران و کودکان خردسال به یاد طفل شهید کربلا حضرت علی اصغر علیه السلام در حسینیه محمدآباد و مهدیه بهاباد برگزار و مادران در مظلومیت شیرخوار شش ماهه اباعبدالله الحسین علیه السلام گریستند. همچنین حجت الاسلام حسین حاتمی یکی از روحانیون شهرستان در این مراسم با تسلیت سالروز شهادت حضرت علی اصغر امام حسین علیه السلام نهضت عاشورا را احیا کننده دین مبین اسلام به سخنرانی پرداخت.



۵. تهیه ۴ هزار لباس برای شیرخوارگان شهر کرد
در آستانه ماه محرم و برگزاری مراسم شیرخوارگان حسینی کار تهیه پارچه، دوخت و بسته بندی ۴ هزار قطعه لباس ویژه کودکان به همت هیأت یازدها سلام الله علیها شهر کرد و همکاری معاونت پیروان عترت هیأت رزمندگان اسلام استان چهارمحال و بختیاری در کارگاه خیاطی کوثر شهر کرد برای توزیع در سطح استان آغاز شد.

هیأت



مراسمات ویژه هیأت رزمندگان اسلام استان چهارمحال و بختیاری



۱. مراسم جشن میلاد کریمه اهل بیت سلام الله علیها در امامزادگان شهر کرد:

همزمان با فرخنده میلاد باسعادت حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها، آغاز دهه کرامت و در آستانه میلاد سراسر نور امام هشتم شیعیان حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام و با حضور خادمین آستان مقدس حضرت معصومه سلام الله علیها با حضور مسئولین و جمع کثیری از خواهران، مراسم جشن میلاد و غباروبی حرم مطهر امامزادگان حلیمه و حکیمه خاتون سلام الله علیهما در شهر کرد برگزار شد. تلاوت آیات نورانی قرآن مجید، خیر مقدم گویی، عطر افشانی و گلباران مرقد مطهر امامزادگان، سخنرانی حجت الاسلام علی اکبر صمدی یزدی از اساتید حوزه و دانشگاه، مولودی خوانی، اجرای مراسم استقبال، تقدیم شاخه های گل به خادمین و توزیع نمک متبرک بین زائران از دیگر برنامه های این مراسم بودند.

۲. یادواره شهدای بهداری در شهر کرد:

همچنین به گزارش پایگاه اطلاع رسانی هیأت رزمندگان اسلام استان چهارمحال و بختیاری، به منظور گرامی داشت یاد و خاطره شهیدان دوران دفاع مقدس به ویژه شهدای بهداری سپاه استان، اولین یادواره شهدای بهداری لشکر قمرینی هاشم علیه السلام با حضور خانواده معظم شهدا در سالن اجتماعات دانشگاه علوم پزشکی شهر کرد برگزار شد.

در این یادواره که سردار نصرالله فتحیان مشاور وزیر بهداشت در امر بهداری رزمی، مسئول نمایندگی ولی فقیه در سپاه استان و دیگر مسئولین ادارات استان حضور داشتند، از مقام شامخ شهیدان عرصه بهداری رزمی و از خانواده شهیدان آتش افزا، همتی،

آدریان، قاسمی، امیدی، طاهری، کویانی و احمدی تجلیل شد و از تلاشهای ارزنده جراح و چشم پزشک برجسته کشور آقای دکتر حسن رزمجو تقدیر به عمل آمد.

توصیف رشادت شهیدان و رزمندگان کادر پزشکی، اجرای دکلمه، پخش نماهنگ ویژه شهدای دوران دفاع مقدس و مرثیه سرایی بر مصیبت های سید و سالار شهیدان حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام از مهم ترین برنامه های اجرایی این یادواره بود.

۳. سوگواری مجلس عزاداری و سوگواری در شهر کیان:

مراسم سوگواری محرم حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام در شهر کیان استان چهارمحال و بختیاری برگزار شد. در این مراسم با شکوه که به همت هیأت رزمندگان اسلام همراه با اقامه نماز جماعت مغرب و عشاء در مسجد جامع شهر کیان با حضور پرشور آحاد مردم بویژه جوانان عاشورایی برگزار شد حجت الاسلام کاشمیری به ایراد سخن پرداخت. تلاوت آیات نورانی قرآن مجید، قرائت زیارت عاشورا، مداحی، ذکر مصیبت، نوحه خوانی، سینه زنی و ضیافت شام نذری از دیگر برنامه های این مراسم معنوی بود.

۴. اعزام کاروان پیاده اربعین از لردگان

در آستانه اربعین سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام کاروان عاشقان حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام پنجم مهر ماه از شهرستان لردگان استان چهارمحال و بختیاری برای حضور در مراسم اربعین حسینی به صورت پیاده عازم کربلا شدند.



مراسمات دهه اول محرم هیئت رزمندگان اسلام بافق

با سراسر کشور در روز ششم ماه صفر به همت هیأت رزمندگان و با همکاری سازمان بسیج جامعه زنان، این همایش با حضور بیش از ۸۰۰ نفر از کودکان مهد و پیش دبستانی همراه با مربیان و مادران بزرگوارشان در آستان مقدس امام زاده عبدالله علیه السلام بافق برگزار گردید. در این مراسم توسط کانون آیت الله حاج شیخ محمد تقی بافقی برای کودکان روایتگری و داستان شهادت حضرت رقیه سلام الله علیها به صورت نمایشنامه اجرا گردید. همچنین مادران با مدیحه سرایی و عزاداری با مصائب حضرت زینب سلام الله علیها همدردی نمودند. ضمناً در حاشیه همایش به کلیه کودکان دختر یک عدد مقنعه که از یک ماه قبل طی مراسم ویژه ای همراه با ذکر صلوات، زیارت عاشورا و مدیحه سرایی در کارگاه خیاطی هیأت دوخته شده بود اهداء گردید.

۶. برگزاری کاروان شادی ولایت و جشن عید غدیر:

همزمان با روز عید سعید غدیر خم کاروان شادی با حضور خودجوش اقشار مردم از میدان شهدا آغاز گردید. در این راهپیمایی باشکوه حجه الاسلام ابوالقاسم باقرمیدانی شعار و پیام روز غدیر: «من کنتم مولاه و هذا علی مولاه» را قرائت کردند و امت اسلامی با در دست داشتن پرچم متبرک حرم امیرالمومنین علیه السلام و سر دادن ندای «یا علی یا علی» ایشان را تا آستان مقدس حضرت امام زاده عبدالله همراهی کردند. جمعیت حاضر پس از مدیحه سرایی توسط مداحان اهل بیت عصمت و طهارت، به گلباران قبور شهدا و حرم حضرت زهرا (س) و ظهور حضرت زینب (س) پرداختند.

به مناسبت عید غدیر خم، مراسم جشن دیگری با حضور پرچم متبرک حرم امیرالمومنین علیه السلام در موسسه بیت الرضا علیه السلام شهرستان بافق برگزار گردید. در این جشن معنوی حجه الاسلام حاج سید علی طباطبائی روحانی هیئت رزمندگان اسلام پیرامون وقایع غدیر سخنانی بیان داشت، سپس مداحان اهل بیت عصمت و طهارت با مدیحه سرایی و قرائت اشعار حاضرین را به فیض رساندند و در خاتمه با برگزاری نماز جماعت و غذای متبرک از امت اسلامی پذیرائی به عمل آمد.

در دهه اول ماه محرم امسال نیز همچون گذشته، مراسم روضه خوانی با سخنرانی حجج اسلام حاج سید علی رضوی، عالم و فاجی در مکان های اصلی شهر، آستان مقدس امام زاده عبدالله، حسینیه بزرگ محله سفلی و حسینیه میانگاه برگزار بود. برخی از این مراسمات عبارتند از:

۱. تشکیل هیئت سینه زنی متشکل از اعضای هیئت رزمندگان اسلام و حماسه سازان عاشورا و حضور در ۱۰ خانه از بیوت شهدائی که اولین سالگرد درگذشت والدین آنها بود، همراه با عزاداری و سینه زنی و در پایان برنامه به میزبانی هیئت رزمندگان به همه حاضرین در جلسه اطعام نذری داده شد.

۲. برگزاری همایش شیر خوارگان حسینی در حسینیه اعظم سفلی بافق با حضور بیش از ۵ هزار نفر از خواهران و مادران به همراه اطفال شیرخواره خود. این مراسم به طور همزمان در ۲۰ نقطه از شهرستان بافق برگزار شد. همچنین این مراسم معنوی و باشکوه علاوه بر سخنرانی مسئول هیئت رزمندگان با برنامه های دیگری همچون اجرای سرود محرم، تعزیه آخرین سرباز، مدیحه سرایی مداح اهل بیت علیهم السلام، ایجاد نمایشگاه فرهنگی و اهداء هدایایی به اسامی مزین به نام حضرت علی اصغر علیه السلام همراه بود.

۳. مراسم دهه عاشورا همراه با سخنرانی در سه نقطه شهر برگزار بود و در روز عاشورا هیأت های مذهبی به صورت منظم با نوحه سرایی و عزاداری مسیر میدان شهدا تا آستان امام زاده عبدالله را طی کرده و در نماز باشکوه و معنوی ظهر عاشورا به امامت امام جمعه محترم شرکت کردند. این اجتماع یکپارچه و باشکوه به صورت زنده از شبکه استان بخش گردید. در خاتمه خیمه های نمادین امام حسین به آتش کشیده شد و همگان در غم سرگردانی و ازار اطفال امام حسین و اسارت حضرت زینب کبری سلام الله علیها اشک اندوه از دیدگان جاری ساختند.

۴. مراسم شام غریبان سنوآت گذشته همراه با زیارت عاشورا و سینه زنی به یاد اطفال امام حسین علیه السلام در بقعه قاضی میر جعفر و بیابانهای اطراف برگزار شد. ضمناً ساخت ماکت خیمه گاه تا خرابه شام به حزن و اندوه عزاداران افزوده بود.

۵. برگزاری همایش سه سالگان حسینی همزمان

هیأت

دوره آموزش مداحی «مجمع الذاکرين» با تدریس حاج سعید حدادیان



دوره جدید کلاس های آموزش مداحی با عنوان «مجمع الذاکرين» با همت ستاد مرکزی هیات رزمندگان اسلام و آموزش حاج سعید حدادیان و دیگر ذاکران اهل بیت علیهم السلام در حال برگزاری است. حاج سعید حدادیان در بخشی از دروس تدریس شده در این کلاس آموزشی گفت:

«مداح باید آنچه که مربوط به متون عربی است را بداند؛ یعنی باید بتواند مواردی را درست بخواند: ۱- قرآن (هم بخوانیم و هم بلد باشیم)؛ ۲- ادعیه (دعاها)؛ ۳- زیارات (زیارت ها)؛ ۴- خطب (خطبه ها) مثل خطبه

شعبانیه حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله که باید یک مداح، حتما بخش هایی از آن را حفظ باشد. خطبه غدیر و خطبه حضرت زهرا سلام الله علیها همینطور؛ ۵- مقتل، همانی که اهل بیت گفته اند. باید تحقیق کنیم در مقاتل، وقتی داریم خبر می دهیم، نباید با گل و بلبل همراه باشد، بلکه باید معارف را بگوییم برای مردم. حرف زدنمان را دنیا می بیند. باید حواس ها جمع باشد؛ ۶- روایات (روایت ها) برای استشهد اشعار. فرموده امام حسین علیه السلام که انی احب الصلاه و ... باید روایت بخوانیم».

مرز مهران آماده استقبال از زائران حسینی شد

مهران هزاران دل را که در عشق امام حسین علیه السلام پرمی زند به سوی خود فرا می خواند و برای این فراخوان تمام امکانات را برای خادمی زائران اربعین حسینی مهیا کرده است. زائران اربعین حسینی علیه السلام، هزاران صخره، هزاران دشت و هزاران دریا را طی کرده تا به مرز مهران برسند پیامی دارند به نام عشق و در راه عشق هزاران قطره شدند دریا و هزاران سنگ شدند کوه تا پر بزنند به سوی حرمی که در برابر دنیای زر، زور و تزویر فریاد «هیهات منا الذله» را سر داد و جان داد تا امروز هزاران دل را که در عشق پرمی زند به سوی خود فرا بخواند.

مهران امروز میعادگاه دلدادگان عاشقی است که در راه رسیدن به معشوق سر از پا نمی شناسند، امروز مهران که دیروز محل عروج هزاران هزار شهید گلگون کفنی بوده است بوی عطر و از خود گذشتگی آنان به جاذبه ای تبدیل شده که مسافران اربعین را به سوی خود فرا می خواند و این مرز خود را مهیای حضور دلدادگان حسینی کرده است.

پیش بینی حضور ۴ میلیون زائر در مهران استاندارد ایلام به پیش بینی حضور ۴ میلیون زائر اربعین حسینی در مرز مهران اشاره و خاطرنشان کرد: ما باید برای تردد بیش از ۴ میلیون زائر در ایام اربعین برنامه ریزی کنیم. «امسال در پیک تردد در مسیر رفت برای مهران برای ۲۵۰ هزار و در مسیر برگشت از مهران برای بیش از ۳۵۰ هزار زائر در یک روز ایجاد امکانات و آمادگی شده است».

تعطیلی پروژه های راه سازی اربعین از ۱۰ مهرماه یکی از اقداماتی است که برای میزبانی زائران و ایمنی سفر آنان در حال انجام است و قاسم سلیمانی دشتکی

استاندار ایلام با بیان آن، این نوید را می دهد که در اربعین ۹۸ تمام امکانات و پیش بینی ها برای ایمنی تردد و ترافیک روان زائران اربعین در استان ایلام مهیا است.

ایجاد ظرفیت پارک ۱۷۰ هزار خودرو سلیمانی دشتکی با توجه به تجربه سنوات گذشته از ایجاد فضای پارک برای خودروی زائران بالای ۱۷۰ هزار خودرو بیان داشت: امسال ظرفیت پارکینگ ها را بالای ۱۷۰ هزار خودرو قرار داده ایم.

سرهنگ رضا همتی زاده با اشاره به ممنوعیت تردد خودروهای عنوان شده گفت: این ممنوعیت به جهت ایمنی سفر و پیشگیری از ایجاد گره های ترافیکی است. امیدواریم با همکاری و مشارکت مردم خوب کشورمان و به ویژه هم استانی های عزیز شاهد تردد روان و بدون حادثه در مسیرهای جاده ای استان و به ویژه مسیرهای منتهی به مرز مهران باشیم. در راستای اجرای این طرح تردد انواع تریلر، کامیون و کامیونت از روز چهارشنبه ۱۷ مهرماه تا پایان روز سه شنبه ۳۰ مهرماه در مسیرهای حمیل سرابله - ایلام، قلاج - ایوان - ایلام، ایلام - مهران، ایلام - ملکشاهی - مهران و مهران - دهران و بالعکس ممنوع خواهد بود.

نصب دستگاه های بسته بندی آب شرب در محل قرارگاه اربعین در مرز مهران افشین مظاهری مدیر عامل شرکت آبفای ایلام ضمن بیان اینکه هیچ مشکلی برای آب آشامیدنی در مرز مهران وجود ندارد، گفت: دستگاه های بسته بندی آب شرب در محل قرارگاه اربعین در مرز مهران نصب و راه اندازی شده است.



مراسم عزاداری شب هشتم محرم در فاطمیه بزرگ تهران

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی هیات رزمندگان اسلام مراسم عزاداری شب هشتم محرم سال ۱۳۹۸ با سخنرانی حجت الاسلام پناهیان با موضوع «وقتی آدم ها خود را پنهان می کنند» و با نوای حاج امیر عباسی در فاطمیه بزرگ تهران برگزار شد.

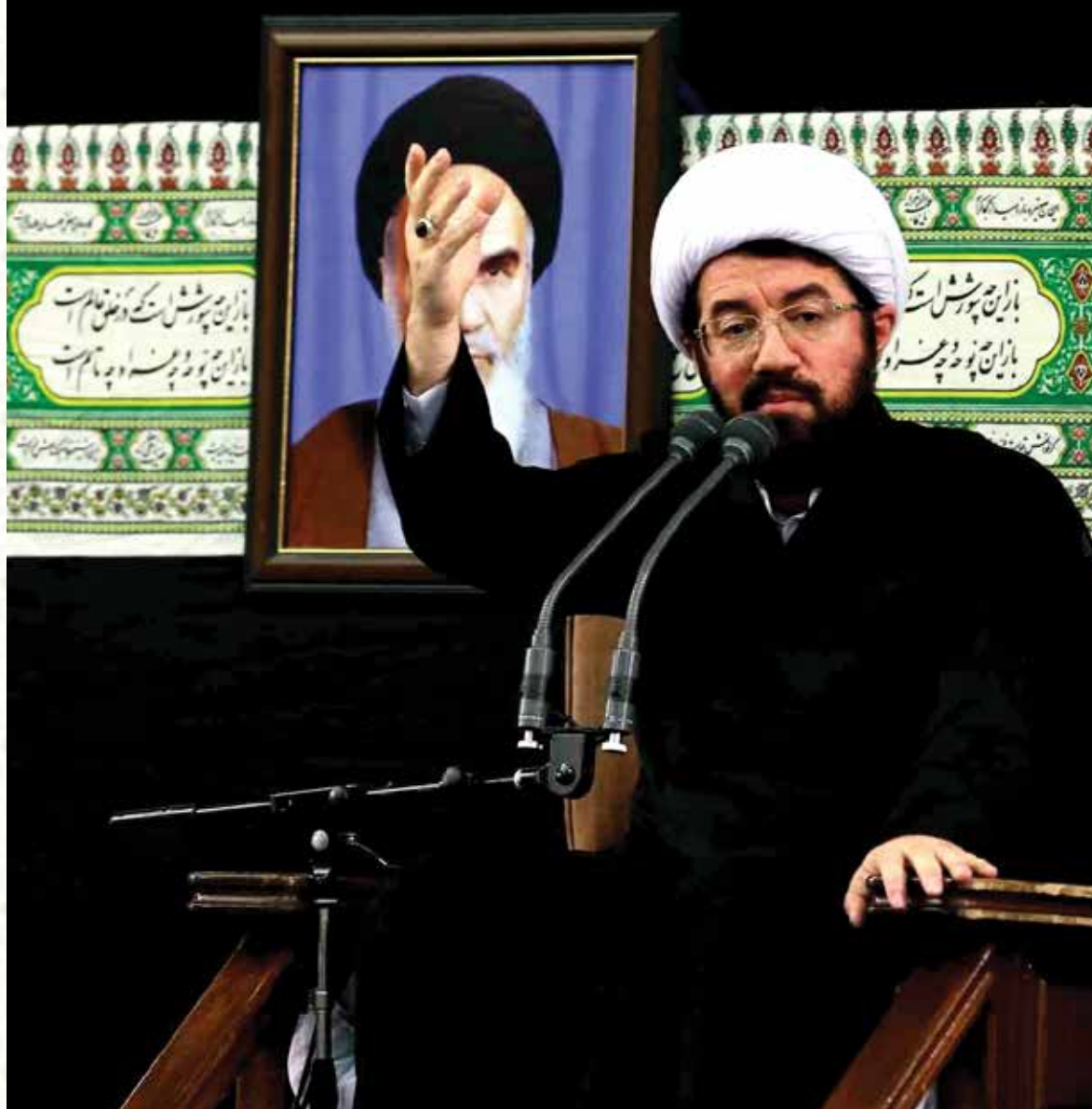
متن خبر در اخبار ستاد مرکزی بود اینجا تصویر قابل استفاده است



خطیب توانا، حجت الاسلام مسعود عالی
از نقش آفرینی هیأت‌ها در حماسه اربعین سخن می‌گوید

هیأت‌ها باید کاتالیزور فرهنگی برای اربعین باشند

از دیرباز هیأت‌ها مذهبی جایگاهی بس عمیق و موثر در بطن زندگی مردم و شکل‌گیری حرکات و تغییرات فردی و اجتماعی داشته تا بدان‌جا که حتی باعث برچیدن طاغوت قدرتمند پهلوی و ایجاد انقلاب اسلامی شد. با توجه به پیشینه دیرینه هیأت‌های مذهبی و پتانسیل سرشاری که در این مراکز تجمع کوچک و بزرگ وجود دارد بر آن شدیم تا با حجت الاسلام مسعود عالی، عضو هیأت امناء و سرپرست مؤسسه جامع علوم اسلامی هم‌کلام شویم تا از خاستگاه اربعین و نقش هیأت‌ها در تقویت این شعیره مذهبی و پدیده اجتماعی برایمان سخن بگوید.



هیأت



به نظر حضرت تعالی به چنین بررسی های علمی پیرامون مقوله اربعین مانند این گفتگو چقدر نیاز داریم؟

اینکه ما بنشینیم و از فلسفه قیام امام حسین علیه السلام و عزاداری بگویم عقل را رشد و ورز می دهد اما موقع فداکاری انسان را پای کار نمی برد. آنچه انسان را پای کار می برد همین سینه زنی و شور و اشک و همین جریانات مرسوم در هیأت ها است. این یکی از ابعاد عزاداری و کارکردهای آن بخصوص اربعین است.

ما هیچ سفارشی در مورد عزاداری برای هیچ معصومی نداریم تا چه رسد به غیر معصوم! اصلاً سوم و هفتم نداریم تا چه برسد به اربعین! البته نمی گویم این مراسمات سوم و هفتم که مرسوم است بدعت است، چون شما هر روز برای میت بزرگداشت داشته باشید، قرآن بخوانید و سخنرانی و توسل کنید خوب است، ولی نداریم که بخصوص وارد شده باشد و فقط به عنوان سنت داریم که تا سه روز عزاداری بشود و به منزلت شخص صاحب عزاداری غذا برده شود. پس اربعین فقط برای امام حسین علیه السلام وارد شده است. از امام عسگری (ه) هم روایت داریم: «علائم المومن خمس... زیاره الاربعین»^۱ و کلا روایات متعددی که غیر از اینکه در کل سال زیارت هست ولی یک روز خاص را به عنوان زیارت تعیین کرده اند و گویا یک زیرساختی و مقدمه ای توسط ائمه معصومین علیه السلام بعنوان تجمع در اربعین صورت گرفته است. علاوه بر ابعاد عرفانی و تاریخی اربعین یک بعد آن هم بعد اجتماعی است که الان به عنوان یک پدیده ای که در این هزار و چهارصد سال تاریخ تشیع سابقه نداشته، ظهور و بروز کرده است.

با توجه به اینکه تحصیلات و مطالعات تخصصی حضرت تعالی در زمینه مهدویت و جامعه شناسی بوده است بفرمایید آیا

پیرامون موضوع اربعین و خاستگاه آن برایمان بگویید. چه رمز و رازی در عدد چهل هست و چرا اربعین فقط مختص به حضرت سیدالشهدا علیه السلام است؟

موضوع اربعین جنبه های مختلفی دارد. مثلاً از بعد عرفانی اربعین یعنی رسیدن به یک سطحی از بلوغ که به این عدد چهل عرفا و اهل معرفت نظر دارند و چله گرفتن به عنوان یک مرحله تکاملی در روایات آمده است. در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده که: «من بلغ اربعین سنه و لم یعص فقد عصی»^۱ کسی که به سن چهل سالگی رسید عصا بگیرد، البته بعضی تعبیر می کنند که منظور «عصای احتیاط» است؛ چون سن چهل سالگی سن پیری نیست، بلکه سن بلوغ و رشد است، یعنی از آن به بعد دیگر خدا به راحتی نمی گذرد. در روایات داریم کسی که سنش از چهل سالگی گذشت دیگر خداوند به راحتی از او نمی گذرد این از بعد عرفانی است. اما باید از ابعاد دیگر هم ویژگی های چهل را در روایات پیگیری کرد تا به نکته سنجی هایی که اهل معرفت کرده اند دست یافت.

طبق روایت حضرت رسول صلی الله علیه و آله که فرمود: «مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا جَرَتْ تَبَائِعُ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ»^۲ و یا تعبیر دیگری از این دست در لسان روایات ناظر بر این است که هر کس اربعینی را ننگه دارد و یا مثلاً اگر کسی چهل حدیث را مکتوب کند چه دارد و چه دارد.

بحث دیگر جنبه تاریخی قضیه اربعین است که باید هم به طور عام به عزاداری سیدالشهدا بپردازیم که البته این نکته قابل ذکر است که در طول تاریخ تشیع عزاداری عام برای اهل بیت نداشتیم و هر آنچه بوده برای سیدالشهدا بوده است و خود ائمه هم با توصیه قولی و عملی برای امام حسین علیه السلام مجلس می گرفتند. امام صادق علیه السلام در منزل خودشان برای امام حسین علیه السلام مجلس می گرفتند. امام رضا علیه السلام دعبل خزاعی را دعوت میکردند برای امام حسین علیه السلام می خواند و گریه می کردند. امام زمان (عج) در زیارت ناحیه مقدسه صبح و شب برای امام حسین علیه السلام گریه می کند.

پس همانطور که امام رضا علیه السلام به ریان بن شیب فرمود: «ان كنت باکیا علی شیء فابک للحسین علیه السلام»؛ گریه بر امام حسین علیه السلام خصوصیت و موضوعیت خاص دارد، یعنی این گریه و عزاداری یک فرهنگ است و صرفاً این نیست که ما در سوگ یک کسی که از دست رفته و تمام شده بنشینیم و عزاداری کنیم، بلکه این تبدیل می شود به فرهنگی که عاطفه می جوشاند و فقط فرهنگ عقلی نیست و به صورت قلبی و عاطفی با عواطف انسان ها ارتباط پیدا می کند. بحث عزاداری و اشک اوج قلبان عاطفه است. وقتی عاطفه قلبان پیدا کرد آنوقت عمیق، قلبی و درونی می شود. اینکه صرفاً دور هم بنشینیم و کنفرانس بگیریم و بحث علمی مطرح کنیم، هیچگاه فداکاری و ایثار ایجاد نمی شود.



گریه بر امام حسین علیه السلام خصوصیت و موضوعیت خاص دارد، یعنی این گریه و عزاداری یک فرهنگ است و صرفاً این نیست که ما در سوگ یک کسی که از دست رفته و تمام شده بنشینیم و عزاداری کنیم، بلکه این تبدیل می شود به فرهنگی که عاطفه می جوشاند و فقط فرهنگ عقلی نیست و به صورت قلبی و عاطفی با عواطف انسان ها ارتباط پیدا می کند

عالم را می‌گیرد. همچنان که امروز شاهدیم در کشورهای غیر اسلامی و اروپایی هم روز عاشورا و تاسوعا دسته‌های عزاداری به راه می‌افتد و یاد رهایی مثل هند که همه هندو هستند روز عاشورا سه روز تعطیل عمومی اعلام می‌شود. همه اینها بدان معناست که دنیا دارد با نهضت امام حسین علیه‌السلام آشنا می‌شود و با هر راهپیمایی که انجام می‌شود این معرفی بیشتر و بهتر اتفاق می‌افتد و نتیجه‌اش این می‌شود که در راهپیمایی روز اربعین همه ملیت‌ها و اقوام و مذاهب و رنگ‌ها و نژادها دور یکدیگر جمع می‌شوند.

با این حساب جریان اربعین دارای سیر صعودی است یا ممکن است با گذشت زمان از یک مقطعی دوباره به عقب برگردد؟

ظهور امام زمان (عج) طبیعتاً نیاز به ابزاری دارد و یکی از مهمترین ابزار تاریخی آن، دستگاه امام حسین علیه‌السلام است. اربعین نیز بلوغی از عاشورا است که خود از ابزار زمینه ساز ظهور می‌باشد. زمینه‌سازی ظهور یعنی زمینه‌سازی حکومت خدا روی زمین که این وظیفه هر مومنی است و بالاترین مومن خود امام است، بنابراین خودش انجام می‌دهد و ما خیال می‌کنیم که ما انجام می‌دهیم. علی‌القاعده چیزی که با این عظمت در حال اتفاق افتادن است تعطیل بردار نیست و با توجه به آن دستی که در طول تاریخ این ابزار را استفاده کرده و آن را تقویت کرده است پس نباید ضعیف شود. چنانکه سال به سال شاهد گسترش اربعین هستیم و این چیز است که خبر گزارها هر چقدر هم بخواهند در جهان سکوت خبری کنند باز نمی‌توانند آن را کتمان کنند.

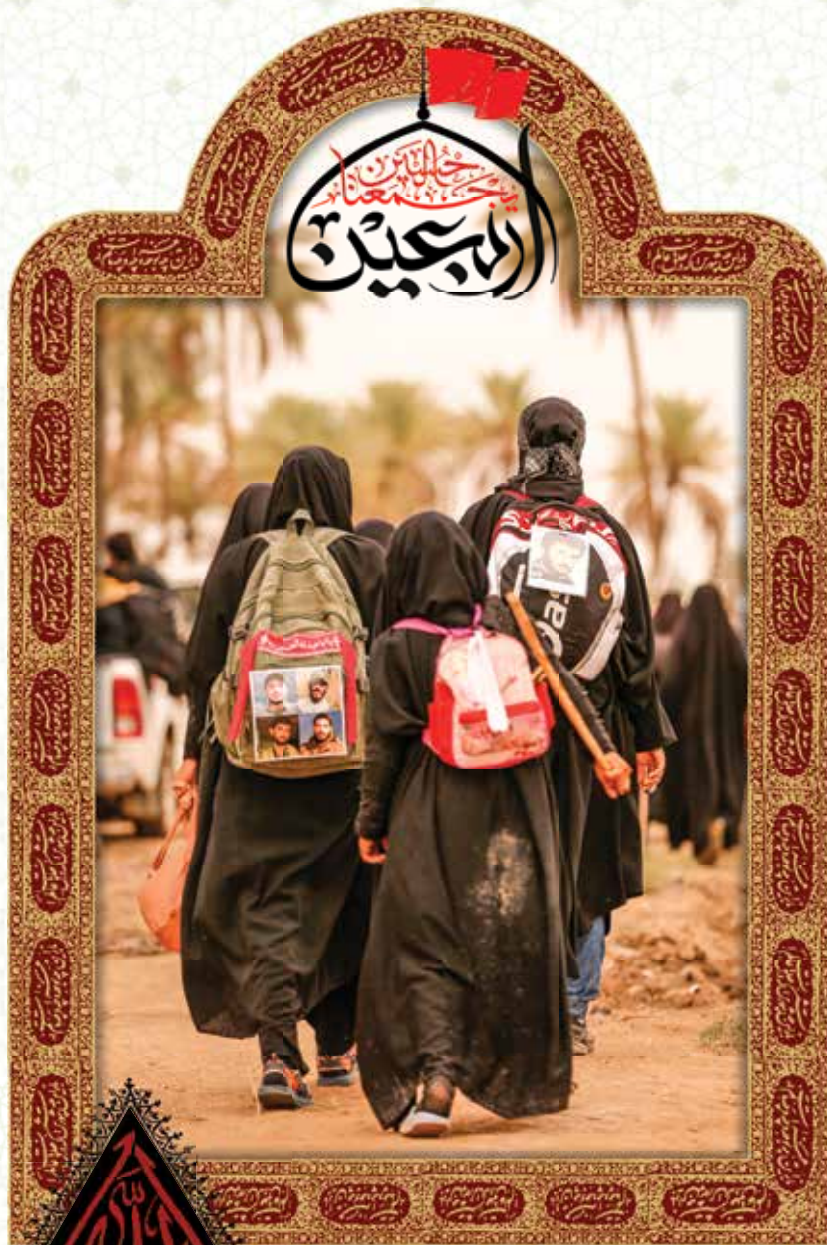
نمونه‌هایی نیز برای کارکردهای اجتماعی اربعین مثال بزنید

این همه همدلی‌ها و نزدیک شدن اقوام به یکدیگر از کارکردهای اجتماعی اربعین به حساب می‌آید. همه‌ایثارهایی که در این چند روز تجلی می‌یابد موجب می‌شود که شخص از خودیت و فردیت خود بیرون می‌آید و می‌پیوندد به دریایی از جمعیت عزادار و می‌کوشد تا خدمت کند.

آیا می‌توان گفت که این کارکردها قابلیت سبک‌سازی و فرهنگ‌سازی دارد؟

بله احسنت اینها کارکردهایی است که یک جامعه شناس وقتی با اینها برخورد می‌کند قابل تحلیل و قابل پیگیری است که از جهت اخلاقی و رشد تربیتی چه اتفاقی می‌افتد و چه تاثیری دارد. حالا اگر این کارکردها را ببریم داخل هیأت حتماً اتفاقات ارزشمندی رقم خواهد خورد. در نتیجه یکی از کارهایی که هیأت می‌تواند داشته باشد این است که کاتالیزور باشد و این کارکردها را تسریع ببخشد. چه در بعد معرفتی چه جنبه اجتماعی و سیاسی می‌تواند موج را گسترش دهد و معرفی کند تا هم کمیت بیشتر شود و هم کیفیت.

چون حوزه کار هیأت بر اساس تجمعات مومنین است و هیأت باید تلاش می‌کند که چنین جمعیتی را جمع کند. حال که امام حسین علیه‌السلام و اهل بیت علیهم‌السلام



این همه همدلی‌ها و نزدیک شدن اقوام به یکدیگر از کارکردهای اجتماعی اربعین به حساب می‌آید. همه‌ایثارهایی که در این چند روز تجلی می‌یابد موجب می‌شود که شخص از خودیت و فردیت خود بیرون می‌آید و می‌پیوندد به دریایی از جمعیت عزادار و می‌کوشد تا خدمت کند

می‌توان پدیده اربعین را از منظر تحلیل اجتماعی یک نشانه برای مهدویت و ظهور دانست؟

به نظر من این اتفاق در موضوع زمینه‌سازی ظهور قابل بحث است. علیرغم اینکه راهپیمایی نجف تا کربلا در طول تاریخ در بین مردم و حتی بین علما در ایام زیارتی مرسوم بوده است، اما اینکه در سال‌های اخیر رفته رفته دارد به یک حرکت عظیم جهانی و تجمعی تبدیل می‌شود که نه تنها در اسلام و تشیع سابقه نداشته است، بلکه چنین تجمع و راهپیمایی در طول تاریخ بشر نبوده است، این نیاز به یک تحلیل جامعه‌شناختی دارد، چرا که اربعین یک اتفاق عظیم و حرکتی فراتر از مسائل مذهب و دین است.

ما با توجه به منابع خودمان این پدیده را به عنوان یکی از زمینه‌سازی‌های ظهور می‌دانیم چون در روایات داریم که وقتی امام زمان (عج) می‌آیند خودشان را بوسیله امام حسین علیه‌السلام معرفی می‌کنند؛ اینگونه که من آن کسی هستم که جدم حسین را «قتلوه عطشاناً، طر حوه عریاناً...»^۱ معنیش این است که قبل از آمدن امام زمان علیه‌السلام همه اهل عالم باید امام حسین علیه‌السلام را بشناسند. علاوه بر این روایت در کتاب عقد الدرر روایات دیگری داریم که می‌فرماید: امام حسین علیه‌السلام قبل از آمدن امام زمان (عج) اشراب در قلوب می‌شود.

یعنی بر اساس فرمایش شما ابتدا مردم تشنه امام حسین علیه‌السلام می‌شوند سپس امام زمان (عج) می‌آید؟

بله! خصوصیتی که امام حسین علیه‌السلام دارد مناسب است برای پرورش یاران حماسی و ظلم‌ستیز. البته همه‌ای که اینچنین بودند لکن دستگاه امام حسین علیه‌السلام با توجه به تاثیر تاریخی که بر قلب‌ها و عاطفه‌ها گذاشته است زمینه و ظرفیت بیشتری دارد که فراتر از تشیع دارد کم‌کم موجش همه



این جمع را خودشان درست کرده اند و بسترش در هیأت آماده است، خب ما بدون تنش و دغدغه بیاییم و از این فرصت و زمینه استفاده کنیم. زمینه ای که چه بسا ممکن است شخصی فقط چندین جلسه در هیأت آمده باشد ولی همان یک جلسه بهره خودش را ببرد.

هیأت ها به نوبه خود چه کاری می توانند برای اربعین انجام دهند؟

متولیان و ارکان هیأت مانند مداح و سخنران باید هر کدام یک بسته خاص اربعین در هیأت خود طراحی و تهیه کنند. چون فرض این است که در آنجا چند شب محدود هستند و زائران افرادی نیستند که هر هفته در طول سال در جلسات هیأت شرکت کنند و چه بسا فردی فقط یک جلسه می آید ولی همان یک جلسه با استفاده از آن بسته کمکی و محتوایی استفاده فوق العاده ارزشمندی بنماید. چون در هیأت و به ویژه در بستر اربعین آمادگی مخاطب زیاد است و چه بسا شخصی که یک سال هیأت رفته است آمادگی یک نفری که تنها یک روز در اربعین بوده است را ندارد. بستر آنجا طوری است که قلب آماده است لذا باید نهایت استفاده از این جلسات هیأت در اربعین بشود و هیأت بنشیند روی آن کار کند.

همچنان که ما توقع داریم دولت زیرساخت های فیزیکی اربعین مانند حمل و نقل، رفت و آمد و سهولت کار موکب ها را تمهید کند؛ موکب ها هم که دولتی نیستند مسئول تسهیلات معنوی خود و مخاطبین خود هستند. چرا که این موقعیت استثنایی از یک جهت حتی نسبت به عاشورا هم که هر کسی در شهر خودش است تفاوت دارد، یعنی یک موقعیت خاص بین المللی است. از طرفی زمان کم است یعنی در آنجا باید خیلی کوتاه تر از ۱۰ شب عاشورا زمان را مدیریت و برنامه ریزی کرد.

می خواهم بگویم در این رشدی که اربعین دارد پیدایمی کند هیأت ها باید از نظر کمی و کیفی نقش کاتالیزور را ایفا کنند.

آیا اینکه هر هیأتی به طور صنفی یک بسته محتوایی برای اربعین خودش آماده کند یا این حرکت عظیم واحد منافات ندارد؟

عیبی ندارد چون از جهتی یک رقابت و از مصادیق مسابقه در خیرات و به تعبیر قرآن: «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ» است. همانطور که موکب ها به تناسب ذائقه ها هر کدام غذاهاشان مختلف است، لزومی ندارد که حتما یک محصول را ارائه بدهند. بنابراین ضرورتی ندارد که الزام هیأت ها از حتما قبل باهم هماهنگ کرده باشند. از جهت دیگر باید هر هیأتی به آسیب شناسی برنامه های خود در اربعین بپردازد مثلاً دنبال چشم و هم چشمی و رقابت های دنیایی نباشیم و یا ممکن است بدلیل غرق شدن در ظواهر و پذیرایی ها، آسیبی مانند غفلت و حواس پرتی از اصل موقعیت اربعین بوجود آید و خدای ناکرده برخی به طمع استفاده از فضای مهیای سورچرانی در اربعین شرکت کنند که می توانیم با برنامه ریزی و آسیب شناسی از اینگونه غفلت های فردی پیشگیری کنیم.

چه آسیب های دیگری در اربعین وجود دارد؟

در این میان انواع و اقسام آسیب های موکب ها و آسیب های افراد هست. مثلاً ممکن است یک موکبی که از حامی مالی ثروتمندی مثل فلان کارخانه دار یا سازمان و اداره برخوردار است به نحوی ریخت و پاش و جذب مشتری کند که فلان موکبی که با اخلاص آمده و از پذیرایی خیلی ساده ای برخوردار است دیگر به چشم نیاید و حتی ممکن است مورد استهزاء واقع شود. در حالی که خیلی ها از همین سادگی ها بهره ها برده اند. شخصی تعریف میکرد در موکبی دیدم یک پیرزن غذاهایی که ته بشقاب ها مانده بود می برد پشت موکب تخلیه می کرد؛ کنجکاو شدم که بپرسم چرا این همه غذا را دور می ریزد و اسراف می کند. وقتی رفتم پشت موکب با تعجب دیدم برنجه را روی پارچه تمیزی پهن می کند. پرسیدم: «مادر برای چه اینها را جمع می کنی؟» پیرزن گفت: «من ته مانده های زائران امام حسین علیه السلام را به عنوان تبرکی جمع آوری و خشک می کنم تا در طول سال در خانه ام ذره ذره به غذای روزانه مان اضافه کنیم و بخوریم». الله اکبر! چطور می شود اینها را آدم نادیده بگیرد؟

یا مثلاً گاهی ایرانی عربی کردن موکب ها بد است صاحب خانه شدن بد است یعنی انگار ما صاحب خانه ایم مثلاً امر و نهی کردن به کسانی که با تواضع خودشان را برای خدمت وقف کرده اند. آنها بنا ندارند به عنوان صاحبخانه برخورد کنند خودشان را خدمتگذار می دانند آنگاه ما یک جواری به صورت صاحبخانه و امر و نهی کن برخورد کنیم که او را از خدمتگزار بودنش پشیمان کنیم. گاهی ممکن است هیأت های عزاداری با سبک های من در آوردی عده ای را به دور خود جمع کنند که اصلاً حالت خوشایندی ندارد.

بنابراین در یک جمله عرض کنم که هیأت باید برای اربعین هم از جهت آسیب شناسی هم از نظر آداب استفاده از آن مدت کوتاه برنامه داشته باشد. به هر حال همه اینها می تواند به یک کاتالیزور و تسریع بخش تبدیل شود برای رسیدن

به آن هدف کلانی که اربعین دارد که با عنوان زمینه ساز ظهور و نماد اقتدار شیعه است. هر چه نماد اربعین سالم تر و پاک تر ارائه شود می تواند دیگران را هم حتی فراتر از یک مذهب به خود جذب کند.

لطفاً در مورد دهه های عزاداری و نقش منبری، مداح و شاعر در زمینه سازی برای رسیدن به اربعین توضیح بفرمایید؟

حقیقتاً اربعین تداوم و اوج چهل روز عزاداری از اول محرم است که افراد در متن عزاداری بوده اند و با یک نگاه عرفانی به قضیه، حالا پس از یک چله در اربعین به یک بلوغی رسیده اند. و اگر این پروسه چهل روزه خوب شکل بگیرد این نتیجه گیری در اربعین حاصل نمی شود و این شکلگیری به دست مادحین، شعرا و عاظم در طول محرم و صفر رقم می خورد.

متأسفانه در برخی از شهرها از شب اول محرم شروع نمی کنند مثلاً از پنجم یا ششم در اوج شروع می کنند و یا مثلاً دهه دوم را خیلی پررنگ می کنند و میگویند «خب عزای هر کسی معمولاً بعد از شهادتش شروع می شود» این دور بودن از فرهنگ اهل بیت علیهم السلام است، چون این یک تر حیم معمولی نیست که بگوییم متوافقاً از دنیا برود تازه بعد از او باید ختم بگیرند. خود اهل بیت علیهم السلام هم از همان اول محرم شروع می کردند و این چهل هم از روز اول محاسبه و شروع می شود که آن روز اربعین شکل می گیرد. امام رضا در روایت معروف به ریان بن شیب فرمودند: «وقتی که محرم می رسید دیگر کسی پدرم موسی بن جعفر علیه السلام را خندان نمی دید. هر روز غمش افزوده می شد تا روز عاشورا که مصیبت عظمای بود».

البته اگر کسی بخواهد دهه دوم یا دهه های بعدی هم مجلس عزاداری داشته باشد حرفی نیست ولی دهه اول استثنا است که باید جایگاه آن حفظ شود و هیچ جایگزینی ندارد و اگر کسی از آنجا شروع کرد آنوقت می تواند در اربعین نتیجه کامل را هم از جهت فردی و هم از جهت اجتماعی بگیرد.

در مورد تصمیمات منحصر به فردی که برخی از هیأت ها در زمینه عزاداری یا اربعین می گیرند چه نظری دارید؟

هیأت ها باید حواسشان باشد که گاهی دچار یک تفسیر به رای ها و سلیقه های عوامانه نشوند و جای ایام عزاداری و دهه ها را با هم معاوضه نکنند. درست مثل شهادت که مزد مجاهدانه زیستن است، استفاده از اربعین هم منوط به چهل روز زمینه سازی است. حتی عزاداری های پس از اربعین در مناسبت شهادت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و امام



هیأت ها باید حواسشان باشد که گاهی دچار یک تفسیر به رای ها و سلیقه های عوامانه نشوند و جای ایام عزاداری و دهه ها را با هم معاوضه نکنند. درست مثل شهادت که مزد مجاهدانه زیستن است، استفاده از اربعین هم منوط به چهل روز زمینه سازی است. حتی عزاداری های پس از اربعین در مناسبت شهادت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و امام رضا علیه السلام در پایان ماه صفر هم در تداوم آن چهل روز عزاداری حضرت سیدالشهدا است و نمی تواند جای آن چهل روز عزاداری مختص به اباعبدالله الحسین علیه السلام را بگیرد

۱. سفینه البحار، جلد ۱، صفحه ۶۲۹
۲. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، دار احیاء التراث العربی، الطبعة ۱۴۰۳ هـ، ق، ج ۶۷، ص ۲۴۲، ح ۱۰.
۳. إقبال الأعمال، ج ۳، ص ۱۰۰.
۴. یزدی حایری، علی، إلزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب (عج)، محقق، مصحح، عاشور، علی، ج ۲، ص ۲۲۳، بیروت، مؤسسة الأعلمی، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.

هیأت

صله‌های نورانی حضرت ارباب

هیأت

اینجا هوای تازه‌واردها را بیشتر دارند

داستان‌های شیرین خلیعی اما به همین جا ختم نشد. یک‌بار که میان او و یک شاعر دیگر به نام «ابن حماد» جدلی پیش آمد و هر کدام ادعا می‌کرد شعر خودش در مدح امیرالمؤمنین علیه‌السلام بهتر از شعر دیگری است، تصمیم گرفتند داوری درباره اشعارشان را به مولا علیه‌السلام واگذار کنند. اینطور بود که در حرم امیرالمؤمنین علیه‌السلام حاضر شدند و قصیده‌هایشان را داخل ضریح انداختند و منتظر ماندند! بعد از مدتی، اتفاق عجیبی افتاد؛ دیدند پای قصیده خلیعی، با آب طلا و پای قصیده ابن حماد، با آب نقره نوشته شده است: «احسنت». اینجا بود که دل ابن حماد گرفت و در دلش خطاب به امام علی علیه‌السلام عرض کرد: «من از ارادتمندان باسابقه شما هستم در حالی که خلیعی مدت زیادی نیست وارد حلقه دوستان شما شده...» خیلی نگذشت که امیرالمؤمنین علیه‌السلام در عالم رؤیا از ابن حماد دلجویی کردند و فرمودند: «توازی مایی اما او جدیدالعهد به ولایت ماست و رعایت او بر ما لازم است.»

عرض ارادت از این لطیف تر نمی‌توان سراغ گرفت. اینکه ذوق و قریحه‌ات را پیشکش اربابت کنی برای عرض عاشقی. و این، مرام شاعران دلداده بوده برای خادمی در دستگاه اباعبدالله‌الحسین علیه‌السلام در تمام ۱۴۰۰ سال بعد از قیام عاشورا. شاعران از همان اول انگار داوطلبانه، زبان گویای عزاداران در ماتم اشرف اولاد آدم علیه‌السلام و زبان حال آن‌ها در حسرت همراهی با فرزند رسول خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله بوده‌اند و شاید هم به همین دلیل در همیشه تاریخ شیعه، بر صدر مجلس خادمان حسینی جای داشته‌اند. اما قدر و منزلت واقعی شاعرانی را که کلام و ذوق و هنر خود را در رثای خون خدا به خدمت گرفته‌اند، باید در عنایات و یژه‌ای جست‌وجو کرد که از جانب صاحب این مصیبت عظیم نصیب آن‌ها شده است.

تاریخ پر است از روایت‌های دلنشین و رشک‌برانگیز از احوالات شاعرانی که به پاس علمداری در رونق بخشیدن به مجالس عزای حسینی، از اباعبدالله‌الحسین علیه‌السلام و خاندان عصمت و طهارت علیه‌السلام جایزه گرفته‌اند و با همین صله‌های نورانی، حاجت‌روا و عاقبت‌بخیر شده‌اند. در این قسمت داستان ابوالحسن خلیعی، راهزن کاروان کربلا که کربلایی شد را روایت می‌کنیم.

پرده های حرم، خلعت نقد برای شاعر امام حسین علیه السلام

ماجرای خلیعی تازه شروع شده بود. وقتی به کربلا رسید و وارد حرم سیدالشهدا علیه السلام شد، چشمه ذوقش به عنایت آقا علیه السلام جوشید و عرض شرمساری خود از گذشته اش و امید پذیرش حال دگرگون شده امروزش را با سرودن دو بیت شعر، بیان کرد و از آن به بعد، یکی از دوستان و شاعران خالص اهل بیت علیهم السلام شد.

اما اینکه چرا «خلیعی» به این نام معروف شد هم، داستان زیبایی دارد. همه چیز به آن روز خاص برمی گردد که وارد حرم سیدالشهدا علیه السلام شد و شروع به سرودن قصیده ای در مدح آن حضرت کرد. همه دیدند که در همان حال که مشغول خواندن این قصیده بود، پرده های درب حرم بر شانه اش افتاد. درواقع این «خلعت» و هدیه ای بود که از طرف آقا اباعبدالله علیه السلام به او داده شد. پس از این اتفاق، او را «خلیعی» یا «خلعی» نامیدند و او هم همین نام را به عنوان تخلص شاعری اش انتخاب کرد.

هیات

وقتی راهزن کاروان کربلا، کربلایی شد

ماجرای «خلیعی»، شاعر برجسته اهل بیت علیهم السلام از آن داستان های پرفراز و نشیبی است که پایانی غافلگیرکننده دارد. داستان ابوالحسن جمال الدین علی بن عبدالعزیز بن ابی محمد الخلیعی (خلیعی) قبل از تولدش شروع شد. خانواده خلیعی اهل موصل و پدر و مادرش ناصبی بودند. ناصبی ها با اهل بیت علیهم السلام دشمنی داشتند و با نسبت دادن دشنام و ناسزا، به ساحت ایشان بی احترامی می کردند. قصه، مادر خلیعی نذر عجیبی کرد. از خدا خواست اگر به او فرزند پسری عنایت کند، به شکرانه اش، او را برای راهزنی خواهد فرستاد! اما راهزنی از چه کسانی؟ نذر مادر خلیعی این بود که پسرش را برای راهزنی و آزار و اذیت و کشتن زائران امام حسین علیه السلام، سر راه کاروان زائران کربلا بفرستد!

خداوند آرزوی مادر را برآورده کرد و پسر هم وقتی به سن جوانی رسید، پاشنه هایش را ورکشید تا نذر مادر را ادا کند! خلیعی به مسیر تردد کاروان زائران امام حسین علیه السلام رفت و در کمین نشست تا به محض ورودشان به آن ها حمله کند. طولانی شدن انتظار اما باعث شد از خستگی چشم هایش سنگین شود. اینطور بود که کاروان آمد و آن منطقه را با سر و صدای حرکت شترها و اسب ها پشت سر گذاشت و حتی گرد و غبار کاروان بر سر و روی خلیعی هم نشست، اما او از خواب بیدار نشد. اما بشنوید از خواب خلیعی. او در همان دقایق در عالم خواب، خود را در صحنه قیامت و حسابرسی می دید. فرمان رسید او را در آتش بیندازند. در آتش افتاد اما نسوخت! گرد و غباری بر لباس و بدنش بود که میان او و آتش، حائل شده بود. خلیعی در همان عالم رؤیا فهمید این گرد و غبار حرکت کاروان زائران کربلاست که بر تن و لباسش نشست و او را از آتش عذاب الهی در امان نگاه داشته است. بیدار شدن خلیعی، مساوی بود با زندگی جدیدش. توبه کرد و از همان جا راهی کربلا شد.



حسین بن علی قربانی انحرافات و ناهنجاری‌های جامعه اسلامی

به قلم: مرتضی شاهسون

ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی جامعه اسلامی پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به دلایل متعددی دچار آفت انحراف گشته بود. تحریف باورهای دینی و بازگشت به ارزش‌های جاهلی، فراموشی سیره پیامبر صلی الله علیه و آله بر تری روحیه قومی و عصبیت بر هنجارهای اسلامی عصر پیامبر صلی الله علیه و آله که نشأت گرفته از تعالیم مقدس اسلام بود، تبدیل اشرافیت معنوی به اشرافیت مادی و ثروت اندوزی و گرایش به تجمل و کمرنگ شدن روحیه عالی اسلامی بویژه در عصر عثمان و از آن پس، برتری حربه ارعاب و تزویر بر عامل حق طلبی و ظلم ستیزی در روحیه جامعه اسلامی بالاخص مردم کوفه، بی عدالتی و فساد رهبران سیاسی و برخی عوامل دیگر، از جمله مسائل دردناک و آسیب‌های عمده اجتماعی بود که امام حسین علیه السلام برای نجات امت اسلامی از سرآشیزی سقوط، تلاش گسترده‌ای را در این راستا آغاز کرده بود.

هیأت

طبعاً روابط ناسالمی را بر امت اسلامی تحمیل می‌کرد، قیام کند،^۱ و اصلاح جامعه پیامبر صلی الله علیه و آله را در قالب شیوه‌های عملی امر به معروف و نهی از منکر سرلوحه کار خود قرار دهد. علاوه بر اینکه از طرفی یزید مترصد گرفتن بیعت از امام علیه السلام به هر قیمتی بود و از سوی دیگر، اجابت دعوت مردم متغیر الحال کوفه، یک بار دیگر جامعه اسلامی بویژه مردم کوفه را در معرض آزمایش الهی مهمی قرار می‌داد.^۲

بنابر این در چنین وضعیت دشواری امام علیه السلام می‌فرمود: «مردم نمی‌بینید که به حق عمل نمی‌شود و کسی از باطل رویگردان نیست؟ در این اوضاع مؤمن باید لقای پروردگار را بر چنین زندگی ترجیح دهد».^۳

به نظر می‌رسد که اقدامات و روش‌های عملی امام علیه السلام در برخورد با آسیب‌های اجتماعی عصرشان در سه سطح عمده بوده است: اولاً بارهبران فاسد و حاکم بر جامعه اسلامی که

کرده بود،^۴ تلاش معاویه نیز در عصر امام حسن علیه السلام به گونه‌ای به بار نشسته بود که نه تنها آسیب‌های اجتماعی جامعه اسلامی، اصلاح نشده بود، بلکه با مسائل عمیق‌تری نیز روبرو گردیده بود و لذا امام حسن علیه السلام در چنین وضعیتی علی رغم حمایت تعدادی اندک از شیعیان حقیقی، نمی‌توانست به جنگ با معاویه ادامه دهد؛ زیرا در آن صورت لااقل بزرگ‌ترین ضربات دستگاه اموی به پیکره شیعه وارد می‌آمد. این تلاش صلح طلبانه و تدابیر ارزنده امام علیه السلام، سرانجام موجب افشای چهره مزدورانه معاویه و حفظ موقعیت شیعیان گردید.

اما مفهوم انحراف جامعه مسلمین از ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی در عصر امام حسین علیه السلام ابعاد گسترده‌تری به خود گرفت؛ انحراف جامعه اسلامی و تخطی از هنجارهای اجتماعی اسلام، امام حسین علیه السلام را بر آن داشت تا علیه این آسیب‌های اجتماعی که

مشکلات جامعه

اسلامی پس از

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

جامعه اسلامی در عصر خلیفه سوم با مشکلاتی جدی روبرو گردیده بود که از آن جمله می‌توان به مواردی اشاره کرد: ۱- راندن انصار از صحنه سیاست، ۲- بها دادن به اموی‌ها و قریشیان در امر حکومت‌داری، ۳- تاراج بیت المال مسلمین و حاتم بخشی‌های خلیفه، ۴- ثروت اندوزی او و ساختن بنا در مدینه و اختصاص اموال و باغ‌هایی در مدینه برای خود، ۵- گسترش تفاخر قبیله‌ای و تبدیل اشرافیت معنوی به اشرافیت مادی که موجب شد مساوات اسلامی فراموش شود.^۱

علاوه بر همه آنچه که گفته شد، رقابت و اختلاف بین عراقی‌ها و شامی‌ها، پیش از آن نیز در زمان عثمان بر سر تقسیم غنایم از منستان و فتح آن بروز

یزید مظهر آن بود. ثانیاً با امت اسلامی که از هنجارها و ارزش‌های اسلامی عصر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بکلی منحرف شده بود. ثالثاً با جبهه خودی که همان شیعیان راستین حضرت بودند و لذا حضرت با هر کدام از این دسته‌ها برخوردی متناسب با آنان داشت؛ از جمله اینکه حضرت در برخورد با یزید فرمود: «و علی الاسلام السلام اذا قد بقیت الامه براع مثل یزید»؛ یعنی دیگر فاتحه اسلام را باید خواند اگر نگیانانش شخصی همچون یزید باشد، و یا اینکه امام حسین علیه‌السلام همواره نسبت به جامعه اسلامی دچار انحراف بیمارگونه، روشی مهربانانه و مشفقانه داشت.^۶

در ادامه به معرفی علل و عوامل مختلف انحراف جامعه مسلمین تا جایی که به قتل نوه رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله اقدام کردند، می‌پردازیم.

الف) علل سیاسی و حکومتی

حاکمیت یافتن سیاستمداران اموی و رواج فساد و بی‌عدالتی در حقیقت، انحرافی جدی در مسیر جامعه اسلامی بود که طبعاً انحرافات اجتماعی بزرگی را نیز موجب می‌گردید. تلاش یزید و دستگاه اموی در جهت خاموش کردن اعتراضات مردم، کسب مشروعیت سیاسی - مذهبی، هماهنگ کردن جامعه اسلامی با ارزش‌های مولود دستگاه اموی و تحت فشار قرار دادن امام حسین علیه‌السلام برای اخذ بیعت، جلوه‌هایی از انحرافات اجتماعی عمیق این عصر بود.

ارباب مردم کوفه از سوی امویان و تهدید و تطمیع اشراف کوفه توسط عبیدالله بن زیاد علاوه بر زمینه‌های مساعد اجتماعی که در این مرکز وجود داشت، از عوامل مهمی بود که کوفیان سست اراده را به ورطه انحراف بزرگ اجتماعی می‌کشاند؛ یعنی به جنگ حسین علیه‌السلام رفتن و در نهایت ریختن خون او را مباح دانستن، در حالی که امام علیه‌السلام همواره به پایگاه کوفه نظر داشت چرا که می‌توانست نقش مهمی در پیروزی قیام حسین داشته باشد.^۷

با توجه به این وضعیت اجتماعی، می‌توان تصور نمود که ابن زیاد، برای ناکامی‌های پدرش و قدرت طلبی خود و کسب محبوبیت بیش‌تری در دستگاه اموی و نیز عمر بن سعد، که در آروزی رسیدن به منزلت والای اجتماعی و حکومت ری بود، به رویارویی با امام حسین علیه‌السلام پرداخته باشند. علاوه بر این‌ها سلاح ارباب و تزویر از سوی یزید و ابن زیاد کارگر افتاده و نقاب از چهره پلید امویان برداشته بود، آنگاه که ابن زیاد در اولین خطبه‌اش با مردم کوفه که به استقبال او آمده بودند، فریاد برآورد: «تازیانه و شمشیر من آماده عقوبت کسی است که از دستور من سربراز زند و با پیمان من مخالفت کند».^۸

وی روزی دیگر خطاب به مردم کوفه می‌گوید: «... یزید برای من چهار هزار دینار و دویست هزار درهم پول فرستاده تا میان شما تقسیم کنم، سپس شما را به جنگ با دشمنش روانه کربلا کنم».^۹

ب) علل اجتماعی و اختلاف طبقاتی

مقایسه اجمالی مراکز مهم عراق (کوفه) و شام و حجاز (مکه و مدینه) در عصر امام حسین علیه‌السلام و توجه امام علیه‌السلام به کوفه و نیز تمایل شیعیان کوفه به امامت علویان و رقابت‌های

بنی نخل برمیگردد که به نوبه خود عامل مهمی در تشیع مردم کوفه داشت و بزودی کوفه به صورت مرکز تشیع درآمد. بنابراین افزایش جمعیت این مرکز مهم - کوفه - رواج و گسترش نابرابری‌های اجتماعی و تهدید رفاه عمومی و نظامی بودن شهر، زمینه‌های مناسبی را برای انحرافات اجتماعی پدید آورده بود.

ج) علل شخصیتی و روانی

به نظر پژوهشگران اجتماعی در مطالعه آسیب‌های اجتماعی، توجه به عوامل روانی ناپهنجاری از اهمیت زیادی برخوردار است. روانشناسان در این خصوص از تکنیک‌های پژوهشی گوناگونی بهره میگیرند که از میان آن‌ها مطالعات توصیفی و یا روش‌های زمینه‌یابی، شرح حال نویسی و استفاده از اطلاعات منابع تاریخی، بیش از همه به پژوهش‌های جامعه‌شناسی تاریخی نزدیک‌تر است. اما از آنجا که در دستیابی به داده‌های منابع تاریخی همواره مشکلاتی چون فقر منابع، تناقضات در نقل وقایع و شرح حال افراد، انتخابی بودن، یک‌بار اتفاق افتادن حادثه تاریخی، وجود دارد.

روانپزشکان برای تأثیر عامل مذهب در درمان آسیب‌های اجتماعی نقش خاصی قائل هستند زیرا اعتقادات مذهبی و تأکید بر تعقل در زندگی فردی و اجتماعی، امنیت و مصونیت و آرامش ویژگی‌های را برای انسان فراهم میسازد که به برکت آن، شخصیت اجتماعی افراد رشد و تکامل می‌یابد و بر قدرت تحمل رنج‌ها و صدمات احتمالی می‌افزاید و لذا به نوبه خود می‌تواند از بروز آسیب‌های اجتماعی جلوگیری به عمل آورد. بعضی دیگر از جامعه‌شناسان معتقدند که رفتارهای جامعه بیمارگونه می‌تواند ناشی از سرخوردگی، اضطراب و احساس عدم امنیت باشد که میل به اصلاح اجتماعی یا نوآوری را سبب می‌شود.^{۱۱}

با نظری به ویژگی‌های جامعه اسلامی عصر امام حسین علیه‌السلام می‌توان دریافت که عمده‌ترین مشکل این جامعه بیمارگونه از خودبیگانگی، از دست دادن شخصیت آرمانی و اسلامی خود بود که فی‌الواقع عوامل متعددی در این ارتباط نقش داشت. امام حسین علیه‌السلام به عنوان مصلحتی بزرگ و الهی، خود را موظف می‌دید که در برابر این آسیب‌های اجتماعی به واکنش‌های مناسبی بپردازد، و از آنجا که امام علیه‌السلام در بین امت اسلامی از شرافت معنوی والایی برخوردار بود، مبارزه با آن همه آفات اجتماعی را مشی عملی خود می‌پنداشت و لحظه‌ای از آن غفلت نمی‌کرد. اگر چه در جامعه اسلامی این دوران، زمینه‌های مناسبی برای تخلف از هنجارها و ارزش‌های اصیل اسلامی وجود داشت، ولی باید توجه نمود که بی‌ارادگی این جامعه از سویی و از سوی دیگر تحریکات سران قبایل عرب، ضعیف شدن و فراموشی سنت‌های اسلامی موجب افزایش انحرافات اجتماعی شده بود.

بنابراین اگر جامعه بیمارگونه کوفه، که از نظر روحی و روانی دچار سردرگمی‌های متعددی بود، خیالات باطل و آرزوهای غیر منطقی خود را کنار می‌گذاشت و به شخصیت اصیل اسلامی خود وقوف کامل می‌یافت، بخوبی درمی‌یافت که بیعت شکنی و مقابله با سپاه هفتاد و چند نفری امام حسین علیه‌السلام و حتی به دست آوردن پیروزی نظامی، که ظواهر امر نیز بخوبی بر آن دلالت می‌کرد به عنوان بزرگ‌ترین انحراف

دیرینه اعراب یمنی کوفه و شام، اهمیت پایگاه کوفه را در عالم اسلام آشکارا نشان می‌داد. در مورد وضعیت کلی کوفه می‌توان گفت که هجوم و مهاجرت دسته‌های زیادی از مردم سرزمین‌های فتح شده به کوفه و نیز رواج بازار پر رونق بحث و جدل با وجود مهاجران مختلفی از کیش‌ها و فلسفه‌های گوناگون، تأثیر مهمی در شکلگیری تمایلات درونی و اخلاقی مردم کوفه داشته است و مردم کوفه عمدتاً دارای خصوصیتی از این قبیل بودند: «احساسات تند، قابلیت تحرک آبی، عاقبت‌نیاندیشی، اخذ تصمیم سریع و پشیمانی فوری از تصمیمات گرفته شده. این نکته نیز قابل توجه است که بیش‌تر حاکمان شام که از مدینه به دمشق مأمور می‌شدند از قریشی‌ها و مصریان بودند که با زندگی اشرافی خو گرفته بودند و با قبایلی چون ربیع در عراق و قبیسی‌ها در حجاز، درگیری‌های قبیله‌ای دیرینه‌ای داشتند».^{۱۰}

به احتمال زیاد در ابتدای امر، هدف از ایجاد کوفه بر کرانه غربی فرات، اختصاص اردوگاه ثابتی برای لشکریان اسلام بود، افزون بر اینکه قبایل ساکن در کوفه ناهمگون بودند، بنابراین ویژگی نامتجانس بودن جمعیت کوفه - که متشکل از اعراب یمنی که بیش از دوازده هزار نفر بودند، تعداد کثیری از موالیان و گروههایی به نام روافد که فقط در هوای رسیدن به غنایم بودند - زمینه مناسبی را برای برقراری یک نظام سیاسی اجتماعی که در آن استیلای عربی در تفوق و برتری اسلامی حل شود، فراهم می‌کرد و لذا قدرت قبیله‌ای باید در قدرت اسلامی حل شود.

با همه اینها، کوفه در واقع اصالت عربی نداشت و تازه بیش‌تر مهاجران ساکن در شهر، دسته‌های نظامی بودند که در پی رسیدن به غنایم، آذوقه و رسیدن به زندگی بهتر، شرکت در فتوحات را پذیرفته و لذا خصلت‌های نظامی‌گری که عبارت از غرور، و عصیان و گرایش به برتری و سروری بر دیگران است در وجود آنان بسیار قوی‌تر از سایر بلاد اسلامی بود. علاوه بر این‌ها عامل گرایش به تشیع در مردم عراق و خصوصاً کوفه به اسلام آوردن قبایل عربی یمن مثل همدان و

اجتماعی به شمار می آید، هرگز حاضر نمی شد برای تأمین آمال دستگاه اموی، که با کانون عراق، رقابت های دیرینه ای هم داشت، سر تسلیم فرود آورد و اسیر زور و ارعاب ابن زیاد و تهدیدات واهی او گردد.

بنابر این بیش ترین تلاش امام حسین علیه السلام برای احیای شخصیت مسلمین بود. زیرا امام علیه السلام با قیام خویش حقیقتاً روح تازه ای به کالبد بی جان امت اسلامی بخشید و غیرت های اسلامی و روح ایده آل گزینی مردم را برانگیخت. به قول استاد شهید مطهری (ره): «امام علیه السلام حس استغنا را در مردم به وجود آورد. درس صبر و تحمل و بردباری و مقاومت و ایستادگی در مقابل شدايد را به مردم داد. ترس ها را ریخت و همان مردمی که تا آن حد می ترسیدند را تبدیل به یک عده مردم شجاع و دلاور کرد».^{۱۲}

د) علل اقتصادی و مادی

برخی از جامعه شناسان همواره در تحلیل علل انحرافات اجتماعی، اثر بسزایی برای عامل اقتصادی و فقر قائلند و عمدتاً می کوشند تا در بررسی های خویش، ثابت کنند که ریشه بسیاری از رفتارهای ناپهناجار جوامع بشری به امکانات اقتصادی آن جوامع بستگی دارد؛ در حالیکه باید توجه داشت که فقر اقتصادی عامل نسبی است و نباید تأثیر عوامل غیر اقتصادی بویژه فرهنگی را انکار نمود و یا کم رنگ تلقی کرد. بعضی دیگر نیز بر این عقیده اند که اخلاعات شخصیتی، احساس شکست، انزجار عمومی، ترس از مجازات، تبعیض های قومی و نژادی، که باعث بیکاری یا کم

کاری می شود، عواملی است که راه گرایش به سوی کجروی را بیش از پیش هموار می کند.

از دیدگاه اسلامی تأثیر عوامل اقتصادی بر انحرافات اجتماعی هرگز قابل انکار نیست، ولی همواره علل فرهنگی، تقدم بر عوامل مادی دارند.

افراد ضعیف النفسی چون عمر بن سعد که حرص و طمع و مال و جاه دنیا چشمانش را کور کرده بود، خود نیز اعتراف می کرد که گرفتار عذاب وجدانی شده است و در همان ابتدای امر می گفت: «فوالله ما ادری وانی لحائر افکر فی امری؛ به خدا سوگند نمی دانم و من سرگردان مانده ام و در کار خویش اندیشه می کنم».^{۱۳}

همچنین در روز عاشورا دیگر بار در جواب بریر که او را نصیحت می کرد، پاسخ داد که: «راست می گویی ای بریر هر کس با حسین بن علی علیه السلام و فرزندان او جنگ کند و حق ایشان را از ایشان بگرداند، جای او در آتش دوزخ باشد، لکن ای بریر ملک ری بزرگ است و ولایتی پر نعمت که ترک آن نتوانم گفت... شقاوت بر من مستولی شده و نعمت و جاه و حرمت و دولت را در چشم من بیارسته، می دانم که به می کنم اما چه کنم؟»^{۱۴} نمونه دیگری از این اشخاص، سنان بن انس است که پس از شهادت امام حسین علیه السلام و اسب دواندن بر پیکر مطهرش، بر خیمه عمر بن سعد ایستاد و شعری خواند که حاکی از دنیا طلبی او بود: «أو قر رکابی فضة و ذهب/ انا قتل سید المحجبا...»؛ یعنی رکابم را از طلا و نقره سنگین کن که من سلطان پرده دار را کشته ام.^{۱۵} ثروت اندوزی اعراب در جریان فتوحات یکی از دشواری هایی بود که هر قوم فاتحی ممکن بود، گرفتار

آن گردد، ولی آنچه بدیهی به نظر می رسد این است که این ثروت اندوزی در پی خود، گرایش به تجمل، عیش و نوش، سستی و بسیاری مشکلات و آسیب های دیگر را به ارمغان می آورد که این عوامل می تواند خود دلایل عمدهای برای سقوط هر قوم فاتحی باشد لذا در اندک زمانی در کنار خانه های ویران، خانه هایی مجلل در سرزمین های فتح شده مثل کوفه و بصره، ساخته شده که شرح آن در منابع تاریخی آمده است.^{۱۶} از دومین سخنرانی امام حسین علیه السلام در روز عاشورا بخوبی برمی آید. که امام علیه السلام به عامل اقتصادی و تأثیرات آن توجه بسیاری داشتند، آنجا که فرمودند: «قد انتحزلت عطیاتکم من الحرام و ملئت بطونکم من الحرام قطع الله علی قلوبکم...»؛ یعنی آری در اثر هدایای حرامی که به دست شما رسیده و در اثر غذاهای حرام و لقمه های غیر مشروعی که شکم های شما از آن انباشته شده است، خدا این چنین بر دل های شما مهر زده است...»^{۱۷}

در جمع بندی اجمالی از تأثیر عامل اقتصادی در انحرافات اجتماعی آن عصر بویژه در کوفه به نظر می رسد که در ابتدای تأسیس کوفه به دلیل دستیابی مسلمین به غنایم حاصل از فتوحات و برخورداری مردم از یک رفاه نسبی و سپس بتدریج بر اثر افزایش جمعیت مهاجران به این شهر و مشکلات ناشی از آن، بدی وضع اقتصادی مردم، توقف فتوحات، عطش حرص و آز مردم شدت یافت و بخودی خود پیدایش جوی نامطلوب را ایجاد می کرد، دستگاه اموی با استفاده از همین زمینه قدرت افزون تری را تحصیل نمود که حاصل آن چیزی جز جنگ و رویارویی نظامی با امام حسین علیه السلام نبود.



پی نوشت‌ها:

۱- خاکرند، شکر اله: علل شکل گیری خوارج، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران ۷۲، ج ۱، ص ۵۶-۵۰.

۲- جعفریان، رسول: حیات سیاسی فکری امامان شیعه، سازمان تبلیغات اسلامی، ج ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۹۴-۹۵. نقل از الفتوح: ابن اعثم ج ۲، ص ۱۱۰ و نیز دینوری:

اخبار الطوال، ص ۱۶۰ به بعد.

۳- ستوده، هدایت الله:

مقدمه‌ای بر آسیب شناسی اجتماعی، انتشارات آوای نور، تهران ۷۲، ص ۳۱-۳۰. ۴- مطهری استاد شهید: حماسه حسینی، انتشارات صدر، ج ۱، ص ۳۹ به بعد.

۵- همان: ج ۲، ص ۲۰۷.

۶- همان: ج ۲، ص ۲۴۵.

۷- مطهری ره: حماسه حسینی، صدر، ج ۱، ص ۳۲.

۸- دینوری: اخبار الطوال، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، نشرنی، ج ۳، تهران ۶۸، ص ۲۸۱.

۹- جعفریان، رسول: حیات فکری سیاسی امامان شیعه، ج ۱، ص ۱۳۹ به نقل از ابی اعثم، الفتوح، ج ۵، ص ۱۵۷.

۱۰- شهیدی، جعفر: قیام امام حسین علیه السلام، ص ۹۵.

۱۱- حکمت سعید: روان پزشکی کیفری، ص ۲۱۵.

۱۲- مطهری، (ره): حماسه حسینی، ج ۱، ص ۱۷۴.

۱۳- مطهری ره: حماسه حسینی، صدر، ج ۱، ص ۱۲۰، ج ۳، ص ۵۹.

۱۴- ابن اعثم: الفتوح، ترجمه مستوفی هروی، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ج ۱، تهران ۷۲، ص ۸۹.

۱۵- بلاذری: انتساب الاشراف الجز: الرابع، القسم الثاني، ص ۲۰۵ و نیز: تاریخ طبری، ترجمه پاینده، ج ۷، ص ۳۰۶.

۱۶- دینوری: اخبار الطوال، ج ۱، ص ۱۴۹ و نیز: فتوح البلدان، ترجمه آذر نوش، تهران، سروش، ج ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۱۴۱.

۱۷- نجمی، محمد صادق: سخنان حسین بن علی علیه السلام از مدینه تا کربلا، دفتر انتشارات اسلامی، قم ۷۴، ج ۴، ص ۱۹۷.

۱۸- مطهری، مرتضی، حماسه حسینی، ج ۳، ص ۱۹۰۴۹.

تحریف و انحرافات جامعه مسلمین در عصر امام حسین

علل و عواملی که گذشت، زمینه را برای ایجاد تحریف و انحراف در جامعه مسلمین عصر امام حسین علیه السلام مساعد کرد. تحریفاتی که خود زمینه و بستر به قتل رساندن امام معصوم زمان، حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام گردید. برخی از این انحرافات عبارتند از:

۱- تحریف باورهای دینی و بازگشت به ارزش‌های جاهلی و برتری روحیه قومی و قبیل‌های بر ارزش‌ها و هنجارهای اصیل اسلامی.

۲- انحراف جامعه اسلامی از مسیری که پیامبر صلی الله علیه و آله ترسیم کرده بود و فراموشی سیره آن حضرت.

۳- حاکمیت نظام سیاسی فاسد اموی و بی عدالتی رهبران سیاسی که در تجمل و ثروت اندوزی و اشرافیت مادی و فساد اخلاقی، گوی سبقت از یکدیگر می‌ربودند و لذا برای حفظ موقعیت خویش، روشهایی جز اعمال زور و ارباب‌ترویز به کار نمی‌بردند.

۴- از دست دادن شخصیت اسلامی و پذیرش روحیه ذلت‌پذیری و تسلیم در برابر حکومتگران فاسد اموی، مشکل بزرگ امت اسلامی بویژه پایگاه حساس کوفه بود علی‌رغم اینکه به امامت و برتری فضایل امام حسین علیه السلام بر سایر رهبران سیاسی نیز آگاه بودند.

۵- حرکت انفعالی امت اسلامی در برابر بازگشت به ارزش‌های عصر جاهلی و عدم تلاش جدی در

جهت پیشگیری و کنترل و نظارت اجتماعی بر انحرافات که جامعه اسلامی را به سقوط حتمی می‌کشاند و به عبارت دیگر، ترک عامل مهم امر به معروف و نهی از منکر و واگذاری این وظیفه مهم اسلامی به یکدیگر که ثمرهای جز سقوط ارزش‌های الهی نداشت از دیگر آسیب‌های اجتماعی مهم این عصر محسوب می‌شد.

۶- دنیا طلبی و گرایش به رفاه بویژه پس از فتوحات اسلامی عصر خلفا نیز اراده امت اسلامی را سست کرده بود و رقابت‌هایی که بین دو کانون مهم عراق و شام وجود داشت، مزید بر علل دیگر بود.

بنابراین قابل توجه است که برای شخصیتی عظیم و الهی چون امام حسین علیه السلام، راهی جز قیام علیه این انحرافات بزرگ اجتماعی، گرچه با شهادت خود و اسارت اهل بیت ایشان متصور نبود. در این راستا عوامل متعددی به شهادت امام علیه السلام منجر گردید که مهم‌ترین آن‌ها عبارت بودند از: ۱- طمع ملک‌ری که خواست قلبی عمر بن سعد علی‌رغم اکراهش از رویارویی با حسین علیه السلام بود، ۲- طمع پول و دادن رشوه به رؤسای قبایل عرب بویژه در کوفه، ۳- مرعوب بودن عامه مسلمانان در برابر فشارهای دستگاه اموی، ۴- میل به جبران محبت یزید که این زیاد در صدد جبران کدورت یزید از پدرش در زمان ولایتعهدی بود، ۵- خبث ذاتی اشخاصی چون شمر و مستی، غرور، بدبختی و سبک‌سری یزید و از همه بالاتر جهالت و فراموشکاری عامه مردم که تاریخ شصت ساله خود را فراموش کرده بودند و گول ظواهر را می‌خوردند.^{۱۸}

هنوز خیلے راہ نرفته داریم...

تجربیات هیأت داری در گفت و گوی نشریه هیأت
با حاج جواد غفاری مسؤل هیأت رزمندگان اسلام
استان آذربایجان شرقی

محافل مختلف خاطره خوانی، از دیگر ابتکارات ما در هیأت می باشد.

وجه متمایز هیأت رزمندگان به نسبت دیگر هیأت ها به لحاظ فرصت ها و تهدیدها چیست؟
معتقدم هیأت رزمندگان باید از جهات مختلف الگو برای دیگر هیأت ها باشد؛ یعنی می توان با مشخص کردن موضوعات محوری و با معرفی و بکارگیری سخنرانان و مداحان قابل و شایسته به آنها خط داد. هر قدر ما از نظر محتوا و اجرا بهتر عمل کنیم به همان اندازه می توانیم الگو قرار بگیریم؛ البته محتوا مهم تر است.

هیأت رزمندگان اگر می خواهد متمایز باشد و سرآمد بشود باید ولایی و پیرو رهبر باشد؛ باید حرف داشته باشد؛ مردمی باشد؛ در متن جامعه و به روز باشد؛ با شرائط و اوضاع زمان و مکان تناسب داشته باشد.

خودتان به فعالیت ها و برنامه های دفتر هیأت رزمندگان آذربایجان شرقی نمره چند می دهید؟
فکر می کنید تا نقطه مطلوب چه کارهای نکرده و راه های نرفته ای دارید؟

دقیق نمی توانم بگویم، ولی نه نمره مردودی می دهم و نه نمره قبولی. هنوز خیلی راه نرفته داریم و همواره در صدد رشد و ارتقا هستیم. به عنوان مثال وقتی یک مراسمی اول صبح در تبریز (که معمولاً مراسم اول صبح مرسوم نیست) برگزار کرده ایم و با استقبال و جمعیت خوبی مواجه شده ایم، این را به معنای نمره خوب می دانیم. البته باز هم اقرار می کنم که تا نقطه ایده آل و مطلوب هنوز خیلی راه داریم و همیشه باید در فکر رشد و بالندگی و به دنبال پیشرفت باشیم. فکرم شبانه روز در گیر همین دغدغه است.

از دیدگاه شما مرگ و زندگی حسینی چگونه تعریف می شود و رابطه آن با هیأت چیست؟

این سوال مرا به فکر جمله معروف «اللهم اجعل محیای محیا مُحَمَّدٍ و آل مُحَمَّدٍ و مَمَاتٍ مُحَمَّدٍ و آل مُحَمَّدٍ» می اندازد که شعار همیشگی همه هیأت ها بوده است. خود امام حسین علیه السلام هم فرمودند «هیهات مِنَّا الذَّلَّةُ» و این بدین معناست که دوراه پیش روی حضرت قرار داشت؛ یکی راه ذلت و دیگری راه عزت که امام عزت ابدی را انتخاب کرد. این همان راهی است که رزمندگان اسلام از عاشورا آموختند و در طول هشت

یکی از رسالت های نشریه هیأت ارائه راهکارها و تجربیات موفق در امر برنامه ریزی و مدیریت هیأت است. به همین منظور در هر شماره می کوشیم تا به انعکاس صحبت ها و نظرات یکی از مدیران موفق دفاتر استانی بپردازیم. در این شماره مصاحبه کننده نشریه هیأت به سراغ مردی سخت کوش، جدی و البته مهربان و با لهجه غلیظ آذری رفته است. او کسی نیست جز حاج جواد غفاری از رزمندگان سرافراز لشکر ۳۱ عاشورا که حدود ۶ سال است به عنوان مدیر اجرایی دفتر هیأت رزمندگان استان آذربایجان شرقی مشغول به فعالیت می باشد. در ادامه متن این گفتگو را با هم می خوانیم.

لطفا خودتان و هیأت رزمندگان آذربایجان شرقی را برای مخاطبین نشریه هیأت معرفی کرده و بفرمایید چند سال است که در عرصه هیأت فعالیت می کنید؟
بنده جواد غفاری هستم از رزمندگان لشکر ۳۱ عاشورا که در طول دفاع مقدس در سطوح و مقاطع مختلف تافرماندهی جنگ در این لشکر خدمت کرده ام. حدود ۱۶ سال است که عضو هیأت امنای هیأت هستم و قریب به ۶ سال است که به عنوان مدیر اجرایی هیأت منصوب شده ام. این هیأت با اتفاق جمعی از دوستان دوران دفاع مقدس، حوالی سال ۷۵ تشکیل شده که ابتدای کار یک هیأت کوچک بود ولی رفته رفته به بزرگترین هیأت در استان آذربایجان شرقی تبدیل شد. اکنون به لطف خدا در دیگر شهرهای سطح استان ۱۹ هیأت رزمندگان فعال داریم.

برنامه ها و ابتکاراتی که در هیأت رزمندگان تبریز داشته اید کدامند؟
الحمدلله یکی از کارهای خوبی که شروع کردیم بحث جوانگرایی در این هیأت بود. این کار را همچنان دنبال می کنیم و بر همین منوال قصد داریم در آینده هم ادامه دهیم تا رونق بیشتری بگیرد. برای این کار معمولاً از دانشجویهای زبده و خوش فکر استفاده می کنیم. به این روش که این جوانها را به هیأت می آوریم و مسئولیت بخشهای مختلف از جمله برنامه ها، مراسمات، اتاق فکر و غیره را به دست آنها می سپاریم.

یکی دیگر از ابتکارات این بود که هیأت رزمندگان تبریز بانی و مبدع اولین اعتکاف رمضانیه در کشور بود. الان خیلی از هیأت های استان این اعتکاف را برگزار می کنند و آرام آرام به دیگر شهرستان ها هم رسیده است. توجه ویژه به مسئله خاطرات و وصیت نامه شهدا با راه اندازی

هیأت

سال دفاع مقدس بر مدار همین شعار حرکت کردند و هرگز حاضر نشدند از سوی دشمن ذلت را بپذیرند. اکنون ۴۰ سال است که دشمن در پی به ذلت کشاندن ماست ولی ما مثل کوه مقاوم ایستاده ایم و در خط سرخ شهادت به پیش می‌رویم و ان شاء الله تا آخر هم به پیش خواهیم رفت. آرزوی همه ماست که در این راه توفیق شهادت داشته باشیم.

آسیب‌هایی که هیأت با آن مواجه است چیست؟ نمونه‌هایی برای آن ذکر کنید.

هر ایده و نظری که ما را از هدف دور کند و یا هیأت را از بدنه جامعه جدا کند پسندیده نیست و باید از هیأت حذف شود. هر کاری باید بومی سازی شود و بر اساس عقل و درایت به پیش رود. هر کاری می‌خواهیم انجام دهیم اول باید به خروجی و نتیجه آن بیندیشیم. اگر خروجی آن خوب بود قطعاً به نفع هیأت خواهد بود پس باید انجام بگیرد ولی اگر دیدیم ضربه خواهد زد باید جلوی آن را بگیریم. گاهی ممکن است همراه شدن یک فلوت کار را تأثیر گذارتر بکند و یا ممکن است یک زیرپیراهن مشکی (البته من برهنگی را قبول ندارم) به سینه زنی شور و حال خاصی ببخشد. یادم هست که خود ما یک وقتی یک سری زیرپیراهن مشکی یک دست تهیه کرده بودیم و موقع سینه زنی بین عزادارها تقسیم می‌کردیم، همین باعث آرایش و رونق خاصی در مراسم سینه زنی شده بود.

به نظر شما هیأت چه رسالتها و کارکردهای دیگری بجز مراسمات مذهبی دارد؟

هیأت باید در همه عرصه‌ها توانایی داشته باشد یعنی همه فن حریف باشد. به نظر من مراسمات و فعالیت‌های هیأت نباید به مراسمات مذهبی و مناسبتی خلاصه شود، بلکه در فرصت‌های دیگر با تشکیل اتاق‌های فکر به برنامه‌های فوق‌العاده مانند آموزش و ارتقاء معرفتی مخاطبین، سخنرانان، مادحین و خادمین خود بپردازد، تا بتواند در ایام خاص و مناسبت‌های ویژه جریان و حرکت هیأت را بهینه و سریع‌تر نماید. همچنان که در دوران جنگ تحمیلی هم می‌گفتیم هر قدر در زمان صلح (قبل از عملیات) بیشتر عرق بریزی در زمان جنگ کمتر خون می‌دهی. این به معنای زحمت بیشتر و آموزش و تربیت ارکان و مخاطبین هیأت است.

مثلاً یکی از کارکردهای هیأت این است که در شرایط کنونی جامعه که مردم با مشکلات اقتصادی مواجه هستند و خیلی‌ها از نظر مالی ناتوان هستند، هیأت باید دستشان را بگیرد. ما در هیأت رزمندگان تبریز در عین حال که به فعالیت‌های مذهبی می‌پردازیم، با تأسیس یک مرکز خیریه توانسته‌ایم از خیرین عزیز که وضع بهتری دارند کمک‌های مالی جمع‌آوری کنیم و به دست یکسری از مردم کم‌برخوردار که قادر به اداره مالی زندگی خود نیستند برسانیم. همچنین ما در هیأت خودمان جهت کمک به زوج‌های جوان کم‌برخوردار اقدام به تهیه جهیزیه کرده و در سالروز میلاد حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها به آنها اهداء کردیم.

عنایت و نظر اهل بیت علیهم‌السلام و امام حسین علیه‌السلام را در کارها و فعالیت خود چقدر مؤثر می‌دانید و آیا در فعالیت‌های خود شخصاً با نمونه ملموس و عینی برخورد کرده‌اید؟

این سوال آنقدر بدیهی است مثل اینکه بگوئیم آیا آب کر می‌تواند نجاست را پاک کند؟ پر واضح و روشن است که همه کارهای ما با نظر اهل بیت علیهم‌السلام است. من حقیقتاً این نصرت را دیده و درک کرده‌ام و همیشه در همه کارهای خودم این کمک را لمس می‌کنم. البته همه چیز را اینجا نمی‌شود گفت و نیاز به مثال موردی هم ندارد چون عنایت آنها همیشگی و مداوم است و آیا مگر جایی بوده است که اهل بیت علیهم‌السلام دست ما را نگرفته باشند؟ گاهی یک کارهای نشدنی را خود اهل بیت علیهم‌السلام جور کرده‌اند. به عنوان نمونه در بحث کاروان اربعین به خدا قسم همه درها به رویمان بسته شده بود ولی ما کار را به خودشان سپردیم و گفتیم آقا جان ما می‌خواهیم بیاییم راه حضرت زینب را ادامه بدیم. ما می‌خواهیم حرکت کنیم و در این مسیر با ولی امر و امام زمانمان عهد و میثاق ببندیم! این را گفتیم و واگذار کردیم، خودشان آنقدر عنایت داشتند که کار محال ما را حل کردند.

سخنران و مداح چه جایگاهی در هیأت دارند و شما کدام یک را مهمتر می‌دانید؟

هر دو از جایگاه خیلی بزرگی برخوردارند. من معتقدم اگر ما یک سخنران ولایی، زنده و باحالی را بیاوریم که بتواند متناسب با زمان و مکان صحبت کند، حتماً تأثیر بسزایی در هیأت می‌گذارد. همچنان که از سوی دیگر یک مداح خوب هم می‌تواند با ارائه اشعار و محتوای خوب و متقن تأثیر گذار باشد. گرچه مداح و سخنران هر دو در هیأت جایگاه تأثیر گذار و برابری دارند ولی من همیشه با هیأت‌هایی که سخنران ندارند و مداح محورند موافق نبوده‌ام.

به نظر جنابعالی چه باید‌ها و نباید‌هایی در مدیریت هیأت باید مراعات و لحاظ شود؟

هیأت باید با مردم و در بین مردم و برای مردم باشد، جوان محور باشد، بومی سازی کند و همواره از اعمال موهون، خرافات، احساس‌زدگی و اینجور مسائل پرهیز کند.

از نظر شما امروزه بزرگترین موانع و تهدیدهای درونی و بیرونی فعالیت هیأت چیست؟

تهدیدهای زیادی وجود دارد که اگر یک لحظه غافل شویم دشمن می‌تواند از هیأت بهره برداری خودش را بکند و به ما ضربه بزند. به عنوان نمونه در همین ایام دشمن همه تلاش خود را می‌کند که در عراق با ایجاد جریانات انحرافی به اجتماعات مردمی و مذهبی را به انزوا بکشاند. شما یک هواپیما را در نظر بگیرید علی‌رغم اینکه می‌تواند چند صد نفر را بین دو نقطه دور جابجا کند ولی در عین حال بسیار ضربه پذیر و حساس است. هیأت هم همینطور است که خیلی مؤثر است ولی خیلی باید مراقبت مسائل فکری و خطی آن بود تا جریانات و اهداف آن منحرف نشود و به مقصد برسد.

چه توصیه‌ای به مدیران هیأت‌های مذهبی کشور دارید؟

به همه عزیزان خسته نباشید و دست مریضاد می‌گویم. بنده با همه این مدیران در جلسات بوده‌ام و اکثر آنها را می‌شناسم که چگونه خالصانه بخاطر خدا و ائمه کار می‌کنند. من یقین دارم که اگر ما در کارمان اخلاص داشته باشیم خداوند در همه جهات دست ما را خواهد گرفت و کمکمان می‌کند. من اول به خودم و بعد به همه دوستان و همکارانم عرض می‌کنم که اخلاص اول و آخر همه کارهای ماست.

به عنوان حرف آخر اگر مانکته‌ای را نپرسیده‌ایم بفرمایید؟

در پایان می‌خواهم پادی کنم از رزمندگان و شهدای هشت سال دفاع مقدس و توصیه کنم که هیچگاه در هیأت موضوع شهدا و دفاع مقدس را فراموش نکنیم. باید از آنها الهام بگیریم که چگونه می‌توان کارهای نشدنی را با توکل به خدا و قوه ایمان، شدنی کرد. شهدایی که خطشان خط امام و ولایت بود و توانستند این همه زیبایی بیافرینند و جنگ را به دفاع مقدس تبدیل کردند. بی‌شک اگر ما هم یک‌دل و یک‌پارچه در خط آنها حرکت کنیم خیلی از مشکلات امروز نظام و مملکت حل می‌شود و موفق خواهیم شد.

هیأت

اربعین نقطه آغاز جاذبه مغناطیس حسینی

به قلم: سجاد نورپور

رسم پیاده روی از نجف تا کربلا، رسمی کهن در میان مردم عراق و مجاوران حرم علوی است که از حال و هوای خاصی برخوردار بوده و هست. ولی به درستی نمی دانیم که رسم پیاده روی اربعین از کی و توسط چه کسی یا کسانی بنیان نهاده شده است. آنچه مسلم است اینکه مراسمی باشکوه و تأثیرگذار در تکریم اربعین و تعظیم شعائر الهی است و چندسالی است که شیعیان و دوستان اهل بیت علیه السلام از سراسر جهان، به ویژه ایران اسلامی، همراه با شیعیان عراق در این مراسم با شکوه و معنوی شرکت می کنند و هر سال بر شکوه و تأثیرگذاری آن افزوده می شود.

آثار و برکات مراسم اربعین

مسلمانچنین مراسم ساده ولی باشکوه و پر عظمتی، از جنبه های گوناگون آثار و برکاتی را با خود به همراه داشته و دارد. در روایات ما تصریحاً یا تلویحاً رفتن با پای پیاده به زیارت امام حسین علیه السلام بزرگ شمرده شده و ثواب عظیمی برای آن وعده داده شده است. بنابر روایات ما هر گونه رنج و سختی که زائر در راه زیارت امام حسین علیه السلام بر خود هموار می کند، او را مستوجب پاداش الهی می نماید.

علی بن میمون صائغ از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: ای علی! به زیارت امام حسین علیه السلام برو و از این کار فروگذار نکن! عرض کردم: ثواب زیارت کننده او چیست؟ فرمود: هر کس پیاده به زیارت او برود، خداوند برای هر گامی که برمی دارد، حسنه ای برایش نوشته، گناهی از او پاک کرده و در جای به رتبه او می افزاید؛ هنگامی که به آنجا برسد، خداوند دو فرشته بر او می گمارد تا آنچه از اعمال خیر در زیارت او سر می زند، بنویسد و هر آنچه اعمال شر و زشت از او سر می زند، بنویسد و هر آنچه شر و زشت از او سر می زند ثبت نکنند. وقتی که قصد بازگشت می کند، با او وداع می کنند و می گویند: ای ولی خدا! بخشیده شدی! تو از حزب خدا، حزب رسول او و حزب اهل بیت رسول او هستی. به خدا سوگند! هرگز آتش جهنم را نخواهی دید و او هم تو را نمی بیند و بدنت هرگز طعمه آتش نخواهد شد.

جابر مکفوف از ابی الصامت نقل کرده که گفت: شنیدم امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس پیاده به زیارت امام حسین علیه السلام برود، خداوند برای هر قدمی که برمی دارد هزار حسنه برای او می دارد و هزار گناه او را پاک می کند و رتبه او را هزار درجه بالا می برد.^۱

۱. رک: محمد حسن اصطهباناتی، کتاب نور العین، فصل اول

علت تأکید و توصیه نسبت به پیاده روی اربعین

با نگاه به روایات و احادیثی که درباره پاداش و اهمیت زیارت حضرت سیدالشهدا علیه السلام به ویژه در روز اربعین وارد شده است می توان به علت تأکید و سفارش اهل بیت علیهم السلام نسبت به اجرای این مراسم معنوی توأم با شور و هیاهوی معنوی پی برد. از جمله این روایات، حدیثی است درباره ثواب زیارت امام حسین علیه السلام با پای پیاده که از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «کسی که با پای پیاده به زیارت امام حسین علیه السلام برود، خداوند به هر قدمی که برمی دارد یک حسنه برایش نوشته و یک گناه از او محو می فرماید و یک درجه مرتبه اش را بالا می برد، وقتی به زیارت رفت، حق تعالی دو فرشته را موكل او می فرماید که آنچه خبر از دهان او خارج می شود را نوشته و آنچه شر و بد است را ننویسند و وقتی برگشت با او وداع کرده و به وی می گویند: ای ولی خدا! گناهات آمرزیده شد و تو از افراد حزب خدا و حزب رسول او و حزب اهل بیت رسول هستی، به خدا قسم! هرگز تو آتش را به چشم نخواهی دید و آتش نیز هرگز تو را نخواهد دید و تو را طعمه خود نخواهد کرد». به نظر این حدیث نورانی و دیگر احادیث از این دست به خوبی زوایای پنهان اهمیت و جایگاه انجام زیارت اربعین حسینی را آشکار می سازد.

۱. کامل الزیارات، ص ۱۳۴

پیشینه تاریخی سفر زیارتی اربعین

از نقل های تاریخی این گونه به دست می آید که تشرف به بارگاه ائمه اطهار علیه السلام با پای پیاده، از زمان حضور ائمه راجع بوده و در نقاط مختلف سرزمین اسلامی صورت گرفته است؛ ولی در قرن های گوناگون اسلامی و به مقتضای حکومت های مختلف، مشکلات بسیاری به خود دیده و همان گونه که زیارت ائمه اطهار علیه السلام در زمان ها و مکان های مختلف دچار سختی های فراوان بوده، این سنت نیز دارای فراز و نشیب بوده است. بی شک جابر بن عبدالله انصاری، نخستین زائر کربلای معلی در روز اربعین سال ۶۱ هجری است و از زمانی که وی در روز اربعین از مدینه به سمت کربلا راهسپار شد تا کنون بیش از ۱۳۷۰ سال می گذرد این سنت حسنه در سال های حضور ائمه معصومین علیه السلام با وجود حکومت سفاک و خونریز اموی و عباسی ادامه پیدا کرد و پس از آن نیز طی این سال ها علما و اولیای الهی برای زیارت سیدالشهدا علیه السلام در روز اربعین اهمیت و جایگاه والایی قائل بودند و با پای پیاده از نجف اشرف به سوی کربلا راهسپار می شدند. در عصر حکومت های شیعی مانند آل بویه و صفویه، حاکمان این دولتها به احیاء و ترویج این سنت حسنه اقدام کرده و سعی در تبلیغ آن بین شیعیان داشتند. ابن جوزی آورده است که جلال الدوله، یکی از نوادگان عضدالدوله، در سال ۴۳۱ ه. ق با فرزندان و جمعی از باران خود برای زیارت، رهسپار نجف شده و فاصله یک فرسنگی از خندق شهر کوفه تا حرم امام علی علیه السلام در نجف را پیاده و با پای برهنه رفت. شاه عباس صفوی نیز اهتمام بسیاری برای تبلیغ زیارت با پای پیاده داشت. علمای بزرگ عصر صفوی همچون مرحوم شیخ بهایی، برای رواج فرهنگ زیارت در بین مردم، در سال ۱۰۰۹ ه. ق از اصفهان عزم مشهد کرده و با پای پیاده به زیارت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام رفت. مرحوم اخوند خراسانی نیز به همراه اصحابش با پای پیاده به زیارت کربلا مشرف می شدند.

هیأت

سیره علمای گذشته و مراجع معاصر در پیاده روی اربعین

در برخی از منابع تاریخی آمده است که زیارت کربلا با پای پیاده در عصر مرجعیت شیخ مرتضی انصاری (۱۲۱۴- ۱۲۹۸ ق.) با شکوه تمام مرسوم بود ولی پس از وی، در برهه‌ای از زمان به ورطه فراموشی سپرده شد و رفته رفته عملی کم ارزش تلقی گردید؛ به نحوی که به اندکی از طبقه محرومین و فقرا اختصاص یافت. سرانجام به دست شیخ میرزا حسین نوری یار دیگر این مراسم احیا شد و دوباره در جامعه رونق گرفت. مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی که در معیت استاد خود محدث نوری بود، می نویسد:

«استاد ما، چون وضع را بدین منوال دید، به این شیوه خدا پسندانه (پیاده روی) همت گماشت و به آن ملتزم گشت و در عید اضحی برای حمل اثاث و بار سفر، حیوان کرایه می کرد؛ ولی خود و یارانش پیاده راه می رفتند و او به دلیل ضعف مزاج، نمی توانست مسافت بین نجف - کربلا را با گذراندن یک شب طی کند؛ همان طوری که رسم چنین بود. بنابراین، سه شب در راه بودند؛ و بر اثر این اقدام، در سال های بعد، رغبت مردم و صالحان به این موضوع بیشتر شد و دیگر عار محسوب نمی شد؛ به طوری که در برخی سال ها، تعداد چادرها و خیمه های راهپیمایان، به سی عدد می رسید و هر چادر به بیست تا سی نفر تعلق داشت و به این ترتیب، این سنت حسنه، دوباره مرسوم شد و رونق گرفت»^۱.

در طول تاریخ، علمای شیعه در هدایت و ترغیب شیفتگان حسینی نسبت به ادای سنت زیارت پیاده اباعبدالله علیه السلام در روز اربعین تأکید نموده و در رونق آن نقش اساسی داشته اند. در عصر مانیز مراسم پیاده روی کربلا در روز اربعین، در میان شیعیان و دوستداران اهل بیت علیهم السلام اهمیت بسزایی داشته و از دیرباز تا امروز علما و مراجع بزرگی همگام با زائران عراقی و مردم دیگر بلاد اسلامی در این اجتماع معنوی حضور یافته اند. مرحوم محدث نوری (۱۲۵۴ - ۱۳۲۰ ق) مؤلف کتاب «مستدرک الوسائل»، مرحوم سید محسن امین عاملی (م ۱۳۳۱ ق) مؤلف کتاب «اعیان الشیعه»، شیخ محمد حسین غروی اصفهانی (م ۱۳۲۱ ق) و میرزای نائینی (م ۱۳۱۵ ق) از عالمانی هستند که در این مراسم شرکت کرده اند.^۲

نقل خاطرات زیارت اربعین با پای پیاده توسط علمای گذشته نظیر میرزا جواد آقا ملکی تبریزی و علامه امینی صاحب الغدیر و همچنین فقهای چون آیات عظام ملکی تبریزی، بهجت، مکارم شیرازی، شبیری زنجانی، سیستانی، وحید خراسانی و جواد آملی و دیگران در دوران تحصیل در حوزه علمیه نجف نشان از علاقه و اشتیاق ایشان و تأکید و توصیه نسبت به این مراسم معنوی دارد.

میرزا جواد آقا ملکی تبریزی یکی از مراجع عالیقدر جهان تشیع که خود بارها پای پیاده از عتبه علویه، رهسپار عتبه حسینی شده است، درباره مراقبه و بزرگداشت روز اربعین حسینی چنین می گوید: «به هر روی بر مراقبه کننده لازم است که بیستم صفر (اربعین) را برای خود روز حزن و ماتم قرار داده بکوشد که امام شهید را در مزار حضر تش علیه السلام زیارت کند، هر چند تنها یک بار در تمام عمرش باشد، چنانکه حدیث شریف، علامت های مؤمن را پنج امر ذکر کرده است: ۵۱ رکعت نماز در شبانه روز، زیارت اربعین، انگشتن در دست راست کردن، پیشانی بر خاک گذاشتن و بلند بسم الله الرحمن الرحیم گفتن در نمازها»^۳.

علامه امینی مؤلف کتاب گرانسنگ «الغدیر» یکی دیگر از علمای برجسته عصر خود در حوزه علمیه نجف بود که هر سال به طور مداوم به پیاده روی اربعین همت می گماشت و در این سفر زیارتی، همواره تعدادی از مؤمنین او را همراهی می کردند. علامه امینی وقتی به نزدیکی کربلا می رسید، حالش منقلب می شد و قطرات اشک از چشمانش جاری می شد.^۴

۱. آقابزرگ تهرانی، نقباء الشیخ، ج ۱، ص ۳۴۹؛ رضا مختاری، سیمای فرزندانگان، ص ۱۹۳.
۲. محدث، جواد، فرهنگ زیارت، ص ۲۵۰.
۳. ترجمه المراقبات، کریم فیضی، صفحه ۸۵.
۴. علامه امینی، جرعه نوش غدیر، ص ۴۰.

ارزش و زیارت امام حسین علیه السلام در منابع اسلامی

روایات اهل بیت علیه السلام در فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام از راه دور و نزدیک در حد تواریع معنوی و دست کم در حد روایات مستفیض است.^۱ ۱۲ نفر امر جای شکی باقی نمی گذارد که زیارت آن حضرت از اعظم قربات الی الله است و هیچ عمل مستحبی در فضیلت به پای آن نمی رسد. امامان اهل بیت علیه السلام هم در گفتار و هم در رفتار بر این موضوع مهم تأکید کرده اند. پیشوایان شیعیان از هر فرصتی بهره می جستند تا یاد و حماسه امام حسین علیه السلام و یاران باوفای ایشان را روز به روز پر رونق تر نمایند تا در اثر غفلت ها و دشمنی ها اگر در فراموشی بر آن ننشیند.

بامروری گذر بر روایات ائمه معصومین علیه السلام به خوبی درمی یابیم که زیارت امام حسین علیه السلام گریه و سوگواری بر مصائب آن امام و بزرگداشت ایام شهادت آن حضرت و یاران مظلومش، در فرهنگ ناب تشیع از رتبه و جایگاه ویژه ای برخوردار است. تعبیر شگفت انگیز روایات اسلامی و احادیث رسیده از اهل بیت علیهم السلام در مورد ارزش و پاداش جانبازی و فداکاری در اسلام از ضرورت احیای فرهنگ شهادت طلبی و تأکید نسبت به زنده نگه داشتن حماسه کربلا و زیارت حضرت سیدالشهدا علیه السلام خبر می دهد که اجتماع اربعین و فرهنگ زیارت همگانی سیدالشهدا علیه السلام بهترین بستر برای تحقق این هدف مهم است. امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: خداوند خیر هر کس را بخواهد، دوستی امام حسین و حب زیارتش را در دل او قرار می دهد و برای هر کس بد بخواهد، بغض امام حسین و بغض زیارت او را در قلبش می افکند.^۳

حضرت رضا علیه السلام فرمودند: هر کس اباعبدالله را در کنار نهر فرات زیارت کند، مانند کسی است که خداوند را در بالای عرش زیارت کرده است.^۴

درباره پاداش و عظمت ثواب زیارت امام حسین علیه السلام روایت عجیبی را محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که فرمود: اگر مردمی دانستند چه برکاتی در زیارت امام حسین علیه السلام نهفته است، از اشتیاق زیارت او می مردند و نفس هایشان از حسرت به شماره می افتاد! گفتم مگر چه برکاتی در زیارت امام حسین علیه السلام نهفته است؟ امام علیه السلام فرمود: هر کس امام حسین علیه السلام را از روی اشتیاق زیارت کند، خداوند پاداش هزار حج مقبول و هزار عمره، پاداش هزار شهید از شهدای بدر، پاداش هزار روز هار، ثواب هزار صدقه مقبول و پاداش آزادی بنده ای در راه خدا را برای او مقرر می نماید.^۵

۱. متواتر در لغت به معنای پیاپی و مکرر است و حدیث متواتر، حدیثی است که شمار راویان آن در هر طبقه زمانی، به حدی باشد که تبانی آنان بر جعل حدیث، نزدیک به غیر ممکن باشد. در مورد احادیث متواتر، احتمال نقل در ست مضمون حدیث از معصوم گوینده آن، قطعی است. به نظر شیعه حدیث ثقلین و بخش هایی از واقعه غدیر خم از جمله این احادیث به شمار می آیند.
۲. در اصطلاح به حدیثی گفته می شود که راویان آن بیش از سه نفر و کمتر از حد تواریع باشد.
۳. الحر العاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۹۶.
۴. محمد بن الحسن الطوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۴۶.
۵. الحر العاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۵۳.

حقیقت زیارت اربعین زینب کبری سلام الله علیها

در گذشت. برخی دیگر گفته اند: حضرت به مصر هجرت نمود و در تاریخ پانزدهم رجب سال ۶۲ هجری در گذشت. ۳ برخی معتقدند بعد از ورود کاروان اهل بیت علیهم السلام به مدینه، دلیل روشنی نداریم که حضرت زینب از مدینه بیرون رفته باشد، بنابر این در مدینه در گذشت و در قبرستان بقیع دفن شد، اما مکان دفن او در بقیع مشخص نیست، همان طور که شخصیت های بزرگ دیگری از اهل بیت علیهم السلام در بقیع مدفون هستند و مکان قبر آنان مشخص نمی باشد. ۴ درباره مدت اسارت مدت اسارت حضرت زینب و حرکت آنان از شام به مدینه، مرحوم دکتر آیتی بر این باور است که تاریخ حرکت اهل بیت به شام، هنگام رسیدن آنان به دمشق، مدت توقف اسیران در مرکز حکومت یزد، تاریخ حرکت آنان از دمشق به مدینه و هنگام ورود آنان به مدینه، به درستی معلوم نیست. ۵

برخی نوشته اند که سر مطهر امام حسین علیه السلام روز اول صفر به شام رسید و چند روز بعد اسیران وارد شام شدند. ۶ روز هشتم ورود اهل بیت علیهم السلام به شام یزد آنان

آنگاه که دستور قتل سید الساجدین علیه السلام توسط ابن زیاد صادر گردید، زینب سلام الله علیها با شهامت تمام، امام سجاد علیه السلام را در آغوش گرفت و فرمود: «اگر خواستی او را بکشی مرا هم بکش». به دنبال اعتراض زینب سلام الله علیها، ابن زیاد از کشتن امام پشیمان شد. ۲ کاروان آزادگان به دمشق رفت. در شام نیز زینب سلام الله علیها توانست افکار عمومی را دگرگون نماید. جلسه ای یزد به عنوان پیروزی ترتیب داده بود و در حضور بازماندگان واقعه کربلا، سربریده حسین علیه السلام را در تشریف نهاد و با جوب دستی به صورتش می زد. زینب کبری سلام الله علیها با سخنرانی خویش غرور یزد را در هم کوفت و او را از کرده خویش پشیمان کرد. سرانجام یزد مجبور شد کاروان را با احترام به مدینه برگرداند. در مدینه نیز زینب سلام الله علیها، پیام آور شهیدان، ساکت ننشست. او با فریادش مردم مدینه را بر ضد حکومت یزد شوراند. حاکم مدینه در پی تبعید حضرت زینب سلام الله علیها برآمد. به نوشته برخی حضرت به شام سفر نمود و در همان جا

حضرت زینب سلام الله علیها، پس از حادثه کربلا حدود یک سال و شش ماه زندگی کرد. حضرت در کاروان اسیران، همراه دیگر بازماندگان قافله کربلا به کوفه و سپس به شام برده شد. اگر چه رهبری بازماندگان بر عهده امام سجاد علیه السلام بود، زینب کبری سلام الله علیها نیز سرپرستی و نگهداری از یتیمان را بر عهده داشت.

سخنرانی قهرمانانه زینب سلام الله علیها در کوفه، موجب افشاگری دستگاه جور اموی شد: آنگاه که در برابر عربده عبید الله بن زیاد، که به پیرویش می نازید و مستانه می گفت: «کیف رأیت صنع الله یا خیک و اهل بیتک؟» (کار خدا را نسبت به برادرت و خاندانت چگونه دیدی؟) با صلابت و شجاعت پاسخ داد: «ما رأیت الا جمیلا، هؤلاء قوم کتب الله علیهم القتل فیکرزوا الی مضاجعهم، و سیجمع الله بینک و بینهم، فتحتاج و تخصم؛ من جز زیبایی و نیکی ندیدم، آنها گروهی بودند که خداوند شهادت را بر ایشان مقرر کرد و آنان نیز به آرامگاه خویش شتافتند. به زودی خداوند تو و آنان را در روز قیامت اگر د خواهد آورد و میان شما داوری خواهد کرد» ۱.



هیات

ب) اقوالی در رد نظریه رسیدن اهل بیت علیهم السلام به کربلا

البته برخی دیگر از دانشمندان و مورخان نیز در طول تاریخ بر این باور بوده اند که امکان رسیدن کاروان اسرا در اربعین اول به قبر سید الشهدا و زیارت آن محال به نظر می رسد. شیخ مفید در ارشاد، ابو مخنف در مقتل الحسین، بلاذری در انساب الاشراف، دینوری در اخبار الطوال و ابن سعد در الطبقات الکبری، اشاره ای به بازگشت اسرا به کربلا نکرده اند. (۱۱) شیخ مفید در «مسار الشیعه» آورده است: «روز اربعین، روزی است که اهل بیت امام، از شام به سوی مدینه مراجعت کردند. نیز روزی است که جابر بن عبدالله برای زیارت امام حسین علیه السلام وارد کربلا شد» (۱۲) ولی اشاره ای به رسیدن اسرا به کربلا در روز اربعین نکرده است.

علیهم السلام به کربلا در اربعین اول

سید بن طاووس در «لهاوف»، اربعین را روز رسیدن اهل بیت امام حسین علیه السلام به کربلا دانسته و چنین آورده است: «وقتی اسرای کربلا از شام به طرف عراق بازگشتند، به راهنمای کاروان گفتند: ما را به کربلا ببر. بنابراین آن ها به محل شهادت امام حسین آمدند. سپس در آن جا به اقامه عزاء و گریه و زاری برای ابا عبدالله پرداختند...» (۸) ابن نما حلی نیز روز اربعین را روز بازگشت اسرا از شام به کربلا و ملاقات آن ها با جابر و عده ای از بنی هاشم ذکر کرده است. (۹) مرحوم شهید سید علی قاضی اولین شهید محراب، کتابی در بازگشت اسرا به کربلا در اربعین اول به رشته تحریر در آورده اند مراجعه شود. (۱۰)

را احضار کرد و بین ماندن در شام یا رفتن به مدینه آزاد گذاشت، که آنان رفتن به مدینه را انتخاب کردند. (۷)

اما سوال اینجاست که پس از عزم کاروان اسرا برای بازگشت به مدینه آیا این قافله از کربلا عبور کردند یا نه؟ کسانی که معتقدند کاروان اهل بیت امام حسین علیه السلام به کربلا بازگشت، در تاریخ و زمان این بازگشت اختلاف دارند، بعضی از دانشمندان با توجه به مسافت و زمان حرکت کاروان اسرا به کوفه و شام و مدت توقف آنها در آنجا، اربعین اول را بعید می دانند، اما عده ای دیگر این امر را با توجه به ادله ای که می آورند امکان پذیر می دانند که نظر این دو دسته را در ادامه می خوانیم.

الف) نظریه رسیدن اهل بیت

۱. لهاوف، ص ۲۱۸-۲۲۰؛ مقرر، مقتل الحسین، ص ۳۲۴؛ ارشاد، ج ۲، ص ۱۴۴.
۲. ارشاد، ص ۱۱۶-۱۱۷؛ بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۱۷.
۳. زینب پیام آور عاشورا، سید عطاءالله مهاجرانی، ص ۲۸۷، ۳۴۷-۳۴۸-۳۵۲.
۴. اعیان الشیعه، ج ۷، ص ۱۴۰.
۵. علی نجاتی، قطعه ای از پشت، ج ۲، ص ۶۰۷.
۶. علامه شعرانی، دمع السجود، ترجمه نفس المهموم، ص ۲۸۷-۲۸۹.
۷. علامه شعرانی، دمع السجود، ترجمه نفس المهموم، ص ۵۲۴.
۸. لهاوف فی قتلی الطفوف، السید ابن طاووس، ص ۱۱۴، چاپ: اول، سال چاپ: ۱۴۱۷.
۹. مشیر الاحزان، ابن نما الحلی، ص ۸۶، سال چاپ: ۱۳۶۹-۱۹۵۰م، ناشر: المطبعة الحیدریه - النجف الاشرف.
۱۰. قاضی، سید محمد علی، تحقیق درباره اول اربعین حضرت سید الشهداء، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، تهران، ۱۳۸۲ ه ش.
۱۱. جعفریان، رسول، تأملی در نهضت عاشورا، قم، ص ۲۱۶، ناشر: انصار بیان.
۱۲. مسار الشیعه (المجموعه)، الشیخ المفید، ص ۲۶، سال چاپ: ۱۴۰۶، ناشر: مکتب آیه الله العظمی المرعشی النجفی - قم.

حضرت آیت الله امام خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب درباره اهمیت پاسداشت و بزرگداشت روز اربعین حسینی در بیانی فرمودند: «شروع جاذبه مغناطیس حسینی در روز اربعین است، جابر بن عبدالله را از مدینه بلند می‌کند و به کربلا می‌کشاند، این همان مغناطیسی است که امروز هم با گذشت قرن‌های متمادی در دل من و شما هست». 'فارغ از نقدهایی که به چگونگی برپایی مراسم پیاده‌روی اربعین وارد می‌دانیم و آسیب‌هایی که لازم است رفع شود تا این مراسم به اهداف مقدس و ارزشمند خود برسد، مسلماً فوائد مهمی بر آن مترتب است که پرداختن هزینه‌هایی به مراتب بیش از این را تجویز می‌کند؛ در ادامه به پاره‌ای از کارکردهای ارزشمند و مفید پیاده‌روی اربعین اشاره می‌کنیم:

ماهیت و کارکردهای اجتماع بزرگ اربعین

هیأت

امام حسین علیه السلام مظهر رحمت، هدایت و راهی بخشی خداوند است. امام خلیفه خدا بر زمین و سرپرست مؤمنان است. حضور در محضر امام و بیعت با او و اظهار وفاداری به آرمان‌ها و ارزش‌های او شرط یابی به ساخت ایمان و ولایت خداست. آفریدی که با پای پیاده از نجف تا کربلا می‌رود و پایان سفرش حضور در مضجع امام و اعلان بیعت با اوست، در واقع نوعی مهاجرت نمادین را از خود به سمت امام به نمایش می‌گذارد. پیاده روی به سوی حرم امام حسین، بازسازی نمادین هجرت از خودخواهی به سوی خداخواهی و گذاردن دست بیعت و اطاعت در دست ولی خداست. زائر، بارفتار نمادین خود، از زرقای وجود هجرتی را به سوی ولی خدا شکل می‌دهد که در همه ابعاد و ساخت‌های وجود او (فکری، احساسی و رفتاری) تأثیری شگرف می‌گذارد و او را آماده اطاعت و طلبانه و جان‌نثاری در راه خدا، به فرمان ولی خدا، می‌گرداند. دقت در صورت و معنای مناسک را آموخته و نشان می‌دهد که بخش فراوانی از رفتارهای دینی دیگر، رفتارهایی نمادین و نشانه خضوع و فرمان برداری می‌دهیم، مناسک حج، ... و بسیاری از رفتارهای دینی دیگر، رفتارهایی نمادین و نشانه خضوع و فرمان برداری از خداوند متعال است. اگر زائر حسینی در پیاده‌روی به سوی حرم امام حسین به این جنبه از عمل توجه کند، سفر او و سختی‌هایی که بر بدن خود وارد می‌کند، او را از لحاظ روحی و معنوی آماده و روبرو به ساخت ولایت ولی خدای سازد و فکر، عاطفه و عمل او را در جهت اطاعت از امام و بهرگیری از هدایت تام و کامل او، که همان هدایت الهی و اطاعت از خداست، حرکت می‌دهد. از سوی دیگر سنت پیاده‌روی اربعین، نوعی اعلام آمادگی برای جانفشانی در راه امام حسین علیه السلام است چه جانی و مالی، چه قدمی و چه قلمی؛ به عبارت دیگر، آن‌هایی که در این ایام به زائران حسینی خدمت کنند و از جان و مالشان بذل می‌کنند به نوعی آمادگی دارند که اگر امامی از نسل سیدالشهدا علیه السلام به این دنیا آمد و یار طلبید، جان و مال خویش را در مسیر یاری او نثار کنند. زائر امام حسین علیه السلام در زیارت اربعین، با امام حسین علیه السلام و اهل بیت و امامان معصوم علیه السلام تجدید میثاق می‌کند. یعنی ابراز وفاداری نسبت به آنان و راه و مرامشان، ابراز عداوت و برانگیختن نسبت به قاتلان و دشمنان آنان، توبی و تبری، اعلام آمادگی برای جان‌فشانی در راه مقدس آنان، بیان مواضع و همبستگی با خط نورانی اهل بیت پیامبر، تبعیت و تسلیم و نصرت، شناخت چهره‌های حق و باطل و رهبران «نور» و «تار» و مسئله جهاد و شهادت و خط‌ایثارگری در راه مکتب و عقیده، که دستاوردها و شناخت فلسفه عاشورا و قیام حسینی است.

اعلام
بیعت، نصرت
و هجرت به سوی
حجت خدا

عظمت مکتب تشیع و زمینه سازی ظهور

پیاده روی میلیونی شیعیان در روز اربعین، یکی از بزرگ ترین تجمعات بشری در طول تاریخ را به نمایش می گذارد. این نمایش قدرت و عظمت که به بهانه عشق به سیدالشهدا علیه السلام حول پرچم پرافراشته عاشورا و کر بلادر میان پیروان همه ادیان و مذاهب جهان شکل گرفته است همه و همه نمایش عظمت اسلام و عرصه ای مهیا است به منظور کسب آمادگی برای ظهور آخرین ولی مطلق و ذخیره الهی از نسل امام حسین، همو که مهدی موعود و نجات بخش مستضعفان جهان است. چنین اجتماع با شکوهی پیامی بجز پیروزی حق بر باطل و آغاز شکل جدیدی از نبرد فرهنگی با طواغیت زمانه ندارد و مختص به زمان و عصر خاصی نیست. این است راز معرفی امام زمان (عج) در عصر ظهور!

معرفی مهدی موعود و تبلیغ آموزه های مهدوی

مضمون روایات می گوید که وقتی امام زمان (عج) ظهور می کنند، خطاب به اهل عالم پنج ندا سر می دهند: «أَلَا يَا أَهْلَ الْعَالَمِ إِنَّ جَدِّي الْحُسَيْنَ قَتَلُوهُ غَطْشَانًا، أَلَا يَا أَهْلَ الْعَالَمِ إِنَّ جَدِّي الْحُسَيْنَ سَحَقُوهُ عِدْوَانًا...»؛ یعنی حضرت خودش را به واسطه امام حسین علیه السلام به همه عالم معرفی می کند؛ بنابراین در زمان ظهور همه مردم عالم باید حسین علیه السلام را شناخته باشند. اما اکنون آیا همه مردم عالم، حسین بن علی علیه السلام و حماسه رشادت و شهادت او را می شناسند؟ به یقین خیر! و این تقصیر ماسست، چون ما برای سیدالشهدا علیه السلام طوری فریاد نزدیم که همه عالم صدای ما را بشنود. می توان گفت پیاده روی اربعین بهترین فرصت برای معرفی امام حسین علیه السلام به همه عالم است.

هیأت

تقویت هویت شیعی

شیعه از همان ابتدای شکل گیری در زمان پیامبر تاکنون، تاریخ پرفراز و نشیب، خونبار و دشواری را پشت سر گذشته است. شیعیان همواره اقلیتی تحت ستم و جفا بوده و قدرت های حاکم، خواهان هضم آن ها در اکثریت، بلکه نابودی آن ها بوده اند. امروزه که دشمنی با اسلام و تشیع ابعاد به مراتب خطرناک تر و کشنده تری را به خود گرفته و دشمن با ابزارهای مختلف فرهنگی، سیاسی و نظامی در صدد نابودی مکتب تشیع است، و خاموش کردن چراغ اهل بیت علیهم السلام است. استفاده از همه ابزارهای مشروعی که به تقویت هویت مذهبی و تحکیم انسجام درون مذهبی و نمایش اقتدار و صلابت شیعه در برابر قدرت های ظالم جهان مدد می رساند، وظیفه ای مهم و ضروری است. فرزندان ما باید به شیوه های گوناگون با هویت مذهبی شیعی خود آشنا شوند و آن را در درون خود ریشه دار کنند. سوگواری سالار شهیدان حضرت اباعبدالله یکی از مؤثرترین رسومی است که به تبیین و ترویج معارف اسلامی و تقویت پایه های فرهنگ اهل بیت در طول تاریخ باری رسانده است. مراسم پیاده روی اربعین که با حضور عاشقانه و خالصانه دوستان اهل بیت، فارغ هر ملیت و زبان، انجام می گیرد، یکی از بهترین فرصت های آشنایی و تعمیق روابط معنوی، سیاسی و فرهنگی شیعیان جهان است. این مراسم در قالبی ساده، ملایم و نرم و عاری از هر گونه خشونت و تعرض به دیگر فرق اسلامی، شیعیان را به عنوان امتی مقتدر و با صلابت معرفی کرده و ضمن به نمایش گذاردن مناسک شیعی، پیام وحدت، یکپارچگی و هوشیاری آن ها را به دشمنان و بدخواهان فریاد می زند. البته این مهم وقتی به کمال خود قابل دست یابی است که زائران حرم حسینی در کنار شور و هیجان مقدسی که در این مراسم از خود نشان می دهند، جنبه های معرفتی آن را نیز دریابند و با توجه به آن در این مراسم شرکت کنند. از این رو یقیناً مسئولیت عالمان دینی، خصوصاً نهاد مقدس مرجعیت دینی شیعه، در جهت افزایش معرفت شیعیان و آشنا کردن هر چه بیش از پیش زائران به فرهنگ ناب عاشورا، مسئولیتی مهم و اجتناب ناپذیر است. بنابراین توجه به ظرفیت های عظیم این مراسم و نیز تامل در آسیب هایی که می تواند بر جنبه های مثبت آن سبب افکند و آن را در حد یک رفتار هیجانی فروکش کننده تنزل دهد، ضروری می نماید.

بررسی سیره و زندگی تمامی تربیت شدگان مکتب هیأت، در این مجال نمی‌گنجد، لکن اشاره به برخی از آن شخصیت‌ها، در چیه‌ای است تا بتوانیم آن ستارگان را بشناسیم و بوسیله آنها راه را پیدا کنیم: «وَبِالْآخِرِ هُمْ يَهْتَدُونَ». برخی از ستارگان افلاکی که در دنیای تاریک ما خوش درخشیدند و آسمانی شدند عبارتند از:

شهید سید مصطفی صدرزاده

مصطفی صدرزاده دلاور مرد هیأتی بانام جهادی سید ابراهیم، از دیار شوشتر قهرمان پرور، ولی بزرگ شده شهرستان ورامین است که در تاریخ یکم آبان ۱۳۹۴ مصادف با تاسوعای حسینی در شهر حلب سوریه شهید شیرین شهادت نوشید ۳ درود خدا بر مادرانی که بذر محبت اهل بیت علیه‌السلام را در دل کودکان خود قرار می‌دهند و فرزندان خود را برای سربازی امامشان آماده می‌کنند. مادر مصطفی هم از سه سالگی، او را نذر حضرت عباس می‌کند. با این نذر، مادر فرزند دلیندش مصطفی را به خادمی حضرت عباس در آورد و دیگر او را از آن خود نمی‌داند. همه دوران نوجوانی و جوانی اش را هم صرف خادمی در هیأت و مسجد می‌کند و به عنوان افسر جنگ نرم در بستر هیأت برای امام زمانش یارگیری می‌کند. مادر شهید صدرزاده خاطره نذرش را اینگونه تعریف می‌کند:

«خاطر هست مصطفی سه سال داشت و آن روز طبق روال هر سال در خانه مادرم برای ظهر تاسوعا روضه گرفته بودند. در مجلس روضه نشسته بودیم که یک دفعه خانمی در را باز کرد و هر اسان گفت: موتوری زد بچه‌تان را کشت. من می‌دانستم که آن بچه، مصطفای من است، چون مصطفی خیلی شیطان داشت و بچه خودم را خوب می‌شناختم. حالم دگرگون شد طوری که دیگر نتوانستم تادم در بروم. همین که چشمم به کتیبه «یا ابوالفضل العباس» خورد گفتم یا حضرت عباس مصطفای من را نگهدار! او را سربازت می‌کنم. این اتفاق دقیقاً یک ربع قبل از ظهر تاسوعا افتاد و این نذر چیزی بود بین خودم و خدای خودم حتی به پدرش هم نگفته بودم. در مراسم روضه خانه مادرم رسم بود هر سال روز تاسوعا برای سلامتی مصطفی شیر پخش می‌کردیم». ۴

از روزی که مادر مصطفی در سه سالگی او را نذر علمدار کربلا کرد چهارده سال گذشت و اکنون مصطفی نوجوان ۱۷ ساله‌ای شده است. شور کربلا در سر دارد و در دلش عاشورایی برپاست. در همین حال و هوا به اتفاق دوستان و رفقای هم محلی اش یک هیأت می‌زنند و خبرش را برای مادر می‌آورد. مادرش می‌گفت وقتی این خبر را شنیدم از ته دل خوشحال شدم و نام هیأت را از مصطفی پرسیدم: «وقتی مصطفی گفت: اسم هیأت «ابوالفضل العباس علیه‌السلام» است. من خیلی خوشحال شدم و اشک در چشمانم حلقه بست. آن موقع بود که ماجرای نذر مرا برای پسر تعریف کردم». ۵

بچه هیأتی واقعی از دام شیطان می‌رهد

به استناد آیات قرآن کریم، شیطان همواره برای جبهه‌ی حق موانعی را قرار می‌دهد و هر مؤمنی را به تناسب حال و موقعیتش دچار غفلت و افت می‌کند. مصطفی از همان جوانی خود را از شر کید شیطان نفس به آستان امن الهی می‌سپارد و برای در امان ماندن از ریا، سمعه، تکبر، خود ستایی، تنگ نظری و آفات زمان خودش و دوستان هیأتی اش را اینگونه متذکر می‌شود و در نامه‌ای به طور صریح از برنامه‌های شیطان برای جوان مؤمن مجاهد پرده برداشته و نقشه‌ی شیطان را برایشان فاش می‌نماید:

«چند نکته را به حسب وظیفه به شما سفارش می‌کنم: ۱- وقتی کار فرهنگی را شروع می‌کنید اولین چیزی که باید بچنینگیم خودمان هستیم. اولین مشکل، مشکل تنبلی و سهل انگاری است؛ ۲- وقتی که کارتان می‌گیرد و دورتان شلوغ می‌شود تازه اول مبارزه است زیرا شیطان به سراغتان می‌آید اگر فکر کرده‌اید که شیطان می‌گذارد شما به راحتی برای حزب الله نیرو جذب کنید، هرگز؛ ۳- تا جای که می‌توانید از تفرقه‌فرار کنید که عامل تفرقه غیبت و خبر چینی است؛ ۴- اگر می‌خواهید کارتان برکت پیدا کند به خانواده شهدا سرزنید، زندگی نامه شهدا را بخوانید سعی کنید در روحیه خود شهادت طلبی را پرورش دهید؛ ۵- سخنان مقام معظم رهبری را احتما گوش کنید، قلب شمارا بیدار می‌کند و راه درست را نشان می‌دهد؛ ۶- عای ندبه و هیأت چهارشنبه را محکم بچسبید؛ ۷- خودسازی دغدغه اصلی شما باشد؛ ۸- با دقت و تأمل در دغدغه‌های فکری این شهید بزرگوار و نصایح و تذکرات او به زیبایی روایت امیرالمومنین علی علیه‌السلام تداعی می‌شود که حضرت می‌فرماید:

«مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَدِّبْ تَعْلِيمَ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ، وَلْيَكُنْ تَأْدِيبُهُ سَبْرًا قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ، وَمَعْلَمُ نَفْسِهِ وَ مَوْدِيهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنَ مَعْلَمِ النَّاسِ وَ مَوْدِيهِمْ»؛

هر که خود را در مقام پیشوایی مردم قرار دهد باید پیش از تعلیم دیگران، به تعلیم خود بپردازد و پیش از آنکه به زبانش تربیت کند، با رفتار خود تربیت نماید و کسی که آموزگار و مربی خود باشد بیشتر سزاوار بزرگداشت است تا آن که آموزگار و مربی دیگران است». ۷



قربانیان هیأت!

هیأت

به قلم: رسول زمانی

آنانی که از کوثر هیأت شربت شهادت نوشیدند و تذکره شهادتشان به دست سیدالشهدا علیه‌السلام امضا شد؛ بچه هیأتی‌هایی که تا آستان کبریایی حضرت دوست پر کشیدند؛ به بهانه سالروز شهادت مصطفی صدرزاده شهید مدافع حرم

هیأت مفهومی است که نه فقط نوعی تشکل مذهبی بر محور عزاداری برای سیدالشهدا و ائمه اطهار علیهم‌السلام است؛ بلکه پایگاهی برای تربیت انسان‌های مبارز و انقلابی بوده و است. نقش محوری مساجد و هیأت‌های امام حسین علیه‌السلام در خدادهای مهم تاریخ مثل پیروزی انقلاب اسلامی غیر قابل انکار است؛ چنانکه بسیاری از تجمع‌های مردمی و برنامه‌های تبلیغاتی در حمایت از حضرت امام (ره) و اعتراض به رژیم طاغوت در بستر هیأت‌های مذهبی شکل گرفت. هیأت‌هایی که نهضت حضرت روح الله را امتداد نهضت حضرت اباعبدالله علیه‌السلام می‌دیدند و همین سلوک، منشاء مقاومت و ایستادگی آنها در پیروزی انقلاب اسلامی شد. بدون شک در طول چهل سال انقلاب اسلامی حضور مستمر و چشم‌گیر نیروهای مومن مجاهد در جبهه‌های هشت سال دفاع مقدس (بیش از ۹۵ درصد شهدای دفاع مقدس مسجیدی و هیأتی بودند)، جبهه‌های مقاومت در کشورهای اسلامی، جبهه‌های مقابله با گروهک‌های تروریستی و منافقین و حتی در مقابله با حوادث غیر مترقبه‌ای مثل سیل و زلزله، مرهون تربیت معنوی و اخلاقی هیأت‌هایی است که زیر بیرق اهل بیت علیه‌السلام این گونه استعدادهایی را شکوفا نموده تا در دفاع همه جانبه از اسلام ناب و پیشبرد اهداف و آرمان‌های انقلاب و زمینه‌سازی ظهور حضرت ولی عصر (عج) مؤثر واقع شوند. حضرت امام خامنه‌ای (حفظه الله) درباره امتیاز و اهمیت جایگاه اجتماعات دینی می‌فرمایند: «ما مسلمان‌ها و به خصوص ما شیعیان، امتیازی داریم که دیگر ملیت‌ها و ادیان این امتیاز را به قدر ما ندارند و آن عبارت است از اجتماعات دینی که به شکل روبه‌رو، چهره به چهره و نفس به نفس تشکیل می‌شود که این را در جاهای دیگر دنیا و در ادیان دیگر کمتر می‌شود پیدا کرد. هست؛ نه به این قوت، نه به این وسعت، نه به این تأثیر گذاری و محتواهای راقی».^۱

شهید
محمد حسین
حدادیان



شهید
عبدالصالح
زارع

شهید عبدالصالح زارع از مدافعان بابل سری است که بسیجیان و اهالی راهیان نور، غالباً خادمی او را در فک به یاد دارند. عبدالصالح در ۲۶ فروردین ۱۳۶۴ در خانواده‌ای مذهبی در شهر بهنمیر از توابع شهرستان بابل سر متولد شد و در ۱۶ بهمن ماه سال ۱۳۹۴ در شمال شهر حلب در کشور سوریه به شهادت رسید. صالح هم مانند همسرش شهیدش مصطفی صدرزاده دلدادگیهای خود را در کوی محبت حسین علیه السلام نجوا می کرد و همه ایام خوش جوانی و نوجوانی او در هیأت و خیمه عزای سیدالشهدا علیه السلام رقم خورده بود. از دوستانش که از مرام و سیره اش می پرسیدیم می گفتند عبدالصالح مشتری همیشه عاشرهای قتلگاه فکه بود. بایش فرقی نمی کرد زمستان باشد یا تابستان، دور باشد یا نزدیک؛ مهم این بود که با شهدای فکه عهدی دیرینه داشت و در رملهای تقدیده اش گمشده ای داشت. ایام تاسوعا و عاشورای هر سال به رسم چندین ساله خودش را به فکه می رساند. دلش را یکجاذبه قدمگاه مرتضی آوینی و شهدای والفجر کرده بود. برای دلش کربلایی ساخته بود و برای ارباب خیمه های برافراشته در میان صحرای فکه.

آری انسان های تربیت شده و تکامل یافته در مکتب اهل بیت علیهم السلام و مکتب آزادی بخش امام حسین علیه السلام، همچنان که سید و سالار شهیدان در مصاف با لشکر دشمن همواره آنها را به اردوگاه حق دعوت می کرد و راه سعادت و بهشت را برایشان به تصویر می کشید؛ آنها نیز هیچ کاه تنها به خود و رشد و تکامل فردی نمی اندیشند، بلکه غایت سیر و سلویشان را در دستگیری و امداد دیگران می دانند و چراغی می شوند برای هدایت؛ چون وجودشان نور و روشنایی است. یکی از ویژگی های برجسته صالح دستگیری از جوانان و دوستان دور و برش بود. جوانی در همسایگی او بود که بد زبانی و قلدری اش، شهره می محل بود. اهل نماز و روزه هم نبود. صالح اصرار داشت بهانه ای پیدا کرده و با او طرح دوستی بریزد. بعضی ها که از قصدش مطلع شدند، مخالفت کرده و گفتند تلاشت بی نتیجه خواهد ماند. چرا که آن جوان به نظر همه ی کسانی که سوابق او را در محل می شناختند آدمی نبود که به هیچ صراطی مستقیم باشد. صالح هم یک مبنا برای خودش داشت که نمی توانست از آن دست بردارد. می گفت: "این جوان غافل است ولی من که نباید نسبت به انحراف او بی تفاوت باشم". خیلی وقت صرف کرد و زحمت کشید. آخرش توانست با او طرح دوستی بریزد و به کلی مسیر زندگی اش را عوض کند. به راستی این است مرام و مسلک رهروان مکتب اهل بیت علیهم السلام و آنان که با مرام خادمی و سینه زنی هیأت امام حسین علیه السلام تربیت شده اند. این است سیره حسینی شهیدی که هر سال با سینه زنی و ناله هایش در مجالس عزاداری سید و سالار شهیدان به جمع زائران شهدای فکه شور و حال ویژه ای می بخشید.

یکی از عوامل حادثه ی کربلا و عدم نصرت ابا عبدالله الحسین توسط عده ای از شیعیان و مردم کوفه این بود که آن ها در زمان لازم امام خود را یاری نکردند و سرانجام زمانی از خواب غفلت بیدار شدند که دیگر خیلی دیر شده بود و امام زمانشان را به قتلگاه برده بودند. پس از آن نیز پشیمانی و توبه به جایی نرسید و همه نصرت و یاری آنها در قیامی با عنوان «نهضت توأبین» خلاصه و این غائله خیل زود و بی صدا خاموش شد. امام علی علیه السلام می فرماید: «کسی که به هنگام یاری ولی (رهبر) خود، بخوابد با لگد دشمن از خواب بیدار خواهد شد».

محمد حسین حدادیان شهیدی از جنس کربلاست. شهیدی از جنس هیأت و سینه زنی. او که وقایع تاریخ اهل بیت علیه السلام از خانه ی حضرت زهرا سلام الله علیها تا صلح امام حسن علیه السلام و قیام کربلا را با همه ی وجود پای منبرهای هیأت فهم کرده بود، توانست به خوبی زمانه و تکلیف را در برهه های حساس بشناسد و تا آخرین نفس در راه عمل به تکلیف ایستادگی و استقامت کند. مادر شهید درباره اهتمام پسرش در عرصه های انقلابی و پای ادای تکلیف می گوید: «محمد حسین شب حادثه پیش من بود. به من گفت: مامان خیابان پاسداران شلوغ شده و تیراندازی است. به او گفتم: تو نور و دل تیراندازی، مسئولان رسیدگی می کنند. گفتم: می دانی تو بسیجی هستی و بسیجی همیشه با دست خالی هم سینه اش سپر است و با عشق می رود، ولی تو نور مادر، اول حرفی نزد. اذان مغرب را که گفتند، وضو گرفت و گفت می خواهم بروم هیأت، می دانستم می رود محل درگیری، می شناختمش، محل بود برای دفاع نرود. همیشه می گفت: همه ما سرباز این نظام هستیم. وقتی می خواست از در خانه بیرون برود به من نگاه کرد و خندید. گفتم: محمد حسین من دایم بهت زنگ می زنم. خندید و گفت: باشه مامان ولی حالا نمی خواهد تند تند زنگ بزنی. موقع رفتن دستش را به احترام روی سینه اش گذاشت و تعظیم کرد. باز گفتم: مادر نرو. حرفی نزد، حتی یک چشم هم نگفت که باز رفتنش به من دروغ گفته باشد».

مادر شهید پس از بیان واقعه شب شهادت پسرش، به روحیات و مرام او اشاره می کند و می گوید محمد حسین عاشق هیأت بود؛ مخصوصاً برای حضرت زهرا سلام الله علیها خیلی ارزش قائل بود. سپس ادامه داد:

«آن شب محمد حسین به هیأت رفت. پسر من به عزای آل الله اهمیت می داد. برای عزای اهل بیت لباس مشکی می پوشید. در ایام فاطمیه در هر دو دهه مشکی می پوشید. محرم که از راه می رسید انگار فصل بهار زندگی اش از راه رسیده باشد. همه اش می گفت دارد محرم می آید. بعد از شهادت محمد حسین جوانی که همان شب در هیأت حضرت زهرا سلام الله علیها با محمد حسین آشنا شده بود به خانه ما آمد و برایم تعریف کرد: محمد حسین را در هیأت دیدم و همان شب با هم دوست شدیم. سینه زدن ها و حال و هوای محمد حسین من را به خودش جذب کرد و شیفته اش شدم. لباسش خیس عرق بود. ساعت ۱۱ بود که دیدیم محمد حسین می خواهد از هیأت خارج شود، از محمد حسین پرسیدم: فردا شب هم می آیی؟ گفت: بله، حتماً، من هیأت حضرت زهرا سلام الله علیها را ترک نمی کنم. امروز فهمیدم محمد حسین شهید شده است. من در هیأت با محمد دوست شده بودم اما باور کردنی نبود که محمد حسین ظرف چند ساعت بعد از آشنایی من، شهید شده باشد».

محمد حسین آنقدر عاشق اهل بیت علیهم السلام و رخت عزای آنها بود که وقتی در وسط عزاداری از بچه های بسیجی در خواست می شود که خود را به خیابان پاسداران برسانند، با همان لباس مشکی و عرق سینه زنی و عزای حضرت زهرا سلام الله علیها که بر جاننش نشسته بود راهی می شود و چند ساعت بعد، حوالی اذان صبح اول اسفند ماه شهادتش رقم خورده. به راستی چه حکایتی است که شهادتش با لباس عزای هیأت و در شب شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها رقم خود.



۱. بیانات، رهبر انقلاب در دیدار مادحین و متولیان هیئات مذهبی؛ ۱۳۸۷/۰۴/۰۴.
۲. نجل، آیه ۱۶.
۳. برگرفته از سایت شبکه ملی مدارس رشد؛
آدرس خبر: <http://old.roshd.ir/Default.aspx?tabid=۷۴۸>
۴. گفتگوی با مادر شهید به نقل از خبرگزاری دانشجو؛
کد خبر: ۶۵۲۰۶۱/ <https://snn.ir/fa/news-۶۵۲۰۶۱>
۵. همان.
۶. برگرفته از سایت شبکه ملی مدارس رشد؛
آدرس خبر: <http://old.roshd.ir/Default.aspx?tabid=۷۴۸>
۷. نهج البلاغه، خطبه ۷۳.



سیری در سیره نورانی

سردار اسلام

شهید حاج حسن تهرانی مقدم

پدر موشکی ایران و جانشین

نیروی هوا فضای سپاه پاسداران

انقلاب اسلامی در آستانه

سالگرد شهادت اش

رزمنده‌ای که می‌خواست اسرائیل را نابود کند

به قلم: محمد حسن کرامتی

هیات

بلند فرمانده کل قوا حضرت امام خامنه‌ای حفظه الله شد. معظم له در وصف او و دوستانش در تاریخ ۲۵ آبان ۱۳۹۰ طی پیامی شهادت جمعی از عناصر ممتاز یکی از مراکز پشتیبانی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و در پیشاپیش آنان شهادت سردار عالیقدر حاج حسن تهرانی مقدم را تسلیت گفتند و از وی با تعبیر «دانشمند برجسته» و «پارسای بی‌ادعا» تجلیل کردند.

سردار حاج حسن تهرانی مقدم از همان آغاز شکل‌گیری انقلاب اسلامی وارد عرصه مبارزه شد و همراه دیگر انقلابیون به مبارزه پرداخت. پس از گذشت مدت کوتاهی رژیم بعث عراق، تجاوز به میهن عزیز ایران و جامعه اسلامی را شروع کرد؛ البته با حمایت‌های طاغوت اعظم و مستکبرین. در این شرایط، شهید تهرانی مقدم به همراه دیگر رزمندگان مشغول دفاع از مرزهای کشور شد، اما به دلیل تعهد و قابلیت بالا، در سن ۲۲ سالگی به فرماندهی توپخانه سپاه پاسداران منصوب شد. پس از دو سال در آبان ۱۳۶۲ مأموریت «فرماندهی موشکی زمین به زمین سپاه» به وی محول شد. برادر ایشان می‌گوید:

«بعضی از دوستان وقتی شنیدند، یک جوان به عنوان فرمانده توپخانه انتخاب شده خندیدند و برخی هم به تمسخر گرفتند و گفتند که نه توپی وجود دارد و نه توپخانه‌ای، آخه فرمانده برای چه؟» اما «اخلاص»، «اعتماد به خدا» و «وظیفه شناسی» تهرانی مقدم را حرکت می‌دهد و با ایمان به وعده الهی: «إِنَّ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُخْلِصَ مِنْكُمْ» اگر (آیین) خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند و گام‌ایتان را استوار می‌دارد» ۲ گام‌های رشد و بالندگی

کردن وظیفه خدایی و دخالت ندادن منافع شخصی و گروهی و انگیزه‌های مادی در کار. صفت برجسته دیگر «اعتماد به خدا» است؛ یعنی برای انسان با اخلاص آنچه مهم است، تحقق نیت و هدفش است و خودش اهمیتی ندارد. خصوصیت سوم «شناختن موقع» است. امام حسین علیه السلام در فهم موقع اشتباه نکرد. در لحظه لازم، اقدام و حرکت لازم را انجام داد. ۱

به منظور بسط و تبیین این مطلب و نیل به مصادیق امروزی و ملموس‌تر، ناگزیر به عینی‌ترین شعبه مکتب عاشورا یعنی دانشگاه جبهه و دفاع مقدس سری می‌زنیم تا از فارغ التحصیلان ممتاز این دانشگاه خبری بگیریم. البته «گمنامی» و «بی‌نشانی» شاگردان این دانشگاه کار را دشوار و پیچیده می‌سازد. پس باید از اهلیش سراغ گرفت و هدف را یافت. در کوچه پس‌کوچه‌های بی‌نشانی که می‌گشتیم شهیدی از نسل عاشورا یافتیم که تا قبل از شهادت گمنام و ناشناس بود ولی با آسمانی شدنش پرآوازه گشت. شهیدی که همه وجودش را برای نصرت الهی و مبارزه با دشمنان خدا به میدان آورده بود. او که دیروز شیر بیشه جهاد اصغر در بیابان‌های جبهه بود اکنون به عنوان افسری ارشد در عرصه دفاع از حریم نظامی کشور اسلامی و طراحی و ساخت تسلیحات موشکی به فعالیت و مجاهدت مشغول بود.

مجاهدی نستوه، دشمنی سرسخت برای امریکا و اسرائیل و مبتکری توانمند در عرصه صنایع دفاعی و موشکی کشور تنها برازنده شخصیتی است چون شهید حسن تهرانی مقدم. شخصیتی که در پی شهادت او جمعی از یاران و همراهانش شایسته دریافت پیام

چهل سال پیش در عین نابوری بسیاری از سیاستمداران و تحلیلگران بین‌المللی، انقلابی به وقوع پیوست. انقلابی عظیم که با دیگر انقلاب‌های جهان تفاوت داشت و از خیلی جهات منحصر به فرد بود. انقلابی که دشمنانش هنوز هم بعد از گذشت چهل سال، از درک ابعاد پنهان آن عاجزند و همچنان انگشت تحیر به دهان گرفته‌اند.

یکی از این ابعاد، الگوپذیری انقلاب اسلامی ایران از آموزه‌های عاشورا و پرورش عناصر این انقلاب در مکتب سیدالشهدا علیه السلام است.

یکی از دهها و صدها ویژگی و خصوصیتی که امت اسلام به برکت آن توانسته است به پیروزیها و توفیقات گسترده‌ای دست یابد وجود الگوهای درخشان و با عظمتی است که هر ملتی برای رشد و بالندگی نیازمند حضور چنین الگوهایی در پیش دیدگان خود است. چنین الگوها و اسوه‌های ناب و تکامل یافته در همه ابعاد الهی و انسانی تنها در مکتب اسلام و تشیع به وفور به چشم می‌خورد که سرآمد همه آنها وجود نازنین پیامبر اکرم صل الله علیه و آله به عنوان عصاره خلقت و سپس اهل بیت طاهرینشان می‌باشند. البته در این میان کربلا و عاشورا داستانی خارق العاده دارد و خود به تنهایی نمایشگاه بالاترین فضایل انسانی است که همه و همه به برکت محوریت وجود سیدالشهدا علیه السلام می‌باشد. همو که پیشوای آزادگان جهان و بزرگ قربانی و شهید تاریخ بشریت است.

اوصاف وجودی حضرت اباعبدالله علیه السلام دارای ابعاد برجسته فراوانی است، که می‌توان در این میان به سه صفت برجسته اشاره کرد. یکی از آنها «اخلاص» است؛ یعنی رعایت



هیات

شهید حسینی مقدم

دیگر در انتظارند؛ و هرگز تغییر و تبدیلی در عهد و پیمان خود ندادند. ۳ و واقعا این نکته برای ما و دوستان هم‌رزمش خیلی جالب بود که حاج حسن آقا پروژه‌های بزرگ دفاعی و نظامی را در زمانبندی بسیار دقیق و به نحو احسن به انجام می‌رساند و به تعهد و قولش عمل می‌کرد. سلام و درود خدا بر این شهید عزیز که آرزویش نابودی اسرائیل بود و وصیت کرد بر سنگ قبرش بنویسند:

«اینجا مدفن کسی است که می‌خواست اسرائیل را نابود کند.»

پی‌نوشت:

۱. برگرفته از بیانات مقام معظم رهبری در دیدار گروهی از پاسداران و بسیجیان در تاریخ ۲ آذر ۱۳۷۷.

۲. سوره مبارکه محمد آیه ۷

۳. سوره مبارکه النازب آیه ۲۳

طهرانی مقدم، که حالا دیگر برادر دو شهید است، خاطراتی از دیدارهای برادرش با رهبر معظم انقلاب می‌گوید:

یکسال پیش از شهادت حاج حسن طهرانی مقدم، در روز جمعه‌ای رهبر معظم انقلاب از مجموعه‌ی تشکیلات جهاد خود کفایی سپاه باز دیدی داشتند؛ که زیر نظر حاج حسن آقا اداره می‌شد. در این بازدید حضرت آقا دستی بر شانه این شهید گذاشتند و فرمودند: تا کنون هر قولی را که حاج حسن آقا به ما داد وفا کرد. در آنجا یاد این آیه شریفه افتادم که: «مَنْ الْمُؤْمِنِينَ رَجَالَ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَلُوا تَبْدِيلًا»؛ در میان مؤمنان مردانی هستند که بر سر عهده‌ی که با خدا بستند صادقانه ایستاده‌اند؛ بعضی پیمان خود را به آخر بردند (و در راه او شربت شهادت نوشیدند)، و بعضی

را هر روز بلندتر برمی‌داشت تا جایی که در سال ۱۳۸۴ مسئولیت «جانشینی نیروی هوا فضای سپاه» را به عهده‌اش نهادند. به راستی که این فرمانده نستوه قوام حیات و زندگی‌اش را به جهاد وابسته می‌دید و اکنون پس از اینکه توانسته بود از پس مسئولیت‌های سنگین و متعدد دوران دفاع مقدس سر بلند بیرون بیاید دل در گرو تکلیف تازه‌ای می‌نهد که گویا نقطه اوج آمل و آرزوهایش در این طریق نهفته است. سرانجام سردار حسن طهرانی مقدم از بنیانگذاران اصلی صنایع موشکی جمهوری اسلامی ایران پس از سال‌ها جهاد و جهاد در این عرصه خطیر و تأثیرگذار در ۲۱ آبان ماه ۱۳۹۰ در سن ۵۲ سالگی، در پی انفجار مهمات و تجهیزات در یکی از پادگان‌های اطراف استان تهران، به فوز شهادت نایل آمد. سردار محمد طهرانی مقدم، برادر شهید حسن

گفتگوی اختصاصی هیأت با
حجت الاسلام محمد مهدی ماندگاری

اگر عاشقان امروزی تماشاچی کربلا می بودند همین می شد که در قتلگاه حسین شد

تحویل می گیرد. چهار دیواری سنگرش را که سرک می کشی عکس روحانی جوانی کنار تصویر رهبر انقلاب توجهت را جلب می کند و از آن بیشتر جمله زیر این عکس: «علمدار روایت گری شهید حاج شیخ عبدالله ضابط». رفیق ایام جوانی و همزم دوران جهادش بوده و جنگ را باهم سپری کرده اند. اما حالا اکنون در سنگر موسسه روایت سیره شهدا ما هستیم و شهید زنده هشت سال دفاع مقدس، مدیر موسسه تفحص سیره شهدا، فعال عرصه روایتگری و خطیب نام آشنای رسانه ملی حجه الاسلام والمسلمین حاج محمد مهدی ماندگاری. با ما از زبان شهدا سخن می گفت. پای صحبت هایش نشستیم که از هیأت و خطر نفوذ شیطان درون و بیرون می گفت که مشروح این گفتگوی اختصاصی را با شما مخاطبین محترم نشریه هیأت در میان می گذاریم.

آیا با شور گرفتن در هیأت مخالف هستید؟
نمیگم شور لازم نیست؛ چون «شور حسین است چها می کند». قطعاً شور لازم است ولی اصلاً عاشورا بر مبنای شور و شعور شکل گرفت.

آیا موافقید آن هیأتی که زمانی مرکز مبارزه علیه حکومت طاغوت بود و توانست با مدیریت اسلامی، مذهبی و ولایی خود مردم را با خود همراه کرده و در نتیجه به انقلاب پی سابقه اسلامی در تاریخ منتهی کند، اکنون دچار یک انفعال و بی تفاوتی نسبت به مسائل سیاسی شده است؟ قدری در مورد رسالت امروزی هیأت توضیح بفرمایید.

این شاء الله خداوند به همه هیأت های عزیز ما توفیق بدهد که در هیأت خود با محوریت عاشورا و کربلا زیر سایه ولایت بتوانند روح جهاد و شهادت را حفظ کنند. ما اعتقاد داریم که عاشورای حسینی یک جریان ظلم ستیز، ولایت محور، مجاهد پرور و مقاوم ساز بود و با همین خصوصیات ۱۴۰۰ سال است توانسته اسلام را زنده نگه دارد و با همین ویژگی ها بود که توانست انقلاب اسلامی مارو به پیروزی برساند. همچنان که راهپیمایی های تاسوعا، عاشورا و اربعین بود که کمر رژیم شاه را شکست و روح عاشورا و تاسوعا بود که توانست دفاع مقدس را به پیروزی رساند و راهبان نور مارا به اوج برساند؛ همین روحیه جهاد و شهادت عاشورایی بود که دفاع از حرم مارو به یک الگوی جهانی تبدیل کرد، در خدمت رسانی به سبل زدگان، زلزله زدگان و در ارائه خدمات اجتماعی یک الگوی جدید ارائه کرد.

همین اربعین هاست که دارد مارا به ظهور اتصال می دهد. باین حال و هوا هاست که هیأت ها با وجود همه مشکلات اقتصادی همچنان بر پاست و یقیناً اگر هیأت با همین روحیه و شعارها به پیش برود منتهی به ظهور خواهد شد و انقلاب اسلامی را به انقلاب جهانی

از هر کسی که آدرس استاد را بپرسی فقط به اسم به گوشت می خور: «گروه تفحص سیره شهدا». ظاهر عنوان یک موسسه است، اما نمی شود در یک چهار دیواری و به چند میز و صندلی خلاصه اش کنی. ظاهرش با همه دفتر و دسکهای اداری دنیا برابر است، البته صرف نظر از تصاویری که از شهدای زنده و دیوارش آویخته اند، ولی نمی دانم چه حکایتی است که آنجا از همه هیاهوهای زندگی گویا فارغ می شوی و عمق دلت در وادی شهیدان آرام می گیرد، گویی در میان بیابان های غریب جبهه به جان پناه امنی رسیده باشی.

کفشهایت را که هنگام ورود در می آوری، دلبستگیهای دنیای آلوده را نیز باید با کفشهایت همانجا دم درب بگذاری. سنگرهای این مقر دلنشین را که خوب جستجو کنی به سنگر فرماندهی میرسی. مردی با ته لهجه ی مشهدی، به گرمی

استاد لطفاً جایگاه فرهنگ جهاد و شهادت در هیأت و نقش متقابل هیئات در تقویت این فرهنگ را تبیین بفرمایید.

برای تبیین این سوال گمان می کنم اینکه امام راحل (ره) فرمودند رمز ماندگاری اسلام بواسطه محرم و صفر است، شاید این فرمایش بر گرفته از این روایت باشد که وجود نازنین خاتم انبیاء صلی الله علیه و آله فرمودند: «حسین مئی و آنامن حسین» (بحار الانوار، ۲۶۱/۴۳) در توضیح این روایت نورانی می خواهیم از تعبیر حکیمانه و زیبای «الاسلام نبوی الحدوث و حسینی البقاء» بهره ببریم. خوب فهمیم اینکه حسین از من است، پر واضح است که یعنی حسین فرزند دختر رسول الله و نوهی پیغمبر خداست؛ ولی «انامن حسین» یعنی چه؟ اگر شخص امام حسین با واسطه فاطمه زهرا، سلام الله علیها از صلب وجود نازنین پیغمبر است و تداوم نهضت و شخصیت پیغمبر صلی الله علیه و آله و اسلام با خون امام حسین علیه السلام زنده شده پس به عبارتی می شود گفت که «انامن حسین» بدین معناست که بقای شخصیت نبوی و توحید و نبوت و امامت و معاد و وجود نازنین امام حسین و کربلای او است. همچنین به نظر می رسد همه ی اینها به دلیل این است که وجود نازنین امیر المومنین علیه السلام فرمودند: «خدای تبارک و تعالی جهاد را برای عزت اسلام قرار داد». (نهج البلاغه/ حکمت ۲۴۴) درست است که نماز ستون دین است، روزه سیر است، امر به معروف و نهی منکر به عبارتی شعبه ای از جهاد است و به عبارتی هدایت و صیانت جمعی است و خمس و زکات تطهیر اموال است، ولی آنچه موجب عظمت، حیات و احیای اصل اسلام می شود «روحیه ی جهادی» است.

به نظر حضرت تعالی مطرح کردن مباحث جهاد و شهادت و شعارهای حماسی و سیاسی چقدر در هیأت ضروری می باشد؟

هیأت



می کنند و پرچم اسلام را بلندنگه میدارند. امام حسین علیه السلام مجاهدانه قیام می کند. امام سجاد علیه السلام و حضرت زینب سلام الله علیها مجاهدانه روایت گری و صوری و افشاگری می کنند. امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام جهاد علمی می کنند. امام کاظم علیه السلام جهاد سیاسی می کنند. امام رضا علیه السلام در سخت ترین شرایط با ولایتعهدی مأمون جهاد مدیریتی و سیاسی می کنند. دارند مجاهدت می کنند امام جواد و امام هادی و امام عسکری علیهم السلام در شرایط خفقان اموی مجاهدت می کنند و امام زمان عجل الله تعالی فرجه هم پیش از ۱۲۰۰ سال است که در غیبت مجاهدت می کنند و تمام پیروان راستین آنها هم مجاهدت می کنند. با وجود این همه مجاهدت در طول تاریخ که ائمه در رأس آن بوده اند بر ما که شیعیان آنها هستیم واجب است که در مناسبت های ماه صفر از مجاهدت های این وجودهای نازنین و پیروان راستینشان که علما، صلحا، شهدا، مجاهدان و مبارزان بودند برای مردم سخن بگوئیم و به آنها زیباترین الگوهای مقاومت و مجاهدت را معرفی کنیم و تبیین کنیم که همین مجاهدت هاست که برای ما عزت و قدرت و برای دشمن شکست و ذلت می آورد.

در پایان ضمن جمع بندی بحث، اگر توصیه ای خطاب به هیئات ها و ارکان آن دارید بفرمایید.

نکته ای آخر اینکه هیئات ها هم می توانند از هیات کمترین بهره را ببرند و فقط برای امام حسین دیروز اشک بریزند و هم میتوانند بیشترین بهره را ببرند از اشک بر امام حسین دیروز، امروز هم راه امام حسین را ادامه دهند که: «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا». می توانند به امام حسین امروز نشان بدهند که اگر ما دیروز می بودیم حتماً در صف یاران شما بودیم نه در زمره تماشاچیان کربلا. ولی اگر هیئات های مذهبی ما امروز در صف تماشاجی ظلم به مردم یمن، بحرین، عراق، سوریه، لبنان، فلسطین، نیجریه، میانمار، کشمیر، افغانستان، پاکستان و اینهمه ظلم در عالم باشند احتمالاً اگر دیروز کربلا هم بودند جزء تماشاچای ها می بودند. پس مراقب باشیم جزو تماشاچای ها نباشیم. دو سه تا نکته هم خطاب به ذاکرین و واعظین عرض کنم که حواسمان باشد که هیات محل تجارت معنویست با تجارت مادی عوض نکنیم. هیات با انتساب به خدا بزرگ هست با انتساب به افراد و احزاب کوچکش نکنیم. هیات جای عشق بازی حقیقی است، مراقب باشیم به ظاهر سازی های کاذب بسنده نکنیم. هیات جایبست برای آباد کردن دنیا و آخرت است پس با یک آرایش لحظه ای موقت معامله اش نکنیم.

نتیجه اش این می شود که ولی مسلمین دستانش بسته می شود، دست فاطمه زهرا سلام الله علیها شکسته می شود، امیر المومنین علیه السلام مجبور به قبول حکمیت می شود، امام حسن علیه السلام مجبور به پذیرش صلح می شود و امام حسین علیه السلام نیز مجبور به پذیرش شهادت می شود و در یک کلام اگر دشمن بتواند روح جهاد و شهادت از جامعه ای بگیرد آنگاه توانسته است همه ای اولیاء دین را زمینگیر کند. امروز هم اگر بتواند مانند امت عظیم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این روحیه را از هیئات ها و جوانان که اساس امت هستند بگیرد و به قول خود شون هیات را غیر سیاسی کند به نحوی که در آن فقط از عاشورای دیروز بگویند و با عاشوراهای امروز کاری نداشته باشند، قطعاً نایب امام زمان که ولی امر مسلمین است زمینگیر می شود چون نایب امام زمان که از امیر المومنین و امام حسن و امام حسین علیهم السلام بالاتر نیست. در حوزه های علمیه هم اگر روح جهاد و شهادت را از مبلغین و حوزه های علمیه که خواص جامعه هستند بگیرند، اینها هم مانند خواص عصر امام حسن می شوند، مانند شریح قاضی و ابو موسی اشعری ها می شوند.

در آستانه مناسبت های دهه آخر صفر برای تولید و تهیه محتوا و فیش منبر چه توصیه ای به سخنرانان محترم دارید؟

اینجا هم باز می خواهم تأکید کنم که با نگاه به زندگی هر یک از ۱۴ معصوم می بینیم که روح جهاد و شهادت در سیره نورانی آنها موج میزند. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله قبل از ابلاغ رسالتش معروف بودند به کسی که اهل امانت و دفاع از مظلومان است و پیمان حلف الفضول پیغمبر نشان می دهد ایشان در دوران جوانی که هنوز عنوان پیغمبری ندارند باز هم یک مجاهدی سبیل الله است و یار سیدین به مقام رسالت این مجاهدت به تمام معنا علنی می شود به نحوی که در طول سالیان متمادی مجاهدانه همه ای ظلم ها و اذیت ها را تحمل می کند. اینکه خطاب به اهل بیت می گوئیم: «شهادتک جاهدت فی الله حق جهاد» از همین باب است. پیغمبر مجاهدانه حرکت می کند و امیر المومنین مجاهدانه در جوار پیغمبر در جهاد ها شرکت دارند در ماجرای لیلۃ المبیت، فتح قلعه خیبر، جنگ خندق مجاهدانه می جنگند و بعد از شهادت پیغمبر هم مجاهدانه صبر و مقاومت می کنند. فاطمه زهرا سلام الله علیها با فدک جهاد اقتصادی می کند، با وصیتنامه اش جهاد فرهنگی می کند و تمام قدا از ولایت دفاع می کند. امام حسن علیه السلام مجاهدانه با تدبیر و صلح خود شرایط را مدیریت

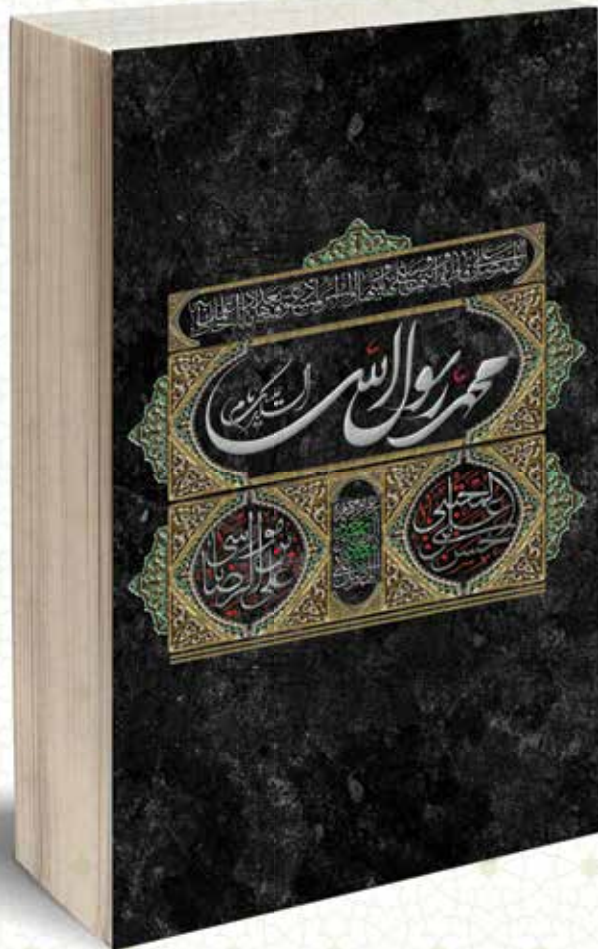
امام زمان عجل الله تعالی فرجه متصل می کند. این مهمترین رسالت هیات است و اگر هیات می خواهد راه و مکتب امام حسین علیه السلام را زنده نگه دارد باید روح مجاهدت، مقاومت، استقامت و روح ولایت مداری و ظلم ستیزی را تقویت کند؛ یعنی همان عاشورا و کربلا حقیقی که مبتنی بر شعار «هَبْهَاتِ مَنَا الذَّلَّةَ» و «مَنْ لِي لَا يَبِيعُ مَثْلَهُ» (لِهُوف، ص ۲۳) باشد. یعنی همان مکتبی که در آن «مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا» (تاریخ طبری، ج ۳، ص ۴۰۳) باشد؛ در آن اصلاح نظام، امت و جهان باشد: «أَرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ». (تسلية المجالس، ج ۲، ص ۱۶۰)

لطفاً از آسیب ها و خطراتی که هیئات را به سمت فراموشی آرمان ها و آموزه های انقلاب می برد بر ایمان بیشتر بگوئید.

دشمن با اسلام ناب دشمنی دارد. خواستند اصل اسلام را از مردم بگیرند و منهدم کنند اما دیدند اگر روح مجاهد پروری و ظلم ستیزی و ولایت مداری را از اسلام و مسلمانان بگیریم پوسته ای بیشتر نمی ماند. نماز، روزه، روضه خوانی، حج و امثال اینها چیزهایی هستند که در زمان بنی امیه و بنی عباس هم بود، ولی روح جهادی در آن نبود یعنی روح جهادی را از امت زمان پیغمبر گرفتند. امیر المومنین علیه السلام که جانشین پیغمبر بود دستانش بسته شد. امام حسن علیه السلام سجاده از زیر پایش کشیدند. کسانی که قول داده بودند مجاهدانه امام حسین علیه السلام را حمایت کنند اهل استقامت و مقاومت نبودند و کم آوردند.

گرچه دشمن در هدم اسلام به طور کلی موفق نبود ولی توانست جهاد را از مردم بگیرد. برای این کار دشمن تلاش کرد تا مردم را عافیت طلب، دنیا طلب و اشرافی کند. انسانی که مجاهد است نیاز به دنیا ندارد و خدا و شهادت را جستجو می کند، اما کسی که روح جهاد را از او بگیرند، عشق و آرزویش دنیا طلبی و عافیت طلبی می شود و اهل تشریفات و اشرافی گری می شود. با این روحیات بود که جامعه مسلمین پس از پیامبر را زمینگیر کردند. به قول قرآن کریم: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَرَّوْا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَتَأْتِلُمُ إِلَى الْأَرْضِ» (توبه/ ۳۸) اگر حضرت اقامی فرمایند هیئات ما باید مجاهد پرور باشند انقلابی باشند مقاوم پرور باشند ولایت محور پرور باشند سکولار و بی تفاوت نباشند نسبت ب ظلم هایی که در دنیا می شود به دلیل این است که تاریخ را به زیبایی دارند می بینند که چگونه خواص و عموم مردم را نسبت به روح جهاد و شهادت تخلیه کردند و عافیت طلب و دنیا گرا و اشرافی کردند. وقتی که روح جهاد را از امت اسلامی بگیرند

معرفی کتاب پیرامون اربعین و مناسبت‌های ماه صفر



شعاعی از
نیر اعظم

تشریح انوار وجودی بزرگ مرد تاریخ از دید رهبر جهان اسلام

نام گذاری سالی به نام پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله بنا به فرموده رهبر انقلاب در گذر تاریخ، انگیزه بسیاری از محققان و اندیشمندان جامعه اسلامی را دو چندان کرد تا بعد از نگرش شخص اول جهان اسلام را که از دید جامعه دینی در غفلت مانده را به منصفه ظهور برسانند. در این میان جمعی از محققین حوزه علمیه قم در نوشتاری به بررسی منظومه فکری حضرت آیت الله خامنه‌ای (حفظه الله) پیرامون زندگانی آخرین پیام آور حق با عنوان «شعاعی از نیر اعظم» پیرا دارند. طیف گسترده‌ای از مسایل عصر بعثت، ویژگی‌های رسول خاتم صلی الله علیه و آله، ماجر و حقایق بعثت، بایه گذاری تمدن اسلامی و... در این کتاب بیان شده است. این کتاب گهر بار در ۴۲۱ صفحه و در یک مجلد به همت انتشارات سروش در سال ۱۳۸۵ تدوین و تنظیم شده است. حسن سلیقه محققان و پژوهشگران در گردآوری محققانه و علمی سخنان مقام معظم رهبری و همچنین چینش مطالب و رسایی قلم به علاوه صفحه آرایی زیبایی کتاب هر خواننده‌ای را مجذوب و شیفته توری این کتاب می‌کند. چنین ویژگی‌های بارزی باعث شده تا به توان ادعا کرد جای این کتاب در کتابخانه اهل قلم و اندیشه و نیز هر کس که علاقه مند به کسب دانش و آگاهی در زمینه سیره نبوی صلی الله علیه و آله است خالی باشد.



سیری
در سیره
نبوی

سیره نبوی در تفکر شهید مطهری

قلم شیوا، رسایی مطلب، بیان آسان و چینش پر معنای کتب فیلسوف و فقیه عالی مقام حوزه و دانشگاه باعث شده که در زمینه اخلاق و نگرش سیاسی و اجتماعی شخصیت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از عنوان کتابی به نام «سیری در سیره نبوی» نوشته متفکر شهید استاد مرتضی مطهری نام ببریم. این کتاب گران سنگ به کوشش انتشارات صدرا در سال ۱۳۹۱ منتشر شد. ورود در سیره نبی اکرم صلی الله علیه و آله چنانکه خود حضرت استاد می‌فرمایند در بای عمیق است که هر چه جلوتر برویم عمیقتر خواهد شد و به منزلت «ما لایدرک کله لایترک کله» می‌باشد نوشتار حاضر دارای سه بخش است که بخش دوم آن قسمت اصلی کتاب را تشکیل می‌دهد که شامل مجموعه سخنرانی‌های حضرت استاد در ایام فاطمیه سال ۱۳۵۴ در مسجد بازار تهران ایراد شده است. تفکر سیاسی و اجتماعی شهید بزرگوار به همراه نگرش عقلی و نقلی به شخصیت پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه و آله باعث شده این کتاب در زمینه نبوت خاتم از معدود کتبی باشد که فقط به رویکرد دینی و تاریخی نپرداخته بلکه ابعاد سیاسی و اجتماعی دوران ابتدایی اسلام را نیز مورد توجه قرار داده و باعث امتیاز ویژه این کتاب گران بها شده است.

هیأت



استمرار
انقلاب
عاشورا

تحلیل ولایت عهدی عاشورایی

بحث ولایت عهدی امام رضا علیه السلام در گذر تاریخ همواره به عنوان یکی از مباحث مهم دینی و سیاسی مطرح بوده است و تفکر اندیشمندان تاریخی و سیاسی را درگیر خود کرده است. «استمرار انقلاب عاشورا» عنوان برای کتابی است که در امر ولایت عهدی پیشوای هشتم شیعیان علیه السلام به قلم توانمند رهبر فرزانه اسلام توسط انتشارات نشر چمران در سال ۱۳۸۸ در اختیار اندیشمندان و علاقه مندان دانش و آگاهی قرار گرفت. هم چنین در مقدمه این کتاب بیانی از مقام معظم رهبری در کسوت ریاست جمهوری در سال ۱۳۶۲ در پیامی به کنگره جهانی امام رضا علیه السلام به چاپ رسیده است. حضرت آیت الله خامنه‌ای در قسمتی از این پیام می‌فرمایند: «از آغاز نیمه دوم قرن اول هجری که خلافت اسلامی به طور آشکار با پیرایه‌های سلطنت آمیخته شد و امامت اسلامی به حکومت جابرانه پادشاهی بدل گشت، ائمه اهل بیت علیهم السلام مبارزه سیاسی خود را به شیوه‌ای متناسب با اوضاع و شرایط، شدت بخشیدند. این مبارزه بزرگ ترین هدفش تشکیل نظام اسلامی و تأسیس حکومتی بر پایه امامت بود. بی شک تبیین و تفسیر دین با دیدگاه مخصوص اهل بیت وحی، و رفع تحریف‌ها و کج فہمی‌ها از معارف اسلامی و احکام دینی نیز هدف مهمی برای جهاد اهل بیت به حساب می‌آمد. اما طبق قرآن حتمی، جهاد اهل بیت به این هدف ها محدود نمی‌شد. و بزرگ ترین هدف آن، چیزی جز «تشکیل حکومت علوی و تأسیس نظام عادلانه اسلامی» نبود.» طرز بیان و رویکرد سیاسی - دینی مقام معظم رهبری در این کتاب به تحولات جامعه سیاسی عصر امام رضا علیه السلام باعث شده که این کتاب در عرصه دینی و تاریخی کم نظیر و شاید بی نظیر باشد. قلم روان و بیان شیوا و آسان حضرت آیت الله خامنه‌ای انگیزه‌ها را علم و خواننده‌ای را دو چندان می‌کند تا به توری این کتاب پیرا دازد.



آینه
بردباری

مناقب و مرآئی در وصف امام مهربانی

گاه می‌شود که زبان شعر و ادب در بیان حقایق ناگفته، رسایی و بر ندگی قابل توجه تری از زبان نثر و گفتار دارد. از جمله ایسن کتاب‌ها می‌توان به «آینه بردباری» که در وصف مناقب و مرآئی پیشوای دوم شیعیان امام حسن مجتبی علیه السلام است اشاره کرد. نوشتار حاضر که از اشعار شاعران به نام در زمینه مدیحه سرایی از جمله (وصال شیرازی، محتشم کاشانی، عطار نیشابوری، سنایی غزنوی، محمد حسین شهریار، موسوی گرمارودی، حبیب چایچیان، حمید سبزواری، محمد علی مجاهدی و...) به قلم شاعر توانمند عرصه شعر و ادب استاد مرحوم عباس مشفق کاشانی و به اهتمام استاد محمود شاهرخی در بیش از ۹۰ قطعه شعر در قالب‌های مختلف شعری نظیر قصیده و غزل و... گردآوری و در سال ۱۳۷۸ توسط نشر اسوه منتشر شده است. سروده‌های این کتاب چنان پر نفوذ و دارای محتوای عمیق دینی و معرفتی است که می‌توان ادعا نمود تا حدود بسیار زیادی به اندیشه و تفکر رهبر فرزانه انقلاب در عرصه ستایشگری جامعه عمل پوشانده است. مولف بزرگوار سعی نموده در این کتاب از حقایق در غفلت مانده عصر امام حسن مجتبی علیه السلام در زمینه‌های مختلف همچون صلح با معاویه و... نیز سروده‌هایی را برگزیند و به مقتضای شعری و ادبی در نوشتار حاضر بگنجانند. این ویژگی به خصوص، باعث شده تا این کتاب علاوه بر مناقب و مرآئی غرب مدینه علیه السلام که بنا به فرموده مقام معظم رهبری را کار مداح استفاده از هنر برای بیان حقیقت است، در لسان ادبی حقایقی دیگر را بازگو کند و به حق می‌توان چنین کتبی را که پر محتوا و دارای معانی و مضامین عالیه است را در عرصه مداحی و ستایشگری اهل بیت علیهم السلام پیشنهاد داد.

در قصر
تنهایی



صلح حسنی زمینه ساز نهضت عاشورایی

شاید بسیاری از مردمان جامعه اسلامی بر این باورند که امام حسن مجتبی علیه السلام می توانست با نهضتی دیگر همانند قیام حسینی بساط فسق و کفر معاویه لعنت الله علیه را برچیند اما باید گفت که شرایط جامعه اسلامی در زمان حیات سبط نبی با شرایط برادر بزرگوارشان متفاوت بوده است. مولف کتاب گرانسنگ «در قصر تنهایی» از حماسه صلح امام مجتبی علیه السلام با قلمی شیوا و متنی رسا پرده برداشته است. حجت الاسلام مهدی خادمیان در این کتاب ابعاد و حقایق پنهان زمان حکومت معاویه را که هم عصر پیشوای دوم شیعیان بوده است را بصورت مختصر و مفید و با محتوایی قابل فهم و زبانی ساده بیان نموده است. این کتاب به همت انتشارات و ثوق در سال ۱۳۸۸ منتشر شد. مصنف چنانکه در مقدمه می گوید نوشتار حاضر را حاصل سفر شش ماهه خود می پندارد و در این سفر به عمق تاریخ از راز رمز آلود صلح پرده برداشته و از آن تعبیر به حماسه صلح نموده است و به این باور رسیده است که اگر صلح امام حسن علیه اسلام نبود چه بسا دیگران از اسلام خبری نبود. نویسنده در این کتاب سعی دارد حوادث و وقایعی را که به دنبال این رخداد پیش می آید با زبانی گویا برای مخاطب آشنا سازد و همین امر باعث جذب هر خواننده ای به متن آسان و البته دقیق این کتاب خواهد شد.

اربعین
در
فرهنگ
شیعه



اربعین استمرار نهضت شیعی

اربعین در فرهنگ شیعی جایگاه بسیار والا و ارزش مندی دارد، زیرا خاطرات و حوادث روز عاشورا در این روز زنده شده و به نوعی نقطه عطفی در تاریخ اسلام و تشیع گردیده است. سید محمد حسینی طهرانی مولف کتاب «اربعین در فرهنگ شیعه» رساله حاضر را در سال ۱۳۹۵ به کوشش نشر مکتب وحی منتشر نمود و در یک مقدمه و سه فصل آنرا تنظیم نموده است. فصل هایی با عنوان «مفهوم واژه اربعین در اسلام»، «فلسفه قیام حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام» و «اختصاص اربعین به سیدالشهداء علیه السلام شعار شیعه است» تدوین گردیده است. این کتاب با استفاده از منابع تاریخی و روایی و با بهره جستن از سنت و سیره اولیای دین، درصدد است تا به اثبات برساند که برگزاری مجالس اربعین از اختصاصات حضرت امام حسین علیه اسلام است. نقش اربعین چنان از اهمیت ویژه ای برخوردار است که رهبر فرزانه انقلاب در کلامی گهربار می فرماید: «اهمیت اربعین در آن است که در این روز، با تدبیر الهی خاندان پیامبر صلی الله علیه وآله یاد نهضت حسینی برای همیشه جاودانه شد و این کار پایه گذاری گردید». جامعیت و بیان شیوای نوشتار حاضر در زمینه فرهنگ اربعین در مذهب تشیع باعث شده که خوانندگان با توریق این رساله از کتب دیگری در این زمینه بی نیاز شده باشند.

خورشید
خرابه
شام



شاه بانوی سه ساله شام

واژه دختر که کنار لفظ سه ساله قرار می گیرد بی اختیار اشک بر چشمان دلسوختگان حسینی جاری می کند و رنج و مصیبت های وارده در خرابه شام را تداعی می سازد. زندگی بسیار کوتاه و پر از مصیبت در دانه اباعبدالله الحسین علیه السلام جناب حجت الاسلام سید علی موحّد ابطلجی را بر آن داشت تا خدمتی هر چند ناچیز اما ماندگار در زمینه مصائب وارد بر حضرت رقیه خاتون سلام الله علیها قلم بزنند و کتاب بسیار گهربار «خورشید خرابه شام» را تألیف و به همت انتشارات حبل المتین در سال ۱۳۸۱ در اختیار علاقه مندان قرار دهند این نوشتار پژوهشی است درباره زندگی، مصایب، مکارم، معجزات و کرامات حضرت رقیه سلام الله علیها. نویسنده در آغاز اطلاعاتی درباره فرزندان امام حسین علیه السلام، علت نامگذاری رقیه سلام الله علیها و چگونگی حضور وی در روز عاشورا به دست می دهد. در فصل دوم معجزات و کرامات ایشان را ذکر می کند. در بخش دوم گزیده ای از اشعار و مرثیاتی شاعران را در باب زندگی و شهادت رقیه سلام الله علیها فراهم می آورد. بخش پایانی کتاب مشتمل بر تصاویری از حرم شاه کرامت بانوی سه ساله می باشد. نویسنده در این کتاب بسیار عالمانه و دقیق با ظرافت علمی و کمی دست مایه احساسی و متنی بسیار روان و ساده قلم زده است که هر خواننده ای را مجذوب و شیفته محتوا می کند.

تحلیلی از
زندگانی
امام رضا



بررسی زندگانی آفتاب هشتمین

در زندگی پیشوای هشتم شیعیان اتفاقات و بره های حساسی رخ داده و همین امر باعث متمایز ساختن زندگانی خورشید مشرق زمین از دیگر ائمه علیهم السلام شده است. مصنف این کتاب تحلیلی از زندگانی امام رضا بر اساس نقل های موجود بخشی از تاریخ شیعه را تحلیل و بررسی نموده و زندگانی آفتاب هشتمین پیشوای شیعیان علی ابن موسی الرضا علیه السلام و جریانات فکری و سیاسی عصر حضرتش را با قلمی شیوا و آسان و به نحوی گویا بیان نموده است اندیشمند و متفکر معاصر لبنانی این کتاب را به زبان عربی به رشته تحریر در آورده. بیان زیبا و طرز فکری حجت الاسلام محمد جواد فضل الله و رویکرد سیاسی ناظر به احوالات موجود در زمان امام رضا علیه السلام و هم چنین نگرش به امر ولایت عهدی حضرت از خصوصیات ویژه این کتاب گرانبها به شمار می رود. همین ویژگی های خاص باعث شده که مترجم معاصر این کتاب را به زبان فارسی ساده و روان و قابل فهم برای همگان در آورد. قلم روان سید محمد صادق عارف در ترجمه این کتاب باعث شده که خواننده احساس هم زبانی با مولف بزرگوار داشته باشد و این ویژگی خاص در کمتر کتب ترجمه شده دیده می شود. این کتاب توسط انتشارات بنیاد پژوهش های اسلامی در سال ۱۳۸۱ در مشهد مقدس در اختیار علاقه مندان به علوم دینی و تاریخی قرار گرفت.

ریحانه
کربلا



ریحانه الحسین در آینه تحلیلی

در روزهای آغازین ماه صفر کاروان رنجور و مصیبت دیده اباعبدالله الحسین علیه السلام در گوشه ای از خرابه شام دچار رنجی دیگر شده و ضایعه در دناک شهادت حضرت رقیه دختر سه ساله اباعبدالله علیه السلام رقم می خورد. شبها بسیاری در باب اصل وجود و کیفیت شهادت آن حضرت وارد شده. کتاب «ریحانه کربلا» حجت الاسلام عبدالحسین نیشابوری یکی از این آثار ارزشمند است که انتشارات طوبای محبت در سال ۱۳۸۹ منتشر گردید. این کتاب یکی از متقن ترین کتب در عرصه شبها پیرامون زندگانی و کیفیت شهادت حضرت رقیه خاتون سلام الله علیها است و در بردارنده ۲۱۰ سند از کتب قدیمی و مقاتل شیعه است که هدف از آن دفاع از شبها پیرامون زندگی این در دانه اباعبدالله الحسین علیه السلام است. نگارنده این کتاب را در ۶ بخش به رشته تحریر در آورده که در بخش اول به اثبات وجود فرزندی به نام رقیه برای پیشوای سوم شیعیان علیه السلام می پردازد. در بخش دوم مولف ماجرای شهادت حضرت رقیه سلام الله علیها را واکاوی و قبر حضرت را مورد بررسی قرار داده است. بخش سوم این نوشتار گرانقدر در زمینه استدلال برای اثبات برای قبر فعلی است و چهارمین بخش از لحاظ تاریخی آن حرم مقدس را مورد بررسی قرار داده است. بخش پنجم در بیان کرامات و عنایات ویژه حضرت رقیه خاتون سلام الله علیها بر آمده و اعتقاد مردم را به این بانوی سه ساله اعتقادی راسخ و محکم شمرده است در آخرین بخش کتاب به معرفی نویسنده گانی که در عرصه مصیبت و تحلیل زندگانی بانوی سه ساله کتبی را به رشته تحریر در آوردند پرداخته است. از ویژگی بارز و ممتاز این کتاب ارجاع سندهای دقیق و محکم پیرامون زندگانی شاه بانوی کرامت است. به جای هیچ گونه شبهه ای را در زندگی این سه ساله رنجور باقی نمی گذارد.

شرحی از
بی نهایت



با پای پیاده در محضر یار

عنوان کتاب «شرحی از بی نهایت» از مولف بزرگوار هوشنگ نظری در زمینه پیاده روی در مسیر کربلا به همت انتشارات سیادت در سال ۱۳۹۵ تدوین و تنظیم شده است. از ویژگی های این کتاب می توان به تصویر سازی در ذهن مخاطب اشاره کرد. مسیر حرکت بین نجف تا کربلا جلوه های ویژه ای دارد که ذهن هر بیننده ای را به خود وامی دارد. چرا که عاشقان با هر توان جسمی و در هر رده سنی و تقریباً از تمامی کشورهای جهان در دریای بیکران عشق حسینی گام بر میدارند. کتاب حاضر که به کوشش مولف توانمند در پنج فصل گردآوری شده علاوه بر تمامی نیازهای این سفر معنوی به برکات و حسنات معنوی از منظر روایات و اهل بیت علیهم السلام و شخص حضرت آیت الله خامنه ای پرداخته است. ایشان در این کتاب به سفر علیا مخدره حضرت زینب کبری سلام الله علیها نیز اشاره دارند و سفر حضرت را با شیعیان مقایسه نموده است. چنین کتاب جامع و کاملی در یاری رساندن به کسانی که قصد شرکت در همایش عظیم حسینی را دارند بسیار مفید و ارزنده می باشد و دارای اطلاعات ارزنده ای می باشد.

معرفی تازه‌های نشر معاونت فرهنگی ستاد مرکزی هیأت رزمندگان اسلام

سبک:
واحد تند
مداح:
امیر عباسی و
میثم مطیعی

شاعر: محمد مهدی سیار و میلاد عرفان‌پور

زائر کوی حسین، گشته دل و جان ما
بسته به موی حسین، حال پریشان ما
دلخوشی عاشقان، روضه خون خداست
جنت ما هیأت است، مقصد ما کربلاست
مولایم، اربابم یا حسین، از عشقت بی تابم یا
حسین
فریاد هل من ناصر در یاد ماست
یا لیتنا کنا معک فریاد ماست (۲)

در پی روح خدا، سوی خدایم رویم
همچو شهیدان سوی، کرب و بلا می‌رویم
جان و دل عاشقان، نذر رضای ولی
نذر علمدار عشق، حضرت سید علی
همراز گلهای پرپر، سرباز گمنام رهبرم
آخر شهیدم می‌کند عشق ولی
چشم من و فرمان تو سید علی (۲)

آتش هجرت زده، شعله به دلایمان
صاحب این دل تویی، حضرت صاحب زمان
می‌رسی و می‌رود، سوز غم از سینه‌ها
می‌رسی و می‌بری، غربت آینه را
یا مهدی، یا مولا العجل، آقا یابن الزهراء العجل
یابن الحسن ای قبله هفت آسمان
در هر نفس می‌خوانمت تا پای جان (۲)

سبک:
واحد تند
مداح:
امیر عباسی و
میثم مطیعی

شاعر: میلاد عرفان‌پور

زیر شمشیر غمت تا شهادت می‌رویم
با ولایت آمدیم و با ولایت می‌رویم
ای که در جان ما سرزدی یا حسین
زیر دین توایم، سیدی یا حسین
جان شیرین ما نذر پیمان توست
روح بی تاب ما با شهیدان توست
جان عالم جان توست، عالمی حیران توست
تا قیامت هر که از خود بگذرد مهمان توست
زیر شمشیر غمت تا شهادت می‌رویم
با ولایت آمدیم و با ولایت می‌رویم
همراهی می‌کنند، نقض پیمان هنوز
رهزن غیر تند دین فروشان هنوز
ما ولی همچنان، با ولی مانده‌ایم
با علی بوده‌ایم با علی مانده‌ایم
تا سحرگاه ظهور، باور یکدیگریم
تا شهادت ما همه رزمندگان یک سنگریم
زیر شمشیر غمت تا شهادت می‌رویم
با ولایت آمدیم و با ولایت می‌رویم
قصه‌ی کربلا همچنان باقی است
جان سپردن هنوز شرح مشتاقی است
شور این انقلاب در دل عالم است
خون باران ما پای این پرچم است
بانگ هل من ناصر، می‌وزد در یاد ما
کاخ ظالم را به آتش می‌کشد فریاد ما



رجز خوانه اشک

میلاد عرفان‌پور متولد سال ۱۳۴۷ در شیراز و یکی از چهره‌های شعر آئینی کشور است. او دویستی‌های خود را از کودکی آغاز کرد و در سال ۱۳۸۵ اولین کتابش را با نام «از شرم برادرم» در قالب رباعی منتشر ساخت. وی تاکنون نامزد دریافت جایزه «قلم زرین» و «جشنواره شعر فجر» بوده است. جامعه ستایشگری نیز از آثار ادبی و هنری عرفان‌پور بی بهره نبوده و به کوشش معاونت فرهنگی هیأت رزمندگان اسلام در محرم الحرام ۱۴۴۱ کتابی با عنوان «رجز خوانی اشک» منتشر و در اختیار عاشقان اهل بیت علیهم‌السلام و دلسوختگان سید و سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین علیه‌السلام قرار گرفت. در بخشی از مقدمه این کتاب چنین آمده است:

«بارزترین خصیصه شعر شیعی در حوزه آئینی، وجهه‌ی مردمی بودن آن است که به آسانی با مخاطبان خود ارتباط تنگاتنگ برقرار می‌سازد و مردمی‌ترین شعر شیعی را باید در میان سروده‌های مذهبی و نوحه‌های دینی

جست‌وجو کرد که همیشه با اقبال توده‌های متدین مردمی روبه‌رو بوده است. این رویکرد عمومی ناشی از تأثیر شگرفی است که نوحه‌های مذهبی عموماً و نوحه‌های عاشورایی خصوصاً در جان آحاد مردم کوچه و بازار باقی می‌گذارد. این تأثیر شگرف هنگامی مضاعف می‌شود که نوحه سرایان جاذبه‌های ماثمی، عاطفی و انقلابی را با زبانی ساده و صمیمی و به دور از تکلف با بهره‌گیری از دقایق کلام محاوره‌ای به تصویر می‌کشند».

در این مجموعه نفیس گلچینی از اشعار حماسی و انقلابی به نفس مادحین گرانقدر اهل بیت علیهم‌السلام، آقایان: حاج مهدی سلحشور، حاج سعید حدادیان، کربلایی سید رضا نریمانی، حاج محمود کریمی، حاج مهدی رسولی، حاج میثم مطیعی، حاج امیر عباسی، حاج سید مهدی میرداماد، کربلایی محسن محمدی پناه، کربلایی محمدحسین حدادیان، حاج محمد رضا بذری، حاج محمد یزدخواستی، کربلایی وحید نادری، کربلایی مرتضی سعیدی نیا، حاج ابودر بیوکافی، حاج مسعود پیرایش، حاج مهدی تدینی و حاج مجتبی رمضانی جمع‌آوری شده است که مشتاقان و همراهان گرامی می‌توانند برای دانلود فایل‌های صوتی این کتاب به صورت یک فایل فشرده، به پایگاه اطلاع‌رسانی هیأت رزمندگان اسلام مراجعه نمایند.

در ادامه منتخبی از اشعار کتاب رجز خوانی اشک را به شما خواننده گرامی تقدیم می‌کنیم.

هیأت

سبک:
زمینه:
مداح:
سعید حدادیان

شاعر: سعید حدادیان

یاد شهید سر جداد دل و میبره کرب بلا
باز دوباره نور امید، باز دوباره عکس شهید
یه روح تازه به تن زمین دمید
خون گلوی عاشقی توی رگ خشکیده ی
زمین دوید
هزار تاناگفته رواز چشمه ی خون حنجرش
هزار تاناگفته رواز چشم شهید میشه
شنید
باز دوباره نور امید، باز دوباره عکس شهید
باز دوباره به آلبوم عزت سرزمین ما یه
عکس خیلی قیمتی اضافه شد
هر کسی از قافله جا مونده ولی کلافه شد
توی چشای این شهید، نور نجابتو ببین
راز اجابتو ببین
روح صلابتو ببین
آخه یه نفر وقتی بخواد یک تنه غوغا میکنه
با دست بسته هم که باشه صد تا گره وا
میکنه
عالمو احیا میکنه، دشمنو رسوا میکنه
یاد شهید سر جداد دل و میبره کرب بلا
انگار تو عکس این شهید، چشم همه کرب
بلا رو میبینه
فرق جهاد و حج اینه
حاجی میخواد بیت خدا، شهید خدارو
میبینه
قصه ی حج حججی، تو آسمون زبون زده
انگار محرم اومده، انگار محرم اومده
حال و هوای سنگر و خط مقدم رو ببین
هنوز محرم نشده، شور محرم رو ببین
قربون اون شهیدی که رگ بریده ی گلوش
دلا مون رو به کربلا گره زده، انگار محرم
اومده
یاد شهید سر جداد دل و میبره کرب بلا
ای پسر مگه کنارت نبودم، وقتی که
عکستو دیدم
به یاد زینب و حسین، زخم گلو تو بوسیدم
خوب میدونم مثل شهیدی که گل علقمه
بود
دم آخر، سرت به روی دامن فاطمه بود
روی لب ت ز مژه بود
سلام بی بی، سر مو هدیه آوردم
سلام بی بی، مادر مو به تو سپردم
شکر خدا به آرزوم رسیدم
یه لحظه گودال بلا رو دیدم
طعم حقای خنجر و چشیدم
یا زهرا (س) سرم فدای قدمت
یا زینب (س) جونم فدای حرمت
یاد شهید سر جداد دل و میبره کرب بلا

سبک:
زمینه:
مداح:
میثم مطیعی

شاعر: محسن رضوانی

این گل رابه رسم هدیه
تقدیم نگاهت کردیم
حاشا اینکه از راه تو
حتی لحظه ای برگردیم
یا زینب
از شام بلا، شهید آوردند
با شور و نوا، شهید آوردند
سوی شهر ما، شهیدی آوردند
(یا زینب مدد)
در خون خفته که نگذارد
نخل زینبی خم گردد
حاشا از حریم زینب
یک آجر فقط کم گردد
یا زینب
تقدیم شماس، قبولش فرما
قدر وُسع ماست، فدای زهرا
در راه خداست، فدای مرتضی
(یا زینب مدد)
چون ام و هب، بسیارند
در هر سوی این مردستان
مادرهای عاشق پرور
در ایران و افغانستان
یا زینب
هم چون این شهید، فراوان داریم
تا وقتی سرو تن و جان داریم
ما به نهضت شما ایمان داریم
(یا اخت الحسین)

سبک:
زمینه:
مداح:
میثم مطیعی

شاعر: محمد مهدی سیار

ممنونتم مادر، ممنونتم بابا
چون آشنام کردین، با روضه مولا
ممنونتونم واسه این سربند یا زهرا
مدیونتونم واسه این ذکر و این اشکا
نون حلال سفره تون آورد منو اینجا
دستاتونو میبوسم، ممنون که توو این راهم
از کودکی تا آخر، سرباز تارالهم
(لبیک یا تارالله)
دنیا میدونه ما، سرباز این دینیم
کابوس اسرائیل، یار فلسطینیم
ما نوجوونا روشنی صبح فردا داریم
ما وارثای راه زیبای شهیداییم
«فهمیده» های عاشق سید علی ماییم
هم عاشق علم و هم، آماده پیکاریم
با نغمه یا مهدی، چشم انتظار یاریم
(یا بن الحسن یا مولا)
در جان ما هر دم، غوغای عاشورا است
بیداری عالم، از یا حسین ماست
با روضه ها هر لحظه میسوزیم و میباریم
بر لب همه یا لیتنا کنا معک داریم
تا آن دمی که سر به پای یار بگذاریم
نذر تو این جان و تن، مولا اباعبدالله
ذکر نفس های من، لبیک یا تارالله
(لبیک یا تارالله)
میتاق این دل با، خون شهیدان است
جان روشن از یاد، پیر جماران است
از سر گذشتن، سر گذشت و سر نوشت ماست
دل داده ایم و بهر ما هر روز عاشورا است
ما راهمان از کربلا تا مسجد الاقصا است
ما انقلابی هستیم، مهر ولایت با ماست
هیئات منّا الذله، شوق شهادت با ماست
(لبیک یا تارالله)

هیات

سرودن برای کسانی که سر رشته‌ای از شعر ندارند ممنوع!

معظم‌له در دیدار با جمعی از مداحان فرمودند: «خود پیش کسوت‌های شعری به شعر بپردازند. شعر را ندیدید دست آدم‌هایی که سر رشته‌ای از شعر ندارند و شعر برایشان یک تفتن دور از زندگی‌شان و دور از فهم و ذهنشان است (بیانات، ۸۹/۳/۱۳). همین شعری که خودتان سروده‌اید در یک مجمع ادبی، وسط بگذارید و به هر کسی که آن شعر را نقد کند و اشکال بجایی بر این شعر وارد نماید، جایزه بدهید تا قوی بشود. یا از اشعار خوبی که دیگران دارند و یا از اشعار خوب خودتان استفاده کنید. سعی کنید این گونه سطح شعرها را بالا بیاورید.

(بیانات، ۱۳۶۸/۱۰/۲۸)

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی در مقاطع مختلف تاریخی همواره خطاب به مادحین، ذاکرین و شعرای اهل بیت علیهم‌السلام بیانات و رهنمودهایی پیرامون هنر شعر و مداحی داشته‌اند. ایشان معتقدند که نقش هنر، نقش شعر، نقش ادبیات، نقش حضور در میدانهای عملی در پرورش این روح ایمانی، نقشی است که بسیار بسیار کارساز و مؤثر است.

(بیانات، ۸۶/۴/۱۴)

هیأت

گلچین اشعار و نوحه‌های ماه صفر

۲۸ صفر

شهادت امام حسن مجتبی
(سید حمید رضا برقی)

نشستم گوش‌ها را از سفره همواره رنگینت
چو نور در درلم افتاده از توصیف شیرینت
به عابرها تعارف و کثرت دار و ندارت را
تو آتش راغز که من ریزد بیهوش از دور پرچینت
کرم یک نره از سرشار، سرشار هفت‌هایت
حسن یک دانه از بسیار، بسیار عناوینت
دهانم را من کند عالم به تسویق حسین افا
دهانم خاتم پیغمبر است و او به تفسیرت
تو دین تازه‌ای آورده‌ای از دین ایزم و دینم
که با یک گل کنیز من شود از لاله درینت
و عز المؤمنین خواندند و عز المؤمنین گفتند
اگر کردند تفسیرت اگر کردند تقریرت
برای تو چه فرق دارد امر و التیخ و التیخ و التیخ
که من چینه‌ها را منضم آسمانها از صفایینت
بلو با آتش بغیر انش که هرگز بر من نگشتند

خدا داد است جبرائیل هایش را به تکلیفت
بلو تا آفتاب از مغرب دنیا بروم ز آید
که سر پیشم نخواهد کرد خوشتر از اینت
بلو تا تیغ برادر اگر جنگ است آهنگت
بلو تا تیغ بگذارد اگر صلح است آیینت
خدا صبر است مشیر علی در بدر و خندق بود
علی صبر است تیغ نیروانت تیغ هفینت
بلو از زربایب جانان از ایزم قوم بردارند
مصبت کن! قدم بگذارد بر چشم هجینت
تو را بایست کشیدند از سر منبر که من گفتند:
چرا پیغمبر از دوشش منم آورد پایینت
دروم خانه هم محرم منم بپوشش بپوشش
که من خواهند، امر تیار تر تیار تر از اینت
تو غم منم بر زگر در میانم کوچه‌ها دیدم
که دیگر ایزم غم کوچک نخواهد کرد غمگینت

از آتش نایب که در در کوفت بردل داشت راغز
از آتش دست ننگین پیشت شد دلف رنگینت
سر راحت من آمد آنکه نافر را نخواهم برد
برای آنکه عمر من تازه باشد زخم درینت
برای جاسر اشک سرف را چاره من گردم
که زینب آفره با چادر فادر به تسکینت
به تابوت تو زخم خویش را ایزم قوم خواهد زد
چم منم مثل فادر نیم شب بود تفرینت
صدایت من زند اینک بیتیت از دل خیم
که او را اهرم فید است کنش را دست آیینت
هزاران بار چاه منم ولس در در بلا آخر
در آغوش برادر دست و پا زده چاه شیرینت
که ایزم دست دست که در دست را بر زمین انداخت؟
همان دست همان دست منم که روزی بوده مسلکینت
دعا کن زخم غم هایت بسوزاند و مرا یک عمر
نصیم کن نمک از سفره همواره رنگینت

لب خشک و داغ که در سینه دارم
سبب شد که گودال یادم بیاید
ابهلیت آبریزش کوچه چار
قرار است افسب جوادم بیاید
قرار است افسب شود طورس، فسمه
شود قبلگاه غریبانه فرارم
اگر چه غریب شیده حسینم
ولس خواهر نیست اینجا کنارم

به رعبل بگو شر کامل شد اینجا
«وقیر بطورس» که خواندم برایش
بگو این نفس هار آخر هم اشکم
رواست از بیت کرب و بلایش

از آشنه هر بر رجم پیچیده ام من
به خود مثل زهر اس پشت در از درد
شفا بخش هر دردم از بس که خواندم
در آسم لفظ ها رو فسر فاد از درد

بلا نیست جز عافیت عاشقانه را
تسلار دردم نگاه طیب است
من آسم ناخدا ایم که غرق خدایم
«رضا» یم، رفایم رهس حبیب است

شرابش کنم بس که مست خدایم
اگر زهر در این اناز است و انگور
کنده هر چه جواهر خریبم
دلش را در آغوش من گیرم از درد

شدم آسمان پر کشد تا کیوتر
شدم دشت، تا آکو آزاد باشد
شدم آب، تا تخم چار بشویم
میانه حرم زائرم شاد باشد

ابهلیت آبریزش کوچه چار
به یاد سوارس که با ذوالفقار
بیاید صحر تا بگردند دورش
خواسنه و بار اسب چشم انتظارش

بپاره دست که گداز مجتبی نیست
یا آشنه سر که خاک پای مجتبی نیست

بر گریه زهر اقسام و دیو زهر است
چشمه که گریه زهر مجتبی نیست

وقر سکوتش این هم عصر به پا کرد
دیگر نیاز بر همدار مجتبی نیست

در کربلا هر چند با وقت بگرم
چیز به جز عشق و همدار مجتبی نیست

کرب و بلا با آسم هم راف هصیت
همای بر درد و بلا مجتبی نیست

طور تمام هستر اسر وقف حسین شد
انکار قاسم هم برار مجتبی نیست

او جاسر خود دارد در این دنیا و مجال
رزم آدرس بهم جاسر مجتبی نیست

یا اهل العالم فاد گداز مجتبی ایم
فا خاک پای خاک پای مجتبی ایم

آیا شده بال و پر افتاده باشد
در گوشه اسر از بستر افتاده باشد

آیا شده در جمل باشر و افا
مانده برگس پیکر افتاده باشد

آیا شده در سنه سال کودکی است
جایس بینر فاد افتاده باشد

آیا شده در لفظ هار آخر نیست
چشمه به چشم خواهر افتاده باشد

من شک ندارم که عروس فاطمه نیست
وقر به جانت همسر افتاده باشد

آیا شده سجاد است هنگام غارت
دست سپاه و لشکر افتاده باشد

مظلوم و تنیا و غریب عالم نیست
گره کس غم هار این بر کس حسین است

داغش اگر نبود که گریه من شدم
لطفش اگر نبود مسلم من شدم

«یا ایها الرسول» بدو من عاشر تو
از پیروان عترت و قرآن من شدم

یا اینکه گوش چشم ابا الفضل تو نبود
فا از تبار حضرت مسلم من شدم

بر حب خانه اسر تو در خانه کرم
جایس نداشتم و میانه من شدم

فا است تو ایم و عاشر هم کنار تو است
آئینه است نبود نما یا من شدم

فا پای غربت نوه حایت نشستم ایم
ورنه بینم نم باران من شدم

هم ناله هار افسب و لاسر اقمیم
فا سگولار رحلت بابا من اقمیم

در جاسر مسلمین چه آذر گذاشتند
بر جاسر شیعیان و برابر گذاشتند

آه از نهاد اهل ولایت بلند شد
بر سینه تا که داغ پیغمبر گذاشتند

آقامر من بزرگ قبیل زراف تو
بر در خاک عرمه من و صحر گذاشتند

هستر گریست تا نوه حایت رسیده و
با گریه و در سینه من تو سر گذاشتند

تو باغبان افسر و جاسر ابر تو
یک شام با سر را و طار گذاشتند

با رفتنت هصیت زهر اسر شد
داغ پسر به سینه من فاد گذاشتند

در کوچه ها غرور عاشر را کس شکست
در کوچه بود فاطمه و در زعفران شکست

۲۸ صفر

رحلت پیامبر اکرم
(استاد غلامرضا سازگار)

ملک وجود غرق در اندوه و در عزاست
آنگاه صبح غربت زهرا و مرتضاست
قرآن عزرا گرفته و عترت شده غریب
شمر قدین را به جگر، داف مصطفاست
خون گریه کس قدین! گزاینم فاتم عظیم
گر آسمان خراب شود بر سر ت روایت
گشتند انبیاء هم چو من فاطمه یتم
زیر اعزاز قافل سالار انبیاست
خلقت چه لایق است که صاحب عزرا شود
عالم عزرا گرفته و صاحب عزرا خداست
احل ولا، به هوش، که با رحلت نبی
شمر قدین بکسره آبست نه بلاست
قوس در بر خنجر خلافت شدند جمع
یا للعجب! و من پیغمبر، علس، که جاست
دار الولا مصاهره، زهرا است پشت در
دور و شراره بر فلک از بیت کبریاست
آتش زدنم خانه سر رهانم رسول
پادشاه رفیع را شب و روز مصطفاست
آرزو من رسول پس از رحلت رسول
بالله قسم شروع جنایات کربلاست
از لحظه ای که خنجر خلافت شد از علس
تا حشر حق آتش و صعد به زیر پا است
هر روز را سر شاه شهیدانم به درون من
هر شب همدار ناله زهرا به گوش مراست
«میتم!» قسم به میتم آزاد سر علس
آزادگر ولایت سلطان اولیاست

حیات

۳۰ صفر

شهادت امام رضا
(مسعود اصلانی)

آسمان زبردت بود ز فیه افتاد
یک عباد در سر بود ز فیه افتاد
نه همدار تو به گوش کس آشنو رسید
نه کس دور و برت بود ز فیه افتاد
هورت خاکس و دستار و عیایت خاکس
عادت در نظرت بود ز فیه افتاد
زهرا از جاست تو آقا جگر را من خواست
آتش بر جگر بود ز فیه افتاد
ناله من کرد جواد به سرش مرز آه
اشک در چشم تر بود ز فیه افتاد
من یک فار گزیده به خودت پیچید
خوب شد که پسر بود ز فیه افتاد
ولس افسوس به عید اسن دل خوشم برد حسین
نیزه از پشت زنده به ز فیه خورد حسین...

۳۰ صفر

شهادت امام رضا
(جواد حیدری)

با ز فیه خوردنت امروز ز فیه خورد ز فیه
آسمان خورد ز فیه عرش برین خورد ز فیه

و سلا کوچه حسینم بدنت لرزه گرفت
ناگهان ناله و پر روج لایم خورد ز فیه

ایم چه زهر است که دارم به خودت من پیچ
گاه پشت کمرت گاه جبینم خورد ز فیه

از سر تو چه بگویم؟ دور خاک افتاد
از تن تو چه بگویم؟ همین... خورد ز فیه

در گرت نیست تو اسم تا که ز جابر خیز
اس که با تو هم سر دینم خورد ز فیه

داشت من مرد با همت که چندین دفعه
دیدم فلاش چه بر بار و معینم خورد ز فیه

زهرا اول اثرش بر جگر فسموم است
پیلونیت سوخت که زانوت چندینم خورد ز فیه

پسرت تا ز قدینم به کنار تو رسید
طافش کم شد و گریاستم خورد ز فیه

به ز فیه خوردنم خاکس شدند دور و بر است
جد تشنه لب از عرشم ز فیه خورد ز فیه



شور و شوق شهادت شاعرم کرد

نشریه هیأت طبق روال هر شماره که با یکی از ماحین و یا شعرای نخبه و پیش کسوت گفتگو می کند، در این شماره هم به سراغ آقای سید مهدی حسینی رکن آبادی متولد سال ۱۳۴۸ در شهر قم رفته است. کسی که خودش می گوید از نوجوانی افتخار شاعری داشته و کار خود را از سال ۶۴ با نوحه سرایی در جبهه های حق علیه باطل شروع کرده است. حسینی پس از دوران دفاع مقدس به شعر و شاعری روی آورد و کم کم در انجمن های ادبی و محافل مذهبی راه پیدا کرد و به جز نوحه و فضای شعر آیینی و مذهبی به مرور با دیگر فضاهای شعری مانند شعر آزاد نیز آشنا شد. او از سال ۱۳۶۸ به طور جدی سرودن را آغاز کرد و در زمینه تدریس، آموزش و نقد شعر به فعالیت پرداخت و اکنون از اساتید به نام عرصه شعر ولایی محسوب می شود. از آثار او می توان به «آینه بی غبار»، «عقیق شکسته»، «آیین شور آفرینی»، «فرهنگ اصطلاحات و کنایات مداحی» و... اشاره کرد. در ادامه گفتگوی اختصاصی هیأت را با شما در میان می گذاریم.

الان در زمینه هنر ولایی چه فعالیتی دارید؟

در هر دو مورد مشغول ولایت هستم هم حوزه شاعری که اصلی ترین وظیفه ام است و هم جلسه نقد شعر که هم اکنون چهار جلسه عمومی نقد شعر در قم و تهران دارم. یکی از جلسات «جلسه فرات» است که حدود ۸ سال است دو هفته یکبار در حسینیه سادات تهران برگزار می گردد و خیلی از شعرای آیینی که مطلع هستند در آن شرکت می کنند. تاکنون بزرگانی چون استاد سازگار، استاد مجاهدی و استاد انسانی و برخی از مداحان عزیز مثل آقای خلیج و حدادیان افتخار داده اند و شرکت کرده اند. یک جلسه ی هفتگی مداحی هم به طور رایگاه در قم برگزار می کنم که ویژه مخاطبین جوان بارده بندی سنی و سطح بندی فنی می باشد. اخبار این جلسه در کانال من قرار داده می شود که علاقمندان می توانند پیگیری کنند. جلسه شعرمان که از سال ۶۹ تأسیس شده بود نیز هم اکنون در منزل خودم برگزار می شود و اخبار آن در کانال اعلام می شود.

آیا برای خواهران هم برنامه ای دارید؟

بله! چهارمین جلسه ای که از آن صحبت نشد همین جلسه ای است که ویژه خواهران در قم دارم. این محفل مربوط به شعر ولایی است و شاعران ولایی سرا در آن جمع می شوند. البته آن جلسه ی فرات تهران هم بخشی ویژه خواهران دارد که آن هم هر دو هفته یکبار برگزار می شود.

در مورد پرورش شاگرد یا بهتر بگویم برای تربیت «شاعر» چه کرده اید و دیدگاهتان چیست؟

باید بگویم که شعر دو بخش متفاوت دارد. بخش اول ذاتی و استعداد است که فرد الهامات شاعرانه را در خودش کشف می کند و بخش دوم بحث پرورش شعر است که محافل ادبی کارشان همین پرورش است که در آن شعرا اشعارشان را می خوانند و مورد نقد قرار می گیرد. این کار مورد توصیه مقام

اولین اساتید شعر شما چه کسی بود و از کجا با ایشان آشنا شدید؟

از اولین اساتیدی که بنده با ایشان آشنا شدم استاد محمدعلی مجاهدی بودند که در جلسات هفتگی شعر که به نام «انجمن مبین» بود از محضر ایشان استفاده می کردیم. ارتباط چند ساله با این انجمن موجب شد تا بعداً هادر رشته ادبیات دانشگاه ادامه تحصیل دادم. همه این اتفاقات رفته رفته شخصیت و بافت شعری من را شکل داد.

شنیده ایم جلسات نقد شعر تان هم معروف است، سابقه آن به چه سالی برمی گردد؟

درست از سال ۱۳۶۹ یعنی از همان سال های ابتدای شعر و شاعری، همزمان جلسات نقد شعرم را هم آغاز کردم؛ یعنی تا امروز حدود ۳۰ سال است که از جلسات نقد شعر بنده می گذرد. البته در این سال ها به جز مقوله شعر در زمینه تألیف هم فعالیت هایی داشتم.

گفتید در زمینه تألیف هم دستی بر آتش دارید، کمی برایمان توضیح دهید و بفرمایید که چه کتاب هایی از شما به چاپ رسیده است؟

به جز شعر توفیق داشته ام که سال ها در مجلات مختلف مشغول بوده ام و عموماً سردبیری می کردم و بطور تخصصی در حوزه نویسندگی کار کرده ام. فعالیت های تالیفی من در سه بخش خلاصه می شود. یک بخش مربوط به کتب دفاع مقدس و باز نویسی خاطرات دفاع مقدس است که حدود ۵ یا ۶ جلد از کتاب هایم با موضوع خاطرات جنگ است. بخش دوم کتابهایی است که در حوزه ی رشته تحصیلی ام ادبیات کار کرده ام و عموماً یک سری کتاب است که برای معلم های ادبیات نوشته ام. بخش سوم آثار هم مربوط به حوزه ی ادبیات و هنر ولایی است. از جمله کتابهایی در این زمینه «عقیق شکسته» که نقد و تحلیل ده سال شعر ولایی است و «آیین شور آفرینی» در حوزه نوحه خوانی و معرفی قالب ها، کنایات، فرهنگ و اصطلاحات مداحی می باشد.

یکی از کتاب هایی که تألیف کرده اید «آیین شور آفرینی» پیرامون قالب ها، کنایات و فرهنگ و اصطلاحات مداحی است، آیا شما در این حوزه هم سر رشته دارید؟

خوشبختانه یکی از حوزه های کاری من مداحی است. من قبلاً مداح بودم و می خواندم. الان حدود بیست سال است که کلاس های آموزش مداحی دارم و برایش تالیف و تدریس هم داشتم. به همین جهت بخشی از اصطلاح «هنر و ادب ولایی» مربوط به حوزه شعر و بخشی از آن مربوط به حوزه مداحی است.

**باید شاعر طوری
تربیت شود که
سخن چندساعته
یک سخنور توانا را
با یک بیت شعر
بگوید**



کرده است هر چند شاعری هدف نیست و ابزار است. شعر یک ابزاری است برای تفهیم محتوا و ایشان اصرار دارند که شعرای ما شعر خوب انتخاب کنند که مفاهیم انقلاب و اهل بیت علیهم السلام را به درستی انتقال بدهند.

چند بار خدمت رهبر انقلاب شعر خوانده اید و مورد تقدیر ایشان قرار گرفته اید؟ در آن لحظات چه احساسی داشتید؟

تاکنون چهار مرتبه توفیق یافته ام در دیدارهای خصوصی شعرا به محضر آقا مشرف شده ام. اولین بار سال ۷۲ بود که نیمه ماه رمضان تعداد مختصری از شعرا حدود ۴۰ نفر به دیدارشان رفتیم و در حضور ایشان شعر ارایه کردیم. از آن دیدار عکس یادگاری با آقا دارم که در رسانه ها هم منتشر شد. مرتبه دوم در همان سال ۷۲ در معیت استاد مجاهدی محضر ایشان رسیدیم و شعر خواندم که حضرت آقا تقدیر کردند و حتی شعرم را نقد فرمودند. یک بار هم به عنوان مهمان در ماه مبارک رمضان رفتم و یک دیدار هم اختصاصاً برای شعرای «ولایی سرا» تشکیل شد که باز به محضر مبارکشان مشرف شدیم و در آن جلسه فقط شعر آیینی و ولایی خوانده شد. در این جلسه افتخار داشتم عضو هیأت داور و انتخاب اشعار بودم. از لحظه به لحظه تمام این دیدارها خاطرات و حس خوبی در ذهنم دارم. تجربه ی لذت بخشی بود و امیدارم هر کسی از شاعران ولایی که هنوز این فرصت برایش فراهم نشده است، هم شعرش انتخاب شود و هم این احساس شعرخوانی در محضر آقا و تشویق ایشان را تجربه کند. تشویق هایی که با نگاه و کلامشان نصیب شاعر می کنند.

... بدلیل طولانی بودن این گفتگو، ادامه مباحث پیرامون «علت رشد شعر ولایی و آیینی در سال های اخیر»، «وضعیت کنونی و آینده شعر ولایی» و «آسیب های شعر و شاعری» در شماره های آتی نشریه هیأت منتشر می گردد.

ارزش شاعری که قصیده او، از محتوای خوب، الفاظی زیبا و مضمونی مناسب برخوردار باشد، از یک دانشمند کمتر نیست

معظم رهبری هم هست. ایشان از سال ۶۳ در روز ولادت حضرت زهرا سلام الله علیها که با مادحان و شاعران اهل بیت علیهم السلام دیدار دارند توصیه های بسیاری در مورد شعر و مداحی داشته اند، که شاعر در سرودن و مداح در اجرا دقت کند.

به عقیده بنده «شعر مذهبی» که خودش دو بخش «آیینی» و «ولایی» دارد، چون منتسب به اهل بیت است و به نام آنها ارائه می شود، باید کامل باشد. حضرت آقا هم خیلی نسبت به سلامت و کمال این نوع شعر تاکید دارند. هدف انجمن شعری هم همین است که شعر شاعران در عین زیبایی به پختگی و کمال برسد. یکی از معیارهای مهم ایشان این است که شعر باید شعر باشد و سالم باشد و معتقدند اگر کسی چیزی را سرود که ضعیف بود با اخلاص تمام آن را کنار بگذارد و عرضه نکند، البته او اجرش را خواهد برد.

از نگاه تخصصی شما چرا مقام معظم رهبری علیرغم مشغله های فراوان نسبت به مقوله شعر و شاعری که شاید از نظر عموم مردم اهمیت چندانی نداشته باشد، اینقدر اهمیت قائلند؟ به طور کلی جایگاه شعر در نظر ایشان چگونه است؟

بنده مجموع صحبت های ایشان در این خصوص را موضوع بندی کرده ام و می خواهم کاملاً دقیق و مستند پاسخ این سوال را بدهم. ایشان معتقدند که شعر رسانه است و اثر شعر در جامعه زیاد است. ایشان می فرمایند: «گاهی یک بیت شعر، گویاتر از چند ساعت سخن گفتن یک سخنور تواناست و ارزش شاعری که قصیده او، از محتوای خوب، الفاظی زیبا و مضمونی مناسب برخوردار باشد، از یک دانشمند کمتر نیست». بنابراین باید شاعر را طوری تربیت کنیم که سخن یک ساعته را با یک بیت شعر به مردم بگوید. در باب ضرورت شعر باید بگوییم که شعر هنر است و از هنرهای هفت گانه جهان است و باید شعرمون را جهانی کنیم که پیام های اهل بیت را جهانی کنیم. راز تأکید و اصرار حضرت آقا به مقوله شعر، هم در سرایش و هم در انتخاب است.

آیا رهبر انقلاب خودشان هم در زمینه شعر تخصص دارند؟

ایشان علاوه بر اشتغال به تحصیل علوم دینی و حوزوی از جوانی با شعر مأنوس بوده اند و اکثر کتابها را در این زمینه مطالعه کرده اند. آقا علاوه بر اینکه در زمینه شعر ناقد برجسته ای هستند، خود شاعری برجسته اند و به مسئله شعر و شاعری کاملاً واقف هستند. وقتی کسی در مورد شعر حرف میزند یا از شاهد مثالهای شعری استفاده می کند، خود نشان دهنده ی این است که بر شعر تسلط و وقوف دارد و با شعر زندگی

باسلام و احترام: آقای دکتر تحلیل شما از مسائلی که بعد از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله در جامعه مسلمین اتفاق افتاد چیست؟

اگر بخواهیم نگاهی تحلیلی به این جریانات بعد از رحلت رسول اکرم داشته باشیم باید مقداری در باب نگاه قبیله‌ای و طوایفی که در عربستان آن وقت وجود داشت داشته باشیم؛ به نظر می‌رسد که ظهور پیامبر صلی الله علیه و آله اسلام در مکه باعث شد قریش علی‌الخصوص بنی‌امیه و بنی‌مخزوم که دو قبیله بسیار مهم قریش بودند احساس ضعف کنند و به این نتیجه برسند که ریاست و قدرت مکه که در دست ایشان بود با ظهور پیامبر صلی الله علیه و آله از دست ایشان خارج می‌شود لذا برخی از ایشان نتوانستند پیام پیامبر صلی الله علیه و آله را به صورت صحیح دریافت کنند و عده‌ای از روی هوی و هوس و عده‌ای از روی قدرت طلبی و عده‌ای هم به خاطر پیروی از بزرگانشان به خاطر این احساسی که داشتند پیام پیامبر صلی الله علیه و آله را به درستی دریافت نکردند و متأسفانه مسئله را به عنوان یک مسئله قدرت طلبی تفسیر کردند اما خداوند پیامبر صلی الله علیه و آله خودش را به مدینه فرستاد و در آنجا حکومتی مقتدر ایجاد کرد که این حکومت مقتدر باعث شد در سال هشتم بر مکیان نیز مستولی گردد و مکیان مجبور شدند اسلام بیاورند و پیامبر صلی الله علیه و آله ایشان را طلقاء و آزادشدگان نامید به خاطر اینکه ایشان حدود بیست سال با پیامبر صلی الله علیه و آله می‌جنگیدند سیزده سال در مکه و حدود هشت سال در مدینه و در این مدت نگذاشتند پیامبر صلی الله علیه و آله آنچنان که باید و شاید پیام خداوند را به مردم ابلاغ کند. در همین زمان وفودهای متعددی صورت گرفت یعنی قبائل مختلف که قدرت پیامبر صلی الله علیه و آله را دیدند بعد از فتح مکه آمدند و با پیامبر صلی الله علیه و آله اسلام بیعت کردند و قدرت و رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله را پذیرفتند اما آن حس قبیله پرستی و طوایفی هیچ‌گاه در میان ایشان از بین نرفت و بار حلت پیامبر صلی الله علیه و آله تمام مسائل قبیله‌ای و طوایفی قدرت طلبی‌ها و ریاست طلبی‌ها خودش را نشان داد و اگر چه نتوانستند پیامبر صلی الله علیه و آله را از صحنه حکومت بیرون کنند اما این ظلم را به اهل بیت علیه السلام پیامبر صلی الله علیه و آله وارد کردند؛ یعنی به نظر می‌رسد که هم انصار و هم مهاجرین هر دو در نرسیدن حق امام علی علیه السلام به ایشان دخیل بوده‌اند.

چگونگی دخالت انصار و مهاجرین را در این حوادث توضیح دهید؟

تحلیل ما این است؛ چون انصار از قدرت قریش می‌ترسیدند؛ این ترس باعث این شد که خیلی سریع سقیفه را تشکیل بدهند؛ یعنی هنوز بدن مطهر پیامبر صلی الله علیه و آله روی زمین بود؛ هنوز خاک سپاری انجام نشده بود که انصار آمدند و در سقیفه یک گر دهمایی تشکیل دادند و بحثی که مطرح کردند بحث خلیفه و جانشین بعد از رسول الله بود؛ این اشتباه بزرگ انصار بود که بخاطر ترس از قریش و ترس برخی از مسائل جانبی باعث شدند که این مسائل پیش بیاید؛ اصل سقیفه از ترس قریش بود اما اتفاقاتی که در سقیفه افتاد باعث شد که کدورت‌ها و کینه‌هایی که بین اوس و خزرج وجود داشت در این سقیفه بروز پیدا کند و عده‌ای از مهاجرین هم از این فرصت استفاده کنند و به نفع خودشان حق امام علی علیه السلام را بگیرند و نگذارند که امام علی علیه السلام خلیفه واقعی پیامبر صلی الله علیه و آله در جایگاه حقیقی خود قرار بگیرد. امام علی علیه السلام در مسجد مدینه همراه با عده‌ای از یارانش به خلفا احتجاج کردند و از حق خود دفاع کردند و حتی حضرت فاطمه سلام الله علیها با اینکه بسیار محجوب و با حیا بودند وظیفه خود دیدند که از حق امام علی علیه السلام و از مقام ولایت دفاع کنند و این دفاع از ولایت منجر به حوادثی گردید که باعث شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها شد و فدک از اهل بیت علیهم السلام غصب شد. این فضا ایجاد شد و امام علی علیه السلام بیعت نمی‌کند و مخالفتش را اعلام می‌کند و اهل بیت علیهم السلام هم به همراه امام علی علیه السلام هستند تا اینکه جنگ‌های رده [۱] به وجود می‌آید یعنی کسانی که وفود بسته بودند بیعت خود را شکستند،

کدامیک از یاران پیامبر دین خود را با زندگی اشرافی معامله کردند؟

آیا راهبرد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای مدیریت وقایع جامعه مسلمین پس از خود موفق بود؟

پاسخ را در گفتگو با دکتر

مهدی فرمانیان عضو

هیأت علمی دانشگاه

ادیان و مذاهب

بخوانید



هیأت

عده‌ای واقعاً از اسلام خارج شدند، عده‌ای خلافت ابی بکر را نپذیرفتند و عده‌ای هم معتقد بودند که خلافت از آن امام علی علیه‌السلام است. پس اینجاست که طایفه ردیون سه دسته شدند. جنگ‌های رده که به وجود آمد امام وظیفه خود دیدند که از اصل اسلام دفاع کنند و برای اینکه اصل اسلام محفوظ بماند، این اختلافات را به کنار بگذارند؛ لذا همین امر باعث شد که امام بعد از شهادت حضرت فاطمه سلام‌الله‌علیه‌ها سکوت اختیار کرده و با خلیفه اول بیعت کنند.

در این ایام برخی از اتفاقاتی که افتاد ثابت می‌کند که شیعه بر حق است و حقانیت خلافت امیرالمؤمنین علیه‌السلام را ثابت می‌کند. مادر این زمان می‌بینیم که مسائل مستحدثه‌ای به وجود می‌آید که بسیاری از صحابه هم در این زمینه نتوانستند تصمیم بگیرند و چنانچه شیعه می‌گوید جانشین بر حق پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله باید حتماً منصوب؛ معصوم و دارای علم غیب باشد و اگر مراجعه به ایشان می‌کردند یقیناً احکامی که از ایشان صادر می‌شد احکام منطبق با واقع بود که متأسفانه خاندان وحی را رها کردند و این کار اتفاق نیفتاد.

ماجرای نصب خلیفه دوم مسلمین توسط ابوبکر

در همین زمان می‌بینیم که خلیفه اول رسماً خلیفه دوم را به عنوان خلیفه پس از خود معرفی می‌کند و این یکی دیگر از موارد اختلاف و انتقاد ما با اهل سنت است که اگر نصب خلافت در مرام اسلام نیست و در سنت اسلامی وجود ندارد چگونه است که خلیفه اول این کار را انجام داد و چرا به زعم خود اهل سنت مثل پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله رهان کرد تا مردم خلیفه بعد از ابوبکر را انتخاب کنند. نکته‌ای که می‌خواهم به آن توجه بدهم اینکه در این زمینه نباید ترس از قریش را هیچ‌گاه فراموش کرد و به نظر می‌رسد که ترس از قریش سقیفه را به وجود آورد که در نتیجه حق امام علی علیه‌السلام ضایع شد و در همین فضا است که قریش بیست سال با رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله جنگید اما وقتی که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله از دنیا می‌رود از دین خارج نشدند. چگونه است که طایفه‌ای بیست سال با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله جنگیدند اما بعد از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله از دین خارج نشدند، اما کسانی که خودشان آمدند با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بیعت کردند بعد از رحلت ایشان بیعت خود را شکستند؟! این نشان می‌دهد که یقیناً خلیفه اول با قریش به توافقاتی رسیده بود.

دلیل بر این ادعا چیست؟

نشان‌های این مدعی این است که اگر شمانگاه کنید می‌بینید فرماندهان بزرگ جنگ‌های رده از قریشیان هستند. سه فرمانده بزرگ در جنگ‌های رده داریم. یزید بن ابی سفیان؛ عکرمه بن ابی جهل و خالد بن ولید. اگر بررسی کنیم خواهیم دید که در ده سال اول دوره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله ریاست کفار بر عهده ابوجهل است و بعد از کشته شدن او در جنگ بدر این مسئولیت توسط ابوسفیان اداره می‌شود و دقیقاً بعد از رحلت رسول الله فرزندی از ابوسفیان و فرزندی از ابوجهل این ریاست را به عهده می‌گیرند و فرماندهان رده جنگ‌های مسلمانان می‌شوند شاید کسانی بگویند که هم یزید و هم عکرمه جزو کسانی هستند که قبل از فتح مکه اسلام آوردند. تحلیل ما این است که اگر خلیفه کسانی را می‌خواست بر سر کار بگذارد که جزو طلقاء باشند یقیناً باعث اختلاف جدی بین مسلمانان می‌شد؛ لذا ایشان به سراغ کسانی رفت که از همان طایفه و همان خاندان هستند. لذا کسانی که کمتر مورد اعتراض هستند و کمتر مسلمانان نسبت به آن‌ها اعتراض خواهند کرد را انتخاب کرد. در واقع با یک سیاستی هم دل قریش را بدست آورد و هم کسانی را انتخاب کرد که زیاد مورد انکار و سوال مسلمانان قرار نگیرند. به این ترتیب کسانی که بیست سال پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله با آن‌ها جنگید و آن‌ها را خارج از قدرت سیاسی قرار داد امروز دوباره به قدرت و حکومت نزدیک می‌شوند و این قدرت و حکومت توسط خلیفه دوم هم اجرا می‌شود. در تاریخ داریم که خلیفه اول با دو نفر مشورت کرد و بعد از آن خلیفه دوم را با عنوان خلیفه معرفی کرد یکی عثمان بن عفان و دیگری عبدالرحمن بن عوف بود که این‌ها هر دو از قریش بودند. به نظر می‌رسد ابوبکر برای اینکه دل قریش را به دست بیاورد با این دو نفر مشورت نمود و وقتی موافقت این‌ها را بدست آورد و مطمئن شد که قریش پشت سر این‌ها خواهند بود، خلیفه دوم را معرفی کرد.

در این دوره چگونه فاصله طبقاتی جامعه مسلمین بیدار کرد؟

در همین ایام جریاناتی اتفاق می‌افتاد که موجب فاصله طبقاتی در جهان اسلام می‌شود. اول کاری که خلیفه دوم انجام می‌دهد این است که ایشان تقسیم بیت‌المال را بر اساس قدمت اسلامی و سابقه اسلام افراد محاسبه می‌کرد؛ یعنی هر که در اسلام قدیمی‌تر است

از بیت‌المال بیشتر سهم می‌برد و این مسئله باعث ایجاد فاصله طبقاتی در بین مسلمین شد. به عنوان مثال فرض کنیم اگر یکی از صحابه قدیمی ماهی هزار در هم از بیت‌المال بگیرد و آن کسی که تازه مسلمان شده است ده در هم بگیرد؛ آن وقت در طول یک سال یک صحابی قدیمی در پایان سال دوازده هزار در هم از بیت‌المال گرفته است، ولی کسی که تازه مسلمان شده است ۱۲۰ در هم گرفته است؛ و در طول ده‌الی بیست سال خلافت خلیفه دوم و سوم اگر این‌ها را ضرب کنیم می‌بینی که کل در بافتی یک تازه مسلمان به اندازه در بافتی یک سال یکی از صحابه قدیمی نیست؛ و این امر باعث شد که صحابه ثروتمند شدند و این ثروت بسیار باعث شد که عده‌ای از صحابه به خاطر همین مسائل مالی و تجملاتی از تقوای الهی خارج شدند.

همین امر موجب گردید که در ایام خلافت امام علی علیه‌السلام مشکلاتی را به وجود آوردند. از طرفی صحابه قدیمی بسیار متمول شدند و تازه مسلمانان همه فقیر ماندند و همین مسئله باعث می‌شد که مسلمانان در مقابل صحابه قدیمی قد علم کنند و مخالفت کنند. این مسئله یکی از مشکلاتی بود که بعد از دوران خلافت امام علی علیه‌السلام پیوسته شاهد آن هستیم و قیام‌هایی توسط ضعفا صورت می‌گیرد. فقر اهر از چند گاهی اگر صدایی از گوشه‌ای بلند می‌شد خیلی سریع جذب این جریان مخالف می‌شدند و اگر این جریان مخالف قوی نبود نمی‌توانست از حقوق این مستضعفین دفاع کند خیلی زود از دور او پراکنده می‌شدند. در این دوره دنیای مردم برایشان مهم می‌شود و آخرت به دست فراموشی سپرده شد.

نگاه تحقیر آمیز به غیر عرب و نهضت‌های شعوبیه

یکی دیگر از اتفاقاتی که در این ایام افتاد نوع نگاه به غیر عرب است. نوع نگاه فرهنگی که از زمان خلیفه دوم به غیر عرب ایجاد می‌شود باعث می‌شود که همه عرب‌ها احساس بزرگی و اشرافیت کنند و دیگر گروه‌ها در مقابل آنها همیشه احساس حقارت کنند. خیلی عجیب است که وقتی جهان اسلام گسترش پیدا کرد و به ما و آفریقا رسید، عرب‌ها به ما گفتند «عجم» یعنی کسی که نمی‌فهمد و به مردم شمال آفریقا گفتند «بربر» یعنی کسانی که وحشی هستند، ولی به خودشان بهادادند و خود را بزرگ دیدند و دیگران را تحقیر نمودند. این تحقیرها کم‌کم باعث شد که در جهان اسلام جریان شعوبی‌گری رشد کند و این مسئله ریشه‌هایش دقیقاً از این دوران شروع می‌شود. تحقیر دیگران و بزرگ دیدن عرب که این مسئله در دوران اموی هم بسیار دیده می‌شود و اگر دقت کنید متأسفانه هنوز این فرهنگ وجود دارد. اسلام گفت بین سیاه و سفید فرقی نیست؛ بین عرب و فارس فرقی نیست؛ اما این فرهنگ باعث شد که عرب‌ها نگاه منفی به عجم‌ها داشته باشند، در حالی که این نوع نگاه با فرهنگ اسلام مخالف است.

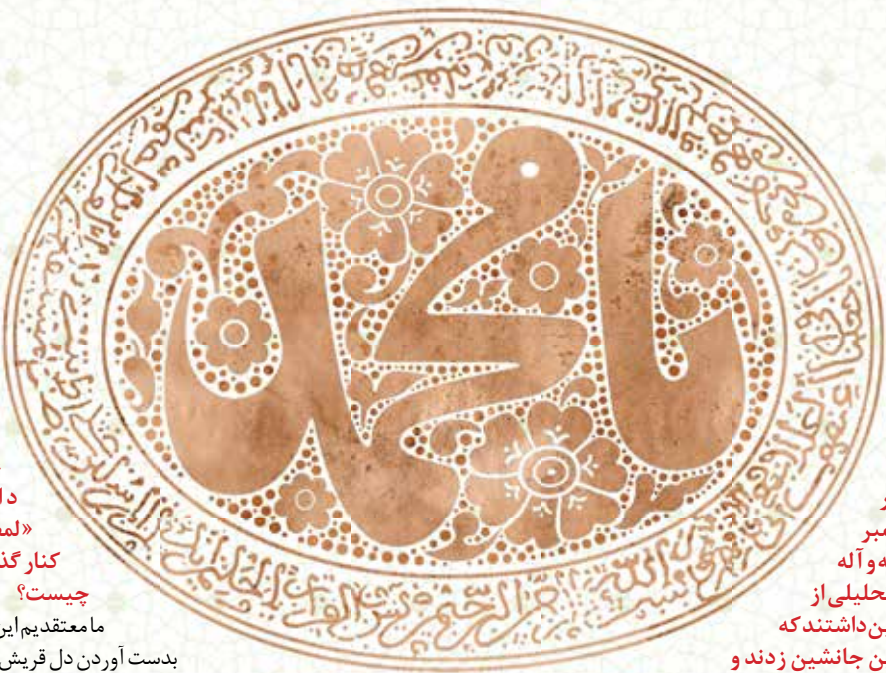
معاویه و جنگ با حکومت علوی

در همین دوران است که معاویه به سر کار می‌آید. او فاتح شام است و شام را از مسیحیان می‌گیرد و اسلام را در آنجا گسترش می‌دهد. عمر وعاص هم کسی است که مصر را فتح می‌کند و اسلام را در آنجا نشر می‌دهد. اما اتفاقات بعدی چگونه سرنوشت تاریخ اسلام را رقم زد. همین دو فاتح بعدها در مقابل خلیفه بر حق ایستادند و از همینجا دعوی اموی و علوی به وجود آمد و از دل آن جریان خوارج ایجاد شد.

از همین دوره سه جریان فکری متضاد در جهان اسلام خود نمایی می‌کند و در این فضا سب و لعن هم گسترش پیدا می‌کند و کم‌کم مکتب اهل بیت‌علیه‌السلام در مقابل مکتب صحابه شکل می‌گیرد. به قول علامه عسکری معالم المدرستین به وجود می‌آید که در آن دو طرز تفکر و نگاه متفاوت شکل می‌گیرد و هنوز که هنوز است مسائلی در جهان اسلام می‌بینیم که بین تک‌تک مسلمانان وجود دارد. اسلام گفته است باید مسلمان به هم حسن ظن داشته باشند، ولی می‌بینیم که این نگاه همراه با سوءظن است. اسلام می‌گوید مسلمانان نسبت به هم کینه نداشته باشند اما می‌بینیم که مسلمانان نسبت به هم کینه دارند. اسلام می‌گوید اگر می‌خواهی نسبتی به برادر دینی‌ات بدهی اول برو تحقیق کن و ببین که واقعاً او این حرف را زده است یا نه، اما شاهدیم که مسلمان‌ها بدون هیچ تحقیقی به هم نسبت‌هایی می‌دهند و جالب اینجاست که امروز برخی از مسلمانان به خاطر همین کینه‌ها با اینکه حقایق را هم می‌دانند باز به یکدیگر تهمت می‌زنند و معضل اصلی جهان اسلام سوءظن به یکدیگر است. متأسفانه بعد از رحلت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله اهل تسنن به دوران امام علی علیه‌السلام که دوران سنت‌هایی است که باید به این سنت‌ها عمل بشود توجه نمی‌کنند و این در اثر همان فرهنگی است که می‌خواستند دل قریش را بدست بیاورند تا حکومت چند روزی داشته باشند.



نوع نگاه فرهنگی که از زمان خلیفه دوم به غیر عرب ایجاد می‌شود باعث می‌شود که همه عرب‌ها احساس بزرگی و اشرافیت کنند و دیگر گروه‌ها در مقابل آنها همیشه احساس حقارت کنند. خیلی عجیب است که وقتی جهان اسلام گسترش پیدا کرد و به ما و آفریقا رسید، عرب‌ها به ما گفتند «عجم» یعنی کسی که نمی‌فهمد و به مردم شمال آفریقا گفتند «بربر» یعنی کسانی که وحشی هستند، ولی به خودشان بهادادند و خود را بزرگ دیدند و دیگران را تحقیر نمودند



صحابه و
انصار که در

زمان پیامبر
صلی الله علیه و آله
بودند چه تحلیلی از

جامعه مسلمین داشتند که

دست به تعیین جانشین زدند و

چرا راهبردهای رسول الله به نتیجه نرسید؟

درباره این جریان تحلیل‌های متعددی می‌توان داشت. عده‌ای می‌گویند این مسائل از سال‌ها قبل برنامه‌ریزی شده بود که برای بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله فکری کنند و این فکر باعث تشکیل جلسات متعددی شد که ماحصل آن این شد که خیلی‌ها را درگیر کردند و بسیاری از خواص را همراه خود کردند. بنابراین هنگامی که رسول الله رحلت کردند خود به خود خواص آماده بودند.

اما اینکه آیا راه‌های کاربردی پیامبر صلی الله علیه و آله موفق بود یا نه؟ به نظر من بله اینکه می‌بینیم در جای جای حکومتش همیشه از جانشینی حضرت علی علیه السلام یاد می‌کند و مردم را به این مسئله فرامی‌خواند باعث شد که حداقل طیف قبلی در این مسئله با امام همراه شود. راهبرد پیامبر صلی الله علیه و آله این بود که این مسئله در تاریخ گم نشود و تمام فعالیت‌های مخالف در پی این بود که این مسئله را در تاریخ گم کنند. ما اگر گفتگوی سقیفه را بررسی کنیم خواهیم دید که همه اخبار سقیفه از زبان خلیفه دوم نقل می‌شود و مفهوم آن این است که یک قانون نانوشته‌ای بوده است که کسی درباره سقیفه سخنی نگوید، اما این اتفاق باعث شد که خود خلیفه دوم این مسائل را بگوید و این مسئله فتح بابی شد تا در این مسئله بحث شود. در اواخر عمر

خلیفه دوم او به مکه رفت و ابن عباس به او می‌گوید ما بعد از تو یکی از بنی‌هاشم را یعنی امام علی علیه السلام را خلیفه خواهیم کرد و ایشان ناراحت می‌شود و می‌خواهد در مکه گزاشی از سقیفه بدهد. عبدالرحمن بن عوف می‌گوید صبر کن که اینجا خانه سنت نیست و مردم حرف‌های تو را دقیق نخواهند فهمید، پس برو در مدینه که خانه سنت است و صحابه بزرگ در آنجا هستند و حرف‌های تو را خوب می‌فهمند؛ لذا خلیفه دوم صبر می‌کند و در اولین خطبه نماز جمعه‌اش در مدینه خطبه‌ای می‌خواند و سقیفه را در آنجا تحلیل می‌کند که انصار برای مسئله خلافت بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله جمع شده بودند. او جمله «كَانَ بَيْعَةُ أَبِي بَكْرٍ فَلْتَةً وَغَفْلَةً وَقِيَ اللَّهُ شَرَّهَا» [۲] را در آنجا بیان کرده است و همه گزارشات را در آنجا می‌دهد و درست است که در زمان ابی‌بکر این مطلب بود اما در زمان عثمان این آتش زیر خاکستر خودش را نشان داد و شر آن بعدها گریبان‌گیر مسلمانان شد و دیدیم که چه اختلافاتی بین مسلمانان ایجاد شد.

پس نتیجه‌ی می‌گیریم که پیامبر صلی الله علیه و آله وظیفه‌اش را انجام داد و قرآن هم گفت نترس و مسئله خلافت علی بن ابیطالب را بگو [۳] پس معلوم می‌شود که جو غالب چه جوی بوده است؛ چون عموم مسلمان نمی‌خواستند این مسئله را بپذیرند. تحلیل این مسئله نیاز به بررسی جامعه مدینه دارد و همه این مسائل به مسائل قبیله‌ای برمی‌گردد و به نظر نمی‌خواستند حکومت به دست بنی‌هاشم برسد.

اینکه زبیدی‌های می‌گویند نص بر خلافت امام

علی علیه السلام
داشتیم اما
«لمصلحة» او را
کنار گذاشتیم منظور
چیست؟

ما معتقدیم این مصلحت هم برای بدست آوردن دل قریش بود. در نهج البلاغه هم داریم که امام متعدد از قریش می‌نالد [۴] و نشان می‌دهد که امام علی علیه السلام از فرهنگی که در جامعه آن روز بود سخن می‌گوید. پس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در رسالت خود موفق بود و نگذاشت این جریان در تاریخ گم شود و این جریان راهش را ادامه داد و جریان توفنده‌ای به نام «شیعه» را به وجود آورد و اگر چه امام علی علیه السلام در ابتدا شیعیان کمی داشتند اما کم‌کم با تبیین‌هایی که توسط امامان بعدی صورت گرفت، شیعه مطرح شد تا جایی که امروز شیعه یک فکر و جمعیت قابل توجه است. نمونه آن جمعیت عظیم و اجتماع جهانی اربعین اباعبدالله الحسین علیه السلام است.

پی‌نوشت‌ها:

۱. آنکه که خبر درگذشت رسول خدا صلی الله علیه و آله در سال ۱۱ هجری در سطح جزیره العرب منتشر شد، ساکنان شبه جزیره را دو گروه فرهنگی متمایز تشکیل می‌دادند: نخست آنان که اسلام آوردند و دیگر کسانی که هنوز بر دین خود باقی بودند. آن گروه که هنوز اسلام نیاوردند، طبعاً با از دنیا رفتن پیامبر صلی الله علیه و آله اسلام صلی الله علیه و آله قوت و قدرتی بیشتر احساس می‌کردند و بر پایه چنین احساسی، علناً رویارویی و معارضه‌ای سخت را آغاز کردند و در سویی دیگر، اسلام‌آوردگان همگی در حال انتظار، چشم‌ها را به سوی مدینه دوخته بودند و از هر رهگذری جوایب خبر‌های تازه از مدینه بودند. پس از برگزاری سقیفه و بیعت با ابوبکر، برخی از قبایل اسلام‌آورده عرب، به چنین بیعتی گردن ننهاده و به تبع از پرداخت زکات خود به خلیفه خودداری ورزیدند. همین مسأله منجر به شعله‌ور شدن آتش جنگ میان خلیفه و برخی از قبایل عرب شد که مورخان مسلمان مجموع این وقایع را «رده» نام نهاده و قبایل درگیر جنگ را «مرتدین» خوانده‌اند.

۲. انسب الأشراف، ج ۱، ص ۵۸۳؛ «حدثنا محمد بن مصفى الحمصی، ثنا بقیة بن الولید، عن الزهیری، عن الزهری قال: خطب عمر الناس یوما، فقال: إن بیعة ابی بکر کانت فلتة فوقی الله شرها: اجتمعت الأنصار فی سقیفة بنی ساعدة لتبایع سعد بن عبادة. فقال الحباب بن المنذر: نحن کتیبة الاسلام، و اقم معشر المهاجرین منا امیر و منکم امیر / ۲۸۱ / حتی یكون الامر بیننا کشق البلمة. فتکلم ابو بکر، و کان رشیدا، فقال: نحن قریش، و الائمة منا، و اقم إخواننا و وزر اؤنا قد آویتم و نصرتم فجزاکم الله خیرا. فبایعوه إلا سعدا، فانه راغ ثم اتی الشام».

۳. مانده، آیه ۶۷؛ «یا ایها الرسول بلغ ما أنزل الیک من ربک و إن لم تفعل فما بلغت رسالتک و الله یعلمک من الناس ان الله لا ینھدی القوم الکافرین: ای پیامبر، آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده، ابلاغ کن؛ و اگر نکنی پیامش را ترسانده‌ای. و خدا تو را از [گردن] مردم نگاه می‌دارد. آری، خدا گروه کافران را هدایت نمی‌کند».

۴. برای نمونه می‌توان به خطبه‌های ذیل مراجعه کرد: خطبه ۲۷ «و من خطبة له ع و قد قالها یستنهض بها الناس حین ورد خبر غزو الأنباء بجیش معاویة فلم ینھضوا. و فیها یدکر فضل الجهاد، و یستنهض الناس، و یدکر علمه بالحرب، و یلقی علیهم التبعة لعدم طاعته؛ ۳۳- و من خطبة له ع عند خروجه لقتال اهل البصرة، و فیها حکمة مبعث الرسل، ثم یدکر فضله و یدکر الخار جین؛ ۹۳- و من خطبة له ع و فیها ینتبه امیر المؤمنین علی فضله و علمه و ببین فتنه بنی امیه؛ ۱۷۲- و من خطبة له ع؛ ۱۷۱- و من کلام له ع فی التظلم و التشکی من قریش».

منبع: مجله «حوزة» - شماره ۵۵۶۸۰ / Discussion/View/55680

هیات

چگونه جامعه اسلامی پس از رحلت پیامبر اکرم منحرف شد؟

برای اینکه بدانیم پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چرا از ارزش های اسلامی و انقلاب آسمانی رسول خدا رویگردان شدند و چرا انحراف و غفلت بدان جا پیش رفت که مردم در کر بلانوه پیامبر خود را تنها گذاشتند تا او در غربت و مظلومیت به شهادت برسد؟ باید این مطلب را در علت رویگردانی مردم از ولایت و وصایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ریشه یابی کنیم آنگاه به بررسی علل انحراف مردم و جامعه اسلامی بپردازیم. در ادامه به بررسی علل انحراف مردم از دین و رویگردانی آنها از ولایت می پردازیم.

۱. حب قدرت و ریاست بسیاری از بزرگان مهاجرین و انصار:

به عنوان نمونه غزالی، عالم مشهور اهل سنت درباره پیمان شکنی برخی از صحابه می گوید: از خطبه های رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله خطبه آن حضرت به اتفاق همه مسلمانان در روز عید غدیر خم است که در آن فرمود: «هر کس من مولا و سرپرست او هستم، علی مولا و سرپرست او است». همه صحابه پس از این فرمایش رسول خدا صلی الله علیه و آله یک به یک به علی علیه السلام این گونه تبریک گفتند: «افتخار، افتخار ای ابوالحسن، تو اکنون مولا و رهبر ما و هر مولای دیگری هستی».

اینچنین سخن گفتن آن ها حکایت از تسلیمشان در برابر فرمان پیامبر صلی الله علیه و آله و امامت و رهبری علی علیه السلام و نشانه رضایتشان از انتخاب علی

علیه السلام به رهبری امت بود؛ اما پس از گذشت آن روزها، تحت تأثیر شرایط مختلف، استوانه خلافت را از مکان اصلی خود تغییر دادند و بالشکر کشی ها، برافراشتن پرچم ها و گشودن سرزمین های دیگر، راه امت را به اختلاف و بازگشت به دوران جاهلی هموار کردند و مصداق این آیه قرآن شدند که: «پس، آن [عهد] را پشت سر خود انداختند و در برابر آن، بهایی ناچیز به دست آوردند و چه بد معامله ای کردند». ۱

۲. وجود نفاق و اختلاف در میان بزرگان قوم:

اوج این اختلافات را در میان خود اهالی سقیفه برای تعیین خلیفه می توان مشاهده کرد؛ آنجا که قریشیان در مقابل انصار به مقابله پرداختند و بالاخره غالب هم شدند.

۳. وجود اختلاف و کینه هایی از گذشته در بین مسلمانان:

در این زمینه نقل شده که شخصی از طایفه بنی اسد از امام علی علیه السلام سؤال کرد: «چگونه

شما را که از همه سزاوارتر بودید از مقام خلافت کنار زدند؟» حضرت در پاسخ فرمود: «بدان که آن ظلم و خودکامگی که نسبت به خلافت بر ما تحمیل شد، در حالی بود که ما را نسب برتر و پیوند خویشاوندی با رسول خدا صلی الله علیه و آله استوارتر بود». ۲

۴. سست ایمانی تازه مسلمانان:

بسیاری از مسلمانان در سال های پایانی و بالاخص سال نهم و دهم هجرت (که به علت همین سیل مسلمان شدن به عام الوفود نیز معروف شد) مسلمان شده بودند و طبیعی بود که با امر رسول خدا صلی الله علیه و آله به جانشینی امیر المومنین علیه السلام چندان مأنوس نباشند. خود امیر المؤمنین

هیأت

علیه السلام در این رابطه می فرماید: «به خدا سوگند اگر خطر ایجاد اختلاف و شکاف در میان مسلمانان نبود و بیم آن نمی رفت که بار دیگر کفر و بت پرستی به سرزمین اسلام باز گردد و اسلام محو و نابود شود. من موضع دیگری در برابر آنان می گرفتم: لکنای علی غیر ما کنا لیهم علیه» ۳.

بدیهی است که از چنین افرادی که خطر ارتداد بسیاری از آنان موجب سکوت حضرت گردید، توقع حمایت و دفاع و ایثار نخواهد بود. ۴

۵. وجود کینه ها و دشمنی های برخی با حضرت علی علیه السلام:

زیرا بسیاری از بستگان نزدیک آنان در جنگ ها به دست حضرت علی کشته شده بودند. امیر مومنان علیه السلام خودش در این زمینه می فرماید: «فَأَنَّهَا

كَانَتْ أَثَرُهُ شَحَتْ عَلَى هَا نُفُوسٌ قَوْمٌ وَ سَحَتْ عَنْهَا نُفُوسٌ». ۵. ابن ابی الحدید سنن معتزلی هم در این باره می نویسد: «قریش با کینه های فروخته و بیماری حسادت دست در دست یکدیگر به جنگ با امیر مومنان علیه السلام روی آورد، همانگونه که در شروع و آغاز دعوت رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز به همین روش و سیره عمل کرده بود» ۶.

۶. نگرانی گروهی از اشراف از ادامه راه رسول الله به وسیله امیر مومنان علیه السلام و عدالت وی:

همین عامل هم باعث شد تا مسلمان نماهایی چون خوارج ایشان را به شهادت برسانند.

۷. حیلہ گری و خدعه برخی از افراد و ایجاد جو متشنج و آلوده بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله:

به عنوان مثال تبلیغ می کردند ما علی را که حدود ۳۳ سال سن دارد برای جانشینی پیامبر قبول داریم، ولی فعلا جوان است و تا به کمال سنی برسد از دیگر صحابه ریش سفید و سابقه دار تبعیت می کنیم.

۸. ریشه کن نشدن رسوم قبیله ای و عصبیت جاهلی:

برخی از مورخان بر این نکته تأکید دارند که مردم با این که حرف های حضرت رسول صلی الله علیه و آله را شنیده بودند، ولی باز منتظر آن بودند که شخصی طبق سنت قبیله ای برای خلافت برگزیده شود. عمده مسلمانان و کسانی را که در کنار پیامبر حضور داشتند، - با توجه به ظهور اسلام در جزیره العرب - مجموعه اعراب مسلمان مکه و مدینه (مهاجرین و انصار) تشکیل می دادند. آنان علی رغم گرویدن به اسلام، علقه های قومی و فرهنگ قبیله محوری هنوز در تصمیم گیری هایشان دخیل بود.

در اولین لحظات بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله گروه مهاجرین مکه در برابر قبایل انصار به صف آراییی پرداختند و با اکثریت گروه انصار به پیشوایی سعد بن عبادہ رئیس خزر جیان، به

مقابله برخاستند و سرانجام نیز در این رقابت پیروز گردیدند و قدرت را تصاحب نمودند. ۷

در چنین اوضاع و احوالی که رگ های جاهلیت قوم گرایی گل کرده بود و دو طایفه مهاجر و انصار بر سر خلافت پیامبر صلی الله علیه و آله به جنگ و ستیز برخاسته بودند، فقط عده اندکی از پیروان راستین پیامبر صلی الله علیه و آله و رجال بنی هاشم به علی علیه السلام وفادار ماندند که این تعداد نیز بسیار کم و انگشت شمار بودند و در حدی نبودند که بتوانند حرکت جامعه را از وضعیت به وجود آمده تغییر دهند؛ زیرا رنگ نفاق در چهره اکثر مدعیان تقرب پیامبر صلی الله علیه و آله مشهود بود. همان هایی که بعدا جریان هایی مثل ناکثین، مارقین و غیره را در برابر حضرت علی علیه السلام پدید آوردند.

پی نوشت ها:

سر العالمین و کشف ما فی الدارین، ابو حامد غزالی، ج ۱، ص ۴، باب فی ترتیب الخلافة و المملکة.

نهج البلاغه، خطبه ۱۶۲، نهج البلاغه محمد عبده، ج ۲، ص ۶۴ و شرح ابن ابی الحدید، ج ۹، ص ۲۴۱ و علل الشرايع، ج ۱، ص ۱۴۶.

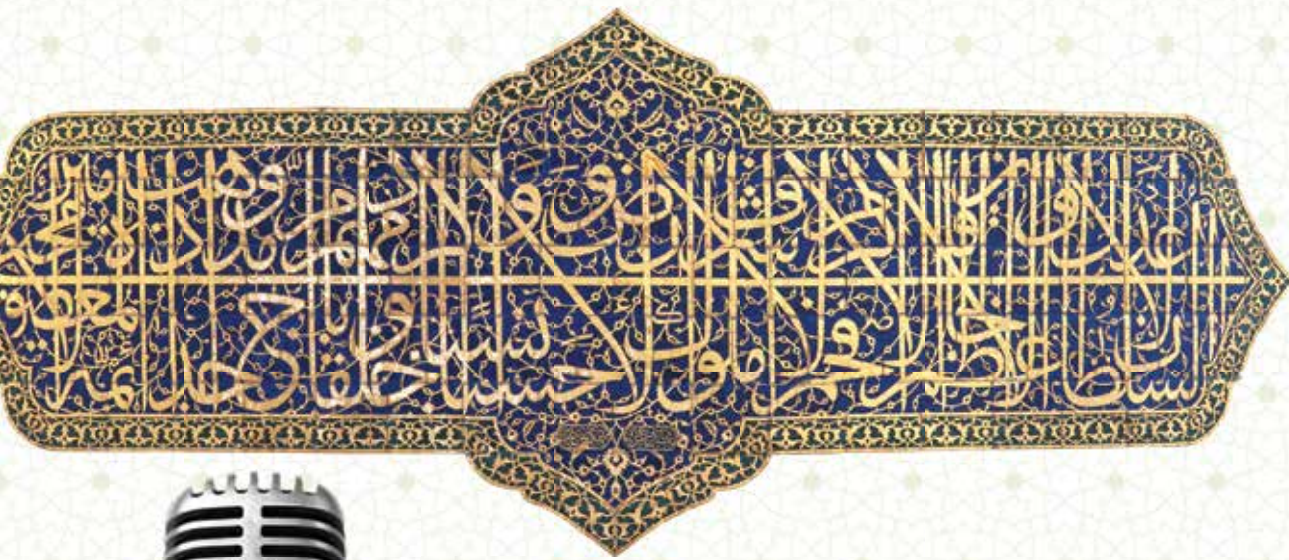
شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۳۰۷، چاپ اول قاهره، دار الاحیاء الکتب العربیة، ۱۳۷۸ هجری قمری.

سیره پیشوایان، مهدپیشوایی، ص ۶۳ - ۷۲، چاپ دوم، مؤسسه امام صادق - علیه السلام، ۱۳۷۴ هجری قمری، قم.

نهج البلاغه، خطبه ۱۶۲.

شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۱۵۱.

پژوهشی عمیق پیرامون زندگی علی - علیه السلام - جعفر سبحانی، ص ۲۰۱ - ۲۰۹، چاپ سوم، ۱۳۶۶، انتشارات جهان آراء.



به قلم: علی سیفی

سیره عملی امام رضا علیه السلام همچون پدران معصوم خویش کاملاً مأخوذ از سیره و سنت ناب نبوی و علوی است که برای هر نسلی تا روز قیامت راهگشای زندگی خواهد بود؛ به ویژه اگر در منابع مکمل مباحث و عظم و خطابه گردد. اینک به گوشه‌ای از سیره نورانی آن بزرگوار که از طریق یاران و اصحاب و فرزندان ایشان به طریق صحیح رسیده است اشاره می‌کنیم.

حکایات منبری

از رهگذر سیره‌شناسی
حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام

هیأت

به تفصیل آورده است. مجموع آنچه در این زمینه گرد آمده، توسط شیخ صدوق و برخی از متأخران بوده است. (عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۷-۲۷؛ مسند الامام الرضا، ج ۱، ص ۱۸-۳۷ و نک: روضة الواعظین، ج ۱، ص ۲۲۲) اختلافی که پس از شهادت امام صادق علیه السلام در مسأله جانشینی آن حضرت به وجود آمد، سبب شد تا این بار پس از شهادت امام کاظم علیه السلام اصحاب، در موضوع جانشینی دقت و احتیاط بیشتری به خرج دهند و قبل از شهادت آن حضرت، درباره شناخت او اصرار بورزند.

نصر بن قاموس می‌گوید: به ابو ابراهیم (موسی بن جعفر) عرض کردم: من از پدر شما درباره جانشینش سؤال کردم، شما را معرفی فرمود «فأخبرني إنك أنت هو». پس به عرض آن حضرت رساندم که وقتی حضرت صادق علیه السلام به شهادت رسید، میان مردم اختلاف افتاد «ذَهَبَ النَّاسُ يَمِينًا وَ شِمَالًا». من و دوستانم شمارا برگزیدیم، اینک ما را مطلع فرمایید که چه کسی جانشین شما خواهد بود؟ امام، فرزند خود علی را معرفی کرد. (الکافی، ج ۱، ص ۳۱۳؛ رجال کشی، ص ۴۵۱) با این حال باز به دلیل تقیه و نیز فرصت طلبی اشخاصی که از طرف امام کاظم علیه السلام اموالی را از شیعیان گرفته بودند و همچنین وجود برخی از روایات نادرست که در آنها علایمی را برای منحرف ساختن اذهان از امام علیه السلام، شناسانده بودند، مشکلاتی به وجود آمد. این در حالی بود که امام کاظم در مدینه، میان شیعیان و علویان - که شمار فراوانی از آنان شاهد و ناظر جریان بودند - امام را به جانشینی خود منصوب فرمود. (عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۸)

برادر نابکار امام

حسن بن موسی بغدادی گفت در محضر امام رضا علیه السلام بودم، امام با جمعی مشغول صحبت بود. زید بن موسی برادر آن حضرت در گوشه‌ای دیگر با جمعی صحبت می‌کرد و پیوسته می‌گفت ما کردیم، ما چنین هستیم و فخر فروشی می‌کرد. امام سخنان او را شنید. ناگفته نماند که زید چندی پیش از آن در مدینه خروج کرده بود، عده‌ای را کشته و خانه‌های بنی عباس را آتش زده بود از این جهت او را «زید النار» می‌گفتند. مأمون سپاهی برای جلوگیری او فرستاد و دستگیرش کرد وقتی که او را پیش مأمون آوردند، گفت ببردش پیش برادرش علی بن موسی الرضا هنگامی که وارد بر حضرت شد امام به او فرمود: ای زید حرفهای بعضی از نادانان کوفه ترا گول زده که می‌گویند: «لَنْ فَاطِمَةُ أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَحَرَّمَ اللَّهُ ذَرْيَتَهَا عَلَى النَّارِ» مولد فرزندان فاطمه علیها سلام پاکیزه است

رسول جعفریان، تاریخ شناس معاصر در مورد تاریخ حیات تا ممات امام رضا علیه السلام در صفحه ۴۲۵ کتاب «حیات فکری و سیاسی امامان شیعه» آورده است:

امام رضا علیه السلام بنا به قول بسیاری از مورخان، در سال ۱۴۸ (الکافی، ج ۱، ص ۴۸۶؛ الارشاد، ص ۳۴۱؛ التهذیب، ج ۶، ص ۸۳) و به اندکی از آنان، از جمله شیخ صدوق (عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۸۱)، نوبختی سال ۱۵۱ را نقل کرده است. (نک: فرق الشیعه، ص ۹۶) در سال ۱۵۳ در ۱۱ ذی قعدة (یادی حجه و یاربیع الاول) چشم به جهان گشوده است. در تاریخ وفات آن امام اختلاف نظر فراوانی وجود دارد. برخی سال ۲۰۲ و برخی سال ۲۰۳ (الکافی، ج ۱، ص ۴۸۶؛ الارشاد، ص ۳۴۱؛ فرق الشیعه، ص ۹۶) را سال رحلت دانسته‌اند. از نظر ماه شهادت نیز کلینی (الکافی، ج ۱، ص ۴۸۶) و شیخ مفید (الارشاد، ص ۳۴۱) ماه صفر را بدون تعیین روز یاد کرده‌اند. نوبختی آخرین روز ماه صفر را روز رحلت دانسته (فرق الشیعه، ص ۹۶) و برخی دیگر هفدهم یا بیست سوم آن ماه و آخر ذی حجه را روز وفات دانسته‌اند. (تواریخ النبی و الال، ص ۷۰) به نظر می‌رسد که در عرف شیعه، سخن نوبختی پذیرفته شده است.

مادر آن حضرت «خیزران» نامیده می‌شد. بعضی گفته‌اند که ایشان «ام ولد» و از اهالی نوبه بوده و «اروی» نام داشته و لقبش «شقرآء» بوده است. برخی گفته‌اند اسم او «نجمه» و کنیه اش «آم البنین» بود و برخی نام آن بانو را «تکتم» دانسته‌اند. (در اصل چندین نام برای آن بانو یاد کرده‌اند که نجمه، اروی، سکینه، سمانه، تکتم از آن جمله است. نک: تواریخ النبی و الال، ص ۹۱). چنین شایع است که مقبره مادر آن حضرت در مشربیه‌ی ام ابراهیم در مدینه منوره واقع شده است) نقش انگشتی آن حضرت: «مِشَاءَ اللَّهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» بوده است. (بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۲، از کافی)

وجود ادله‌ی روایی گسترده و همچنین مقبولیت امام رضا در میان شیعیان و نیز برتری علمی و اخلاقی حضرت، امامت ایشان را به خوبی ثابت می‌کند، گرچه وضعیت مسأله امامت در اواخر زندگی موسی بن جعفر بسیار پیچیده و سخت بود، اما بیشتر اصحاب امام کاظم جانشینی امام رضا را از طرف آن حضرت پذیرفتند. شیخ مفید نام دوازده تن از این صحابه را که روایاتی در این موضوع تعیین امام رضا علیه السلام به جانشینی پدر بزرگوارش نقل کرده‌اند، ذکر می‌کند که مهمترین آنها: داود بن کثیر الرقی، محمد بن اسحاق بن عمار، علی بن یقطین و محمد بن سنان می‌باشند. (الارشاد، ص ۳۰۴) شیخ پس از آن، روایات مذکور را

خداوند ذریه او را بر آتش جهنم حرام نموده است. این مقام مخصوص امام حسن و امام حسین است. اگر تو معصیت خدا را انجام دهی و داخل بهشت شوی، پدرت موسی بن جعفر بندگی خدا کند روزها روزها بگیرد و شبها به عبادت بپردازد و هم داخل بهشت شود، بنابر این مقام تو از موسی بن جعفر علیه السلام ارجمند تر است! قسم به خدا «مَا يَنْتَلِ أَحَدٌ مَا عِنْدَ اللَّهِ إِلَّا بِطَاعَتِهِ» هیچکس به مقام قرب خدا و بهشت نمی رسد مگر به اطاعت از دستورات پروردگار، اگر تو فکر می کنی با معصیت و مخالفت خدا به آن مقام می رسی سخت در اشتباه می باشی.

امام زین العابدین علیه السلام فرمود: از برای نیکو کار ما دو پاداش و اجر است و برای گناهکاران مانیز دو کیفر و عذاب است. زید گفت آیا برادر و پسر پدر شما نیستی؟ امام علیه السلام فرمود: آری تو برادر من هستی البته تا مادامی که اطاعت از پروردگار کنی. نوح گفت: پروردگار! فرزندم از خانواده من است تو وعده داده ای آنها را نجات دهی. خطاب رسید: «أَنْتَ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ» به واسطه معصیت، خداوند او را از خانوادگی نوح خارج کرد. (بحار، ج ۴۹، ص ۲۱۸ و ۲۳۷)

آفرین امام بر دعبیل خزاعی

دعبیل بن علی خزاعی یکی از بزرگترین شعرا و ملاحین ائمه اطهار علیهم السلام سروده خود را در محضر امام رضا علیه السلام خواند. امام درباره یک قسمتش فرمودند روح القدس ترا به این معنی کمک نموده است. آنگاه جبه خویش را با دینارهایی که به نام مبارکشان سکه زده بودند به او دادند. یک بار امام به او خطاب فرمودند: «فَرَحًا بِكَ يَا دَعْبِيلَ مَرَحًا بِمَادِحِنَا وَمُحِبَّتِنَا وَنَاصِرًا بِيَدِهِ وَ لِسَانِهِ» آفرین بر تو دعبیل، آفرین بر مدح کننده دوستدار و یار ما با دست و زبانش. (بحار، ج ۴۹، ص ۲۱۸ و ۲۳۷)

عذاب که نازل شود تر و خشک با هم می سوزد

ابو هاشم جعفری می گوید: یک روز امام علیه السلام به من فرمود: چرا با عبدالرحمن بن یعقوب مجالست می کنی؟ گفتم او از بستگان من است، برادر مادرم محسوب می شود. امام فرمود: درباره خداوند تبارک و تعالی قائل به عقیده باطلی است خدا را قائل به جسم است یا با و بنشین ما را ترک کن و یا با ما باش و او را ترک کن. عرض کردم من به حرفهای او ایمانی ندارم آیا مرا هم در این مورد گناهی هست؟ فرمود: فکر نمی کنی او مورد خشم پروردگار قرار گیرد و تو نیز به آتش و بسوزی و شریک بلای او گردی؟ مگر نمی دانی یکی از اصحاب حضرت موسی پدرش در جمع قوم فرعون بود همینکه لشکر موسی آب خارج شدند آن شخص از آنها جدا شد تا پدر خود را نصیحت کند و او را تشویق و ترغیب به ایمان نماید. در همان حال ناگهان عذاب خداوند قوم فرعون را فرا گرفت، همه غرق شدند او هم همراه آنها غرق شد. حضرت موسی از جبرئیل حال او را پرسید پاسخ داد او بر دین و عقیده پدرش نبود و در رحمت خداست ولی هنگامی که غضب و بلای پروردگار بر ملتی وارد شود کسی که نزدیک گناهکار باشد مدافعی ندارد او هم مبتلا می گردد! (بحار، ج ۴۹، ص ۹۹)

تفضل کریمانه به ابن السبیل

یسع بن حمزه گفت در محضر امام رضا علیه السلام بودم و از ایشان مسائلی را می پرسیدم، غیر از من جمع زیادی حضور داشتند که آنها نیز مسائل دینی و حلال و حرام می پرسیدند. در این هنگام مردی بلند قد و گندمگون وارد مجلس شد، پس از سلام عرض کرد ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله مردی از دوستداران شما و پدران و اجدادتان هستم. از سفر حج بر می گردم، مقداری پول برای بازگشت به وطن همراه داشتم ولی متأسفانه همه را گم کرده ام. اینک تقاضا دارم مرا کمکی بفرمائید تا به شهر خود برگردم. البته این را هم بگویم که من ثروتمند هستم و خداوند نعمت را به من ارزانی داشته و صدقه به من نمی رسد، ضمناً هر چه مرحمت فرمایید در شهر خودم از طرف شما صدقه می دهم. امام علیه السلام فرمود: بنشین خدا ترا بیامزد، آنگاه با مردم شروع به صحبت شد تا کم کم متفرق شدند من و سلیمان جعفری با آن مرد و خثیمه باقی ماندیم. امام علیه السلام فرمودند اجازه می دهید وارد اندرون شوم. سلیمان عرض کرد بفرمائید. امام داخل خانه شد پس از ساعتی تشریف آورد و در ب اتاق را بست از بالای درب دست مبارک خود را بیرون آورده فرمود: خراسانی کجاست؟ عرض کرد در خدمتم، فرمود: این دوستان دینار را بگیر برای خرج راهت از این پول تبرک جو و از طرف من هم لازم نیست صدقه بدهی هم اکنون خارج شو که نه من ترا ببینم و نه تو مرا ببینی. خراسانی رفت، حضرت رضا علیه السلام درب را باز کرد. سلیمان عرض کرد فدایت شوم به او لطف کردی خرج راهش را دادی اما چرا پشت درب پنهان شدیدی؟ فرمود نخواستم شکستگی و خواری سؤال و درخواست را در صورتش مشاهده کنم چون خواسته او را بر آوردم، نشنیده ای سخن رسول الله صلی الله علیه و آله را که فرمود:

«الْمُسْتَبْرَ بِالْحَسَنَةِ يَعْدِلُ سَعِينَ حَجَّةَ وَالْمَذْبُحَ بِالسَّيِّئَةِ مَخْدُولٌ وَالْمُسْتَبْرَ بِهَا مَغْفُورٌ لَهُ؛ کسی که کار نیک را پنهانی انجام دهد پاداشش برابری با هفتاد حج دارد

و کسی که آشکارا گناه بکند در پیشگاه پروردگار خوار و مطرود است اما آنکه در پنهانی گناهی از او سر زند آمرزیده می شود». نشنیده ای که پیشینیان گفته اند: «مَتَى آتَهُ يَوْمًا لَا طَلَبَ حَاجَةً رَجَعْتُ إِلَى أَهْلِي وَوَجَّهِي بِمَائِهِ» هر گاه پیش او برای حاجتی می روم به سوی خانواده خود برمی گردم در حالیکه آبرویم حفظ شده است». (فروع کافی، ج ۴، ص ۲۴)

عالیجناب مأمون سر کرده دزدان بیت المال

مأمون روزهای دوشنبه و پنجشنبه را اختصاص به رسیدگی به کارهای مردم داده بود، در این روزها امام رضا علیه السلام را در طرف راست خود می نشاند. محمد بن سنان می گوید در یکی از همان روزها من در خدمت علی بن موسی الرضا علیه السلام بودم. به مأمون گفتند مردی از صوفیه دزدی کرده دستور داد او را حاضر کردند همینکه چشمش به او افتاد آثار زهد و پارسایی از لباس و جامه اش آشکار بود و اثر سجده در پیشانی او مشاهده می شد. گفت چه زشت است با این ظاهر شایسته و آثار زهد چنین عمل زشت و دزدی از تو سر زند! آن مرد جواب داد این کار را من از روی اضطرار انجام داده ام چون حق مرا از خمس و غنیمت ندادی مجبور به دزدی شدم. مأمون گفت: تو در خمس و غنیمت چه حقی داری؟ جواب داد خداوند خمس را در این آیه به شش قسمت تقسیم کرده است: «وَأَغْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ». (انفال، ۴۱) در این غنیمت نیز همین شش قسمت موجود است: «مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ». (حشر، ۷) در هر دو آیه سهمی برای کسی که از وطن دور افتاده (ابن السبیل) و سهمی برای فقرا قرار داده من هم این سبیل هستم و هم فقیر تو حق مرا ندادی. مأمون گفت می خواهی با این یاهو سربازی هایت حدی از حدود خدا را در باره دزد ترک کنم. پاسخ داد اول خودت را پاک کن و حد بر خود جاری نما آنگاه به دیگری بپرداز و او را پاک کن و اقامه حد نما. مأمون رو به علی بن موسی الرضا علیه السلام نموده پرسید شما چه می فرمایید. آن جناب فرمود این مرد می گوید تو دزدی کرده ای من هم دزدی نموده ام. از پاسخ امام رضا علیه السلام مأمون بی اندازه خشمگین شد و به آن مرد کرده گفت به خدا قسم دستت را جدا خواهم کرد، مجرم در جواب او گفت چگونه دست مرا قطع می کنی با اینکه بنده من هستی. مأمون پرسید: من از کجا بنده تو شده ام جواب داد: زیرا مادرت را از بیت المال مسلمانان خریداری کرده اند تو بنده هر مسلمانی هستی که در شرق و غرب جهان زندگی می کند مگر آنکه آزادت کنند و من ترا آزاد نکرده ام. از طرفی متصدی خمس شده ای و حق آل پیامبر صلی الله علیه و آله را نمی دهی هم حق من و امثال من را مانع شده ای. دیگر اینکه کسی که ناپاک است مانند خود را نمی تواند پاک کند باید شخص پاک دیگری او را تطهیر نماید. آنکس که بر گردنش حدی است نمی تواند حد خدا بر دیگری جاری نماید مگر اینکه اول بر خود جاری سازد مگر نشنیده ای خداوند می فرماید: «تَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَعْقِلُونَ» مردم را به نیکی وادار می کنید ولی خود را فراموش کرده اید با اینکه کتاب خدا را می خوانید آیا اندیشه و تعقل نمی کنید». (بقره، ۴۴) مأمون به حضرت رضا علیه السلام عرض کرد درباره این مرد چه می فرمایید؟ امام فرمود: خداوند در قرآن به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ»؛ از برای خداست استدلال رسا و محکم». (انعام، ۱۴۹)

این حجت و استدلال همان است که اگر به جاهلی هم برسد آن را با جهلش در می یابد. چنانکه عالم نیز به علم و دانش خویش متوجه آن می شود به هر حال دنیا و آخرت با استدلال و برهان استوار است. این مرد برای تو خوب استدلال کرد. مأمون دستور داد او را آزاد کردند و چندی از مردم کنار گرفت و در فکر از بین بردن حضرت رضا علیه السلام بود و بالاخره هم جنایت بزرگ یعنی کشتن امام علیه السلام را انجام داد. (بحار، ج ۴۹، ص ۲۸۸)

گدای کاهلی که لایق بخشش نشد

یک بار مردی به نام جلودی با سپاه خود به خانه امام رضا علیه السلام حمله کرد. امام متوجه حمله او شد. تمام زنان را داخل خانه ای جای داد و خودش بر در خانه ایستاد. جلودی گفت: من مأمورم داخل خانه شوم، و تمام اشیاء زنان را غارت کنم. امام فرمود: من آنچه دارند از آنها می گیرم و برای تو می آورم امام چند بار سوگند خورد و در خواست کرد تا راضی شد. امام داخل اتاق شد و آنچه زنان از زیور آلات و حتی چادر و پوشش داشتند از آنها گرفت و در اختیار جلودی گذاشت. روزی دیگر همین شخص را به خاطر جنایتش پیش مأمون آوردند همینکه چشم امام رضا علیه السلام به او افتاد به مأمون فرمود: این پیرمرد را به من ببخش! مأمون گفت: این همان کسی است که نسبت به دختران پیامبر صلی الله علیه و آله آن جنایات را انجام داده و آنها را غارت نموده است. جلودی متوجه شد که حضرت رضا علیه السلام با مأمون صحبت می کند خیال کرد آن بزرگوار بر ضرر او سخن می گوید و منظورش کشته شدن اوست رو به مأمون کرده گفت: یا امیرالمؤمنین تو را به خدا سوگند سخنان این مرد را درباره من قبول مکن. مأمون

به حضرت رضا علیه السلام گفت:
«قسم به خدا که سخن امام رضا
علیه السلام را درباره ات نمی پذیرم
دستور داد او را به قتل رساندند».
(الکنى واللقاب، ج ۲، ص ۱۳۶)

وای بر مدعیان شیعه گری

عده ای جلوی درب خانه امام
علیه السلام جمع شدند و از آن
بزرگوار اجازه ورود خواستند.
گفتند به حضرت رضا
علیه السلام عرض کنی
یک گروه از شیعیان علی
علیه السلام می خواهند
به محضر شما شرفیاب
شوند. امام علیه السلام
در پاسخ آنها فرمود:
بگوئید من مشغولم آنها
را برگردانید. فردا آمدند
مانند روز قبل خود را معرفی
کردند. باز فرمود آنها را برگردانید.
تا دو ماه به همین طریق می آمدند
و برمی گشتند بالاخره از شرفیابی
مأیوس شدند. روزی به دربان گفتند: به
آقای ما علی بن موسی علیه السلام بگو ما
شیعه پدرت علی علیه السلام هستیم؛ دشمنان
به واسطه اجازه ندادن شما ما را سرزنش کردند. این

بار بر می گردیم و از خجالت به وطن خود نخواهیم رفت زیرا
تاب شماتت دشمنان را نداریم. این مرتبه اجازه فرمود. داخل
شدند و سلام کردند. امام علیه السلام نه جواب سلام و نه اجازه نشستن
داد، همانطور ایستاده عرض کردند: پسر رسول خدا این چه ستمی است
که بر ما روا می داری ما را خوار می گردانی بعد از اینهمه سرگردانی که اجازه
شرفیاب شدن نمی دادی دیگر چه برای ما باقی ماند. فرمود: این آیه را بخوانید:
«ما اصابکم من مَصِیْبَةٍ فِیْهَا کَسَبْتُمْ اَیْدِکُمْ وَیَعْفُو عَنْ کَثِیْرٍ» هر مصیبتی که بر
شما وارد می شود به واسطه کارهایی است که کرده اید با اینکه بسیاری از آنها را
می بخشید. (شوری، ۳۰) در این عمل من از خدا و پیغمبر و علی و آباء طاهریم
پیروی کردم آنها شما را مورد سرزنش قرار دادند من نیز چنین کردم. عرض کردند
علت چه بود که مورد سرزنش واقع شدید؟ فرمود: شما ادعا می کنید ما شیعیان
علی علیه السلام هستیم. وای بر شما، شیعیان امام علی علیه السلام، امام حسن و
امام حسین و ابادر و سلمان، مقداد و عمار و محمد بن ابی بکر هستند. آن کسانی
که کوچکترین مخالفت را نسبت به دستورات علی علیه السلام نکردند و مرتکب
یک کار که او نهی کرده بودند نشدند، اما شما می گوئید شیعه علی هستیم در بیشتر
کارها مخالف او هستید و نسبت به بسیاری از واجبات کوتاهی می کنید. حقوق
برادران را سبک می شمارید.

آنجا که باید تقیه کنید، رعایت نمی کنید، آنجا که نباید تقیه کنید تقیه می کنید.
اگر بگوئید دوستان و محبین آن اقا هستیم با دوستانش دوست و با دشمنانش
دشمن هستیم این سخن را رد نمی کنم اما مقامی بسیار ارجمند را ادعا کردید اگر
گفته خود را به وسیله اعمال و رفتار ثابت نکنید هلاک خواهید شد مگر رحمت
پروردگار نجاتتان دهد.

عرض کردند ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله اینک از گفته خود استغفار
می کنیم و توبه می نمایم همانطوری که شما تعلیم دادی می گوئیم، شما را
دوست داریم دوست دوستان شما و دشمن دشمنان شما هستیم، در این هنگام
امام رضا فرمود: «مَرْحَبًا بِکُمْ یَا اِخْوَانِیْ وَاهْلَ وَدِیْ» درود بر شما ای برادران و
دوستان من. بیایید بالاتر بیایید بالاتر. پس پیوسته آنها را بالاتر می برد تا پهلوی
خود نشانید آنگاه از دربان سؤال کرد چند مرتبه اینها آمدند و اجازه نیافتند؟
عرض کرد شصت مرتبه. امام فرمود: تو هم شصت مرتبه به آنها سلام کن و سلام
را نیز برسان. زیرا که اینها استغفار و توبه کردند. به همین خاطر گناهانشان
محو شد و به سبب محبتی که با ما دارند سزاوار احترامند. به احتیاجات خود و
خانواده شان رسیدگی کن از نظر مالی به آنها کمک فراوانی کن. (بحار، ج ۱۵، چاپ
قدیم، ص ۲۲۴)

در حضور قرآن ناطق، تفسیر رای ممنوع!

ابراهیم بن عباس می گوید در محضر امام رضا علیه السلام بودیم که یکی از فقهاء
حاضر در مجلس این آیه «لَتَسْأَلَنَّ یَوْمَئِذٍ عَنْ التَّعِیْمِ» را اینگونه تفسیر کرد. آن

روز از نعمت یعنی آب سرد سؤال
خواهید شد. امام علیه السلام با
صدای بلند فرمود: اینطور تفسیر
می کنید! هر کسی به یک طریق آیه
را معنی می کند. یکی می گوید منظور از
نعمت آب سرد است. دیگر می گوید مراد
خواب است. عده ای هم می گویند
غذای خوش طعم است. همانا پدرم
از پدرش امام صادق علیه السلام
نقل کرد که وقتی شبیه این
گفتار در محضر ایشان
 مطرح شد آن حضرت
خشمگین شده فرمود
خداوند تبارک و تعالی
هیچگاه بند گانش را
به خاطر چیزهایی که
به آنها تفضل فرموده باز
خواست و سؤال نخواهد
کرد و برای چنین چیزی
منت نمی گذارد. این کار از
مخلوق هم سزاوار نیست؛ مثلاً به
خاطر آنکه به کسی غذایی داده و یا آب
سردی نوشانیده منت گذارد. «وَلِکِنَّ
التَّعِیْمَ جَبْنًا اَهْلَ النَّبِیَّتِ وَمُوَالَاتِنَا یَسْأَلُ اللهَ
عَنْهُ بَعْدَ التَّوْحِیْدِ وَنُبُوَّةِ رَسُوْلِهِ صَلَّی اللهَ عَلَیْهِ
وَآلِهِ؛ ولی نعیم عبارت است از دوستی و ولایت
ما خاندان که خداوند بعد از توحید و نبوت از آن سؤال
خواهد کرد زیرا بنده اگر به لوازم ولایت و محبت وفا کرد به
نعیم بهشت که زوال ندارد می رسد».

حضرت امام رضا علیه السلام فرمود: پدرم از حضرت صادق و ایشان
از امام باقر به همین طریق از علی علیه السلام نقل کردند که پیغمبر
صلی الله علیه و آله فرمود: «یا عَلِیُّ اِنْ اَوَّلَ مَا یُسْئَلُ عَنْهُ الْعَبْدُ بَعْدَ مَوْتِهِ شَهَادَةُ
اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللهَ وَاَنَّ مُحَمَّدًا رَسُوْلُ اللهَ وَاتَّكَ وَلِیُّ الْمُؤْمِنِیْنَ بِمَا جَعَلَهُ اللهَ وَجَعَلَتْهُ
فَقَدْ اَقْرَبَ بِذَلِکَ وَكَانَ مُعْتَقِدَهُ صَارَ اِلَیَّ التَّعِیْمِ الذِّی لَا زَوَالَ لَهُ؛ یا علی اولین
چیزی که بعد از مرگ از انسان سؤال می کنند شهادت به توحید و نبوت و اقرار
به ولایت توست به آن طریقی که خدا قرار داده و من نیز ابلاغ کردم. بنابراین
هر که اعتراف به اینها نمود و اعتقادش نیز چنین بود به سوی نعمتی که هرگز
نابودی و زوال ندارد رهسپار خواهد شد». (پنابع الموده، ج ۱، ص ۱۱۱)

اقامه نماز عید به امامت امام رضا علیه السلام

یکبار مأمون به امام رضا علیه السلام پیام فرستاد که امامت نماز عید را بپذیرد و
نماز را برگزار کند. امام علیه السلام پاسخ داد، تو شرایطی که میان من و توست
می دانی، مرا از اقامه نماز عید معذور دار. مأمون گفت: منظورم از این کار آن
است که مردم مطمئن شوند و نیز فضیلت تو را بشناسند! فرستاده مأمون چند
بار آمد و رفت و اصرار مأمون را به عرض امام رساند. امام علیه السلام فرمود:
بیشتر دوست دارم مرا از این کار معاف کنی ولی اگر نمی پذیری و ناچار باید این
کار را انجام دهی، من برای اقامه نماز عید مانند رسول خدا صلی الله علیه و آله و
امیر المؤمنین علیه السلام بیرون خواهم آمد. مأمون پذیرفت و گفت: هر طور
مایل هستی بیرون بیایید و دستور داد فرماندهان و درباریان و عموم مردم
بامداد عید جلوی خانه امام حاضر شوند. بامداد عید پیش از طلوع آفتاب کوچه
و راهها از مردم مشتاق پر شد و حتی زنان و کودکان هم آمده بودند و انتظار
بیرون آمدن امام را می کشیدند فرماندهان به همراه سپاهیان، سوار بر مرکبهای
خود جلوی منزل امام ایستاده بودند، آفتاب سر زده، امام علیه السلام غسل
کرد و لباس پوشید و عمامه سپیدی که از پنبه بافته شده بود بر سر نهاد، یک
سر عمامه را بر سینه و سر دیگر را از پشت بر کتف افکند، خود را معطر ساخت
و عصا در دست گرفت و به همراهان خویش فرمود: آنچه انجام می دهیم انجام
دهید. آنگاه پای برهنه در حالیکه شلوار و نیز دامن لباس را تا نیمه ساق پا بالا
آورده بود براه افتاد، پس از چند گام سر به سوی آسمان بلند کرد و تکبیر گفت،
همراهانش به تکبیر او تکبیر گفتند. فرماندهان و سپاهیان چون امام را چنان
دیدند از مرکبها بر زمین جستند و پا پوشها را پای در آوردند و پا برهنه بر خاک
ایستادند. امام بر در سرای تکبیر گفت و انبوه مردم با او تکبیر گفتند، صحنه
چنان شور و عظمتی داشت که گویی آسمان و زمین با او تکبیر می گویند، شهر
مر و را سراسر گریه و فریاد فرا گرفت.

فضل بن سهل چون اوضاع را چنین دید به مأمون خبر داد و گفت: ای امیر اگر

هستند بخورائید». (محاسن برقی، ص ۴۴۱)

اتفاق غنیمت است، نه غرامت!

یک بار امام علیه السلام تمام اموال خود را بین مستمندان تقسیم کرد، فضل بن سهل گفت که این غرامت است؟ امام علیه السلام فرمود: بلکه غنیمت است و بعد ادامه دادند چیزی را که به توسط آن اجر و کرامت طلب می کنی غرامت نیست. (مناقب، ج ۴، ص ۳۶۱)

امام معصوم شاهد اعمال شیعیان

موسی بن سیر می گوید: من با حضرت رضا علیه السلام همسفر بودم همین که به دیوارهای شهر طوس نزدیک شدیم صدای شیون و ناله ای را شنیدم دنبال صدا رفتم که به جنازه ای برخوردیم در همین حال دیدم مولایم علی بن موسی الرضا علیه السلام از مرکب خویش پیاده شد چنانکه بره نوزاد خود را به مادر می چسپاند خود را به آن جنازه چسپانید و به من فرمود: ای موسی بن سیر هر که مشایعت کند جنازه دوستی از دوستان ما را از گناهان خود پاکیزه می شود همانند روزی که از مادر متولد شده است. همینکه جنازه را نزدیک قبر بر زمین نهادند مشاهده کردم که امام علیه السلام به طرف مرده راه افتاد و مردم را کنار زد تا خود را به جنازه رسانید دست مبارک را بر سینه او نهاد فرمود: فلان فرزند فلان ترا به بهشت مژده باد. بعد از این دیگر وحشت و ترس برای تو نیست! عرض کردم فدایت شوم آیا شما این مرده ای را می شناسی و حال آنکه تاکنون از این سرزمین گذر نکرده اید؟ امام فرمود: ای موسی: «أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ مُعَاشِرَ الْأُئِمَّةِ تَغْرُضُ عَلَيْنَا أَعْمَالِ شِيعَتِنَا صَبَاحًا وَمَسَاءً فَمَا كَانَ مِنَ التَّقْصِيرِ فِي أَعْمَالِهِمْ سَأَلْنَا اللَّهَ تَعَالَى الصَّفْحَ لِصَاحِبِهِ وَمَا كَانَ مِنَ الْعُلُوِّ سَأَلْنَا اللَّهَ الشُّكْرَ لِصَاحِبِهِ؛ آیا نمی دانی که اعمال و رفتار شیعیان ما در هر صبح و شام بر ما گروه امامان عرضه می شود. اگر تقصیری در رفتار آنها دیدیم از خداوند می خواهیم که از سر تقصیر ایشان در گذرد و اگر کار خوب از آنها مشاهده کردیم از خداوند می خواهیم که به آنها جزای خیر دهد و خدا را سپاس می گذاریم». (مناقب، ج ۴، ص ۳۴۱)

ادب سفره نشینی

یاسر خادم امام علیه السلام می گوید: آن بزرگوار به ما فرموده بود اگر بالای سرتان ایستادم و شما به غذا خوردن مشغول بودید بر نخیزید تا غذاایتان تمام شود. به همین جهت بسیار اتفاق می افتاد که امام ما را صدا می کرد، و در پاسخ او می گفتند به غذا خوردن مشغولند و آن حضرت می فرمود: بگذارید غذایشان تمام شود. (فروع کافی، ج ۶، ص ۲۹۸)

وساطت امام معصوم حتی برای دشمنش

احمد بن عمر حلال می گوید: مردی به نام آخرس در مکه بود که پی در پی نام شریف امام رضا علیه السلام را به زبان جاری می کرد و به دنبالش فحش و ناسزا می گفت. من وارد شهر مکه شدم و یک کارد برنده خریدم و او را نشان گرفتم تا در اولین فرصت او را به قتل برسانم. همینکه سر راهش ایستاده بودم تا به محض مشاهده او را بکشم ناگاه نامه ای از حضرت رضا علیه السلام به من رسید که در آن نوشته شده بود که: «بسم الله الرحمن الرحيم، ترا به حق من بر تو، متعرض آخرس مشو پس بدرستی که خداوند تعالی، ثقه و معتمد من است و او مرا کافی است». (بصائر الدرجات، ص ۳۷۱)

حضرت رضا بدینگونه به مصلاهی نماز برسد فتنه و آشوب می شود و ما همه بر جان خویش بیمناکیم، به او پیام بفرست که باز گردد. مأمون به امام پیام داد: ما شما را به زحمت انداختیم و دوست نداریم به شما زحمت و رنجی برسد، شما بازگردید و با مردم همان کسی که قبلاً نماز می خواند نماز را بر گزار نماید. امام علیه السلام دستور داد کفش او را بیاورند و پوشید و سوار شد و به خانه بازگشت. (ارشاد مفید، ص ۲۱۴)

تواضع امام رضا علیه السلام در دلاکی حمام

شخصی که امام علیه السلام را نمی شناخت در حمام از امام خواست تا او را کیسه بکشد، امام علیه السلام پذیرفت و مشغول شد، دیگران امام را به آن شخص معرفی کردند و او با شرمندگی به عذرخواهی پرداخت ولی امام بی توجه به عذرخواهی او همچنان او را کیسه می کشید و او را دلداری می داد که طوری نشده است. (مناقب، ج ۴، ص ۳۶۲)

هم سفره با ضامن آهو

مردی از اهالی بلخ گفت: در سفر خراسان با امام رضا علیه السلام همراه بودم، روزی سفره گسترده بودند و امام علیه السلام همه خدمتگزاران و غلامان حتی سپاهان را بر آن سفره نشاند تا همراه او غذا بخورند. من به امام عرض کردم: فدایتان شوم، بهتر است اینان بر سفره ای جداگانه بنشینند. فرمود: ساکت باش، پروردگار همه یکی است، پدر و مادر همه یکی است و پاداش به اعمال است. (روضة کافی، ج ۸، ص ۳۶۲)

از خدا بترس و برایش تواضع و فروتنی کن

احمد بن محمد بن ابی نصر بزطی می گوید من با سه تن از یاران امام علیه السلام در محضرش بودیم پس از ساعتی همین که خواستیم از محضرش مرخص شویم امام علیه السلام به من فرمود: ای احمد تو بنشین، همراهان من رفتند و من خدمت امام ماندم و سؤالاتی داشتم به عرض رساندم و امام پاسخ می فرمودند، تا مقداری از شب گذشت، خواستم خداحافظی کنم. فرمود: نزد ما می مانی؟ عرض کردم: هر چه شما بفرمایید، اگر بفرمایید بمانم می مانم و اگر بفرمایید برو می روم. فرمود: بمان و اینهم رختخواب (و به لحافی اشاره فرمود). آنگاه امام علیه السلام بر خاست و به اتاق خود رفت. من از شوق به سجده افتادم و گفتم: سپاس خدای را که حجت خدا و وارث علوم پیامبران در میان ما چند نفر که خدمتش شرفیاب شدیم تا این حد به من محبت فرمود. هنوز در سجده بودم که متوجه شدم امام به اتاق من بازگشته است. برخاستم. حضرت دست مرا گرفت و فشرد و فرمود: «ای احمد، امیر مؤمنان علی علیه السلام به عیادت صعه بن صوحان رفت و چون خواست بر خیزد فرمود: ای صعه از اینکه به عیادت تو آمده ام به برادران خود افتخار مکن، عیادت من باعث نشود که خود را از آنان برتر بدانی، از خدا بترس و پرهیزگار باش، برای خدا تواضع و فروتنی کن خدا ترا رفعت می بخشد». (معجم رجال الحديث، ج ۲، ص ۲۳۷)

پرهیز از اسراف در سیره ائمه

نوجوانانی مشغول خوردن میوه بودند و اغلب میوه ها را ناتمام می خوردند و به کناری پرتاب می کردند. امام علیه السلام فرمود: «سُبْحَانَ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ اسْتَغْنَيْتُمْ فَإِنَّ النَّاسَ لَمْ يَسْتَغْنُوا أَطْعَمُوهُ مَنْ يَحْتَاجُ إِلَيْهِ؛ منزه است پروردگار! اگر شما سیر هستید و بی نیازید مردم محتاجند این میوه ها را به آنها که محتاج

هیات



بررسی اسناد تاریخی شهادت امام حسن مجتبی علیه السلام

تاریخ دقیق شهادت آن حضرت چه روزی است؟
هفتم یا بیست و هشتم صفر؟!

در برخی از تقویم‌ها روز هفتم ماه صفر میلاد امام موسی کاظم علیه السلام اعلام شده است، در صورتی که این تاریخ طبق قول صحیح مصادف با شهادت امام حسن مجتبی علیه السلام می‌باشد. از دیرباز در حوزه هزار ساله نجف اشرف هفتم صفر را روز شهادت امام مجتبی علیه السلام می‌دانند و شیعیان عراق و سایر کشورها نیز در این روز برای سبط اکبر پیامبر صلی الله علیه و آله اقامه عزای می‌کنند، اما در ایران شهادت امام حسن علیه السلام در روز بیست و هشتم صفر همزمان با رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. در وقوع شهادت امام مجتبی علیه السلام در ماه صفر، بین علمای شیعه اختلافی وجود ندارد، لکن در روز شهادت امام علیه السلام سه قول در میان این علما وجود دارد.

قول اول: آخر ماه صفر

روز آخر ماه صفر که قائل آن شیخ کلینی می‌باشد و لازم به ذکر است که این قول را تنها ایشان ذکر کرده و قول منفردی است که با تمام وجهات و بزرگی وی هیچ یک از علمای شیعه تا این زمان از او تبعیت ننموده‌اند. لذا از بررسی این قول صرف نظر می‌کنیم.

هیأت

قول دوم: بیست و هشتم صفر

تبعیت کرده است و روز خاصی را معین نکرده است. که از عدم التزام و تعیین نکردن او به روز خاص در ماه صفر، می‌توان استفاده نمود که کلام شیوخ خود (کلینی و شیخ مفید) در بیست و هشتم و آخر ماه صفر را نپذیرفته است.

البته لازم به ذکر است که قول بیست و هشتم صفر از سوی برخی مثل شیخ طبرسی و ابن شهر آشوب مازندرانی قدس سرهما مورد تأیید قرار گرفته است، لکن پس از قرن ششم تا این زمان قائلی ندارد.

اولین قائل آن شیخ مفید قدس سره در کتاب مسار الشیعه می‌باشد. و این در حالی است که خود شیخ مفید در کتاب دیگرش بنام (الارشاد) از ذکر این روز به عنوان روز شهادت خودداری نموده است و تنها به ذکر ماه صفر اکتفا کرده است.

دومین قائل به این قول شیخ طوسی قدس سره در کتاب تهذیب الاحکام است. و با توجه به اینکه شیخ کلینی و شیخ مفید قدس سرهما در شمار مشیخه او قرار داشته‌اند، تنها کلام شیخ مفید قدس سره در کتاب (الارشاد)



حاشیه

السلام علیک یا امام

قول سوم:
هفتم صفر

این قول مشهور می باشد و از دو جهت حائز اهمیت است:

جهت اول: سیره علماء

سیره علمی علماء و متشرعه و سنت عملی آنها اینگونه بوده است که حضرات در روز هفتم ماه صفر، در کلیه بلاد شیعه اقامه عزای نمودند. خصوصاً این سنت در نجف اشرف و حوزه علمیه قم پس از ورود آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری به قم و تاسیس حوزه، دستور به تعطیلی بازار، حوزه علمیه و اقامه عزای نمودند؛ و پس از ایشان تحفظ این سنت سیره ی بزرگانی همچون آیات عظام بروجرودی و گلپایگانی که هر کدام در زمان خود مسئولیت حوزه را به عهده داشته اند، بوده است.

جهت دوم: از نظر قائلین به آن

این قول از جهت قائلین به آن، در کمیت و کیفیت نسبت به قائلین دو قول مذکور برتری دارد. از جهت کیفیت؛ در لسان روایات به روز دقیق شهادت امام علیه السلام اشاره شده است و این خود نشان از ترجیح این قول نسبت به اقوال دیگر است بگونه ای که در روایات به روز پنجشنبه اشاره شده است. اما از جهت کمیت تعداد قائلین این قول، از قائلین دو قول مذکور بیشتر است. که در ادامه به اسناد آن اشاره می کنیم. لازم به ذکر است که بنابر اسناد موجود، این قول از زمان امام کاظم علیه السلام رواج داشته و از سوی قاسم بن ابراهیم الرسی (۱۶۹-۲۴۶ هـ) عنوان شده است. او که از محدثین بزرگ

اسناد وارده در کتب حدیثی مبنی بر شهادت امام در روز هفتم ماه صفر

سند دوم:
قول شهید اول

یکی دیگر از کسانی که قائل بودند شهادت سبط اکبر حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام در هفتم ماه صفر واقع شده است، شهید اول (متوفای ۷۸۶) می باشد ایشان در کتاب شریف «دروس» می فرمایند: الامام، الزکی، ابومحمد الحسن بن علی سید ششباب اهل الجنه ولد بالمدينة يوم الثلاثاء منتصف شهر رمضان سنة اثنتين من الهجرة... و قبض بها مسموما يوم الخميس سابع صفر سنة تسع و اربعین من الهجرة. (شهید اول، دروس: ج ۲، ص ۷)

سند چهارم:
پدر شیخ بهایی

یکی دیگر از بزرگانی که قایل به شهادت امام حسن مجتبی علیه السلام در هفتم صفر می باشد مرحوم علامه شیخ حسین والد مکرم شیخ بهایی در کتاب «وصول الاخبار الی اصول الاخبار» می باشد وی که متوفای سال ۹۸۴ هجری است در کتاب خویش می فرماید: «هو الامام الزکی ابومحمد سید شباب اهل الجنة ولد بالمدينة يوم الثلاثاء منتصف شهر رمضان سنة اثنتين من الهجرة مسموما في يوم الخميس سابع صفر سنة تسع و اربعین و اربعین من الهجرة» (علامه شیخ حسین بهایی، وصول الاخبار: ص ۴۲)

انتخاب هیأت از مرکز تخصصی ائمه اطهار علیهم السلام
http://www.markazfeqhi.com/cultural/data/4998

سند اول:
تثبیت الامامه

قدیمی ترین منبعی که در این زمینه تا به حال یافت شده کتاب «تثبیت الامامه» تألیف «سید قاسم بن ابراهیم الرسی» است که در سال ۲۴۶ وفات یافته است. وی که خود از نوادگان حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام است، از زهاد و عباد و علمای زمان خویش بود که دارای تألیفات فراوانی است. گفتنی است وی از روایات احادیث هم بوده است و بدون واسطه از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت نقل می کرده است. وی در کتاب خویش چنین آورده است. «الامام الحسن علیه السلام ابوه الامام امیر المومنین علی علیه السلام، امه فاطمه الزهراء سلام الله علیها، ولادته: ولد فی المدینه لیلہ النصف من شهر رمضان فی السنه الثالثه للهجرة، القابه: التقی، الزکی، السبط، وفاته: توفي فی السابع من شهر صفر سنة خمسين من الهجرة»

سند سوم:
مرحوم کفعمی

یکی دیگر از کسانی که قائل به شهادت امام حسن مجتبی در هفتم ماه صفر شده است، علامه بزرگوار و محدث کبیر مرحوم کفعمی صاحب کتاب شریف «مصباح» می باشد ایشان در این کتاب چنین می فرماید: ولد فی يوم الثلاثاء منتصف شهر رمضان سنة ثلاث من الهجرة و توفي يوم الخميس سابع شهر صفر سنة خمسين من الهجرة. (کفعمی، المصباح: ص ۵۰۹)

علت غریبی و مظلومیت امام حسن مجتبی علیه السلام

در بیان حجت الاسلام حبیب الله فرحزاد

ی قم بطور رسمی اعلام کردند که شهادت امام حسن مجتبی علیه السلام در روز هفتم صفر است. اکنون نیز روز هفتم صفر در قم بازار و دروس مراجع عظام تعطیل می شود. در این روز در دفاتر و بیوت مراجع تقلید برای شهادت امام مجتبی علیه السلام مجلس عزاداری گرفته می شود و در کشورهای حوزه خلیج فارس همانند عراق، کویت و عربستان نیز این روز را برای شهادت امام مجتبی علیه السلام به اقامه عزای می پردازند.

ثبت دهه اول ماه صفر به نام امام حسن مجتبی علیه السلام

با توجه به اینکه وفات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز در روز بیست و هشت صفر است، شهادت امام حسن علیه السلام تحت الشعاع ایشان قرار می گیرد و چه خوب است که دهه ی اول ماه صفر به نام امام حسن مجتبی علیه السلام ثبت شود چرا که مظلومیت امام حسن علیه السلام در میان پنج تن آل عبا بی نظیر باشد. همه ی عالم برای شهادت امام حسین علیه السلام اشک می ریزند؛ اما امام حسین علیه السلام برای غربت برادر خود گریه می کردند که این نشان از عظمت شخصیت امام حسن مجتبی علیه السلام دارد.

روزی فردی نزد امام حسین علیه السلام آمد و خواست در خصوص امام حسن علیه السلام چیزی به ایشان بگوید که امام حسین علیه السلام فرمود: مراقب باش ایشان امام من است. هیچگاه امام حسین علیه السلام در مقابل امام حسن مجتبی علیه السلام قدم برداشت، خطبه نخواند و صحبت نکرد و امام حسن علیه السلام ده سال پیشوای امام حسین علیه السلام بودند. امام حسین علیه السلام در زمانی که امام حسن علیه السلام در قید حیات بودند فرمودند: «وَ أَخِي خَيْرٌ مِنِّي» یعنی برادرم بهتر از من است.



غربت و مظلومیت امام مجتبی

علیه السلام فوق العاده است

غربت امام مجتبی علیه السلام فوق العاده است و امروز شاهدیم که میلیون ها نفر خود را برای رساندن به کربلا در روز اربعین آماده می کنند در حالی که مزار امام حسن علیه السلام در قبرستان قبیع بی زائر است. مظلومیت امام حسین علیه السلام، حضرت زهرا سلام الله علیها و امیر المومنین علیه السلام تا حدی برای همگان مشخص است. اگر امیر المومنین علیه السلام اولین مظلوم عالم هستند اما همسری مانند حضرت فاطمه سلام الله علیها داشتند، اما امام حسن علیه السلام آنقدر مظلوم است که با قاتل خود زیر یک سقف زندگی کرد و این مسئله را به هیچ کس نگفت. امام حسین علیه السلام نیز یاران بسیار باوفایی داشتند که در شب عاشورا فرمودند: من اصحاب و یارانی بهتر از شما سراغ ندارم افزود: اما یاران امام حسن علیه السلام سجاده را از زیر پای ایشان کشیدند و قصد داشتند ایشان را به شهادت برسانند و آنها به معاویه نامه نوشتند و گفتند که هر وقت بگویید؛ ما امام حسن علیه السلام را دست بسته تحویل شما می دهیم و به همین دلایل حضرت مجبور شدند صلح کنند.

صلح امام حسن علیه السلام اگر بالاتر از قیام امام حسین علیه السلام نباشد کمتر از آن نیست

صلح امام حسن علیه السلام اگر بالاتر از قیام امام حسین علیه السلام نباشد کمتر از آن نیست بیان داشت: پیامبر فرمود: کسی که برای امام حسن علیه السلام اشک بریزد، کور وارد صحرائی محشر نمی شود و کسی که دل او برای امام حسن علیه السلام غمگین شود روز قیامت شاد و مسرور خواهد بود و در روایت دیگر از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است کسی که به زیارت قبر امام حسن علیه السلام برود پاهایش بر روی پل صراط نمی لرزد و به راحتی عبور کرده و به بهشت می رود.

نقش رسانه در این میان

خوب است که مراسم شهادت امام حسن علیه السلام را در روز هفتم صفر برگزار کرده و دل حضرت زهرا سلام الله علیها و اهل بیت علیهم السلام را شاد کنیم. رسانه ها در این زمینه مسئولیت خطیری بر عهده دارند و تبلیغ این امر می تواند اثر گذار باشد. در اوایل انقلاب اسلامی اعتکاف در مسجد جامع قم با حضور کمتر از ۲۵ نفر برگزار می شد اما به برکت انقلاب و تبلیغ رسانه ها از این سنت حسنه، امروز شاهدیم که مراسم اعتکاف نه تنها در قم بلکه در همه کشور با حضور صدها نفر از جوانان و نوجوانان برگزار می شود.

شیعیان از گذشته های دور هفتم ماه صفر را سالروز شهادت امام مجتبی علیه السلام می دانستند و در حوزه علمیه هزار ساله نجف نیز به احترام این روز؛ دروس تعطیل می شد و علما و طلاب علوم دینی در کنار مردم برای شهادت امام دوم خود به عزاداری می پرداختند. اما بعد ها در روز شهادت امام مجتبی علیه السلام بین علمای شیعه اختلاف نظر ایجاد شد، گرچه همگی در وقوع شهادت سبط اکبر پیامبر صلی الله علیه و آله در ماه صفر اتفاق نظر داشتند. اقوال علما در خصوص روز شهادت امام مجتبی علیه السلام در سه قول مورد اختلاف قرار گرفت: یکی از این اقوال روز آخر ماه صفر که قائل آن مرحوم شیخ کلینی است. قول دوم روز ۲۸ صفر است که اولین قائل آن شیخ مفید در کتاب (مسار الشیعه) و سپس شیخ طوسی در کتاب (تهذیب الاحکام) می باشد. قول سوم که مشهور تر است، هفتم صفر را سالروز شهادت امام مجتبی علیه السلام ذکر کرده اند و محدثینی همچون کفعمی در کتاب شریف (مصباح)، علامه شیخ حسین والد مکرم شیخ بهایی در کتاب (وصول الاخبار) الی اصول الاخبار و همچنین شیخ بهایی و مرحوم شیخ جعفر کاشف الغطاء و برخی دیگر از اعظم فقها بر قول سوم متفق هستند.

سیره علمی علمای شیعه و سنت عملی آنها نیز این گونه بوده است که حضرات در روز هفتم ماه صفر، در کلمه بلاد شیعه برای امام حسن علیه السلام اقامه عزای می کردند؛ خصوصاً این سنت در حوزه نجف اشرف و سپس با ورود آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری به قم و تاسیس حوزه علمیه در آنجا مرسوم بود. ایشان هفتم صفر دستور به تعطیلی حوزه علمیه و بازار دادند و اقامه عزای کردند. پس از ایشان نیز این سنت سیره بزرگانی همچون آیات عظام بروجرودی و گلپایگانی که هر کدام در زمان خود مسئولیت حوزه را به عهده داشتند، بوده است. حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ حبیب الله فرحزاد از خطبای شهر و اساتید حوزه علمیه قم است که قریب به چهار دهه از عمر خود را به وعظ و خطابه در راستای تبلیغ معارف اهل بیت علیهم السلام سپری کرده است. ایشان همچنین مسئول ستاد احیای شهادت امام مجتبی علیه السلام می باشند که به همین مناسبت، هیأت با ایشان به گفتگو نشست است.

نمونه های اختلاف تاریخی در سالروز ولادت و شهادت ائمه اطهار علیه السلام

اینکه در مورد شهادت ها و تولد ها اختلاف نظر وجود داشته باشد یک امر طبیعی است. علاوه بر هفت صفر که در تقویم ها نسبت به تاریخ شهادت امام حسن مجتبی علیه السلام و ولادت امام هفتم علیه السلام وجود دارد در مورد ولادت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که مهمترین شخصیت عالم اسلام است نیز بین علما اختلاف نظر وجود دارد و محدثینی مانند مرحوم کلینی ولادت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را روز دوازدهم ربیع الاول می دانند. روایت معتبر داریم که ولادت امام هفتم علیه السلام در اواخر ذیحجه است، البته به یک قول نیز تولد ایشان هفتم صفر است، لکن طبق نظر فقها و مراجع چون ماه صفر، ماه حزن و اندوه اهل بیت علیهم السلام و اسارت آنها است، جشن و شادی زبیده نیست.

اصلاح تقویم بر اساس نظر علما و مراجع

ما از کسانی که مسئولیت کارهای فرهنگی و تبلیغی کشور را به عهده دارند درخواست می کنیم که با استفاده از نظر علما و مراجع عظام تقویم را اصلاح کنند و ولادت امام موسی کاظم علیه السلام را به قول صحیح آن که اواخر ذیحجه است انتقال دهند.

حق میلاد امام کاظم علیه السلام در صفر ادا نمی شود

طبق دوازده منبع از کتاب های معتبر شیعه و تحقیق مراجع و بزرگان، قول معتبر تر در مورد شهادت امام مجتبی علیه السلام، روز هفتم ماه صفر است. علاوه بر این در ماه صفر نمی توان حق میلاد باسعادت امام موسی کاظم علیه السلام را به خوبی ادا کرد.

سیره علما در شهادت امام مجتبی علیه السلام

از حدود هفتاد سال قبل، مرحوم حاج شیخ کریم حائری مؤسس حوزه علمیه

هیأت

سخنرانی حجت الاسلام مهدی طائب در بیست و دومین نشست سخنرانان مرتبط
با هیأت رزمندگان اسلام ویژه محرم

بیانیه‌ای از عالم‌ترین شخصیت جهان اسلام



بنده حاضر م هر کجا بیایم و این را بگویم که به غیر از امام زمان (عج)، امروز حضرت آقا «اعلم من فی الارض» است. چه در فقه چه در اصول و چه غیر از اینها. خود ایشان فرموده بودند که من روی بیانیه گام دوم خیلی زحمت کشیده‌ام. یعنی همه علم ایشان در این بیانیه جمع شده است. پس این بیانیه نیاز به تبیین دارد که باید در این محرم و صفر روی این بیانیه خیلی کار کنید. خدا رحمت کند شهید حسن طهرانی مقدم را که به خود می گفت: «تو که می دانی من در مورد موشک چقدر اطلاعات دارم، با این حال یکبار هم نشد که خدمت حضرت آقا بروم و پایان کارم را گزارش بدهم و آقا دستم را نگیرد و یک قدم جلو نبرد». در ادامه نمونه های دیگری را در مورد شخصیت علمی مقام معظم رهبری عرض می کنم:

هیأت

هدف بیانیه

مهمترین هدف در این بیانیه شناسایی هدف انقلاب است. امام در سوم فروردین سال ۶۸ می فرماید: مسؤولین ما بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران نقطه ی شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچم داری حضرت حجت ارواحنا فداه است. باید دولت جمهوری اسلامی تمام تلاش و توان خود را در اداره ی هر چه بهتر امور بنماید ولی این بدان معنا نیست که آنها را از هدف بالاتر که ایجاد حکومت جهانی است غافل سازد.

پس در جواب این سؤال که «هدف این انقلاب چیست؟» باید در یک جمله گفت: آمدن امام زمان ممکن بشود.

امام زمان وقتی می آیند که...

الان آمدن ایشان ممکن نیست چون ایشان کنار خانه ی خدا اعلان ولایت می کند. اگر شرایط دوران گذشته حاکم باشد ایشان نمی تواند بیاید. آن روزی که نماینده ی امام زمان بتواند آنجا نماز جمعه بخواند، به او درود بفرستد و اتفاقی نیفتد یعنی آنجا برای حضرت امن شده است. اگر امن بشود او می آید. راهبرد این کار همان فرمایش حضرت امام (ره) است که فرمود: اسرائیل باید از بین برود. تا همه ی مشکلات تمام شود.

یک خبرنگار به ترامپ گفت! چرا خودتان را خرج اسرائیل می کنید، گفت اسرائیل ضامن بقای ما در منطقه است. یعنی اگر نباشد ما نیز در منطقه جایی نداریم.

پس باید همگی برای نابودی اسرائیل و زمینه سازی ظهور حضرت دعا کنیم.

شخصیت علمی مقام معظم رهبری

بنده به جرأت عرض می کنم که مقام معظم رهبری اعجوبه الزمان است. آقای حداد می گفت: «رفتم کتابخانه ی شخصی حضرت آقا، از بس کتاب بود نفسم گرفت. با خودم گفتم ایشان چقدر کتاب جمع کرده اند. رسیدم به قفسه ی فلسفه ی غرب که رشته تخصصی خودم است. کتابی را دیدم که تا به حال ندیده بودم. توجهم را جلب کرد، از قفسه برداشتم و تورق کردم با تعجب دیدم که آقا حاشیه زده اند که مثلاً فلان مطلبی که اینجا گفته درست نیست! آخر کتاب دیدم یک صفحه ای نوشته خلاصه ی این کتاب چه بود». گفتم شاید همین یک کتاب اینچنین بوده است. کتاب بغلی را برداشتم. دیدم آن هم حاشیه دارد و خلاصه نویسی. گفت آدمم بیرون. یک روزی خدمت آقا بودم گفتم آقا در کتابخانه تان دیدم دو تا کتاب بود حاشیه زده و خلاصه نویسی کرده بودند. ایشان فرمودند آقای حداد! تا کتابی را نخوانم و حاشیه نزنم و خلاصه نویسی نکنم در آن کتابخانه نمی گذارم. پس متوجه شدم که ایشان همه ی آن کتابها را خوانده است.

آقای شب زنده دار می گفت: «ما در شورای افتاء دائماً مشغول مطالعه ایم. شورای افتای آقا جلسه می گذاریم یک مرتبه آقا می فرماید مرحوم سید در مفتاح الکرامه نظرش در مورد این مسأله این بوده عوض شده این شده است. ما فکر می کنیم آقا دیشب رفته مفتاح را مطالعه کرده است. بعد یک موقع پرسیدم آقا جدید العهد هستید؟ فرمود نه یادم می آید چهل سال پیش این را دیده ام!!

مداخل تبیین بیانیه گام دوم انقلاب

چهار مداخل در تبیین بیانیه به نظر من می رسد:

۱- آقا فرمودند این بیانیه گام دوم انقلاب است نه جمهوری اسلامی! چرا که اگر برای جمهوری اسلامی بود فقط ۸۰ میلیون را می خواست حرکت بدهد اما گام دوم انقلاب می خواهد میلیاردي حرکت بدهد.

۲- یک شخص تا قدم اولش تثبیت نشود قدم دوم را بر نمی دارد. آقا فرمود انقلاب می خواهد قدم دوم را بردارد، پیامش این است که گام اول تثبیت شد

۳- انسان عاقل وقتی راه می رود هدف دارد. پس انقلاب هم برای گام دوم نقطه ی هدفی دارد.

۴- تقسیم حرکت انقلاب به دو گام بر اساس فاصله ی مبدأ تا مقصد است. طبیعتاً این گام دوم به سمت مقصد است. چون مبدأ ما ظلمت بود. «اللّٰهُ وَلِیُّ الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا یُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمٰتِ اِلَی التَّوْرِ». ما قدم اول را نسبت به مقصد برداشته ایم.

سخنرانی حجت الاسلام حاجی صادقی نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران در
بیسست و دومین نشست سخنرانان مرتبط با هیأت رزمندگان اسلام (ویژه محرم)

اهداف و رسالت‌های تبلیغی روحانیت از زبان نماینده ولی فقیه در سپاه



خودسازی ارتباط دارد.

ج. شأن سوم: شجاعت، صراحت و قاطعیت

برای دفاع از دین خدا، برای بیان دین خدا گاهی جاها بصیرت کافی نیست. بلکه شجاعت بیان این بصیرت نیز لازم است. ملاحظه کاری‌ها و مصلحت‌اندیشی‌ها و امثالهم نمی‌گذارد. نگرانیم اگر این حرف‌ها را بزنیم مجلس خلوت شود. ما وظیفه داریم مجلس امام حسین را به هر قیمتی هست شلوغش کنیم؟! یا باید مجلس امام حسین، مجلس حسینی باشد؟ یکی از الزامات انجام این سه مأموریت، درک درست، صحیح، به موقع نسبت به واقعیت‌ها است. به تعبیر دیگر معاینه داشتن از جامعه، از مخاطب، از نیازها، از ضرورت‌ها، از انحراف‌ها، از دشمنی‌ها و از دشمنی‌ها است. تبدیل تهدیدها به فرصت نیازمند دو شرط است: ۱- تهدید شناسی صحیح. ۲- چگونگی تبدیل این تهدیدها به فرصت.

چگونه با حسین بودن را کنار یا حسین گفتن زنده کنیم؟

این فرصت را خدا به ما داده است اما در این فرصت‌ها ما در جلسات امام حسین باید مخصوصاً در این شرایط فعلی کاری کنیم که جبهه‌ی امام حسین شلوغ شود. با حسین بودن را کنار یا حسین گفتن زنده کنیم. با حسین بودن را امروز جامعه‌ی ما بیشتر اقتضاء می‌کند. چرا؟ چون که عاشورا یک حادثه‌ای نبود در محرم سال ۶۱ هجری اتفاق افتاده و تمام شده باشد، آغازی بود بی پایان، مرحله‌ی اول عملیات بود. این

رسالت روحانیت

شیعه فقط این نیست که به مردم

بگوید در صراط

مستقیم بروید،

بلکه باید آنها را در

طریق ببرد. یعنی

فقط «رائه الطريق»

نیست، بلکه یک

جاهایی «یصال الی

المطلوب» هم هست

که یکی از ابعاد این

آخری همان ولایت

است. ولایت است

که مصداق تامل در

زمان غیبت می‌شود

ولایت فقیه. البته

این رسالت الزاماتی

دارد که بیان

می‌شود

روحانیت این افتخار را دارد که به عنوان وارثان انبیاء و ائمه سه شغل و مأموریت را از اولیاء خدا ارث برده است. سوال این است که حقیقت و فلسفه‌ی وجودی روحانیت چیست؟

۱- **مبین دین بودن:** دین ما صامت و ساکت نیست که هر کسی قرائتی از دین بدهد. «وَأَنزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ» خدا تعلیمی می‌خواهد که غیر از قرائت است. اینکه اول می‌گوید: «یتلوا علیهم» این غیر از «و یعلمهم الكتاب والحکمه» و تلاوت است.

۲- **مدافع دین بودن:** یکی از شؤون دیگر اهل بیت این بود که در هر جایی بدانند چه خطری و چه تهاجمی به دین صورت گرفته و بیایند و از دین خدا دفاع کنند. روحانیت سنگر نشین خط مقدم دفاع از حقیقت دین است که دین آسیب نبیند.

۳- **اقامه‌ی دین خدا:** رسالت روحانیت شیعه فقط این نیست که به مردم بگوید در صراط مستقیم بروید، بلکه باید آنها را در طریق ببرد. یعنی فقط «رائه الطريق» نیست، بلکه یک جاهایی «یصال الی المطلوب» هم هست که یکی از ابعاد این آخری همان ولایت است. ولایت است که مصداق تامل در زمان غیبت می‌شود ولایت فقیه. البته این رسالت الزاماتی دارد که بیان می‌شود.

شئون رسالت تبلیغ دین چیست؟

الف. شأن اول: دین شناسی

چه کسی مفسر دین خداست؟ کسی که دین شناس است. مهمترین فلسفه حوزه‌های علمیه تربیت دین شناس است. شهید مطهری یکی از عوامل سقوط را یک بعدی بودن می‌داند. مثلاً یکی فقط رفته در بحث اخلاقی کار کرده است و از سیاست چیزی نمی‌داند. دین یک مجموعه‌ی واحد به هم پیوسته‌ی غیر قابل تجزیه است. یعنی اخلاقش با سیاستش ادغام شده است.

ب. شأن دوم: خودسازی قبل از دیگر سازی

مصلح باید صالح باشد. چرا بسیاری از برنامه‌های ما اثر بخشی لازم را ندارد؟ شخصی می‌گفت: «من از آقای مشکینی خیلی بهتر در مورد امام زمان حرف می‌زنم، پس چرا من می‌گویم قطب عالم امکان، واسطه‌ی فیض، حجة الله الاکبر و همه ذل زده‌اند و در چشمانم نگاه می‌کنند، ولی آقای مشکینی فقط می‌گوید اقا امام زمان، همه می‌زنند زیر گریه!» معلوم می‌شود که با باطن و

هیأت

عملیات ادامه دارد تا مرحله ی نهایی اش را فرزند امام حسین علیه السلام بیاید انجام دهد. در حقیقت امام حسین دو جبهه درست کرد، به بلندای همه تاریخ.

مهمترین مسأله امروز ما چیست؟

به نظر می آید درگیری جبهه استکبار به سردمداری آمریکا با جبهه ی اسلام ناب با محوریت انقلاب اسلامی بر سر حقیقت دین است و نه هیچ چیز دیگری. اصل دعوا و مشکل دین اسلام ناب است و نه اسلام های بدلی. چون اسلام ناب را فقط اسلام بدلی سر می برد. ما همه می دانیم که به استناد آیات قرآن کریم در ده سال بعد از هجرت بیشترین درگیری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با قوم یهود بوده است.

چرا پیامبر که از دنیا رفت دعوی یهود و مسلمانها تمام تمام شد؟ دیگر هیچ درگیری با هم ندارند. نه تنها دعوا ندارند بلکه یهودی ها می شوند مفسر قرآن ما. کعب الاحبار جقدر قرآن تفسیر کرده است. آقای کعب الاحبار شد برای اهل تسنن، مفسر قرآن و رفتند سراغ امثالهم. عبدالله سلام شد سخنران قبل از خطبه ها. استکبار تلاش می کند بگوید دعوا سر اسلام ناب نیست.

قرآن افشاگری می کند که دعوا سر انرژي هسته ای و حقوق بشر و اینها نیست. «الْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ» وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى «يَزِدَّوْكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنْ اسْتَطَاعُوا». آیات «وَدُّوا لَوْ تُكْفِرُونَ» چه می خواهد بگوید؟ امروز روحانیت باید این خطر را احساس کند که دنبال این هستند که با اسلام بدلی یا با اسلام هراسی یا با احیاء سکولاریزم، یا با احیاء تحجر اسلام ناب بمیرد. جرج بوش گفت ایران سکولار، سلاح هسته ای اش هم خطر ندارد اما ایران اسلامی، دانش پزشکی اش هم خطر دارد.

دو پیشنهاد برای مهندسی بحث محرم

در جریان کربلا دو جبهه شکل گرفت. یک جبهه ی حسینیان؛ امام حسین یک جبهه درست کرد به طول تمام تاریخ. امام یک جبهه ی مخفی هم درست کرد، چون کار او این است که فقط اثبات گرا نیست، بلکه نفی هم می کند درست مثل خود حقیقت دین. یزید هم در مقابل امام حسین یک جبهه ی غیر حسینی درست کرد که من ابا دارم بگویم جبهه یزیدی چون جبهه ی غیر امام حسین ع متکثر است.

الف) تبیین شاخصه های دو جبهه ای که باز عاشورا آغاز شد



برای دفاع از دین

خدا، برای بیان

دین خدا گاهی

جاها بصیرت

کافی نیست. بلکه

شجاعت بیان این

بصیرت نیز لازم

است. ملاحظه

کاری ها و مصلحت

اندیشی ها و امثالهم

نمی گذارد. نگرانیم

اگر این حرفها را

بز نیم مجلس خلوت

شود. ما وظیفه

داریم مجلس

امام حسین را به

هر قیمتی هست

شلوغش کنیم

اولا شاخصه های دو جبهه را بیان کنیم. اینها در واقع شاخص های اسلام ناب است و اسلام بدلی. چون درگیری تقابل جبهه ی امام حسین بر سر اصل اعتقاد به خدا نبود. هر دو جبهه اعتقاد داشتند. بر سر نبوت پیغمبر هم نبود و هر دو باور داشتند. بر سر ایمان به معاد نبود که هر دو داشتند. بر سر نماز و روزه نبود، پس بر سر چه بود؟ این شاخص ها بیان می کند. برخی از شاخصه های جبهه ی حسینی عبارتند از: ۱. خدا محوری. ۲. تکلیف گرایی. ۳. دفاع از دین خدا.

ب) ارائه سؤال و جواب هایی از امام حسین علیه السلام

با این شیوه می توان مخاطب را نسبت به آن سه رسالتی که به عهده مبلغین است؛ یعنی معرفی دین خدا از مجالس امام حسین، تحریف زدایی از دین خدا و دفاع از دین خدا در مجالس امام حسین، و راهبری و مدیریت آشنا کرد. بهترین روش تقویت جبهه امام استفاده از سخنان خود ایشان است. به عنوان نمونه: ۱. یابن رسول الله شما که می فرمایید من می دانم می روم کربلا در آنجا کشته می شوم، پس چرا می روید؟ پاسخ امام حسین این است که یا باید فاتحه ی اسلام خوانده شود یا شهادتنامه حسین نوشته شود. ۲. یابن رسول الله چه شد که می گوید «علی الاسلام السلام»؟ خب معاویه رفت یزید آمد، هر دوی اینها کفر و باطل هستند؛ مگر چه اتفاقی افتاده که می گوید دین در حال مرگ است؟ تلقی شما چیست که می فرمایید امروز باید من کشته بشوم، زن و فرزندم اسیر بشوند که دین نمیرد؟

هیات



منبر کاربردی باید یک دردی از مردم درمان کند



حجت الاسلام دکتر رفیعی در طرح بحث خود در بیست و دومین نشست سخنرانان مرتبط با هیأت رزمندگان اسلام به بیان نکاتی پیرامون منبر کاربردی و طرح چند مثال برای تولید محتوای جدید به منظور استفاده در منبر پرداختند.



منبر باید چگونه باشد؟

منبر باید کاربردی باشد و یک دردی از مردم درمان کند و مشکلی را حل کند. همچنین مطالب و تاریخ‌هایی که در منبر می‌گویید سعی کنید نو باشد، تکرار نداشته باشد، یک مقدار زحمت دارد. یک خرده باید ذوق به خرج داد و سعی کرد از تکه‌های جدید و نو استفاده کرد. مثلاً موضوع: «مشمولان دعا و نفرین ائمه» موضوع جدید و قابل استفاده‌ای است زیرا اینها به مخاطب خط می‌دهد که باید چگونه باشی تا مشمول دعای ائمه بشوی.



ائمه چه کسانی را دعا کردند و چه کسانی را نفرین کردند؟

جلد دوم کتاب نهج الدعاء از آقای ری شهری در باب دعا‌های امام جواد علیه السلام به علی بن مهزیار است که شش مورد آورده است:

- ۱- یا علی! احسن الله جزائک خدا جزای نیکو برایت قرار دهد
- ۲- اسکنک جنته خدا تو را در بهشت جا بدهد.
- ۳- خدا کمکت کند در دنیا و آخرت دلیل نشوی
- ۴- و حشرک الله معنا خدا تو را با ما محشور کند.
- ۵- خدا تو را در جنات فردوس قرار دهد. من تو را می‌شناسم. شبت، روزت، سرمایت و گرمایت به ما خدمت کردی.
- ۶- من از خدا می‌خواهم روز قیامت که همه را جمع می‌کند احاطه کند تو را با رحمتی که مردم غبطه بخورند.

دعا‌های دیگری نیز از سمت ایشان در همین موضوع وارد شده که در سند مذکور موجود است. (مخاطبین گرامی به منظور دسترسی به صحبت کامل استاد رفیعی و مشاهده ادعیه مذکور به سایت رزمندگان مراجعه کنند)



فائزین و خائضین در کربلا!

«فوز» و «خوض» مثال دیگری است که به عنوان محتوای جدید منبر قابل بررسی و طرح است. بر اساس آیه: «کنا نخوض مع الخائضین» و «هم الفائزون» ما دو گروه انسان داریم: «فائزین» و «خائضین» یعنی اهل فوز و اهل خوض. واژه‌های دینی را نمی‌توان از نزد خود تعریف یا تقسیم کرد. مثلاً خداوند متعال در قرآن به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: «فالت اعراب آمنا، قل لم تؤمنوا» از خودتان نمی‌توانید بگویید ما ایمان آورده‌ایم، شما اسلام آورده‌اید این ایمان نیست. پس واژه‌های مثبت و منفی معیار می‌خواهد.



عوامل فوز چیست؟

الف) عوامل فوز در قرآن: اطاعت از خدا و رسولش، خشیت و تقوا و

ایمان، هجرت، جهاد با اموال و انفس، پرهیز از گناهان، رضایت، معامله با خدا و بر خورداری از صفات مؤمنین عواملی است که همگی در قرآن موجود است.

ب) عوامل فوز در روایات: شهادت، حسن ظن به خدا، اخلاص، مقابله‌ی جهل با علم، اصلاح کار و تمسک به اهل بیت عواملی است که در روایات موجود است.



عوامل خوض چیست؟

همان ویژگی‌هایی که برای منافقین و مشرکین در قرآن ذکر شده است؛ مثلاً اهل لعب و سرگرمی هستند، شیطان بر آنها نفوذ دارد. بحث خوبی است و با بعضی از نکاتی که در کربلا هست قابل تطبیق است.



پیام خطبه‌های امام حسین

علیه السلام

(۱) امید بخشی

حضرت در صبح عاشورا از امید سخن می‌گوید: «اللهم انت ثقتی فی کل کرب و انت رجایی فی کل شدّة»، و غروب عاشورا موقع خدا حافظی می‌گوید: «استعدوا للبلاء و اعلموا ان الله حافظکم»؛ خدا حامی شما است و شما را از شر دشمنان نجات می‌دهد و دشمن هم خوار می‌شود. پس «فلا تشکو» شکوه نکنید. برای پیگیری مطالب بیشتر به کتاب «امید در زندگی» نوشته آقای علی اکبر مومنی مراجعه کنید. یکی از پیام‌های بیانی‌ه گام دوم انقلاب همین «امید دادن» است.



اسباب ایجاد امید و موانع امیدواری

خداشناسی: اگر کسی صفات خدا را بشناسد بداند خدا حکیم است، عالم است، قادر است، این خودش امید

هیأت

یا حسین



می آورد.

دنیاشناسی: اینکه دنیا خیلی طولانی نیست و می گذرد.
معاد شناسی: شناخت معاد از این جهت که «اصل همه چیز در آن دنیاست» از اسباب امید بخشی است.
و هم چنین «قنوط» یا یأس در اثر گناه که قرآن مطرح می کند مهم ترین مانع است.



۲) استیلای شیطان

امام حسین علیه السلام خطاب به سپاه عمر سعد فرمودند: «استحوذ علیکم الشیطان فانساکم ذکر الله؛ شیطان در شما نفوذ کرده یاد خدا را فراموش کرده اید». برخی از راه های استیلای شیطان در آیات قرآن عبارتند از:

الف) ایجاد فقر و فحشاء: کاهش از دواج و افزایش طلاق در سال ۹۸ نسبت به سال ۹۷ موبد «یامرکم بالفقر و الفحشاء» است.
ب) ایجاد بغضاء و عداوت: «انما یرید الشیطان ان یوقع بینکم العداوة و البغضاء». در این موضوع به کتاب عنوان «دوستی در قرآن و حدیث» آقای ری شهری مراجعه کنید.

هم چنین خداوند در قرآن ملاک های دیگری مثل ناامیدی و ایجاد یأس، اختلاف، لهو و سرگرمی، تزئین باورهای غلط، وسوسه، آرزوهای دراز و حب دنیا بیان کرده است که در این موضوع قابل بررسی و طرح است. هم چنین داستان های زیادی در این موضوع وجود دارد که قابل استفاده در منبر است.



۳) غضب الهی

نقل است که عصر عاشورا آقا اباعبدالله علیه السلام وسط میدان ایستاد و فرمود: «اشتد غضب الله علی هذه العصابة الذین یریدون قتل ابن نبیهم». پیام این پنج قسمت، غضب الهی بر قاتلان کربلا و فرجام ظلم است. اینکه الان تحریم می کنند و مردم یمن را می کشند و اینها، آخرش چه می شود.



۴) بکار گیری وجدان

نقل است که وقتی کار بر امام حسین علیه السلام سخت شد خطاب به دشمن فرمود: «فارجعوا الی انفسکم؛ بروید سراغ وجدانهایتان که چرا من را می کشید؟» پس پیام این خطبه در مورد بیداری وجدان و به کار گیری آن است.



۵) یادآوری نعمت های الهی و

شکرگزاری

ابی عبدالله در آن شرایط تحریم و سختی در کربلا خداوند را به چند جهت شکر کردند: «اللهم انی احمدک علی ان اکرمتنا بالنبوه، آب نیست که نباشد، ما پیغمبر داریم. به امام صادق علیه السلام گفت فقیرم. فرمود اگر تمام دنیا را به تو بدهند و ولایت ما را بگیرند خوب است؟ گفت نه. فرمود پس تو غنی هستی. اینها را مردم فراموش کرده اند. ما حریت داریم، آزادی داریم، استقلال داریم، علمتنا القرآن. فقهتنا فی الدین و جعلتنا اسماعا و ابصارا. پیام این قسمت یادآوری نعمت های الهی است.

پیام های دیگری نیز مانند انصاف، حب دنیا و... را می توان از دیگر خطبه های امام برداشت کرد که این بحثها را می توان با مباحث روز و با بحث بیانیه گام دوم انقلاب تطبیق داد. چون فرمایشات آقا هم از قرآن و احادیث است.

نقل است که
عصر عاشورا آقا
اباعبدالله علیه
السلام وسط میدان
ایستاد و فرمود:
«اشتد غضب الله
علی هذه العصابة
الذین یریدون قتل
ابن نبیهم»



هیات

مصیبت تأثیرگذار چگونه خوانده می شود؟



حجت الاسلام مرتضی وافی در بیست و دومین نشست سخنرانان مرتبط با هیأت رزمندگان اسلام نکاتی پیرامون آداب مرثیه خوانی و ذکر مصیبت بیان کرده اند که اهم آنها به شرح ذیل است:



گاهی مستمع و عزادار نمی تواند در این مصیبت تنزل یافته قرار بگیرد مگر اینکه این مصیبت را برای خودش مجسم ببیند

نکته اول: وصل منبر به مصیبت



انواع شیوه های اتصال و گره منبر به مصیبت و روضه به شرح زیر است:

- منقطع: به این معنا که گاهی منبر و سخنرانی تمام می شود و این جمله تذکر داده می شود «واما چند جمله ذکر مصیبت» یعنی منبر ارتباطی با ذکر مصیبت ندارد.
- گریز: گاهی در انتهای منبر کم کم گریز زده می شود برای ورود در ذکر مصیبت. به مناسبت آن موضوع منبر یا آن شخصیتی که ما به او توسل پیدا می کنیم.
- گاهی هم به اقتضای مناسبت و ایام خاص، منبر و ذکر مصیبت ممزوج است.

هیأت

نکته دوم: شروع روضه با خطبه



خطبه، پرچم روضه و توسل است. آن هم می تواند فقط یک سلام ساده باشد یا مفصل. گاهی کسی فرازی از دعای توسل یا فرازی از دعای امام زمان را می خواند. این یک خطبه است. این خوب است برای آمادگی مستمع.

نکته سوم: ایجاد زمزمه



مسأله ای جدی در روضه خوانی، زمزمه یا ایجاد زمزمه در مستمعین است. مداح باید بتواند مستمع را در روضه سهیم کند و این بعد از عنایت خدای متعال واقعاً یک فن و هنر است. در ادامه چهار نکته را در مورد زمزمه اشاره می کنیم:

- اشعاری یا ذکرهایی استفاده شود که بتواند زمزمه بگیرد. مثلاً به عنوان یک بیت معهود. مثل هر که دارد هوس کربلا بسم الله.
- به گونه ای این شعر یا بیت خوانده شود که زمزمه بگیرد. چون نواخت و کشیدگی ها یک نظمی پیدا می کند مستمع هم می تواند با شما همراه شود.
- ذکر را بعد از آن جمله یا بیت یا مصیبت می گوییم مثل حسین آرام جانم، حسین روح و روانم.
- اشعاری خوانده شود که خودش زمزمه ای است مثل: (لطف حسین ما را تنها نمی گذارد/ گر خلق واگذارد او و انمی گذارد).

نکته چهارم: مقدمه خوانی



مقدمه، حلقه ای دوم روضه است. مقدمه گاهی به واسطه ی شعر و گاهی به واسطه ی متن و مطلب. شعر زمینه معمولاً از نظر محتوایی اینگونه است که روضه و ذکر مصیبت نیست. گاهی زبان حال مستمع گاهی توجه به کربلا و مصیبت سیدالشهداء است منتهی به صورت کلی و وارد روضه نمی شود. (آفرینش زغبار قدم توست حسین)

چند نکته حول محور مقدمه ی ذکر مصیبت



- **اشاره به زمان:** مثل اینکه بگوییم شب اول ماه محرم است. این زمینه مصیبت است.
- **اشاره به مکان و موقعیت:** مثل اینکه می گوییم در مسجد و خانه خدا نشستیم.

■ **اشاره به شخصیت مصیبت.**
در مقدمه ی ذکر مصیبت و شروع ذکر مصیبت گاهی باید مخاطب را به یک حاجتی یا گفتن التماس دعایی در آن جلسه توجه داد.

نکته بعد ورود به ذکر مصیبت و اوج مصیبت سپس فرود آمدن است. خیلی در اوج مصیبت نباید ماند. بعد از ورود باید گریزی زد و فرود آمد. در اوج مصیبت و شروع مصیبت، پایه ی ذکر مصیبت یا شعر است یا مقتل و روضه. در صورت خواندن شعر یا مقتل توجه به سه مسأله در اوج مصیبت ضروری است:

- **ترسیم مصیبت:** پیرامون این ذکر مصیبت یکی دو تا نکته را باز کنید. وقتی در مورد شب یا روز عاشورا خوانده می شود از حال و وضع آنجا، بیان شود. کودکان و زنان بودند، امشب همه دور این خیمه ها می گردند. این خیمه ها پاسبان دارد.
- **پرورش مصیبت:** مثل زبان حال، مثل گریزهایی که ما داریم. یا مثلاً بوسیله خواندن یک بیت شعری که می گوید وقتی آمد به سمت خیمه ها: (همه از خیمه ها بیرون دویدند/ ولی سالار زینب را ندیدند)
- **تجسم مصیبت:** گاهی مستمع و عزادار نمی تواند در این مصیبت تنزل یافته قرار بگیرد مگر اینکه این مصیبت را برای خودش مجسم ببیند. وقتی ما می خواهیم روضه ی باب الحوائج علی اصغر علیه السلام حجت اکبر خدا را بخوانیم از اینجا شروع می کنیم که اگر شما یک شیر خواره ای داشته باشید، همه در خانه هایشان دارند، یعنی او اول یک شیرخواره ای را با حالاتش پیش چشم خودش مجسم می کند، بعد گریز به روضه ی علی اصغر انجام می شود.
- و نکته آخر هم اینکه در پایان ذکر مصیبت فرود می آید. فرود معمولاً با یک جمله یا شعر متمم است. مثلاً شعر معروفی که معمولاً می گویند: (دشمنت کشت ولی نور تو خاموش نگشت/ آری آن نور که فانی نشود نور خداست).

هیات

راههای ارتباطی

www.eheyat.com

@eheyat

@heyatt

[instagram.com/eheyat.ir](https://www.instagram.com/eheyat.ir)



